واژه‌نامهٔ ادیان

فرهنگ اصطلاحات دینی و عرفانی

(فارسی به انگلیسی ـ انگلیسی به فارسی)

دکتر عبدالرحیم گواهی

ویراست دوم

چاپ سوم

واژه نامهٔ ادیان

فرهنگ اصطلاحات دینی و عرفانی

(فارسی به انگلیسی ـ انگلیسی به فارسی)

ویراست دوم

شامل اصطلاحات ادیان:

اسلام، بودایی، تائویی، جاینی، زرتشتی، سیک،
شینتویی، کنفوسیوسی، مسیحیت، یهودی
و اصطلاحات عرفانی

دکتر عبدالرحیم گواهی

واژه نامهٔ ادیان

فرهنگ اصطلاحات
دینی و عرفانی

(فارسی به انگلیسی ـ انگلیسی به فارسی)

ویراست دوم

شامل اصطلاحات ادیان:
اسلام، بودایی، تائویی، جاینی، زرتشتی، سیک،
شینتویی، کنفوسیوسی، مسیحیت، یهودی
و اصطلاحات عرفانی

دکتر عبدالرحیم گواهی

چاپ اول تا سوم: ۶۰۰۰ نسخه

گواهی، عبدالرحیم، ۱۳۲۳ ـ
واژه‌نامهٔ ادیان: فرهنگ اصطلاحات دینی و عرفانی (فارسی به انگلیسی ـ انگلیسی به فارسی): شامل اصطلاحات ادیان... / عبدالرحیم گواهی؛ ویراستار بهاءالدین خرمشاهی. ــ [ویرایش ۳]. ــ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۲، ۲۵۲ ص.

ISBN : 964-476-014-X

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان روی جلد: فرهنگ اصطلاحات دینی و عرفانی (فارسی به انگلیسی ـ انگلیسی به فارسی).
ص. ع. به انگلیسی: A. Gavahi: Dictionary of religion a concise edition of religious and mystical terms (Persian - English - Persian).
۱. دین ــ واژه‌نامه‌ها ــ فارسی. ۲. دین ــ واژه‌نامه‌ها ــ انگلیسی. ۳. فارسی ــ واژه‌نامه‌ها ــ انگلیسی. ۴. زبان انگلیسی ــ واژه‌نامه‌ها ــ فارسی. ۵. عرفان ــ واژه‌نامه‌ها ــ فارسی. ۶. عرفان ــ واژه‌نامه‌ها ــ انگلیسی. الف. خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۲۴ ـ ، ویراستار. ب. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ج. عنوان. د. عنوان: فرهنگ اصطلاحات دینی و عرفانی (فارسی به‌انگلیسی ـ انگلیسی به فارسی).
1. Persian language - Dictionaries - English.
2. English language - Dictionaries - Persian.
BL۳۱/ ۹گ ۲و ۲۰۳
۱۳۸۱
کتابخانه ملی ایران ۸۱ـ۲۵۴۹۰م

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

مرکز پخش و فروشگاه مرکزی: خیابان فردوسی، روبه‌روی فروشگاه شهر و روستا.
تلفن فروشگاه: ۳۱۱۲۱۰۰
تلفن مرکز پخش: ۳۹۲۰۳۰۷

عنوان: واژه‌نامهٔ ادیان
فرهنگ اصطلاحات دینی و عرفانی (فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی)
تألیف: دکتر عبدالرحیم گواهی
چاپ چهارم: ۱۳۸۲
این کتاب در ۱۰۰۰ نسخه در چاپخانهٔ دفتر نشر فرهنگ اسلامی لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

شابک: X ـ ۰۱۴ ـ ۴۷۶ ـ ۹۶۴
فروشگاه شمارهٔ یک: میدان انقلاب، بازارچه کتاب تلفن: ۶۴۶۹۶۸۵
فروشگاه شمارهٔ دو: میدان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر تلفن: ۶۴۱۸۹۳۵
فروشگاه شمارهٔ سه: شمیران تلفن: ۲۷۱۳۳۵۱ فروشگاه شمارهٔ چهار: شریعتی تلفن: ۲۸۵۵۱۶۴
فروشگاه قم: خیابان ارم تلفن: ۷۷۳۸۱۵۰

دیباچهٔ ویراست دوم

بحمدالله کار کوچک این‌جانب، واژه‌نامهٔ ادیان و عرفان مورد قبول و استقبال ملت بزرگ و فرهنگ‌دوست ایران قرار گرفت و در کمتر از دو سال چاپ نخست آن تمام شد و اکنون در مرحلهٔ چاپ دوم است. خدای را بر آن حسن ظن و اقبال و این توفیق شکر می‌کنیم.

در مقدمهٔ چاپ اول نکاتی را که مفید و ضروری به نظر می‌رسیدند تذکر داده‌ام که نیازی به تکرار آنها در اینجا نیست. لذا تنها دو نکتهٔ کوچک جدید را که در فاصلهٔ این دو سال پیش آمده‌اند مطرح می‌کنم. یکی اینکه بنده، در همان مقدمهٔ چاپ نخست، از دوستان و سروران عزیزی که با این کتاب سروکار پیدا می‌کنند خواسته بودم نظریات اصلاحی خود را از طریق دفتر نشر فرهنگ اسلامی (به نشانی تهران، خیابان فردوسی، روبه‌روی فروشگاه شهر و روستا) برای من بفرستند که تنها دو نفر از عزیزان خواننده این کار را کرده‌اند که بنده خود را موظف به تشکّر از آنها می‌دانم: برادرمان آقای جم نشان از تهران که چندین تذکر و توجه درست دادند و نظریاتشان در ویرایش جدید اعمال شده است و برادر دیگر به نام علی (چارلز) کمپبل از مسلمانان امریکا که بنا به درخواست این‌جانب واژه‌های انگلیسی کتاب را (در بخش ترجمهٔ فارسی به انگلیسی) دیدند و چندین نظر اصلاحی دادند که همه اِعمال شدند. از این دو بزرگوار بی‌نهایت ممنونم. نکتهٔ دیگر اینکه در خلال این دو سال تعداد قابل توجهی واژهٔ جدید ـ عمدتاً در بخش فارسی و چندتایی هم انگلیسی ـ و تغییرات و اصلاحات چندی در معانی به دست داده شده به نظر خود حقیر رسیدند که همه آنها را نیز در چاپ جدید ملحوظ داشته‌ام؛ به‌طوری که شاید بحق بتوان گفت که این چاپ یا ویرایش اخیر با آن قبلی تفاوت کرده و تصحیح و تکمیل شده است. البته قولی که این‌جانب در همان‌جا راجع به تهیه و انتشار یک فرهنگنامهٔ جامع ادیان داده بودم هنوز به قوت خود باقی است و در حقیقت قدمهای چندی هم در تمهید مقدمات اجرایی آن برداشته شده که امیدوارم ظرف چند سال آینده آمادهٔ چاپ و بهره‌برداری شود.

در خاتمه جا دارد مانند همیشه از همکاری و مساعدت برادر عزیزمان آقای رهبانی مسئول دفتر ویرایش، و حسن توجه و اقبال برادر اندیشمندم جناب آقای مهندس ملکی مدیریت عامل دفتر نشر فرهنگ اسلامی در چاپ و نشر این آثار تشکر کنم. خداوند بر توفیقاتشان بیفزاید و به مناسبت این خدمت شایستهٔ فرهنگی اجر دنیا و آخرت نصیبشان فرماید. آمین.

و ما توفیق الاّ من عندالله العلی العظیم

عبدالرحیم گواهی

تهران ـ مرداد هفتاد و شش

مقدمه چاپ سوم

واژه‌نامه مختصر ادیان و عرفان یکبار در سال ۱۳۷۴ و بار دیگر، به صورت ویراستی جدید، در سال ۱۳۷۶ چاپ و منتشر شد و اینک می‌رود تا به همت برادران سخت‌کوش دفتر نشر فرهنگ اسلامی، که به حق دل در گروی ارتقای فرهنگ اسلامی این مرز و بوم نهاده‌اند، به زیور طبع سوم آراسته گردد. خدای منان را شکر که خدمت کوچک صاحب این قلم مقبول طبع بلند اندیشمندان و فرهیختگان و دانش‌پژوهان میهن بزرگ اسلامی قرار گرفت و این وجیزه را راهی چاپ جدید کرد.

هر چند که، همانطور که خدمت مدیران عزیز دفتر نشر گفته‌ام، سالها است دوستان داخل و خارج از کمبود و بلکه نبودن خیلی از آثار من ـ که عمدتاً توسط همین دفتر چاپ شده‌اند ـ در بازار شکوه و شکایت دارند و بعضی از اساتید محترمی که با حقیر حشر و نشر دارند گله‌مندانه پیغام فرستاده‌اند که فلانی ما کار شما را به صورت کتاب درس درآورده بودیم که نبودن آن در بازار مجبورمان کرد مبنای تدریس خود را تغییر دهیم والخ، که امیدوارم با قول مساعدی که مدیریت محترم جدید دفتر نشر داده این نقیصه هر چه زودتر رفع شود و در آینده کمتر شاهد این کمبودها باشیم.

در ویراست دوم تغییرات ماهوی چندی اعمال شدند که در مقدمه آن چاپ به اختصار ذکر کرده‌ام، اما در این چاپ جدید بنا نیست در متن دست برده شود و فیلم و زینک تازه‌ای تهیه شود. مشکلات بازار کتاب و فروش و... که گریبانگیر تقریباً اکثر ناشرین است همگان می‌دانید و لازم به گفتن بنده نیست. به همین خاطر نیز حقیر بر انجام پاره‌ای اصلاحات و افزودن واژه‌های جدیدی که طبیعتاً در مورد هر فرهنگنامه‌ای مطرح می‌شود چندان اصرار نکردم و کار ویراستاری تکمیلی کتاب را به چاپ بعدی آن ـ ان‌شاءالله ـ واگذاشتم. هر چند لازم است همین جا مژده دهم که به امید خدا در آن چاپ حداقل پنجاه درصد بر حجم کتاب افزوده خواهد شد و کاری نسبتاً تازه و روزآمدتر در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

همچنین شنیده‌ام پاره‌ای از شرکتهای انتشاراتی و مراکز تحقیقات ادیان به انجام کارهای مشابهی مشغولند که من همه آنها را به فال نیک می‌گیرم و باعث رونق بازار نوپای کتاب دینی (ادیان خارجی) در این مرز و بوم می‌دانم. خود حقیر نیز دو ـ سه سالی است که همانطور که در اینجا و آنجا قول داده بودم به تهیه و تنظیم یک فرهنگنامه جامع ادیان با استفاده از چند منبع معتبر خارجی و کارهای موجود در زمینه ادیان خارجی در داخل کشور مشغولم که امیدوارم حاصل کار تا کمتر از یک سال دیگر به دست ویراستاری و چاپ سپرده شود.

بار دیگر از تلاش همه مسئولین و دست‌اندرکاران دفتر محترم نشر فرهنگ اسلامی و بخصوص برادران عزیز آقایان مهدیان و اللّه‌مرادی و همکاران پرتلاش ایشان تشکر می‌کنم و امیدوارم خداوند تبارک و تعالی در قبال این زحمات مخلصانه اجر دنیا و آخرت نصیبشان فرماید.

و ما توفیق الا من عندالله العلی العظیم

عبدالرحیم گواهی

تهران ـ مهر ماه هشتاد و یک

مقدمه

در این هفت هشت سالی که این‌جانب، در کنار اشتغالات دیگر، به تدریس تاریخ ادیان و ادیان تخصّصی و تطبیقی مشغول است، یکی از کمبودهایی که بشدت به چشم می‌خورده، فقدان یک فرهنگ و یا واژه‌نامهٔ ادیان، حداقل در سطحی که نیاز مقدّماتی دانشجویان و دانشگاهیان عزیز ما را برآورده نماید، بوده است. در این زمینه، تا جایی که حقیر می‌دانم، تنها دوکار نسبتاً اولیّه و تا حدودی عجولانه ـ به دلایلی که عرض خواهم کرد ـ آن هم صرفاً در زمینهٔ اصطلاحات اسلامی انجام شده است: یکی فرهنگ اصطلاحات اسلامی (فارسی ـ انگلیسی) تألیف دکتر علی محمد نقوی و زیر نظر دکتر ابوالفضل عزّتی است که در تیرماه ۱۳۶۰ در صد و هفتاد صفحه توسط انتشارات اسلامی چاپ و به قیمت ۱۱۰ ریال عرضه گردیده و دیگری فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی اثر محمد علی طالقانی (ایضاً تحت عنوان فارسی ـ انگلیسی، ولی عملاً در دو بخش فارسی ـ انگلیسی و انگلیسی ـ فارسی) است که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ (و یا به قول مؤلف یا ناشر: ۲۵۳۷ شاهنشاهی!) ظاهراً توسط خود مؤلف چاپ و منتشر شده است. صرف نظر از پاره‌ای نقائص این دو کار که بعداً اشاره خواهم کرد، و علی‌رغم زحمتی که مؤلفین محترم متحمّل شده‌اند، عمدهٔ اشکال آنها، از دید یک مدرس و یا دانشجوی رشتهٔ ادیان، این است که چنان که از نام آنها پیداست صرفاً به تبیین اصطلاحات اسلامی پرداخته و از به دست دادن معادلهای فارسی و یا انگلیسی مصطلحات ادیان دیگر خودداری ورزیده‌اند. بدین مناسبت این‌جانب برآن شد تا فرهنگ کوچکی، در حدّ و حجم یک جلد که برای طبقهٔ دانشجو ـ در این روزگار گرانی کتاب ـ تهیه‌اش مقدور باشد، از مصطلحات همهٔ ادیان زنده جهان جمع‌آوری کند و در دسترس عموم

قرار دهد که بحمدالله این کار به صورتی که می‌بینید فراهم آمده و چاپ گردیده است. البته در این زمینه مسائل و مشکلاتی هم فرا راه بوده‌اند که به مناسبت ارتباطی که با اصل کتاب پیدا می‌کنند، مختصراً شرح خواهم داد.

به نظر می‌رسد که اولین مشکل در جهت تدوین یک دیکسیونر یا واژه‌نامهٔ تخصّصی، تعیین حدود و ثغور واژه‌هایی است که در قلمرو آن رشتهٔ خاص قرار دارند. مثلاً اگر شما به تنظیم یک فرهنگ اصطلاحات دینی مشغول باشید، آیا واژه‌هایی نظیر تطهیر، شستشو، خُلق و خوی، طمأنینه، سکینه (نفس)، و نظایر اینها را هم باید جزو مصطلحات دینی منظور کنید و در این فرهنگنامه جای دهید یا خیر؟ در همین زمینه نکتهٔ دیگری مطرح است و آن اینکه در درون تخصّص انتخابی مورد نظر شما، تخصّصهای فرعی‌تری هم وجود دارند؛ به عنوان مثال در زمینهٔ تدوین واژه‌های دینی به طور عام، تعدادی واژه‌های تخصّصی‌تر فقهی، عرفانی، کلامی، حقوقی، اخلاقی و غیره هم داریم که باید دید آیا همهٔ آنها را نیز لازم است در واژه‌نامهٔ عمومی مورد نظر گنجاند ـ که البتّه در این صورت با محدودیت جا و گنجایش یک مجلّد روبه‌رو خواهیم شد ـ و یا اینکه ان‌شاءالله، بعدها، باید برای هر رشته، فرهنگی جداگانه و تخصّصی‌تر منتشر ساخت. بحث سطح استفاده از فرهنگ منظور نظر در سطوح عمومی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، و غیره هم در همین راستا مطرح می‌شود.

نکتهٔ سوم حدّ توضیح و تبیین هر واژه است. اصطلاحاتی، بخصوص در موضوع ادیان خارجی نظیر بودایی و یا هندویی هستند که صرف بدست دادن معادل فارسی آنها به هیچ وجه مفید معنا و کارساز نیست. اصطلاحاتی از قبیل موکشا (Moksha) و یا خشتره (Kshathra) حتماً توضیح بیشتری می‌طلبند. امّا حدّ و مرز این توضیح اضافی تا کجاست؟ چند کلمه؟ چند سطر؟ یا بیشتر؟ بدیهی است که در همین‌جا حدّ تمایز یک واژه‌نامه از یک دائرةالمعارف نیز تعیین می‌شود.

و امّا در مورد روش کار:

همان‌گونه که قبلاً گفتم، چون هدف از تدوین این واژه‌نامه نوعی استفادهٔ وسیع، تا حدودی کمتر تخصّصی و در سطح دانشجویی است، لذا در به دست دادن ترجمه و یا معادلهای انگلیسی حتی‌المقدور از به‌کارگرفتن علائمی نظیر ā و یا A' و یا Ḥ و یا Ṣ، که غالباً در مورد معادلهای اسامی به کار می‌روند، خودداری شده است، اگرچه

این امر در تدوین کارهای مفصّلتری نظیر کارهای دائرةالمعارف گونه اجتناب ناپذیر می‌نماید. دیگر اینکه حتی‌المقدور از پرداختن به واژه‌های صد درصد تخصّصی، نظیر جزئیات اصطلاحات فقهی و کلامی و غیره اجتناب شده است، صرفاً به همان دلیل سابق که بتوانیم مجموعهٔ فراهم آمده را حتی‌المقدور در یک مجلّد جای دهیم تا نه تنها خرید، که حمل و نقل آن نیز برای دانشجویان محترم آسان باشد. در این زمینه از به دست دادن واژه‌های مفرد و جمع (نظیر عید و اعیاد) و یا آوردن «ال» بر سر مثلاً اسمای حسنیٰ، نظیر العزیز، الحمید، و غیره نیز خودداری شده است. به همین منوال از ارائهٔ واژه‌هایی که صد در صد هم دینی نیستند اجتناب شده است.

با وجود آنکه این‌جانب به هیچ‌وجه معتقد به نگارش مقدّمه‌ای طولانی، آن هم برای یک دیکسیونر یا فرهنگ لغات، نیست (کاری که متأسفانه آقای دکتر نقوی کرده و متجاوز از چهل درصد حجم واژه‌نامهٔ نسبتاً کوچک خویش را به مقدّمه‌ای بسیار طولانی و مبسوط اختصاص داده‌اند)، مایلم اشاره‌ای هم، هرچند کوتاه، به دو فرهنگ اصطلاحات اسلامی فوق‌الذکر که به ترتیب حدود پانزده و دوازده سال قبل چاپ شده و بعید هم می‌دانم هرگز تصحیح و یا تکمیل و تجدید چاپ شده باشند بنمایم تا ضرورت تدوین یک کار کلی پخته‌تر در کنار آن دو تا حدودی روشن شود.

کار آقای محمد علی طالقانی (مدرس دانشگاه تهران و مترجم رسمی وزارت دادگستری)، به رغم حجم نسبتاً کم و محدود ـ و اختصاصش تنها به اصطلاحات اسلامی و نه همهٔ ادیان ـ متأسفانه از طرفی پر از اغلاط املائی و چاپی (در فارسی و لاتین) است و از طرف دیگر شامل تعداد زیادی واژه است که به طور مستقیم یک اصطلاح دینی قلمداد نمی‌شوند، به نحوی که این قبیل اصطلاحات ظاهراً غیردینی (همچون علت وجودی، علقه، علم، زیبایی‌شناسی، علم‌النفس یا نفسانیات، علوم عقلی، علیّت، عنصر، صورت عنصری، عنوان، عوام، عود، عیب، عدم، و...) تنها در یک صفحه از متن آن (مثلاً صفحهٔ ۴۶) گاهی تا حدود دو سوّم از کلّ واژه‌های ارائه شده را به خود اختصاص می‌دهند! در مورد اغلاط املایی و چاپی آن نیز اجازه فرمایید که فهرستی ارائه‌ندهیم، وگرنه متأسفانه بسیار طولانی خواهدبود. البته حسن‌کار آقای طالقانی ـ نسبت به کار آقای نقوی ـ این است که نیمی از جزوه (یعنی در حدود هفتاد صفحه) را به بخش فارسی ـ انگلیسی و نیم دیگر آن را به

بخش انگلیسی - فارسی اختصاص داده‌اند. به هر حال این جزوه، حداقل در زمان خود، گام اوّلیهٔ خوبی بوده‌است و ان‌شاءالله مأجور.

در مورد کار آقای دکتر علی محمد نقوی هم که زیر نظر آقای دکتر ابوالفضل عزّتی انجام شده، قبلاً به دو نقیصهٔ کوچک اشاره داشتم که یکی عدم وجود بخش انگلیسی به فارسی و دیگری ارائهٔ هفتادو سه صفحه مقدّمه (سی و چهار صفحه به فارسی سی و نه صفحه به انگلیسی) برای یک جزوهٔ کوچک یکصد و شصت - هفتاد صفحه‌ای است! البته در اینجا هم همان ایراد و اعتراضِ وجود تعداد زیادی مصطلحات غیردینی (بعضاً در حدود نیمی از حجم هر صفحه) و تعداد کمتری اغلاط چاپی و غیره به قوّت خود باقی است که به جهت جلوگیری از اطالهٔ کلام از ارائهٔ فهرست آنها خودداری می‌کنیم. اشکال به دست دادن ترجمه و یا معادلهای نسبتاً نادرست هم یکی دیگر از نقائص کارجناب نقوی است که بعضی از نمونه‌های آن را در معادلهای به دست داده شده در مورد واژه‌های ابدی (ص ۳۵)، اجاره و اجازه (ص ۳۷)، احسان (ص ۳۸)، حجة‌الاسلام (ص ۷۰)، حنیف (ص ۷۵) و غیره می‌توان دید. اگرچه کار ایشان نیز به هرحال گام اوّلیه‌ای بوده است و باز هم ان‌شاءالله مقبول و مأجور درگاه حق.

نکتهٔ آخر در مورد ایراد و اشکال است که در ابتدای این مقدمه نقل کردم و آن اینکه اساساً چه واژه‌هایی را و بر چه مبنایی می‌توان به عنوان واژه‌ها و مصطلحات دینی پذیرفت و در چنین فرهنگی جای داد؟ در حدود چهارده - پانزده سال قبل که تازه مطالعات خود در زمینهٔ تاریخ ادیان و ادیان تطبیقی را به قصد اخذ درجهٔ دکترای رشتهٔ مزبور آغاز کرده‌بودم، به فرهنگ نسبتاً جامعی به نام *Illustrated Dictionary of World Religions* تألیف آرتور جونز برخورد کردم که در حدود همان سالها (اوایل دههٔ ۱۹۸۰ میلادی) تازه در انگلستان چاپ شده بود. کتاب مزبور را به جهت جامعیّت و در عین حال بیش از حد مفصل نبودن آن، مبنای کار تألیف فرهنگ حاضر قرار دادم، البته منهای تصاویری چند که فی‌المثل از کالی (خدای دین هندویی) و یا خانهٔ کعبه و غیره به دست داده شده و چاپ آنها در یک واژه‌نامهٔ فارسی چندان ضروری نمی‌نمود. به اعتقاد این‌جانب، در دیکسیونر یا فرهنگ آقای جونز، به استثنای کمی تأکید بیش از حدّ روی اصطلاحات مسیحیّت، که آن هم از ناحیهٔ یک مؤلف مسیحی امری طبیعی است، روی‌هم رفته به واژه‌های نسبتاً مهم و

رایج همهٔ ادیان عالم به نحو تقریباً قابل قبولی اشاره شده است. بدیهی است پاره‌ای اضافات سودمند هم بر آن به عمل آورده‌ام که عمدتاً از ناحیهٔ واژه‌های مناسبی بوده‌است که در آثار دیگری که تاکنون در زمینهٔ ادیان به قلم این‌جانب ترجمه و منتشر گردیده، ادیان زندهٔ جهان اثر دکتر هیوم، جهان مذهبی اثر جمعی از محققین و اساتید دانشگاهی امریکا و ابعاد عرفانی اسلام تألیف خانم ان ماری شیمل به‌چشم می‌خوردند، بعلاوهٔ پاره‌ای مصطلحات دیگر که در خلال متجاوز از پانزده سال تحقیق و تدریس در رشتهٔ تاریخ مذهب و ادیان تطبیقی با آنها مواجه شده‌ام.

این‌جانب در ابتدا قصد داشت که در کنار هر واژهٔ لاتین حداقل چند تلفظ، ترجمه، و بعضاً معانی متفاوتی را که از ناحیهٔ پیش‌کسوتان این رشته در این مرز و بوم، نظیر مرحوم علی‌اصغر حکمت در ترجمهٔ تاریخ ادیان جان ناس و یا دکتر منوچهر خدایار محبّی در ترجمهٔ تاریخ مختصر ادیان بزرگ فیلیسین شاله و بعضی دیگران، ارائه گردیده بیاورد تا در مجموع کاری شبیه به واژگان فلسفه و علوم اجتماعی ویراستهٔ داریوش آشوری به دست دهد که دید متأسفانه هرگز نمی‌توان چنین کاری را در حدّ یک مجلّد محدود نمود. لذا نگارنده بر آن شد تا این فرهنگ کوچک به همین صورت در یک جلد - اگرچه از جهتی که عرض شد کمی ناقص - منتشر شود و آن کار مشروح و مبسوطتر بماند ان‌شاءالله برای یک فرهنگ جامع ادیان چند جلدی؛ امّا به هرحال حداقل سعی شد تا واژه‌های انگلیسی کمی مشروحتر بیان شوند تا خوانندگان فارسی زبان بهتر مقصود و منظور از آنها را دریابند. در اینجا لازم می‌دانم از همهٔ اساتید محترم رشتهٔ ادیان درخواست کنم تا هرچه زودتر به تشکیل گردهماییهای مرتبی همت گمارند تا در ضمن انجام بقیهٔ کارهایی که از یک چنین مجمع علمی انتظار می‌رود، همچنین به وظیفهٔ هماهنگ و یکسان‌کردن انواع تلفّظهایی که امروزه در کتب مختلف تاریخ ادیان رایج است - و طبیعتاً آثار ترجمه شده توسط این‌جانب نیز از آن مستثنی نیست - بپردازند. به هرحال آنچه در این واژه‌نامه به حضور دانشجویان و دانشگاهیان ارجمند تقدیم شده، تنها گام اولیّه‌ای در این راه است (اگر متواضعانه کارهای قبلی برادران طالقانی و نقوی را یک گام کامل به حساب نیاوریم) و قدمهای بعدی می‌ماند برای دیگر عزیزانی که بعد از ما می‌آیند و به‌قول حکیم متألّه و عارف اندیشمند، ملای روم، به‌یاریِ «گفت سالکان» سخن نو می‌آورند:

گرچــه هـر قـرنی نـو آورد
لیک گفت سالکان یاری دهد

نکتهٔ کوچکی هم در باب سهولت ارتباط واژه‌ها با ادیان مختلف عرض کنم. عموماً در کنار معنی هر واژه یک حرف اختصاری که می‌رساند واژهٔ مزبور به کدام یک از ادیان جهان تعلق دارد به دست داده شده است. حروف اختصاری مزبور به شرح زیرند:

الف: دین اسلام	الف - س: اسلام (تسنّن)	الف - ش: اسلام (تشیّع)
اف: ادیان افریقایی	ام: ادیان بومی امریکایی	ب: دین بودایی
پ (P): زبان پالی	ت: دین تائویی	ج: دین جاینی
چ (C): ادیان چینی	ز: دین زرتشتی	ژ (J): ادیان ژاپنی
س: دین سیک	سا (S): زبان سانسکریت	ش: دین شینتویی
ع (H): زبان و دین عبری	ع (A): واژه عربی	عف: عرفانی
عم: واژه عمومی ادیان	ق: ادیان قدیمی	ک: دین کنفوسیوسی
م: دین مسیحیت	هـ: دین هندویی	ی: دین یهودی

در خاتمه، جا دارد از زحمات دوست فاضل و عزیزم جناب آقای رهبانی که همواره زحمت تبدیل این دستنویس‌ها به مطلبی قابل چاپ و تنظیم صفحات و غلط گیریها را با طیب خاطر می‌پذیرند و نیز دوست و برادر بزرگوار جناب آقای مهندس ملکی مدیر عامل محترم دفتر نشر فرهنگ اسلامی که با محبت و عنایت خاصّ به چاپ این آثار مبادرت می‌ورزند تشکر کرده، از خداوند منّان مزید توفیقاتشان را آرزونمایم.

رجاء واثق دارم که دوستان و سروران عزیزی که این مجموعه را مورد استفاده قرار خواهند داد بر بنده منّت نهاده، هر گونه نقص، اشتباه و یا اغلاط چاپی و غیرآن را به نشانی تهران - صندوق پستی شمارهٔ ۴۵۱۳ - ۱۹۳۹۵ اطلاع خواهند داد تا در چاپهای بعدی اصلاح گردند. و لاحول و لا قوة الاّ بالله العلی العظیم.

عبدالرحیم گواهی
تهران - فروردین هفتاد و چهار

الف

آب جاری	running water
آتش جهنم	Hellfire
آخرت	the hereafter, afterlife, other world, doomsday
آخرت شناسی	eschatology
آخوند	religious teacher, preacher, low-ranking clergy, cleric
آداب	rituals, practices, manners, ceremonies, modes of conduct
آداب المریدین (عرفان)	the manners of the adepts
آداب دینی	religious rituals
آدم (نوع انسان)	human-being
آدم ابوالبشر(ع)	Adam, the first human being
آرامش روح	tranquility of the soul
آرامگاه	maoseleum
آسیه (همسر فرعون)	Asia (wife of Pharoah)
آفاق	horizons
آفاقی (نوعی تجربهٔ عرفانی)	extrovertive
آفتاب پرست	sun-worshipper
آفریدگار، آفریننده	creator
آقا	title of respect, true authority
آقاخان (رهبر فرقه اسماعیلیه)	Aghā Khān
آقایان	leading members of the religious community
آل	family, off-spring, descendants, progeny
آل عمران (همچنین نام سورهٔ سوم قرآن)	The Family of Imran
آل محمد(ص)	the progeny of the prophet Mohammad(ص)
آمین	Amen, So be it
آیات	verses, signs
آیات احکام	The legal injunctions of the Qur'an
آیات الهی	divine verses
آیات سجده	verses for which prostration is obliged
آیات قرآنی	Qur'anic (Koranic) verses
آیات متشابه	ambiguous verses, allegorical verses
آیت	sign, miracle
آیت الله	Āyatullāh, title of chief mujtahids in hierarchy of shiite clergy, lit. sign of God

آیة‌الله العظمی — Supreme (leading) Mujtahids, lit. the greatest sing of God
آیه — verse
آیهٔ نور — the verse of Light
آیة الکرسی — the verse of the Throne, the Throne Verse
آیین — order, custom, religion, cult, ceremony
آئین بودایی — Buddhism
آئین تشبیه — anthropomorphism
آئین تعطیل — agnosticism
آئین توقف — agnosticism
ائمه — Imams
ائمه حدیث — authorities on tradition
ابداع (خَلق) — direct (original) creation
ابدال (اصطلاح صوفیه) — substitutes
ابدی — everlasting, eternal
ابدیت — everlasting, eternity
ابرار — the pious
ابراهیم نبی(ع)؛ نام سوره چهاردهم قرآن — Abraham, Ibrâhim
ابلاغ — announcement, communication, notification
ابلیس — Devil, Diabolos, Satan
ابلیسی — Satanic, Diabolic
ابن السبیل — wayfarer, needy traveller
ابناء (بنی...) — children of...
ابن رشد — Averroes
ابن سینا — Avicenna
ابوالقاسم (کنیه پیامبرص) — Abul-Qāsim, lit. father of Qasim
اتّحاد (با خداوند) — union (with God)
اتحاد اسلام — Pan - Islamism
اثم — sin, fault
اثنی‌عشری [= دوازده امامی] — Twelvers, Twelveans
اجازه (از جمله در نقل حدیث) — permission, license, certificate
اجبار (در دین) — compulsion
اجتناب (از محارم) — avoidance
اجتهاد — personal systematic reasoning, logical deduction on a legal question, exercise one's judgement on a legal or theological question, independent judgement
اجل — the appointed time, expiration, appointed date
اجماع — consensus of the Islamic Community, unanimity
اجناس اربعه (نصاب زکوة) — four kinds of grains liable to Islamic tax
احادیث — Prophet's sayings, traditions
احترام (به افراد و اماکن مذهبی) — reverence
احتضار — being at the point of death, agony of death
احتلام — seminal emission, nocturnal pollution
احتیاطی (عمل از روی احتیاط) — precautionary
احد (اسم الهی) — The One, Absolute One
احدّیت — Oneness, The One God, Divine unity
اِحرام — the pilgrim's garb
احزاب (سورهٔ سی و سوم قرآن) — The Confederates, The Allies

احسان — charity, benevolence, beneficiene, generosity, doing what is beautiful
احسن الحدیث (عنوان قرآن) — The best speech
احسن القصص — the most beautiful story
احصان — keeping a wife, marrying, chastity
آحقاف (سورهٔ چهل و ششم قرآن) — The sand-dunes, The sandhills
احکام — regulations, commandments, laws, ordinances, injunctions
احکام دینی — religious laws or injunctions
احکم‌الحاکمین (اسم‌الهی) — The Most Just of rulers
احلاف — Confederates
احمد(ص) — Ahmad (ص),[Prophet Muhammad], lit. Most Praised
احوال (عرفان) — mystical states
احوال شخصیّه — family law
اِحیاء (نهضت...) — revival, resurrection, revivification
اِحیاء (شب زنده‌داری) — vigil
احیاء علوم الدین — reconstruction of religious thought (title of a book by Ghazzali)
احیای موات — cultivating the wasteland
اخبار — histories, traditions, annals
اخبارائمهٔ هدی(ع) — accounts of sayings and deeds of the holy Imams
اخباریگری (از مکاتب کلامی وفقهی شیعه) — Traditionalism
اختیار — free-will, authority
اختیاری (اعمال) — voluntary, arbitrary
اُخروی (مباحث مربوط به آخرت) — otherworldly, eschatological
اخلاص — absolute (perfect) sincerity, purity of devotion
اخلاص (سورهٔ صد و دوازدهم قرآن) — Sincere religion, The Unity
اخلاق — character
اخلاقیات — ethics, morals, morality
اخلاقی — ethical, moral
اخوان — brothers, brethren
اخوان الصفا — Brethren of Purity
اخوان المسلمین — Muslim Brotherhood, Muslim Brethren
اخوت — brotherhood
اخیار — the chosen ones, good people
اداء (قرض) — payment
اداء (فریضه) — timely accomplishment of a religious duty, completing a prayer, fulfilment, perform
ادای شهادتین — testimony to declare oneself as a Muslim, profession of faith
ادب (عرفانی) — discipline, courtesy
ادریس نبی(ع) — Enoch, Andreas
ادعیه — prayers
ادعیهٔ مأثوره — the prayers handed down by traditions
آدم، حضرت (ع) — Adam
ادیان — religions
ادیان آسمانی [= ادیان وحیانی] — revealed

religions
ادیان سامی — Semitic religions
ادیان مرده و یا منقرضه — dead religions
اذکار — invocations
اذان — prayer call, summons to public prayers, call to prayer, izan, to recite izan
اذن (در عقود و یا اجازهٔ نقل حدیث) — authorization, permission
ارادهٔ الهی — Divine will or intention
اراضی موات — waste-lands
ارامنه — Armenians
اربعین — forty-days rememberance of the dead
ارتحال — departure, pass away
ارتداد — apostasy, heresy
ارتکاب گناه — committing a sin
ارث — inheritance
ارشاد — guidance, leading to the right way
ارضی وسماوی — terrestrial and celestial
ارکان — foundations, pillars
ارکان ایمان — foundations of faith
ارکان پنجگانه نماز — five pillars of the prayer
ارمیای نبی(ع) — Jeremiah
ازل — pre-eternity
ازلام — casting lots, divining-arrows
ازلی — premordial, eternal, pre-existent, pre-existing
اساطیرالاوّلین — ancient fables
اسباط — tribes
استاد (عرفان) — master, elder
استبراء — pressing out the urine, verification of non- pregnancy
استثناء — saying *inshāallāh* [if God wills]
استجابت دعا — granting a prayer, fulfillment, hearing or answering a prayer
استحاضه — menstrual irregular discharges
استحاله — transformation, chemical reduction, alteration, transmutation
استحباب — preference
استحسان — juristic (Juridic) preference
استخاره — consulting with the Qur'an, bibliomancy
استخلاص (ازگناه) — redemption
استرجاع — reciting «اناالله وانااليه‌راجعون»
استسقاء — praying for rain
استشاره — consultation
استشراق — oriental studies
استشهاد — producing a witness
استصلاح — public interests
استصواب — personal preference
استطاعت — ability to perform a religious obligation
استطاعت مالی — financial ability
استعانت — seeking aid from God
استعاذه — seeking refuge [to God]
استغفار — seeking (or asking) forgiveness (from God)
استغفرالله — I seek God's forgiveness, God forbid
استفتاء — asking opinion on a legal

question, consult
استمناء — masturbation
استنباط احکام — inference or deduction of religious laws
استنجاء — purification after easing nature, abstersion
اسحاق نبی(ع) — Isaac (Ishaaq)
أسراء (آغاز معراج حضرت محمد و نام هفدهمین سورهٔ قرآن) — night journey
اسرافیل — Seraphiel (archangel who will sound the trumpet on the day of resurrection)
اسرائیل — Israel
اسلام — Islam, submission to (the will of) God
اسلام‌شناسی — Islamicism, Islamology, Islamic studies
اسم اعظم — the exalted name of God, the greatest name of God
اسماءالحسنی — (ninety-nine) glorious names of God, the most beautiful names, Divine names
اسماءالله — names of God, Divine attributes, attributes of God
اسماعیل نبی(ع) — Ishmael, Samuel
اسماعیلیه (اسماعیلی) — Isma'ilism (Isma'ilite), Ismāilyyah
إسناد حدیث — ascription or attribution of a tradition to a source
أسناد حدیث — chain of transmitters of a tradition, chain of authorities
اسوة حسنة — noble paradigm, noble example, model
اشارت (عرفان) — allusion
اشاعره — Ash'arites
اشتیاق(عرفان) — longing, aspirations
اشراق — illumination
اشراقی، اشراق‌گرای — illuminationist
اشرف مخلوقات — the most noble of all creation
اشعری — Ash'arite
اشعیای نبی(ع) — Isaiah
أشهدالله [/اشهد بالله] — I call God to witness
اصحاب — Companions
اصحاب صفّه — Companions of the Lodge (Companions sitting on the benches of the Prophet's mosque), People of the Bench
اصحاب کهف — The Seven Sleepers, Men of the Cave
اصلاح ذات البین — making peace among men
اصل — principle, pillar, fundamental
اصل تعبّدی — dogma
اصول دین — fundamentals of religion, principles of faith, principles or pillars of religion
اصول فقه — roots of jurisprudence, principles of (Islamic) jurisprudence
اصولگرای — fundamentalist
اصولگرایی — fundamentalism
اصنام — idols
إضلال — misguidance, going astray
اطاعت (از خداوند) — submission(to God),

obedience	
feeding the hungry	اطعام مساکین
tranquillity	اطمینان قلب (عرفان)
repetition (of prayer)	اعاده(نماز)
seclusion	اعتزال (اعتزالی - معتزله)
belief, creed, conviction, tradition	اعتقاد
belief in God, devotion to God	اعتقادبه خداوند
credo, creed	اعتقادنامه
doctrinal	اعتقادی
religious retirement or seclusion in a mosque or holy shrine for prayers	اعتکاف
trust (in God), confidence (in God)	اعتماد (به خداوند)
the miraculous character of Qurān, uniqueness of the Qurān, inimitability of the Qurān	اعجاز قرآن
purgatory (the place between the Hell and Paradise), the heights	آعراف (دیوار حایل بین بهشت و جهنم)
The Elevated Places	اعراف (سوره هفتم قرآن)
The Most High, All-High, The Exalted One	اعلی (اسم الهی)، نام سورهٔ هشتاد و هفتم قران
The Most Learned	اعلم (اسم الهی)
deeds, acts, doings, practices	اعمال
leading astray	اغواء
emanation	افاضه (وجود توسط خداوند)
I take refuge in God	اعوذبالله
feasts, festivals	اعیاد
calumny, libel	افتراء
fast breaking, breaking a fast	افطار
affair of the lie, slander	افک
kinsmen, relatives	اقارب
dissolution of a contract, mutual agreement to end a contract	اقاله
prologue to daily prayers	آقامه (پس از اذان)
set up, perform, to keep up	اِقامه (نماز)
to establish prayers	اقامهٔ صلوة
three essences, three hypostases	اقانیم ثلاثه
to follow on the footsteps, imitation	اقتداء
to draw near to God	اقتراب
moderation	اقتصاد (میانه روی)
recite	اقراء
affirmation, acknowledgement	اقرار
confession of faith	اقرار به ایمان
kindred	اقربا (خویشان)
compulsion	اکراه در دین
eating carrion	اکل میته
envelopment of human being in the light of preeternity	التباس (عرفان)
eclecticism	التقاط گرایی
atheism, heresy	الحاد
Praise belongs to God	الحمدلله
God, Allah	الله
God is the Greatest	الله اکبر
the tablets, tables	الواح

Divinity	الوهیت
an object of worship, a diety, god	اله
inspiration	الهام
Goddess	الهه
Divine	الهی (ربّانی)
theology, metaphysics	الهیات
theologians	الهیون
Elijah, Ilyas	الیاس نبی (ع)
Imam Ali	امام علی (ع)
Imam Hasan	امام حسن (ع)
Imam Husain	امام حسین (ع)
Imam sajjād	امام سجاد (ع)
Imam Baqir	امام باقر (ع)
Imam Sadiq	امام صادق (ع)
Imam Kazim	امام کاظم (ع)
Imam Riza	امام رضا (ع)
Imam Taqi	امام تقی (ع)
Imam Naqi	امام نقی (ع)
Imam Asgari	امام عسکری (ع)
Imam Mahdi	امام مهدی
Mother of the cities (title of Mecca)	ام القری (عنوان مکّه)
Mother of the Book, Essence of the Book	ام‌الکتاب
Mother of the Faithfuls, wives of the Prophet (ص), lit. mother of the faitfuls	ام‌المؤمنین (لقب همسران پیامبر)
Imam, spiritual leader of the Shi'ites, leader of a congregational prayer	امام
Imamate, leadership	امامت
the offspring of an Imam, a shrine	امامزاده
Mahdi, Waited-Imam	امام‌زمان
Imamites, Shi'as, Twelvers	امامیّه
giving shelter, asylum	امان
securities, deposits	امانات (از ابواب‌فقه)
trust	امانت
community	امت
the Muslim community	امّت اسلامی
Divine-command	امرِ الهی
calling people to goodness	امربه معروف
abstention from food	امساک
Umayyads	امویان، بنی‌امیه
unlettered, illiterate	امّی
commander, chief, ruler, governor	امیر
governor-general	امیر (والی)
officer in charge of Pilgrims	امیرالحّاج
Commander of the Faithfuls, title of Imam Ali(ع)[and other Rashidun Caliphs]	امیرالمؤمنین
The Trustworthy, The Reliable	امین (لقب پیامبراکرم)
the common folk, the gentiles	اُمیّون/اُمیّین
I am the Absolute Truth or the True Reality, I am God	اناالحق (عرفان)
egotism, I-ness	انانیّت
extraversion, expansion, cheerfulness	انبساط روحی
The Prophets	انبیا (سوره بیست و یکم قرآن)
waiting, anticipation, awaiting for the reappearance of imam Mahdi(ع), anticipation of	انتظار

the return of Imam Mahdi(ع)

انتقال نسبت(عرفان) transfer of Sheikh's qualities to his successor

انجیل Gospel, New Testament

انجیلی Evangelical

انحراف (از صراط مستقیم) aberration, deviation

انذار admonition, warning

انزال ejaculation, sending down

انزال کتاب (to) send down the Book

انزوانشینی reclusion

اُنس (اصطلاح عرفانی) intimacy, familiarity, intimate fellowship

إنس human being

انسان (سورهٔ هفتاد و ششم قرآن) The Man

انسان قدیم primordial man

انسان کامل the Perfect (Universal) Man

ان شاءالله God-willing

انشراح expanding, open-mindedness

انشراح (سوره نود و چهارم قرآن) The Expansion

انشقاق (سوره هشتاد و چهارم قرآن) The Bursting Asunder

انصاب Idols

انصار helpers, adherents

انعام(سورهٔ ششم قرآن) Cattle, The

انفاق freewill offering, donation, contribution

أنفال (سورهٔ هشتم قرآن) The Spoils of War

انفطار (سورهٔ هشتاد و دوم قرآن) The Cleaving

انقباض روحی contraction

انقلاب اسلامی ایران The Islamic Revolution of Iran

انکار خدا repudiation of God

انکار نفس self-renunciation

اوامر دینی religious injunctions

اوتاد great saints, lit. Pillars pillars

اورشلیم ـ بیت‌المقدس Jerusalem

اوقاف endowments, charitable bequests, pious endowments

اولوالعزم arch-prophets, lit. possessors of firmness and determination, law-giving prophets

اولواالامر authorities

اولیاءالله saints, friends of God

اولی الابصار men of foresight

اولی الالباب men of understanding

اهریمن Devil, Ahriman

اهل باطن esoterists

اهل بهشت the blessed ones

اهل بیت پیامبر(ص) the Prophet's family

اهل تقوی pious or virtuous people, the virtuous

اهل حقّ Men of God

اهل حدیث partisans of tradition

اهل دنیا mammonish persons

اهل ذمّه protected people, the tributary

اهل سنّت Sunnites, Sunnis

اهل صفا those pure in heart

اهل الصفه People of the Bench

اهل ظاهر exoterists

اهل قبله Muslims

اهل قبور the dead

اهل کتاب Scriptuary, People of the Book

اهل کسا the people of the cloak

اهل معرفت (عرفان) gnostics

اهل نار people of the Hell

اهل نظر (اصطلاح متصوّفه) men of insights

اهل هواء libertines

اهورا مزدا Ahura Mazda

ایام‌الله The Days of God, Divine Days

ایّام تشریق the three days after the feast of sacrifice at Mina during the pilgrimage to Mecca

ایام النحر the season of sacrifice during the Pilgrimage

ایثار altruism, preferring others to oneself

ایفای عهد fulfilment of a promise or a covenant

ایقاعات (در فقه) hapenings

ایقان (عرفان) certitude, true assurance

ایمان religious faith, belief

ایمان درمانی faith-healing

ایوب نبی(ع) Job

ب

بالله (سوگند)	by God
بابیگری (نهضت انحرافی سیدعلی محمد باب در اسلام)	Babism
بادیه نشین (عرب جاهلی)	nomad, bedouin
باری (از اسمای حسنای الهی در قرآن)	The Shaper
باسط (اسم الهی)	The Spreader
باطل	void, invalid
باطن (اسم‌الهی)	The Inward, The Hidden
باطن (در مقابل ظاهر)	the inward aspect of revelation or manifestation
باطنی (مخفی، درونی)	hidden, inner
باطنی (اهل باطن)	esoteric
باطنی‌گری	esotericism
باطنیّه (عرفان)	people of esoteric or inner meaning
باعث (اسم الهی)	The Revivifier
باقی (اسم الهی)	The Eternal, The Everlasting
بالغ	adult
بانوی اسلام (لقب حضرت فاطمه س)	the grand lady of Islam
بایع (فقه)	vendor, buyer
بت	idol, icon
بت‌پرستی	idolatry
بت شکن	iconoclast
بتکده	idol temple, temple
بتول (از القاب حضرت فاطمه)	the virgin
بخشاینده	merciful
بداء	appearance, emergence, change in an earlier divine ruling
بدر	Badr, the first battle in Islam
بدعت (در دین)	heresy
بدعت (نوآوری)	innovation
بدوی	bedouin, nomad
بدیع (اسم الهی)	The Originator
برّ	beneficience, piety, righteousness
برّ (البّر اسم الهی)	The Beneficient One
برائت	acquitance release, exemption
برائت (سوره نهم قرآن)	The Repentence
بُراق	Burāq, steed, heavenly horse
برده	slave, captive
برده‌سازی	enslavement
برزخ	purgatory interval, partition, intermediate state, interim period between life and resurrection

برکات	blessings
برکت	(Divine) grace, blessing, sacred power, abundance
برهان (از اسامی قران)	The Proof
برهانِ اتقان صنع	argument from design
برهان اِنّی	a posteriori demonstration
برهان حرکت	demonstration of movement
برهان لمّی	a priori demonstration
برهان نظم	argumentation of order
برهان وجوب و امکان	demonstration of necessity and possiblity
بروج (نام سورهٔ هشتادو پنجم قرآن)	The Mansions of the Stars
بروز (عرفان)	exteriorization
بست‌نشینی	to take sanctuary, to take refuge
بسط حال (عرفان)	extension of enthusiastic feeling, elation
بسم‌الله‌الرحمن الرحیم	In the name of God, the Compassionate, the Merciful
بسمله	to recite "بسم‌الله‌الرحمن الرحیم"
بشر	human-being
بشریت	humanity, mankind
بشیر	messenger of good news
بصیر (اسم‌الهی)	All-Seeing
بصیرت	insight
بطریق [= بطرک، بطریرک]	patriarch
بعثت نبوی (ص)	call to prophethood, appointment of the prophet
بعث	uprising
بعث اُخروی	resurrechontion
بقاء	immortality, permanent subsistence, survival
بقا (عرفان)	permanent life in God
بقای روح	survival of the soul
بقره (سورهٔ دوم قرآن)	The Cow
بقعه	maoseleum
بقیةالله	God's reminder
بُکاء	lamentations
بکتاشیّه (از سلسله‌های تصوف)	Bektashi, Bektashiyya
بُکم	dumb
بلاغ (از اسامی قرآن)	The Message
بلاغت قرآنی	eloquence of Qur'an
بلاء(عرفان)	affliction, trial
بلال حبشی	Bilal, the Abyssinian
بلد (سورهٔ نودم قرآن)	The Land, The City
بندگان	servants, slaves
بندگی (در مقابل خدا)	obedience (to God), submission (to God), servanthood
بنی‌اسراییل (سوره هفدهم قرآن)	Israelites
بنیامین‌نبی(ع)	Benjamin
بنی‌امیه	Umayyads
بنی‌عباس	Abbassids
بنی‌هاشم	Hashemites
بودا	Buddha
بهشت موعود	paradise, heaven
به وجد درآوردن	to induce into ecstasy
بیان (از اسامی قران)	Clear Explication
بیان مقدس	sacred utterances
بی‌اعتقادی	unbelief
بی‌ایمانی	unbelief, heresy

بیت‌الاحزان house of mourning
بیت‌الحرام House of Sanctity, Holy House
بیت‌الله House of God
بیت‌المال public treasury
بیت‌المقدس Jerusalem
بی‌تقوایی impiousness
بی‌دینی irreligiousness, heterodoxy
بیع (از عقود) contract of sale
بیعت (عرفان) oath of allegiance
بیعت الرضوان pledge of good pleasure
بیعت النساء pledge of the women
بین‌النهرین Mesopotamia
بیّنه (سورهٔ نود و هشتم قرآن) The Clear Proof, The Clear Evidence

پ

پاداش طاعت reward for obedience, merit
پادُری (کشیش) priest
پارسامنشانه devotional
پذیرش یک دین جدید conversion to a new religion
پرستش worship
پرستش نیاکان (در دین کنفوسیوسی) ancestor worship
پروردگار God, The Diety
پرهیزگار pious
پرهیزگاری piety
پشیمانی از گناه contrition
پطرس رسول (پطرس حواری) Saint Peter, the Apostle
پل صراط Sirãt (the bridge over Hell leading to Paradise)
پنج تن The Five Holy Ones
پنج رکن اسلام five pillars of Islam
پوست (عرفان) deerskin on which the master sits
پیامبر the Prophet, apostle
پیامبراکرم [-پیامبراسلام] Holy Prophet (of Islam)
پیامبری prophecy, prophethood
پیر (اصطلاح عرفانی) the elder, master, shaikh, patron-saint
پیردستگیر the pïr who gives a hand of support
پیر طریقت spritual director
پیرو follower, disciple
پیروی (از یک مراد) discipleship, following
پیشنماز prayer-leader
پیمان شکن perfidious

ت

successors to companions of the prophet(ص) تابعین
taboo تابو (مُحرّم)
dervish (sufi) cap تاج (عرفان)
The ninth day of Moharram تاسوعا
meditation, contemplation تأمّل (مراقبه)
allegorical interpretation, hermeneutic and esoteric exegesis or interpretation, lit. to take something back to it's origin تأویل
repentant تایب
immutability تبدیل ناپذیری احکام الهی
blessing تبرّک
detaching oneself from someone تبرّی
missionary تبشیری (هیئتهای تبلیغی مسیحی)
religious propagation تبلیغ دینی
articulation تبیین
elucidation تبیین (صفات قران)
Trinity, trichotomy تثلیث
trinitarianism تثلیث گرایی
renewal, modernity تجدد
religious modernism تجدد خواهی دینی
catharsis تجرّد (روحانی)
embodiment of deeds تجسّم اعمال
humanization of God, incarnation تجسیم
theophany, manifestation, revelation of God's names and qualities تجلّی (عرفان)
art of reciting the holy Qur'an, to recite beautifully, rhytmical recitation تجوید
a fold of the turban passed under the chin تحت الحنک
challenge تحدّی
alteration تحریف
تحریم (سورهٔ شصت و ششم قرآن)
The Prohibition, The Banning
the ejaculation: "God be praised" تحمید
pondering تدّبر(در آیات الهی)
reminder تذکرة (یادآوری)
the Exhortation تذکرة (از اسامی قرآن)
hagiology, hagiography, biography of the saints تذکرةالاولیاء
optional evening prayer in Ramazan in Sunni school تراویح
the interpreter of longings ترجمان الاشواق (عرفان)
exaltation ترفیع (نام خداوند)
seclusion, renunciation ترک دنیا
purification of the soul, self-purification تزکیهٔ نفس
rosary تسبیح (صددانه)
praising or glorifying God تسبیح خداوند
consolation, condolence تسلیت
submission (to God) تسلیم (در مقابل خداوند)
affairming God similarity with his creatures, anthropomorphism تشبیه
(to) embrace Islam, (to) convert to Islam تشرّف به اسلام
divine legislation تشریع الهی
legislative تشریعی
testimony, to declare that there is no diety but Allah, formula of shahadat تشهّد
contribution, almsgiving تصدّق
affirmation, acknowledgement of Divine unity تصدیق وحدانیت خداوند
rectification of character تصفیه اخلاقی
sufism, mysticism تصوف
(to) volunteer good, a voluntary act تطوّع
purification, purgation تطهیر
to cleanse one's soul تطهیر روح
transcendence تعالی
The Most High, Elevated is He تعالی خداوند
cooperation تعاون
devotion, service of God تعبد
devotional تعبّدی
polygamy تعدد زوجات
punishment based on discretion of the judge تعذیب
flogging, discretionary correction, punishment تعزیر
passion play concerning the martyrdom of Imam Husain (ع), mourning تعزیه
religious zeal, fanaticism تعصّب دینی
amulet, charm تعوید (برای دفع خطر)
Mutual Fraud, Mutual Disillusion, Loss and Gain تغابن (سورهٔ شصت و چهارم قرآن)
persecution of beliefs, inquisition تفتیش عقاید
separation (after union) تفرقه (عرفان)
exegesis, interpretation, commentary, explanation تفسیر
comprehensive commentary تفسیر جامع
verbal interpretation تفسیر لغوی
contemplation on the subject of jurisprudence, (to) become learned, (to) obtain understanding تفقّه
surrender, resignation, delegation of power, committal to God تفویض
rapproachment, religious dialogue تقارب بین مذاهب
may God accept it تقبّل‌الله

تقدّس — sanctity, devotion
تقدیر — destiny
تقدیر الهی — Divine foreordination
تقدیس — sanctification
تقرّب — striving to draw near (to God)
تقریرات — sayings, lectures
تقلید — dogmatic imitation, following, following the opinion of a learned jurist
تقوی — piety, fearing God, God-wariness
تقیّه — precautionary dissimulation of one's faith, guarding oneself, dissimulation in self - protection
تکاثر (سورۀ صدو و دوم قرآن) — The Rivalry, The multiplication of wealth and children, wealth accumulation
تکاملِ(انواع) — evolution
تکاملِ(دینی) — perfection
تکبیر — act of saying "God is the greatest",pronouncing God's greatness by saying "Allah-o-Akbar"
تکذیب — denial, refutation
تکریم — reverence
تکفیر — excommunication, to accuse one as heretic
تکلیف شرعی — religious obligation or duty
تکویر (سورۀ هشتاد و یکم قرآن) — The covering up, The veiling, The darkening
تکوین — genesis, creation
تکیه (خانقاه) — sufi convent, monastery

تلاوت — chanting or recital of the Qur'an, recitation
تلقین — instructing, a funeral rite
تلقین ذکر — teaching the formula of recollection
تلقین میّت — to wisper the profession of faith into a dying person's ear
تلمود — Talmud
تمایلات حیوانی — covetous or animal desires, lust
تمثال — image
تمثیل دینی — allegory
تمثل یافتن — imaginalization
تمجید — the ejaculation of: "there is no power and strength, but in God", glorification of God
تنازع بقاء — struggle for survival
تناسخ — metempsychosis, reincarnation, transmigration of the souls
تنبیه — punishment, chastisement
تنزیل — revelation, sending down
تنزیه — purifying
تنزیه خداوند — proclaiming the transcendence of God, declaring God's incomparablity with his creatures
تواب (اسم الهی) — Repenting
توابیّن (از گروههای مسلمین ـ دایرة المعارف فارسی، دایرة المعارف تشیع) — Penitents, Repentents
تواتر — knowledge through successive transmissions

تواجُد (عرفان) — attempt to reach an ecstatic state
تواضع (عرفان) — modesty
توبه — repentance, penitence, contrition
توبه (سورۀ نهم قرآن) — Repentance, The
توتم پرستی — totemism
توّجه (عرفان) — intense concentration
توحید — monotheism, to declare that God is One, unity of God, Unity, assertion of God's Unity
توحید (وحدت) عرفانی — unification with God
توحیدی — monotheistic
تورات — Old Testament, Torah, Pentateuch

توضیح‌المسائل — Magnum opus, lit. explication of religious problems
توکّل — (absolute) trust in God, confidence in God
تولّی — worship and obedience
تولیت — trusteeship, custodianship
تهجّد — nightly prayer
توهین به مقدسات — sacrilege
تهذیب — refinement
تیجانیّه(از سلسله‌های تصوف در افریقا) — Tijaniyya
تیمّم — purification with dust, ablusion with sand
تین (سوره نود و پنجم قران) — The Fig

ث

ثار	vendetta, blood-revenge
ثروت‌اندوزی	wealth accumulation
ثقة‌الاسلام	the title of middle ranking clergy
ثمن	price
ثمود (دوّم)	Thamud
ثنویّت	dualism
ثواب	reward, recompensation

ج

جاثیه (سورهٔ چهل و پنجم قرآن)	The Hobbling, The Kneeling
جادو ـ سحر	magic, sorcery
جارالله	God's neighbor, title of Zamakhshari
جاریه	female slave
جالوت	Goliath
جامع	mosque
جامع (اسم الهی)	The Assembler
جامع‌الشرایط	fully qualified
جامعهٔ‌الازهر	Al-Azhar university
جامعهٔ اسلامی	Islamic community
جامعهٔ بی‌طبقه	classless society
جانماز	prayer-mat, prayer-carpet
جانور پرستی	Zoolatry
جاودانگی (عرفان)	eternality, immortality, everlastingness
جاهلیّت	period (time) of ignorance, pre-Islamic era
جایز	permissible, contingent
جبّار (اسم الهی)	The Omnipotent, All-Compeller
جبر	predistination, coercion, compulsion
جبر محمود (عرفان)	higher predestination
جبروت	spiritual existence, divine omnipotence
جبروتی	of divine power
جبرییل امین	Gabriel
جبریّه (در مقابل اختیاریّون)	Jabrites
جحیم (از اسامی جهنم)	Hell
جدیدالاسلام	proselyte, new convert to Islam
جذبه (عرفان)	mystical trance, ecstasy
جذبهٔ الهی	Divine attraction
جزاء	retribution, reward, recompense
جزیه	tribute, poll tax
جسم (درمقابل روح و روان)	body
جسمانی (در مقابل روحانی)	corporeal, profane
جسمانیّت	corporality
جشنهای مذهبی	religious festivals, feasts
جعفری (مذهب اهل تشیع)	Ja'fari
جَفر	knowledge of predicting the future by interpreting the letters and numerical values of koranic verses

جلال ابدی — eternal majesty
جلال الهی — Divine majesty
جلّ جلاله — Great be His Glory
جلیل (اسم الهی) — The Sublime, The Majestic
جماع — sexual intercourse, copulation
جماعت — community, assembly, congregation
جمال — beauty
جمال ابدی — eternal beauty
جمرات — stone-heaps
جمع (با خداوند) — complete (perfect) unification (with God)
جمع (حال عرفانی) — collectedness
جمعه (سوره شصت و دوم قرآن) — Friday
جمیل (اسم الهی) — The Beautiful
جنّ (نیز سورهٔ هفتادودوم قرآن) — Jinn
جنابت — noctural pollution, sexual pollution, major (ritual) impurity
جنات عدن — garden of Eden, Paradise
جنات نعیم — garden of delight
جُنُب — unclean (due to noctural pollution or intercourse)
جنّت — Garden, Paradise
جنگ احد — The Battle of Uhud
جنگ بدر — The Battle of Badr
جنگ جمل — The Battle of Camel
جنگ صفّین — The Battle of Siffin
جنگهای صلیبی — Crusades
جوع — hunger
جهاد — holy war
جهاد اکبر — greater holy war, struggle (in the path of God), lit. striving
جهاد فی‌سبیل الله — the struggle in the way of God
جهنّم — Hell, the Fire
جهود — Jew, Jewry

چ

چادر — veil, long veil, lit. tent
چشتیه (از سلسله‌های تصوف) — Chishtiyya
چشم‌پوشی از دنیا — renunciation
چله‌خانه (عرفان) — room for seclusion
چله‌نشینی (در تصوف) — quadragesimal fast, fourty days period of meditation
چند همسری — polygamy
چهارده معصوم(ع) — fourteen pure ones, the Prophet(ص), her daugter Fatima(س) and twelve Imams of Shi'a, The Fourteen Impeccables, Fourteen Sinless Ones

ح

حاجی — pilgrim, person who has performed pilgrimage to Mecca
حادث شده (مُحدَث) — created
حاضر (اسم الهی) — Omnipresent, The Present
حافظ (اسم‌الهی) — The Protector, The Preserver
حافظ قرآن — one who knows the Qur'an by heart
حاقّه (سورهٔ شصت و نهم قرآن) — The Indubitable, The Sure Calamity
حال (عرفان) — state (of ecstasy), mystical state, spiritual state
حبّ (عرفان) — love
حبس دم (عرفان) — holding the breath
حبل‌المتین — the firm cord
حبل‌الورید — jugular vein
حبیب‌الله (عرفان) — friend of God
حبیب نجّار — Habib, the carpenter
حجّ — pilgrimage to Mecca
حج (سورهٔ بیست و دوم قرآن) — The Pilgrimage
حجاب — veil
حجاز — Hijaz

حج اصغر (عمره) — lesser pilgrimage
حج اکبر — greater pilgrimage
حُجة‌الاسلام — His Eminence, His Holiness, middle-ranking clergyman
حجة‌الوداع — farewell pilgrimage
حِجر (سورهٔ پانزدهم قرآن) — Hijr (The Rock)
حِجر — legal interdiction, legal incompetence
حُجرات (سورهٔ چهل و نهم قرآن) — The Chambers, The Apartments
حجیّت — authority
حجرالاسود — The Black Stone
حدّ (شرعی) — punishment, penalty
حدوث — creation
حدّ زنا — punishment for adultery
حدّ شرب خمر — punishment for wine drinking
حَدَث (فقه) — state of uncleanliness, minor impurity
حدود (در فقه) — punishments
حدیث — tradition, saying of the Prophet (and shiite Imams), Hadith
حدیث ثقة — reliable tradition
حدیث حَسَن — acceptable tradition, good traditon

حدیث صحیح — genuine tradition, sound (authentic) tradition
حدیث ضعیف — weak tradition
حدیث قدسی — God's saying through prophet Muhammad(ص), sacred hadith, Divine words revealed outside the koran, holy saying
حدیث متواتر — repeatedly stated tradition, frequently narrated tradition
حدیث مرسل — loose tradition
حدیث مستفیض — diffused tradition
حدیث مقطوع — intersected tradition
حدیث منقطع — disconnected tradition
حدیث موضوع — forged, fabricated or apocryphal tradition
حدیث موقوف — restricted tradition (narrated by one of the companions of the prophet)
حدیث نبوی — Prophetic tradition
حدید (سورهٔ پنجاه و هفتم قرآن) — The Iron
حرّ — freeman
حرام (اماکن، ماهها) — sanctuary
حرام (مثل گوشت خوک) — prohibited or forbidden, religiously unlawful by the Shari'a
حرص — greed
حرم — sanctuary, sacred space
حرمت نهادن — reverence
حرم مکّه — sacred premises of Mecca
حرمین شریفین (مکه و مدینه) — The Two Sanctuaries

حروفیّه — Literalists, Hurufis
حریم مقدس — sanctuary
حزب — political party
حزب‌الله — God's people, party of God
حزقیل نبی(ع) — Ezekiel
حزن (عرفان) — sadness
حسن(ع) امام دوم شیعیان — Hassan
حسنات — good deeds
حسن الظّن — to think well of God
حسیب (اسم الهی) — The Rechoner
حسین(ع) امام سوم شیعیان — Husain
حشاشین — Assassins
حشر — resurrection, gathering, assembling, mustering
حشر (سوره پنجاه و نهم قرآن) — The Banishment, Exile
حصن — stronghold
حضانت — custody (of children)
حضور (در عرفان) — presence
حفیظ (اسم الهی) — The Guardian, Warder
حقّ (اسم الهی) — The Truth, The Real
حق‌تعالی — God Almighty
حق — truth, right, privilege
حق‌الله — the share of God, what is due to God
حق الناس — what is due to men
حق‌الیقین (عرفان) — the state of conviction and certainty
حقایق روحی — spiritual truths
حق شناسی — gratitude
حقوق بشری — human rights
حقیقت — truth, reality
حقیقت سنجی — verification

حقیقت غایی (عرفان) — last (ultimate) reality
حقیقت محمّدیه — the original essence (reality) of Muhammad(ص), the Mohammedan archtype
حکم (اوامردینی) — religious injunction or commandments
حکم (قضاوت) — judgement
حکم الهی — Divine law or command
حکمای مسلمان — Muslim sages
حکمت — theosophy, wisdom
حکمت اشراق — the Philosophy of Illumination
حکمت الهی — Divine wisdom, theology
حکمت الهی — theosophy
حکمت متعالیه — transcendental wisdom
الحکم لله — God is the only legislator
حَکَمیت — arbitration
حکومت استبدادی (طاغوتی) — despotism
حکومت اسلامی — Islamic government, theocracy of Islam
حکومت اسلامی ایران — The Islamic Government of Iran
حکومت دینی — theocracy, nomocracy
حکومت مشروطه — constitutional government
حکیم — sage, wise, theosophist, theosopher
حکیم (اسم‌الهی) — The Wise, All-Wise,
حلال — lawful, permitted, permissible by the shari'a
حلف — contract, oath, mutual alliance
حلف الفضول — The Oath of Fudhul, League of Virtuous confedrates
حلفاء — confedrates
حلقهٔ درویشان — circle of dervishes, sufi circle
حلم — gentleness self-control
حلول — transmigration, reincarnation, indwelling
حلیة (عرفان) — lofty qualities
حلیف — confederate
حٰم (سورهٔ چهل و یکم قرآن)، نام قدیم سورهٔ فصلّت — Ha Mim
حمد — praise, laud
الحمدلله — praise be to God
حَمَلةالعرش — those who bear the Throne
حمید (اسم الهی) — The Praised, Praiseworthy
حنّان (اسم الهی) — The Compassionate
حنبلی — Hanbalite
حنفی (ازمذاهب چهارگانه اهل تسنن) — Hanafite
حنوط — embalment
حنیف — Hanif, orthodox
حوّا — Eve
حوّاری — apostle, disciple
حوزهٔ علمیه — seminary, theological school, a group of madrasas
حوض کوثر — Kowthar (a river in Paradise)
حیّ (زنده) — living
حیّ (اسم الهی) — The Living, All-Living, the Alive

حی‌القیوم (از صفات الهی) — Self-Subsisting
حیا — shame
حیات ابدی — eternal life
حیات زمینی — terrestrial life
حیات دنیوی — worldly life, present life
حیات گرایی — Vitalism
حیض — menstruation, to have one's period
حیل شرعی — circumventions of the law, legal stratagem

خ

خاتم‌الانبیاء = خاتم النبیّین	Seal of the Prophets(ص), The Last Prophet
خاتَم النبوّة	seal of the prophecy
خاخام	Jewish rabbi
خافض (اسم الهی)	The Abaser
خالق (اسم الهی)	The Creator
خانقاه	monastry, sufi convent, sufi center or lodge
خانهٔ کعبه	Sacred House, Ka'aba
خبر	tradition, narration
خبرمتواتر	a tradition narrated by many sources, unanimous assertion
خبر واحد	single narration, hadith related by one person, isolated tradition
خبیث	loathsome
خبیر (اسم الهی)	The Aware, All-Aware
ختم (مجلس)	memorial service
ختم‌الولایه	Seal of Saintship
ختنه کردن	circumcision
خدا	God, Diety
خدایی	Divine
خداپرست	theist
خداترس (متّقی)	pious
خداگونه بودن	theomorphy
خداوند متعال	The Supreme Being, God Almighty
خداوند واحد متعال	One Supreme God
خدای سه گانه مسیحیّت	Triune God
خدمت (عرفان)	service
خذلان	abandonment
خرابات (عرفان)	tavern
خراج	land revenue, land tax, paying allegiance, tribute
خرافات	superstitions
خرقه	robe, garment worn by mystics, woolen cloack
خرقه‌تبرّک (عرفان)	frock of blessing
خرقه‌پوشی	initiation
خشوع	act of humility
خشیةالله	fear of God
خضرنبی(ع)	Khidr
خضوع	submissiveness, humility, prostration
خطبة	sermon, oration
خطبةوداع	farewell address, farewell sermon

خطیئة	sin
خطیب	orator, preacher
خفض جناح	humility, lit. lowering the wing
خفی	hidden, occult
خلاف اخلاق	amoral
خلاف شرع	unlawful
خلافت	caliphate, vicegerency, successorship
خلافتنامه (عرفان)	document of investitute
خلّاق(اسم الهی)	The Creator (of all things)
خلّت (عرفان)	friendship
خلد	paradise
خلدبرین	eternal paradise, superior paradise
خُلع	a kind of divorce
خلفای اموی	Umayyid Caliphs
خلفای راشدین	Orthodox Caliphs, the well-guided (rightly-guided) Caliphs, caliphs of moral integrity
خلفای عباسی	Abbasids
خلق (عالم)	creation (of the world)
خُلق (عرفان)	good moral qualities, character
خلق از عدم	*creatio ex nihilo*
خلوت گزینی (در غار حراء)	solitude
خلود	immortality, eternity
خلوص	sincerity
خلیفه	caliph, successor, vicegerent, substitute, lieutenant
خلیفةالله	Vicegerent of God
خلیل	a true friend
خلیل‌الله	the friend of God
خمر	wine, intoxicating drink
خمریّه (عرفان)(اثر ابن فارض)	the Wine Ode
خمس	a fifth of the spoils taken on a Muslim expediton, the fifth, one fifth levy
خندق (غزوه خندق)	trench, ditch (The Battle of the Ditch)
خواجه	patron saint, lord, master
خوارج	The Rebels, Seceders, Kharijites
خواست خداوند	the will of God
خواطر (عرفان)	ideas occuring to the heart in the state of retreat, images
خواندن معبود	invocation, pray
خوف (از خدا)	fear (from God)
خیار (در معامله)	*jus paenitandi*, option to withdraw
خیر	goodness, good
خیرات و مبرّات	good deeds, charities, act of charity, almsgiving
خیر و شر	good and evil

د

دارالاسلام	the territory of Islam, abode of Islam, Islamic territory
دارالایتام	orphanage
دارالبرار (جهنم)	the abode of perdition
دارالحرب	non-Muslim territory, war area
دارالخلافة	the seat of Caliphate, the capital
دارالسلام (صفت بهشت)	the territory of peace
دارالقرار (آخرت)	abode of permanence, the perpetual existence, the other world
دارالهجرة	Medina
داعی	missionary
دانشکده معارف اسلامی	divinity school, school of theology
دانه تسبیح	prayer bead
دانیال نبی(ع)	Daniel
داود نبی(ع)	David
دجّال	Anti-Christ, an imposter
دجله و فرات	Tigris and Euphrates
دخان (سورهٔ چهل و چهارم قرآن)	The Smoke
دراویش مولوی	Mevlevis
درایه	science of critical study of transmission of tradition
درستکاری	righteousness
درس خارج (در حوزه‌های علمیه)	external class or lessons
درگاه (اصطلاح متصوفه)	sufi center, lit. door, court
درونگرایی	esotericism
درونی (عرفان)	inner, esoteric
درویش	(religious) mendicant, dervish
درهم	a silver coin, drachmae
دستورات دینی	religious ingunctions
دسته (عزاداری)	group of men and women in religious processions
دعا	invocation, prayer, benediction, personal invocation, free prayer, supplication
دعاکردن	to pray, to bless
دعای شب و سحر	nocturn
دعای قنوت	invocation prayer
دعای مأثور	recorded prayer, prayer that is effective

دعوت (ادع...)	To call unto
دعوی پیامبری	to proclaim prophecy
دفن	burying, burial
دفن در یک مکان مقدس	to be enshrined
دلق	cloak
دمشق	Damascus, Damas
دنیاپرستی	worldliness
دنیوی (غیر روحانی)	mundane, secular
دنیوی (فانی و گذران)	temporal
دوازده امامی	Twelver, Imamite, Twelve-Imam Shi'ite
دوزخ	Hell, Gehenna, the Fire
دهر [= انسان] (سوره هفتاد و ششم قرآن)	The Man
دهری مسلک	materialist, atheist
ده فرمان موسی(ع)	Ten Commandments, Decalogue
دیّان (اسم الهی)	The Reckoner
دیانت	religiousness, piety
دیر	monastary, cloister, convent
دَین	obligation, debt
دین	religion
دین آباء و اجدادی	ancestoral religion
دین اسلام	Islam
دین بودایی	Buddhism
دین تائویی	Taoism
دین جاینی	Jainism
دین حنیف	primordial religion, orthodox
دینداری	religiousness, piety
دین زرتشتی	Zoroasterianism
دین سیک	Sikhism
دین مسیحی	Christianity
دین یهودی	Judaism
دیه	blood-money, fines, blood-wit

ذ

ذات	essence
ذات الهی	Divine essence, Divine being
ذات متعالی	Supreme Being
ذاریات (سوره پنجاه و یکم قرآن)	The Scatterers
ذبح	slaughter, sacrifice
ذبح شرعی	ritually slaughtered
ذبیحه	slaughtered (sacrificed) animal
ذکر (از اسامی قرآن)	The Reminder
ذکر (عرفان)	litany, recollection of God, invocation
ذکر جلی [= ذکر جهری]	recollection with tongue, loud recollection
ذکر خفّی	recollection by heart
ذکر علنیّه	recollection with tongue
ذکر قلبی	recollection by heart
ذکر لسانی	recollection with tongue
ذلّت	humiliation
ذمّه	obligation, bond of protection, legal personality
ذمّی	the protected one, a tributary, a non-Muslim citizen of a Muslim state, non-Muslims paying tribute to the Islamic state
ذنب	sin, fault
ذوالجلال (اسم الهی)	Lord of Majesty, The Glorious One
ذوالفقار	the sword of Imam Ali(ع), lit. two-edged (double-edged) sword
ذوالقرنین	Lord of two centuries, one who has two horns
ذوالمنن	bountiful
ذوالنون	man of the fish, title of Jonah
ذوالیمین	ambidexterous

ر

رئوف (اسم الهی)	The Kind
رابطة العالم الاسلامیة	World Muslim League
رازق (اسم الهی)	The Nourisher, Sustainer
راستین	veritable
رافضی	heretic, extremist shiah
رافع (اسم الهی)	The Exalter
راوی	transmitter of a tradition, narrator, reporter
راهب	Christian monk, monk
راهبانه	monastic
راهبه	nun
راه ضلالت	the path which leads astray
راه مستقیم	straight path
راه نجات و رستگاری	the way of salvation
رأی (در فقه)	personal reasoning
ربّ	The Lord
ربا	usury
رباط (عرفان)	center of a sufi fraternity
رب العالمین	the Lord of the Worlds
رب النوع	archetype
ربّة النوع	goddess
ربوبی	Divine
ربوبیّت	sovereignty of God, Divine lordship, Divinity, sovereignty
رجاء	hope
رجس	filth, sin, abomination
رجعت	resurrection, return
رجعت (در طلاق)	restitution
رجم	stoning to death
رجولیّت	virility, manliness
رجیم (شیطان)	stoned
رحمان (اسم الهی) (سوره پنجاه و پنجم قرآن)	The Merciful, The Beneficient, The All-Mercifull
رحمت	mercy, pity, compassion, loving-kindness
رحمةالله علیه	May God's mercy be upon him
رحمت فرستادن	to invoke God's blessing
رحمة للعالمین	mercy for the [inhabitants of the] worlds
رحیم (اسم الهی)	The Compassionate, All-Compassionate

ردّیه	rebutal
رذیلت	vice
رزّاق (اسم‌الهی)	All-Provider, All-sustaining, he who sustenance bestows
رزق	provision
رسالت (پیام)	message
رسالت (پیامبری)	prophethood, messengership
رساله	epistle
رساله عملیه	explanatory text on the questions of religious injunctions
رستاخیز	resurrection
رستگاری	salvation, felicity
رسول	apostle, messenger, emissary
رسول‌الله	messenger of God
رسوم دینی	sacraments
رشد	moral integrity
رشید	rightly-guided
رضا	perfect contentment, acquiscence, peace in God's will
رضاعی	foster-child
رضایت	satisfaction, good-pleasure
رضوان	keeper of paradise
رضی‌الله عنه	May God be pleased with him
رعایت شعایر دینی	observance of religious decrees
رعد (سوره سیزدهم قرآن)	The Thunder
رفض (نیز ← رافضی)	heresy
رفیع الدرجات (اسم الهی)	The Exalter of Ranks
رقّ (بردگی)	slavery
رقبه	captive slave
رقیب (اسم الهی)	The Watcher
رکعت	a unit (in a prayer), cycle, unit of prostration or genuflection, the unit of ritual prayer
رکن اسلام	pillar of Islam
رکوع	bending, genuflection, bowing
رمضان	the ninth month of Arabic lunar calender, fasting month, the holy month of Ramadan
رمی‌جمرات	throwing of stones (a rite of Pilgrimage to Mecca)
رندانه	libertine
رواقی	Stoic
رواقی‌گرایی	Stoicism
روایت	narration, tradition
روایت کردن	to relate, to narrate
رَوْح	scent
روح	spirit
روح‌الامین (جبرییل)	the faithful spirit, i.e. Gabriel, lit. the trustworthy spirit
روح القدس	Holy Spirit, the Holy Ghost
روح الله (عیسی ع)	spirit of God
روحانی	spiritual
روحانیت (معنویت)	spirituality
روحانیت [= روحانیون]	clergymen, theologians
روز الست (عرفان)	Day of the Covenant
روزه	fasting
روشنفکران مذهبی	religious intelligentsia

روضه	recital of the tragedies of Karbala, homiletic sermon recitation of the afflictions of Imams
روضة (مقبره)	holy shrine of religious leaders, mausoleum
روضه‌خوان	professional narrator of the tragedies of Karbala, preacher
روضه‌خوانی	meeting for the recital of the tragedies of Karbala, recitation of martyrologia
روم (سوره سی‌ام قرآن)	The Romans
رؤیت الله	vision of God
رهایی از دنیا	emancipation from worldly possession
رهایی بخش از گناه	redemptive
رُهبان	monk
رهبانی	monastic
رهبانیّت	monasticism, asceticism, monkery
رهبر (عرفان)	guide, master, shaikh
رهن	pawning
ریاء	hypocrisy, ostentation
ریاضت کشیدن (عرفان)	ascetic practices
ریاضت‌کشی	asceticism
ریاکاری	hypocrisy, dissimulation

ز

زاویه (تصوّف)	monastary, small sufi convent, lit. corner
زاهد (اهل ریاضت و زهد)	ascetic, abstinent
زاهد (متقی)	pious, ascetic
زایر	pilgrim
زبانیه (فرشتگان پاسدار جهنم)	guards, angels in charge of Hell
زبور داود(ع)	Psalms
زخرف (سورهٔ چهل و سوم قرآن)	The Ornaments, The Emblishments
زرتشت	Zoroaster
زرتشتی (گری)	Zoroasterian(ism)
زقّوم (در جهنم)	an infernal tree
زکات [= زکوة]	Islamic poor tax, obligatory alms, tithe, legal alms, alms tax
زکات دادن	alms giving
زکات فطرة	alms given at the end of fasting month
زکات واجب	obligatory alms
زکریّای نبی(ع)	Zacharias
زلزال [= الزّلزلة] (سورهٔ نودو نهم قرآن)	The Earthquake, The Shaking
زُمَر (سورهٔ سی و نهم قرآن)	The Companions
زمینی (در مقابل آسمانی)	corporal, terresterial
زنا	fornication, adultery
زنا با محارم	incest
زنا به عنف	rape
زنّار	the belt worn by Christians and Jews in Muslim countries, infidel's girdle
زنای محصنه	adultery
زنجیرزدن	self-flagellation with chains
زندقه	heresy, Manichaean heresy
زندیق	heretic, dualist
زنده به گور کردن دختران	female infanticide
زهد (تقوی)	asceticism, abstinence, piety
زهد (ترک دنیا)	renunciation (of the world)
زیارت	visiting the holy places, visit, pilgrimage
زیارتگاه	shrine, object of pilgrimage, visiting place
زیدیّه در اسلام	Zaidites, Zaidis

س

سابق (عرفان)	preceding one
سابقون	the Foremost
ساحر	sorcerer
سادات	descendents of the Prophet
ساراسینها (عربها و توسعاً مسلمانان)	Saracenes
ساعات شرعی	canonical hours
ساعة (قیامت)	the day of judgement, the Hour
سال قمری	lunar year
سال هجری	Anno Hegira, A.H.
سالک	spiritual literant, adept, wayfarer, disciple
سامری	Samaritan
سامی	Semitic, Semite
سایل	beggar
سبا (سوره سی و چهارم قرآن)	Sabā (Sheba)
سَبت	Sabbath
سبحان الله	Praise be to God, Glory be to God
سبحه (تسبیح)	rosary
سبط	tribe
سُبّوح (اسم الهی)	All-Pure, Glorified
سبوی عشق (عرفان)	the Pitcher of love
سبیل‌الله	path (way) of God
ستایش	praise, laud
ستر (عرفان)	veil
ستر عورت	to cover the private part
سجّاده	prayer mat, prayer carpet, ritual carpet
سجاده نشین (عرفان)	one who sits on master's ritual carpet, the successor
سجده = سجود	prostration
سجده (سورهٔ سی و دوم قرآن)	Thə Prostration, The Adoration
سِحر	magic, sorcery
سَحَری [= سُحور]	food eaten before the dawn on fasting
سخاوت	generosity
سخن مقدس	sacred utterance
سخی	generous
سدرة المنتهی	lote-tree, lotus tree
سرّ (راز)	mystery
سراج منیر (از القاب پیامبر (ص) در قران)	the shining lamp
سرّ الربوبیة	mystery of lordliness
سرگردانی روحی	spiritual wandering
سرمد	eternal, everlasting

سرمدّیت	perpetuity
سرنوشت	destiny
سرود دینی	psalm
سریع الحساب (اسم الهی)	Swift at Reckoning
سریع العقاب (اسم الهی)	Swift in Prosecution
سریه (تقریباً برابر با صیغه)	concubine
سریه	a military expedition
سعادت	happiness, felicity
سعادت‌ابدی	eternal success
سعد	auspicious
سعداصغر	a lesser lucky star
سعد اکبر	a greater lucky star
سعیر (اسامی جهنم)	flaming Fire, Hell
سفسطه	sophism
سفینهٔ نوح(ع)	The Ark of Noah
سَقَر (جهنم)	scorching heat, hell
سُکر	intoxication, drunkenness
سُکرآور	intoxicating
سکینه (آرامش)	ataraxia
سُلاله	progeny, dynasty
سلام	salutations, greeting, peace
سلام (اسم الهی)	The Peace, All-Peaceable
سلامٌ علیکم	peace be on you
سلسله (عرفان)	chain of mystics, chains of initiation, spiritual lineage, sufi order
سلسلهٔ اسناد یک حدیث	chain of authority of transmission
سلسلهٔ روایت	chain of transmitters
سلفیه (از نحله‌های اسلامی)	Salafide, Salafiyya
سلوک (تصوف)	treading a path, wandering, conduct
سلیمان‌نبی(ع)	Solomon
سماء	heaven, sky
سَماع (تصوف)	mystic singing or dancing, whirling, lit. hearing
سماوات	the heavens
سماوات سبع	the seven heavens
سمیع (اسم الهی)	The Hearing, The All-Hearing
سنّت	law, normative custom, tradition
سنت رسول الله(ص)	practice of the Prophet(ص), the way of living and acting of theProphet(ص)
سنّتی	traditional
سند	document, evidence
سندیّت	authenticity, originality
سنّی	Sunnite, Sunni, Sunnism
سوادالاعظم (اهل سنت)	majority of Muslims
سوء	ugliness, evil
سوخته (عرفان)	enflamed
سوره (قرآن)	chapter (of the Qur'an), sura, lit. fence or enclosure
سوزاندن مردگان (بودایی)	cremation
سوگند خوردن	taking an oath, swear
سوگند وفاداری	oath of allegiance
سوگواری	mourning
سهروردیه	Suhrawardiyya
سهم امام	lit. portion of Imam, half of Khums

سیادت (زعامت)	sovereignty
سیادت (اولاد رسول)	descendance of the Prophet(ص)
سیّئه	ugly deed or thing
سیّد	a chief, a descendent of the prophet(ص), prince, lord, Seyyed
سیدالشهدا (لقب امام حسین ع)	Chief of the martyrs, arch-martyr
سیّدة	the lady
سیرت	character, conduct, way of life
سیرة النّبی	Biography of the Prophet(ص)
سیف الله (لقب حضرت علی ع)	The Sword of God
سینه‌زنی	beating the breast with the hands, a kind of mourning
سیّئة	bad deed, evil

ش

شادروان may his soul be happy

شاذّ abnormal, rare

شاذلیّه (از سلسله‌های تصوف اسلامی) Shadhiliyya

شارع law-giver, legislator

شافعی Shafi'ite

شافی (اسم الهی) The Healer

شاکر (اسم الهی) All-Grateful

شام (سوریه) Syria

شاهد (اسم الهی) The Witness

شاهد (فقه) witness

شاهد (عرفان) charming beloved

شبخیز One who rises at midnights

شب‌زنده‌دار vigilant during the night

شبیه‌سازی (در تعزیه و عزاداری محرم) simulation in Mohrram passion plays

شجرهٔ ممنوعه forbidden tree

شجره‌نامه genealogical table

شرّ evil, wrong

شرارت vice

شُرب خمر drinking wine, wine-drinking

شرح (برمتون) commentary, explanation, exposition

شرط (در معاملات) condition

شرع divine law, religious law

شرع اسلام Islamic law

شرعی legal, canonical, lawful, religious

شَرَف honour, dignity, highest honor

شرفاء nobles

شرق شناس Orientalist

شرق‌شناسی Orientalism

شرقی (در مقابل غربی) Oriental,Eastern

شرک polytheism, idolatry, lit. associationism, envisaging a partner for the Divinity, compromising God's inviolable Unity, the cardinal and only unforgivable sin in Islam

شریعت divine law, religious law, sacred law, lit. broad path, highway, the road leading to water

شریعت اسلام the law of Islam

شریعتگذار religious law-giver

شریف (حدیث) noble

شریف مکّه the guardian of Ka'aba

شطح theopathic locution, ecstatic utterance, paradox

شطحیات صوفیه ecstatic statements, paradoxes, theopathic locutions

شعایر دینی religious rites, sacraments, rituals

شعب ابوطالب Abu-Tālib defile or mountain-pass

شعبان the eight month of Arabic calendar

شعراء (سورهٔ بیست و ششم قرآن) The Poets

شعر عرفانی mystical poetry

شعوبیّه Nationalists, Racists

شعیب نبی(ع) Shoab, Jethro

شفاعت intercession, mediation

شُفعه (حقّ) pre-emption (right of)

شفیع intercessor, mediator

شقّ القمر splitting of the moon

شکّاک sceptic

شکاکیّت، شکّاکی‌گری scepticism

شُکر gratitude

شکرانه gratitude

شکرنعمت thanks giving, acknowledgement of favours

شکنجه و آزار مسلمین (در صدر اسلام) hardship and persecution

شکور (اسم الهی) All-Thankful

شمس (سورهٔ نود ویکم قرآن) The Sun

شوّال the tenth month of Islamic lunar cadendar

شوری (سورهٔ چهل و دوّم قرآن) The Counsel, The Council

شوق (عرفان) ecstacy, longing, zest

شهادت (عالَم) the visible, witnessed

شهادت (گواهی) testimony of faith

شهادت دروغ false witness

شهادت (مقام شهید) martyrdom

شهادت به ایمان confession of faith

شهادتین creed or formula of the Islamic faith witnessing or attesting to the formula: "there is no god but Allah, Muhammad is the messenger of Allah."

شهادت دادن to attest, testimony, witness, testify

شهادتگاه site of martyrdom

شهر (ماه) month

شهرحرام (محرّم...) sacred month

شهرهای مقدس (از جمله مشهد، قم، کربلا، نجف، مکه، مدینه) shrine cities, sacred towns

شهود (عرفان) divine vision, imagination contemplation, witnessing

شهودی intuitive knowledge, imaginal

شهید (گواه) witness

شهید martyr

شهید (اسم الهی) Witness

شیث نبی(ع) Seth

شیخ tribal leader, chief, a religious dignatory, a master, shaikh

شیخ (عرفان) saint, shaikh, pīr, sufi master

شیخ اشراق (عرفان) لقب سهروردی Master of Illumination

شیخ الاسلام Shaikh al-Islam, a high religious dignatory, head of the

religious communities in the cities
grand sufi master شیخ الشیوخ (عرفان)
Shaikhis شیخیه (در اسلام)
Satan, Devil, Demon شیطان
accursed Satan شیطان رجیم
the follower, shia شیعه
followers (partisans) of Imam Ali(ع)
shi'a
Twelver, Imamite شیعه دوازده امامی
Shi'ite شیعی
Shi'as, Shi'ites شیعیان

ص

Säd ص [صاد] (سورهٔ سی و هشتم قرآن)
Sabian صائبی (صبّی)
the Patient, the Steadfast صابر (اسمای حسنی)
patient, steadfast صابر
Lord of our Age, Lord of the Time صاحب الزّمان
lawgiving-prophets صاحب شریعت (اولوالعزم)
a person endowed with a miraculous power صاحب کرامات
true, truthful صادق
The Rangers صافات (سورهٔ سی و هفتم قرآن)
righteous صالح
good works, good deeds, wholesome deads صالحات
creator, artificer, demiurge صانع
zephyr صبا
patience, fortitude, steadfastness,endurance صبر
the colouring of God صبغة‌الله
patient صبور
The Very Patient صبور (اسم الهی)
Sabian, Sabean صُبّی (صائبی)
Companions صحابه
Companion صحابی
Six Reliable Tradition Collections صحاح ستّه
company صحبت (عرفان)
validity صحت (معامله)
sobriety صحو (عرفان)
right, righteous, valid, sound صحیح
record of deeds صحیفهٔ اعمال
Prayer Collection of Imam Sajjad صحیفهٔ سجادّیه
dower money, nuptial gift صداق
veracity صداقت (پیامبران الهی)
breast صدر (عرفان)
truthfulness صدق
alms, alms-giving, voluntary alms صدقه
truthful, sincere, devotee صدّیق
the right path, straight path صراط مستقیم
grammar صرف و نحو
minor صغیر
The Ranks صف (سورهٔ شصت و یکم قرآن)

صفاء	purity, clearness, clearity
صفات الهی (ربوبی)	Divine attributes, attributes of God
صفات ثبوتیّه	positive attributes
صفات ذات	attributes of essence
صفات رذیله	lower qualities, evil attributes
صفات قدیم	eternal qualities
صفای روح	serenity, purity of the soul
صفّین (جنگ...)	Siffin (the Battle of...)
صلح حدیبیّه	Hudaibyyah armistice
صلات	ritual prayer
صلوات بر پیامبر(ص)	benediction upon the Prophet
صلهٔ رحم	strengthening the ties of kinship, union of kindred
صلی‌اللّه علیه و سلّم	God bless and preserve him, On whom be greeting and salutation, Upon whom be peace
صلیب	the cross
صلیبیّون	Crusaders
صُمّ	deaf
صمد (اسم الهی)	The Eternal, The Established, The Impenetrable
صمدیّت	eternity
صنم	idol
صنم‌پرستی (بت پرستی)	idolatry
صهیونیسم [= صهیونیة]	Zionism
صواب	right, just
صوراسرافیل	Israfil's Trumpet
صوف (عرفان)	wool
صوفی	sufi, mystic
صوفیگری، صوفیگرایی	sufism, mysticism
صوم	fasting (particularly during Ramadan)
صومعه	convent, monastry, abbey
صیام	fasts
صیغه	to marry a woman for a limited period, temporary marriage, concubine

ض

ضارّ (اسم الهی)	The Punisher, The Distresser
ضالّین (گمراهان)	those who go astray
ضحی (سورهٔ نود و سوم قرآن)	The Morning, The Early Hours
ضد اخلاقی	amoral
ضداسلامی	anti-Islamic
ضد روحانیت	anticlericalism
ضرار	damage
ضریح	tomb, grave, burial chamber
ضلالت	error, astray, to go astray
ظلم	wrongdoing, oppression
ضمان	surety, civil liability
ضمانت	bail, security, sponsorship

ط

طارق (سورهٔ هشتاد و ششم قرآن) — The Night-Star, The Night Comer
طاعات — acts of devotion
طاعت — worship, devotion
طاغوت — the devil, an idol, false god
طاغوتی — demonic, paganist
طالب آخرت — one who seeks the other world
طالب دنیا (عرفان) — one who seeks the world
طالب علم (طلبه) — religious student
طالب مولا (عرفان) — one who seeks Lord
طالع بینی — horoscopy
طالوت — Saul
طامات — vainglory, incoherent speech
طاهر — the holy, clean, pure
طایفه — clan
طبع (عرفان) — nature
طبقات آیات — classes of ayas, groups of ayats
طریقت (راه عرفانی) — the way, the path, the spiritual way, mystial path
طریقت (سلسلهٔ عرفانی) — an esoteric (sufi) order, fraternity, brotherhood
طریقت محمدی (عرفان) — Muhammadan path
طلّاب — theological students
طلاق (نام سورهٔ شصت و پنجم قرآن) — The Divorce
طلاق بائن — irrevocable divorce
طلاق خُلع — divorce granted at a woman's request
طلاق رجعی — revocable divorce
طلب مغفرت — asking for God's forgiveness
طلبه — student of theology, seminary student
طلسم — talisman, in cantation
طلسم خواندن — pronounce an incantation
طواف — religious circumambulation, cermonial circumambulation of Ka'aba
طوبی (نام درخت بهشتی) — Tubā
طور (سورهٔ پنجاه و دوم قرآن) — The Mount, The Mountain
طور [=طور سینا] — Mount of Sinai
طوفان نوح — The Deluge, The Great Flood
طول الامل — extension of hope
طُوی — a sacred valley
طٰهٰ (سوره بیستم قرآن) — Tā Hā
طهارت (پاکیزگی) — state of purity, purification, ritual purity
طهارت (وضو) — ablution
طُهر (فقه) — period of purity
طی الأرض (عرفان) — folding up of the earth miraculously
طی المکان (عرفان) — to be beyond spatial restrictions
طیّب — pleasant

ظ

ظالم	tyrant, oppressor
ظاهر (اسم الهی)	the Manifest, the Outward
ظاهریّون	Literalists, Formalists, Zahirites school
ظلّ اللّه (لقب سلاطین)	Shadow of God
ظلم	injustice, oppression
ظلمات	utter darkness
ظهار (فقه)	injurious assimilation
ظُهر	the mid-day
ظهور	manifestation, appearance, advent

ع

عابد	worshipper
عاجز	disabled, unable
عادت‌ماهانه	menstruation
عاد (قوم)	people of the Ād
عادل (اسم الهی)	The Just
عادیات (سورهٔ صدم قرآن)	The Chargers, The Assaulters
عارف	mystic, gnostic
عارفانه	mystical, gnostical
عاشورا	Ashurā, the tenth of Muharram on which Imam Husain(ع) is martyred
عاصی	sinner
عاقله	group jointly responsible for the bloodwit
عاقله	the relative who pays the expiatory sum for man-slaughter and other fines
عاکف	a devotee praying in seclusion
عالَم ارواح	world of spirits, hades
عالَم اسلام	the Muslim world
عالَم برزخ	purgatory, limbo, intermediate world
عالَم بقاء	the future state
عالَم جبروت	the world of domination or power
عالَم حیوانی	animal kingdom
عالَم خاکی	the profane world, terrestrial environment
عالَم خلق	this world, the temporal world
عالِم	learned, lit. he who knows
عالِم (اله)(از اسمای حسنای الهی)	the Knower
عالِم دینی	religious scholar, clergy
عالِم ربانی (عرفان)	divinely-inspired master
عالَم نباتی	vegetable kingdom
عالَم سفلی	lower universe
عالَم شهاده	visible world
عالَم علوی	higher universe
عالَم غیب	invisible world, the world of unseen
عالِم الغیب (اسم الهی)	The Knower of the Unseen
عالِم الغیب و الشهادة	The Knower of the Invisible and Visible
عالَم لاهوت	the world of divinity
عالَم مثال	the realm of imagination

عالَم ملکوت: the world of angels, invisible world, the realm of kingdom
عالَم ناسوت: the sphere of humanity, the world of human sense, the present world
عام الفیل: Elephant-year, the year of the Elephant
عایشه (همسر پیامبراسلام): Ayesha, Ā'ishah
عبا: over-cloak
عبادات: acts of worship or devotion, rituals
عبادت: prayer, devotion, act of worship, to serve
عبادت اوثان: idolatry
عبادی: ritual, devotional
عباسیان: Abbasides
عبد (برده): slave, servant
عبد (بندهٔ خدا): worshipper, servant of the Lord
عبدالله (لقب پیامبر ص): His servant
عبری، عبرانی: Hebrew
عبس (سورهٔ هشتادم قرآن): The Frowned
عبودیت: the state of spiritual servitude to God
عتبات: holy shrine towns
عترت (اهل بیت): progeny, family, kins
عتق: manumission, emancipation of slave
عثمان بن عفّان (خلیفه سوم): 'Uthmān ibn 'Affān
عثمانی: Ottoman
عجل الله فرجه الشریف [= عج]: May God hasten his glad advent
عجم: non-Arab
عدالت: justice
عدل الهی: Divine justice
عدل (اسم الهی): The Just
عدوان: aggression
عدّه (در بانوان): legal period of with-drawal, waiting period for remarriage
عذاب: divine chastisement, torture, torment, suffering
عذاب الیم: painful chastisement
عذاب عظیم: great chastisement, great panishment
عذاب قبر: the punishment of the grave
عرب: Arab
عربستان سعودی: Saudi Arabia
عربی: Arabic
عُرس (اصطلاح متصوفه): festivities
عرش الهی: Throne of God, Divine Throne
عُرف: cutomary law
عرفاء: mystics, gnostics
عرفات: Arafāt (lit. the mount of recognition)
عرفان: mysticism, gnosis, theosophy, sufism, divine knowledge
عرفانی: mystical, gnostical, theosophical, Sufi
عرفه: the ninth day of Zihajja
عروبت (پان عربیسم): Arabism
عروة الوثقی: the firm handle

عزاداری: mourning, religious observances and mourning ceremonies
عزّت: honour, glory, majesty, mightiness
عزراییل: the angel of death, Izrael
عزلت: retirement, solitude, going into retreat
عزّ وجلّ: The Glorious God, Almighty, Mighty and Majestic
عُزی: Uzzā (a male idol of pagan Arabs)
عُزیر: Ezra
عزیز (اسم الهی): The Mighty
عُسر و حرج: distress and constriction
عشاء: evening, nightfall
عَشرهٔ مبشّره: The Ten to whom Paradise was promised
عشق (عرفان): passionate love
عشق مجازی (عرفان): methaphorical love
عصای موسی (ع): Moses's rod
عصر (سورهٔ صد و سوم قرآن): The Declining Day, The Afternoon, The Time
عصمت (در ائمه ع): infallibility, inerrancy
عصیان: disobedience
عظیم (اسم الهی): The Great, the Mighty One
عفّت: temperance, chastity, modesty
عفریت: demon, efreet [= freet]
عفو: pardon, forgiveness, remission
عَفُوّ (اسم الهی): All-Pardoning, The Pardoner
عفیف: chaste
عِقاب: retribution, punishment
عقاید: beliefs, doctrines
عقبی: the after-life
عقد ازدواج: marriage contract
عقد جایز: authorized contract
عقد فضولی: unauthorized contract
عقد نکاح: marriage (matrimonial) contract
عقل: intellect
عقل اوّل: the primal intelligence, First Intellect
عقل سرخ (عرفان): the red intellect
عقوبات: punishments
عقود: contracts
عقیده: belief, faith
علامات ساعت یا قیامت: the signs of resurrection
علاّم: all-knowing
علاّم الغیوب (اسم الهی): Knower of Things Hidden
علت غایی (خداوند): Ultimate Cause
علق (سورهٔ نود و ششم قرآن): The Blood-Clot, The Clot
علماء: Ulama',authorities on divine law, religious authorities, clergies, religious scholars, lit. those who know, plural of 'ālim
علم اصول: science of fundamentals or roots of religion
علم الآخره: eschatology
علم الاخلاق: ethics, ethology
علم الاسماء (الهی): knowledge of (divine) names

علم الهیّات — theology
علمای اعلام — the distinguished theologians
علمای درباری (دروغین) — pseudo-ulama
علم الیقین — knowledge of certainty or certitude
علم تجوید — science of recital and reading Qur'an
علم تصوف — sufism, Islamic mysticism
علم تفسیر — disipline of understanding and explaining the Qur'an, exegesis
علم جَفر — apocalypse
علم حدیث — science of traditions
علم حصولی — acquired knowledge
علم حضوری — intuitive knowledge
علم خطابه — rhetoric
علم رجال — studying biographies of the transmitters of hadith
علم صرف و نحو — philology
علم عقاید — scholastic theology
علم غیب — prescience
علم فقه — jurisprudence
علم کلام — scholastic theology, speculative theology
علم لدّنی — inherent knowledge, knowledge imparted by God, knowledge immediately derived from God
علوم خفیّه — occult sciences
علوم دینی — religious studies
علوم عقلی — intellectual sciences
علوم نقلی — transmitted sciences
علوی — celestial
علویّون — Alawites
علی (اسم الهی) — The Exalted One, All-High
علی(ع)، امام اول شیعیان — Ali, 'Alī
علیم (اسم الهی) — The Omniscient, All-Knowing
علیه‌السّلام — Peace be upon him
عمّامه — turban
عمر (خلیفهٔ دوّم) — Umar
عمران نبی(ع) — Imrān (Amran)
عمره — minor Pilgrimage, visitations, lesser Pilgrimage
عمل (عرفان) — religious work or activity
عمل صالح — good deed(s), wholesome deed
عمل عبادی — act of worship, ritual act
عمی — blindness
عنایت (الهی) — (Divine) providence, loving kindness
عنکبوت (سورهٔ بیست و نهم قرآن) — The Spider
عوام الناس — the masses, populace, laymen, laity
عوام‌زدگی — vulgarization
عورتین — the two private parts
عوض (در معاملات) — consideration
عهد (با خداوند) — covenant
عهد (با مردم) — treaty
عهد جدید (انجیل) — New Testament
عهد عتیق — Old Testament
عهدشکنی — breach of promise
عیارّان — vegrants
العیاذبالله — God forbid, I seek refuge

in God
عید — festival, feast
عید تبشیر (مسیحیت) — Annunciation
عیدفطر — the feast of fast-breaking
عیدقربان (اضحیٰ) — festival of sacrifice, the feast of sacrifice, feast of offering
عید مولود پیامبر(ص) — feast of nativity of the Prophet(ص)
عیدین (فطر و قربان) — two major festivals in Islam
عیسی مسیح(ع) — Jesus the Christ
عیسوی — Christian
عین‌الیقین — the eye of certainty, vision of certitude, the essence of certainty

غ

غار حراء	Cave of Hira
غازی	one who fights in the cause of Islam
غاشیه (سورهٔ هشتاد و هشتم قرآن)	The Enveloper, The Overwhelming Calamity
غافر (سورهٔ چهلم قرآن)	The Forgiver
غافرالذنب (اسم الهی)	Forgiver of Sins
غایب (امام زمان،عج)	Invisible, The Vanished One
غبن	fraud, deceit
غدیر خمّ	Ghadir-e khumm
غربزدگی	Westoxication
غزوه	expedition, raid, a military expedition let by the Prophet(ص), religious battle
غسل	major ritual-ablution
غسل ارتماسی	bath by plunging into water
غسل ترتیبی	ordinal bath
غسل تعمید	baptism
غفّار (اسم الهی)	The Forgiver, all-forgiving
غفران	divine forgiveness
غفلت	negligience, neglect, heedlessness
غفور (اسم الهی)	All-Forgiving
غلاة	extremists, zealots, exaggerators
غلبه محبت (عرفان)	entrapured by love
غنا (موسیقی)	music, singing, song
غِنیٰ (بی‌نیازی)	wealth
غَنی (اسم الهی)	The Independent One, Self-sufficient
غنیمت جنگی	spoils of war, pillage, plunder, booty
غوث	help
غوث اعظم (خداوند)	the greatest help
غیاث	One to whom one can cry for help
غیاث المستغیثین	God, one who responds to the cries for help
غیب (عالم...)	the world of invisible, mystry, unseen, absent, hidden
غیبت (عرفان)	absence
غیبت (امام)	occultation
غیبت (بدگویی کردن)	slander, backbite
غیبت صغری	minor occultation
غیبت کبری	major occultation

غیرقابل درک (ذات الهی)	incomprehensible
غیر مذهبی	secular, profane
غیر متناهی	infinite

ف

فاتحه (سوره اول قرآن) The Opening, the preface, the first sūra of.Qur'an
فاتحةالکتاب (سوره اول قران) the opening chapter of the Quran, Sūrat al-Fātiha
فاجر corrupt, wicked
فاسد corrupt
فاسد (در عقود) irregular (contract)
فاسدالاخلاق immoral
فاسدالعقیده heretic
فاسق a reprobate, a sinner, evil doer, sinner
فاطر (اسم الهی) Originator, The
فاطر(سورهٔ سی و پنجم قرآن) The Angles
فاطمیّون Fatimids
فال نیک good omen
فانی temporal
فتّاح (اسم الهی) The Opener
فتح (سورهٔ چهل و هشتم قرآن) The Victory
فترت (وقفه در نزول وحی) interval between revelations, cessation
فتنه trial, testing
فتوّت chivalry, manly virtue
فتوح (عرفان) unsolicited gifts or donations
فتوحات مکیّه (عرفان) Meccan Revelations
فتوی legal opinion, religious or judicial opinion or sentence pronounced by an expert, the opinion, religious decree
فتی (عرفان) manly, youthful
فتیان (عرفان) جمع فتیٰ
فجر (سورهٔ هشتاد و نهم قرآن) Day-break, Dawn
فجراسلام Dawn of Islam
فجور wickedness, debauchery
فداشدن در راه هدف self-immolation
فدائیان اسلام Muslim devotees or fighters
فدیه ransom
فرات Euphrate
فراست (عرفان) cardiognosia, soul-reading, discernment
فراعنه Pharoahs
فراغ (عرفان) leisure
فرایض (جمع فریضه) prescribed ritual duties

فرح (عرفان) joy
فرد پرستی (در مذهب) saint worship
فردوس paradise
فرستادهٔ خداوند the messenger of God
فرشته angel
فرشتهٔ اعظم archangel
فرض duty, incumbent
فرض عینی personal (individual) duty
فرض کفایی collective duty
فرعون Pharoah
فرقان (نیز نام سورهٔ بیست و پنجم قرآن) The Distinguisher (a title of the Quran), The Criterion, discrimination, discernment
فرقه (صوفیانه) Sufi order
فرقه (مذهبی) sect, party
فرّه charisma
فرّه ایزدی Divine grace
فروع دین subsidiary rules of religion,
فریضه a religious duty, prescribed ritual duty
فساد corruption
فساد فی‌الارض doing mischief in land
فسخ cancellation, abolition, revocation
فشارقبر straitness of the grave
فصاحت قرآن ephony, eloquence of the Quran
فصّلت (سورهٔ چهل و یکم قرآن) Distinguished
فصوص الحکم (عرفان) Bezels of Divine Wisdom
فضایل virtues
فضل (الهی) (Divine) grace, accomplishment, God's bounty
فضولی (در عقد و معامله) unauthorized
فضیلت virtue, merit, superiority
فطرت innate disposition, the original human nature, primordial nature, original nature
فطریّه alms given at the end of Ramadhan
فعّال لمایرید (اسم الهی) Doer of What He Will
فقر (در عرفان) poverty
فقه jurisprudence, lit. insight, divine law, canonical law
فقهاء jurists
فقهی legal, canonical, Juridical, Juristic
فقیر (فقه) destitute, poor
فقیر (عرفان) supplicant, mendicant
فقیه expert of Muslim law, canonist, jurist, jurisprudent, religius jurist
فلاح felicity
فلسفه philosophy
فلسفه اشراق philosophy of illumination
فلسفهٔ دین philosophy of religion
فلق (سورهٔ صدو سیزدهم قرآن) The Day-break, The Dawn
فناء annihilation, effacement, extinction
فناء فی الشیخ (عرفان) annihilation in the master (pīr)
فناء فی اللّه (عرفان) extinction or annihilation in God

immortality	فناناپذیری
heart, inner heart	فؤاد (عرفان)
booty obtained from infidels	فِیْ
in the way of God	فی سبیل اللّه
Divine emanation	فیض الهی
Most Holy Emanation	فیض اقدس (عرفان)
Holy Emanation	فیض مقدس (عرفان)
The Elephant	فیل (سورهٔ صد و پنجم قرآن)

ق

Qāf	ق (سوره پنجاهم قران)
The Upholder, The Riser	قائم (صفت امام زمان،عج)
He Who Restrains	قابض (اسم الهی)
Two Bow's length (signifying nearness to God)	قاب قوسین
Acceptor of repentance	قابل التوب (اسم الهی)
Cain	قابیل
The Powerful, Almighty	قادر (اسم الهی)
Omnipotent, All-mighty, All-powerfull	قادر مطلق
The Calamity, the Striking	قارعه (سورهٔ صد و یکم قرآن)
Korah, Croesus	قارون
a reciter of the Quran	قاری
religious Judges	قاضی
The Provider of Needs	قاضی الحاجات (خداوند)
chief justice, chief judge	قاضی القضاتْ
menstruation	قاعدگی
astral body	قالب مثالی
Islamic law	قانون اسلام
Canon, Shari'a	قانون شریعت
revealed law	قانون مُنزل
revealed law	قانون وحی
The Omnipotent	قاهر (اسم الهی)
repulsiveness	قبح
cemetry	قبرستان
contraction, depression	قبض
contraction and expansion	قبض و بسط
Coptic	قبطی
the prayer direction, Qibla, facing towards Ka'ba	قبله
compass	قبله‌نما (قطب نما)
acceptance	قبول (در معاملات)
dome	قبّه
The Shrine of the Prophet(ص) at Medina	قبهٔ‌خضراء
Dome of the Rock	قبة الصخره
murder	قتل نفس
decree of God, fate, predistination, lit. measuring out	قَدَر
The Majesty	قدر (سورهٔ نود و هفتم قرآن)
Divine power	قدرت الهی
fatalistic	قَدَری

قدریه (در اسلام) Qadarites, believers in free-will
قدس holiness, sanctity
قدسی divine, sacred
قُدّس سرُّه may his spirit be sanctified
قدوس (اسم الهی) The Holy One, The Most Holy
قدمگاه stepping place of a saint, shrine, lit. footstep
قدیر (اسم الهی) The Omnipotent, Almighty
قدیس saint
قدیم eternal, pre-existent, uncreated
قذف false accusation of intercourse, charging someone with adultery
قرائت قرآن recitation of the holy Qur'an
قرابت affinity, relationship, kinship
قرامطه Qaramites, Qarmathians
قرآن Koran, Qur'an, Holy Quran, Scripture of Islam
قرابت affinity
قرابت سببی causal affinity
قرابت نسبی kinship affinity
قرب proximity
قرب الفرائض proximity caused by performance of ritual duties
قرب النوافل proximity caused by performance of supererogatory prayers
قربانی sacrifice offered to God, sacrifice animal, immolation
قربةً الی الله to win God's favour, to please God
قرض الحسنه goodly loan, loan without interest
قرمطی Carmathian
قریش (سوره صدو ششم قرآن) Qureish
قسط social justice
قَسَم خوردن to take an oath, vow
قسّیس (کشیش) priest, Christian priest
قشری superficial
قصاص lex talionis, retaliation, avenge for blood
قصص (سوره بیست و هشتم قرآن) The Narrative
قصص انبیاء the stories of the prophets, Tales of the Prophets
قصص اولیاء hagiography, hagiology
قصص قرآن the narratives of the holy Qur'an
قضاء pre-destination, divine decree
قضاء (فرایض) to compensate, to make up, belated accomplishment of a religious duty
قضاوت الهی Divine judgement
قضا و قدر fate and destiny
قطب (تصوّف) pole, axis, pivot, pīr
قطع رَحِم severing the ties of kinship
قعود the sitting posture in daily prayers
قلب (عرفان) heart
قَلَم (سورهٔ شصت و هشتم قرآن) The Pen, the primordial pen
قلندر an ascetic, libertine
قمر (سورهٔ پنجاه و چهارم قرآن) The Moon

قَمری lunar
قناعت contentment
قنوت personal prayer
قنوط (نومیدی) despondency
قواعد فقهی legal principles
قوّال (در صوفیه) a mystic singer
قول الفصل (عنوان قرآن) the Distinguished Speech (a title of the Quran)
قوم tribe, community
قومیّت blood kinship, nationalism
قومی (نژادی) ethnic
قوی (اسم الهی) The Strong
قهار (اسم الهی) The Mighty, The Dominant, Intensely severe
قهر الهی Wrath of God
قهریّه (صفات یا اسماء الهی) connected with His Wrath and Majesty
قیادت leadership
قیاس (فقه) analogy, analogical thinking
قیاس (منطقی) deduction, syllogism
قیام (در نماز) standing posture in daily prayers
قیام (قرآنی) uprising, rising
قیام اللیل (شب زنده‌داری) vigil
قیامت resurrection
قیامت (سورهٔ هفتاد و پنجم قرآن) The Resurrection, The Doomsday
قیمومت guardianship
قیوم (اسم الهی) The Self-subsisting, The Eternal

ک

کائنات universe, macrocosm
کاشف (اسم الهی) The Revealer
کافر non-believer, lit. a coverer (of the truth), pagan, truth-concealer
کافرون (سورهٔ صد و نهم قرآن) The Unbelievers
کافی (اسم الهی) The Sufficient One
کاهن soothsayer
کبائرالاثم cardinal sins
کبر pride, haughtiness, magnanimity
کبرویه (از سلسله‌های تصوف) Kubrawiyya
کبریای الهی Divine Glory
کبیر (اسم الهی) The Great One
کبیره (گناه) a cardinal sin (clearly condemned in the Qur'an)
کتابُ اللّه، قرآن The Book, The Holy Qur'an
کتاب دینی یا مقدّس (عام) Scripture, sacred Scripture, holy Scripture
کتاب مبین (قرآن) the manifest book, the Holy Qur'an
کتاب مقدّس (خاص) The Bible, Holy Book
کتب دینی مجعول apocrypha
کتیبه inscription
کثرت (در عرفان) multiplicity
کذب falsehood
کرامات (اولیاءالله) wonders wrought by saints, charismata
کراماً کاتبین Recording angels
کرامت (فیض و برکت) blessing, charismata, gifts of grace
کردار درست orthopraxy
کرّوبیان Cherubim, archangels
کریم generous, noble
کریم (اسم الهی) The Generous, The All-Good
کشتن نفس mortification
کشتی نوح Ark of Noah
کشف (عرفان) revelation
کشف الآیات index of Quranic verses
کشف ایمانی revelation through faith
کشف عقلی revelation through reason
کشف و شهود عرفانی intuition, unveiling experience a revelation, unveiling, inward revelation
کشیش (نیز قسیس) priest, clergyman
کعبه The Holy Shrine at Mecca, Ka'ba, lit. Cube

کفّاره atonement, expiation of sins
کفالت bail, surety
کفر disbelief, blasphemy, infidelity, unbelief, truth concealing
کفران (ناسپاسی) ingratitude
کفن shroud
کفیل gurantor
کلام (علم) scholastic (dogmatic) theology, theology, dialectical theology
کلام اللّه (نیز برابر با قرآن) The Word of God
کلامی (مبحث) theological
کلبّیون cynics
کلمه [= کلمة‌الله] Word, Logos
کلمة الشهاده the testimony of faith, profession of the Islamic creed
کلیسا church
کلیسایی ecclesiastical
کلیم‌الله (لقب حضرت موسی - ع -) The Interlocutor of Allah, lit. speaking companion of God
کلیمی [= مذهب یهود] Judaism
کمال perfection, accomplishment
کنت کنزاً مخفیاً I was a hidden treasure
کنعان (قوم) Canaan
کنیسه synagogue
کنیة (لقب) by-name, father-name, honorary name
کوثر A fountain in Paradise (lit. abundance)
کوثر (سورهٔ صد و هشتم قرآن) The Heavenly Fountain
کون و فساد generation and corruption
کهانت fortune telling, divination
کهف (سورهٔ هجدهم قرآن) The Cave
کیش cult
کیفر retribution
کیمیا alchemy

گ

گبر	Zoroastrian
گدای درویش (تصوف)	mendicant
گرویدن (از یک دین به دین دیگر)	conversion
گمراهی	leading astray
گناه	sin, vice
گناه جبّلی [=گناه اصلی در مسیحیت]	original sin
گناه صغیره	lesser sin
گناه کبیره	cardinal sin, deadly sin
گناهکار	sinner
گناهکاری	sinfulness
گوساله سامری	Golden Calf
گوشه گیری از دنیا	solitude, isolation, reclusion

ل

لائیک (غیرمذهبی)	laical
لا ادریّون	agnostics
لا ادریگری (مکتب)	agnosticism
لا اله الاّ الله	there is no god (diety) but Allah, there is no divinity but the Divine
لااله الاّ هو	there is no god but He
لا مذهبی	irreligiousity
لاهوت	divinity, divine nature revealing itself, the world of negation
لُب (عرفان)	innermost kernel of the heart
لذات جسمانی	sensual pleasures
لایزال	Immortal, eternal
لسان الحال	state of speaking, the silent eloquence, lit. the tongue of the state
لطایف (عرفان)	touches of grace
لطف	grace
لطف الهی	Divine compassion or grace
لطفیّه (عرفان)	connected with God's loving kindness
لطیف (عام)	subtle, kind
لطیف (اسم الهی)	The Subtle One, The Kind
لعان (نوعی طلاق)	legal cursing in marriage, mutual cursing, imprecation
لعن	imprecation
لعنت	curse, execration
لقاءالله	meeting Lord
لقمان (سوره سی و یکم قرآن)	Luqmān
لن ترانی (جوابی که موسی شنید)	Thou Shalt not see me, disappointing reply
لواط	sodomy
لوح محفوظ	The Guarded (Preserved) Tablet, the Well-preserved Tablet
لوط نبی (ع)	Lot
لهب (سورهٔ صد و یازدهم قرآن = مسد)	The Flame
لیل (سوره نود و دوم قرآن)	Lail (The Night)
لیلةالقدر	The Night of Power and Destiny, the night of the first revelation of the Koran, lit. Night of Might

م

مائده (سوره پنجم قرآن) The Table, The Food

مأجوج Magog

مادیّگری (مکتب)، ماده گرایی materialism

مأذون authorized

ماریهٔ قبطیه (همسر پیامبرص) Marry the Copt, Māriyah the Copt

ماسوی الله what is other than God

ماشاءالله what God willeth

ماعون (سوره صدو هفتم قرآن) The Daily Necessaries

مالک الملک (اسم الهی) The Supreme Lord of the Cosmos, Master of Kingdon

مالکی (مذهب اهل تسنن) Malikite school

مانع (اسم الهی) The Withholder

مانوی Manichean

مانویّت Manichaeanism

ماوراءالطبیعه (در الهیات) metaphysics

ماه قمری lunar month

ماه مبارک رمضان the holy month of Ramadan

ماهیّت essence

مایملک possesion

مباح lawful, permissible, allowed, indifferent

مبارک (از اسامی قران) blessed

مبداء اوّل The First Principle

مُبدِع (اسم الهی) The Creator, The Innovator

مبرّات alms

مبلغ دینی preacher, missionary

مبین manifest, clear, plain

مبین (لقب قرآن) The Enlightener, The Manifest

متافیزیک metaphysics

متجدد دینی religious modernist

متحصّن شدن to take sanctuary

متدین orthodox, religious

متشابهات قرآن ambiguous parts of the Quran, metaphorical expressions of the Quran

متعال (اسم الهی) The Exalted, Almighty

متعالی transcendental

متعصّب (دینی) orthodox

مُتعِه temporary marriage, concubine

متقی God-fearing, righteous, pious, guardian against evil

متکبّر (اسم الهی) The Haughty, The Great, The Magnificient

متکلّم (عام) theologian, speculative theologian

متکلّم (اسم الهی) The Speaker

متناهی finite

متواتر successive, widely transmitted

متولی (عام) trustree or administrator of a waqf

متولی یک مکان مقدس guardian of a holy place

متین (اسم الهی) The Strong, The Unshakable

مثال (عرفان) image

مثانی repetitions

مُثُل افلاطونی Platonic ideas

مثنوی (عرفان) Mathnawi

مجادله (سورهٔ پنجاه و هشتم قرآن) The Disputer, The Pleading One

مُجاز permitten, allowed

مَجازات قرآنی figurative expressions of the Quran

مُجازات punishment

مَجازی (غیرحقیقی) unreal

مجاهد warrior in the cause of religion, freedom fighter

مجاهدهٔ (عرفان) struggle, spiritual struggle

مجتهد a law expert (lit. one who strives), expert in the law of Islam, Mujtahid

مجذوب the attracted one, entraptured one, ecstasied, absorbed

مجعول fabricated, spurious

مجملات قرآن the Quranic verses which have variety of interpretations

مجوس Zoroastrian, Magian

مُجیب (اسم الهی) The Assenter

مجید (اسم الهی) The Glorious

محاسبه نفس introspection

محبّ (عرفان) lover of God

محبّت love

محبت ذات (عرفان) essential love

محترم شمردن (مذهبی) veneration, reverance

محدّث traditionist, scholar of hadith

مُحَدث created in time

محراب prayer niche

مَحرَم a near relative with whom one can not marry

مُحرَّم (حرام) forbidden, unlawful, taboo

محرّم (ماه) The Month of Muharram during which Shi'as commemorate the memory and martyrdom of Imam Husain(ع)

محسن benefactor

محصن chaste (married) man

محصنه chaste (married) woman

محصی (اسم الهی) The Numberer

محکمات قرآن essence of the Quran, perspicuous verses of the Quran

محمد (ص) Muhammad
(نیز نام سورهٔ چهل و هفتم قرآن)

محمداً رسول‌الله(ص) Mohammad is the

inessenger of God

محمدی (اسلامی، مسلمانی) Muhammadan

محمود (اسم الهی) The Praiseworthy

محیط (اسم الهی) The Encompassor

محیی (اسم الهی) The Creator of Life

محیط (اسم الهی) The Comprehensive One

مخافت خدا fear of God

مدرّس (علوم دینی) religious teacher

مدرسهٔ علوم دینی theological school, seminary, religious school, madrasa

مدّثّر (سورهٔ هفتاد و چهام قرآن) The Enwrapped One, The Clothed One

مدنی (سوره قرآنی) Madinite suras

مدینه Medina

مدینة النّبی medina, lit. the city of the Prophet

مدینهٔ فاضله utopia, ideal city (state)

مذاهب دروغین (باطل) pseudo-religions

مذاهب اهل تسنّن four Sunni schools of law

مُذّل (اسم الهی) The Abaser

مذهب religious school, school, school of law religion, a school of thought, the way, legal school, a school of juris prudence

مذهب بودایی Buddhism

مذهب تشیع Shi'ite school, Shi'ism

مذهب حنبلی Hanbalite school

مذهب زرتشتی Zoroastrianism

مذهب شافعی Shafi'ite school

مذهب کاتولیک Catholicism

مذهب مالکی Malikite school

مذهب یهود Judaism

مرابطون Almoravids, Marabouts

مراجع تقلید (نگاه کنید به مرجع تقلید)

مراد (تصوف) he who is sought, object of desire

مراقبه meditation, contemplation

مربوب servant

مرتاض ascetic

مرتّد apostate

مرثیه elegy

مرثیه (خوانی) threnode(y), dirge

مرجعیت دینی religious authority

مرجع تقلید marja'-e taqlid, model for imimitation, source of emulation, supreme authority on the law of shari'a

مُرجِئه The Procrastinators, Murjites

مرسلات (سوره هفتاد و هفتم قرآن) The Emissaries

مرشد guider, director, Murshid

مرصادالعباد (عرفان) Mirsād, Mirsād al-ibād

مرقّع patched frock

مروّت manliness, virtue

مرید (تصوف) disciple, follower, adept

مریم (سوره نوزدهم قرآن) Mary

مریم مقدس(س) Virgin Mary

مزارعه leasing the land and receiving part of it's products in return

مزمّل (لقب پیامبرص)(نیز سورهٔ هفتاد و سوم قرآن) The Wrapped One

مزمور Psalm

مسائل اعتقادی dogmas

مساقاة taking care of one's fruit trees and sharing the profit

مستجاب الدعوة One whose prayers are heard

مستحّب recommended, desirable

مستشرق Orientalist

مستضعف oppressed, abased

مستعرب (مسیحیان اندلس) Mozarebs

مستعلیان (از فرق اسماعیلیه) Musta'lians

مستند authentic, authoritative

مستی (در عرفان) intoxication

مسجد mosque, Masjid

مسجدالاقصی The Farthest Mosque

مسجدالحرام The Sacred Mosque

مسجد جامع the chief mosque of a city, the grand mosque

مسجد ضرار mosque of dissension

مسح سر و پا touching of head and feet with wet finger-tips

مَسَد (سورهٔ صد و یازدهم قرآن) Palm-Fibre

مسکر(ات) intoxicating drink(s)

مسکین a poor (needy) person

مُسلِم Muslim, submitter, acceptor

مسلمان Muslim, Musulman

مسیح Messia, Messiah(Jesus), Christ

مسیح‌شناسی christology

مسیحی Christian

مسیحیّت Christianity

مُسیلمهٔ کذّاب Musailamah, the impostor

مشائیون Peripathetics

مشاهده (عرفان) contemplation, vision

مشایخ ـ شیخ sages, shaikhs

مشبّهه Anthropomorphists

مشرق زمین the orient

مشرک polytheist, pagan, idolator, lit. one who has the attribute of shirk

مشروع lawful, canonical, legitimate, licit

مشکلات قرآن ambiguous verses of the Quran

مشکوة الانوار(غزالی) Niche for Lights

مشیّت الهی Divine will, Divine providence, will of God

مصافحه shaking hands

مصطفی elected by God, the Prophet of Islam(ص), lit. the chosen one

مصلح reformer, peace-maker

مصلّی chapel, place of worship

مصلوب نمودن crucification

مصوّر (اسم الهی) The Fashioner, The Form-Giver

مصیبت calamity

مصیبت‌نامه (عرفان) the Book of Affliction

مضاربه a contract of co-partnership

مُضِّل (از اسمای الهی) One who leads astray, the Misguider

مطففین (سوره هشتاد و سوم قرآن) The Defrauders

مطلّقه divorced woman

مطمئنه (نفس)(قرآن ۲۷/۸۹) at peace

مظهر manifestation

مظهرالعجائب locus of manifestation of wondrous things

معاد resurrection, eschatology, the

معاد	day of judgement, the Return
معاد جسمانی	bodily or corporeal resurrection
معادشناسی (مبحث معاد)	eschatology
معارج (سوره هفتادم قرآن)	The Ways of Ascent
معارف اسلامی	Islamic sciences and culture
معاملات (در مقابل عبادات)	transactions, human relations and transactions
معامله	the position of Islamic law dealing with transaction
معانقه	embracing
معاینه (مذهبی)	exploration
معبد	temple, shrine
معتبر (از لحاظ سند)	authentic
معتزله	Mu'tazilites, Separatists, refrainers
معتقد	believer
معتقدات	convictions, tenents, beliefs
معجزات	miracles
معراج پیامبر(ص)	Nocturnal Ascent, Ascention, Heavenly Journey of the Prophet(ص), lit. ladder
معرفت	gnosis, divine or intuitive (non-discursive) knowledge
معرفت باطنی	esotericism
معرفت خفّی	gnosis
معرفت شناسی	epistemology
معروف (در مقابل منکر)	in a proper manner
مُعِزّ (اسم الهی)	The Honourer
معصوم	inerrable, infallible

معصیت	sin, disobedience
معطی (اسم الهی)	The Giver
معنوی	spiritual
معوذات/معوذتین	the last two suras of the Quran
مُعید (اسم الهی)	The Restorer
مغرب	evening
مغضوبین	those upon whom the wrath of God is brought down
مغفرت	forgiveness
مُغنی (اسم الهی)	The Enricher
مفاتیح الغیب	keys of sacred knowldge
مُفاخره	boasting
مفتی	juris consult, jurist, expounder of law
مفتی‌اعظم	grand mufti
مفسد	vicious, corrupt
مفسد فی الارض	one who creates trouble on earth
مفسّر	commentator, interpreter, expositor, exegete
مقام (عرفان)	station, stage, place, state the inner permanent realization of a spiritual state or degree
مقام ابراهیم (در مکّه)	the station of Abraham
مقام رجاء	station of hope
مقام محمود	glorious statioin
مقبره	shrine
مقتدر (اسم الهی)	The Powerful, Mighty
مقتدی	worthy to be followed
مقتصد	moderate
مقدَّر	predistined

مقدّس (انسان)	saint
مقدس (اشیاء)	sacred, holy
مقدّم (اسم الهی)	The Advancer
مقرّبین	saints, those who are brought near God
مقسط (اسم الهی)	The Just
مقلّد	conformist, follower of a Mujtahid
مقیت (اسم الهی)	The Determiner, The Present
مکاسب (فقه)	earnings and professions
مکاشفه	apocalypticism
مکاشفه‌ای	apocalyptic
مکافات	retribution
مکتب	school, traditional elementary school
مکرالله	ruse of God, His ruse
مکتب فقهی	legal school
مکروه	reprehensible, disapproved, undesirable, objectionable
مکلّف	burdened
مکّه	Mecca
مکّی (سور قرآنی)	Meccan suras
مُلّا	a learned man, low-ranking clergyman
ملاء	plenum
ملاحده	heretics
ملائکه	angels
ملامت (عرفان)	blame
ملامتیّه (عرفان)	Malāmatis
ملّت (قوم)	community, nation
ملّت (کیش)	creed
ملحد	infidel, heretic, atheist

ملعون	damned
مَلِک (اسم الهی)	The Sovereign
مَلِک الناس (اسم الهی)	The King of Men
مَلَک (فرشته)	angel
مُلک (سورهٔ شصت و هفتم قرآن)	The Kingdom
مَلِک الموت	the angel of death
مَلِک محافظ	guardian angel
ملک مقرّب	archangel
ملکوت (عرفان)	divine nature, angelic world, kingdom of God, realm of angels and powers
ملکوتی	of divine nature, celestial
مِلک یمین	a slave
ملل و نحل	heresiography
ملیک (اسم الهی)	The King
مملوک	male slave
ممتحنه (سوره شصتم قرآن)	The Examined One
مُمیت (اسم الهی)	The Slayer, Creator of Death
مناة (بت عرب جاهلی)	a pagon idol of Mecca
مناجات	supplication, intimate prayer, liturgy, orisons
منادی	the preacher
مناره	pillar, minaret of a mosque
منازل السّائرین (عرفان)	The Stations on the Way
مناسک	sacred rites, rituals
مناسک حجّ	sacred rites of Pilgrimage
مناظرات (از جمله مناظرات امام رضاع)	debates, argumentations

منافق	hyprocrite
منافقون (سوره شصت و سوم قرآن)	The Hypocrites
منّان (اسم الهی)	The Beneficent
منبر	pulpit, podium, minbar
مُنتَظر (امام مهدی عج)	Awaited, Waited for Imam
منتقم (اسم الهی)	The Avenger
منجی	saviour
مندائیه [مذهب ماندایی که فرقه‌ای از صائبین هستند]	Mandaeanism
مندوب	recommended
منزّه	transcendental
مُنزّل	revealed
منسوخ	abrogated, cancelled
منصوب	appointed through will and testament
منطق الطّیر (اثر عطّار)	The Bird's Conversation (conference)
منکِر (خدا)	agnostic
منکرات	sins, taboos, prohibitions
منوّره (مدینه)	luminous
مَنی	sperm
مِنیٰ (و عرفات)	Mina, a well-known altar where animal is sacrificed during Pilgrimage to Mecca
مَنهیّات	forbidden, prohibited things
موالی	clients, freedmen
موبد	Zoroastrian priest
موت (عرفان)	death, bodily extinction
موجودات آسمانی	celestial beings
موحّد	monotheist, theist, unitarian
موحّدین (ملوک شمال افریقا)	Almohads, Almovahids
مؤخّر (اسم الهی)	The Deferrer
موذّن	Muazzin, one who calls to prayer
موسی (ع)	Moses
موصی (وصیت کننده)	legator, testator
موصی له (وصیت شونده)	legatee, to whom a legacy is addressed
موعظه (عام)	admonition, exhortation, sermon, preaching
موعظه (از اسامی قرآن)	The Sermon, Admonition
موعظة حسنة	good exhortation
موقوفه	endowment, endowed
مؤمن	beliver
مولانا	Maulana, Mevlana, lit. our master
مولای متقیان (لقب حضرت علی -ع-)	Master of the Virtuous
مولی	patron, lord, master, client, friend, a slave
مولوی	related to a master
مولویّه (از سلسله‌های تصوف)	Mevleviyya
مؤمن (سورهٔ چهلم قرآن)	The Believer
مؤمن (عام)	believer, faithful
مؤمن (اسم الهی)	All-Faithful, One who leads shelter
مؤمنون (سوره بیست و سوم قرآن)	The Believers
موهبتی (عرفان)	charismatic
مهاجرین و انصار	The Emigrants and the Helpers
مهتدین	those who are rightly guided

مهدی (ع)	Mahdi, (lit. the directed or guided one)
مهذّب	refined, pure
مُهر (در نماز)	prayer bead
مِهر (صداق)	dowry, bride price
مُهیمن (اسم الهی)	The Protector
می (عرفان)	wine of love
میته	carrion, dead animal
میثاق	covenant, compact, convention
میثاق الهی	primordial covenant
میراث	inheritance, legacy
میزان	balance
میسر (قمار)	gambling
میقات	certain locations for beginning Haj
میکاییل (نام فرشته‌ای)	Michael

ن

ناجیه (یعنی فرقه یا مذهب رستگار) — the saved sect
نادعلی(ع) — *Nādi-Ali*, name of a certain amulet, call upon Imam Ali
نادم — penitent, repentant
نار (اسم جهنم) — Hell, the Fire
نازعات (سورهٔ هفتاد ونهم قرآن) — Those Who Pull out
ناس (نام سورهٔ صد و چهاردهم قرآن) — The Mankind, The Masses, The Populace, The Men
ناسخ — abrogating
ناسوت — human nature, sphere of humanity and creation, world of body
ناسوتی — secular, humane
ناصره (زادگاه عیسی مسیح ع) — Nazareth
نافرمانی (از امر خدا) — disobedience
نافع (اسم الهی) — The Profiter
نافله — supererogatory prayer
ناقلین حدیث — transmitters of hadith
نامتناهی — infinite
نامشروع — illegal, unlawful
نامهٔ اعمال — book of deeds
نایب امام(ع) — Representative of Imam(ع), the deputy of Imam(ع)
نبأ (سورهٔ هفتاد و هشتم قرآن) — The Tiding, The Great News
نبوّت — prophethood, prophecy
نبی — prophet, apostle, nabi
نجات و رستگاری — salvation, redemption
نجاست — ritual impurity
نجاشی (در زمان پیامبر پادشاه حبشه) — Negus
نجس — ritually unclean, impure
نجس کردن — to defile
نجم (سورهٔ پنجاه و سوم قرآن) — The Star
نحر — cutting the jugular vein of a camel
نحس — inauspicious
نحل (سورهٔ شانزدهم قرآن) — The Bee
نحو (صرف و نحو) — grammar
نذر — vow, offering, oblation, dedication
نذر و نیاز — vows and oblations
نذیر(از القاب پیامبر) — The Warner
نزاریه — The Nizaris
نزدیکی به خداوند — proximity to God
نزول قرآن — the revelation of the Quran

نساء (سوره چهارم قرآن) — The Women
نستعلیق — a style of writing the holy Qurán
نسخ — abrogation, recission
نسطوری — Nestorian
نُسُک — religious services
نسیان — oblivion, forgetfulness
نُشوز — infidelity of a wife
نصّ — divine decree, text, textual proof, divine testament or ordination
نصاری — Christians, Nazarenes
نصر (سوره صدو دهم قرآن) — The Help
نصرانی — Christian
نصرانیّت — Christianity
نصیر (اسم الهی) — The Helper
نطفه — sperm
نظام توحیدی — monotheistic order (system)
نظام دینی — religious order (system)
نَظَر (عرفان) — looking of the shaykh
نظم‌السلوک (عرفان) — Order of the Progress
نعت رسول — a poem in the praise of the Prophet(ص)
نعلین — open- heeled slippers
نعمت — blessing, favor
نفاق — hypocrisy
نفخ صور — blowing of trumpet (the blast of the judgement day)
نفرین — curse
نفس — soul, lower soul, psyche, animal soul, self
نَفَس الرحمن (عرفان) — Breath of the Merciful
نفس امّاره — carnal soul, soul that commands to evil
نفس حیوانی — animal soul, lower soul
نفس لوّامه — self-blaming soul, blaming soul
نفس مطمئنّه — soul which is at peace with God, soul at peace
نفس مَلَکی — angelic soul
نفقه — maintenance, contribution
نفی دنیا — negation of the world
نقص (در مقابل کمال آدمی) — imperfection
نقل روایت — to report a tradition, to narrate a tradition, to quote a hadith
نقباء — substitutes
نقلی (در مقابل عقلی) — traditional
نقیب — guardian of Ka'ba, representative, lit. chief, head
نکاح — marriage
نکیر و منکر — Nakir and Munkar, examining angels in the grave
نماز — prayer, ritual prayer, liturgical prayer
نماز جماعت — congregational prayer
نماز جمعه — Friday prayer
نمازخانه — chapel
نماز شب و سحر — vigil, nocturn, night vigil
نماز عشا — nightfall prayer
نماز عصر — afternoon prayer
نماز میت — funeral prayer
نماز یومیه — daily prayer
نمرود — Nimrod

نمل (سورهٔ بیست و هفتم قرآن)	The Ant
نواب اربعه	The four deputies of the Twelfth Imam
نواب خاص	specified deputies
نوافل	supereroragatory prayers
نواهی	religious injunctions
نوح(ع)(نام سوره هفتاد و یکم قرآن)	Noah
نوحه	dirge, lamentation
نور (اسم الهی) (نیز نام سورهٔ بیست و چهارم قرآن)	The Light
نورالانوار	the light of lights
نورمحمدی	the original essence of the prophet Muhammad (ص), Mohammadan light
نهج‌البلاغه	Nahj al-Balaqa, lit. the path of eloquence
نهضت	movement
نهی از منکر	forbidding the evil, prohibition of vice, prevention of evil-doing
نیاپرستی	ancestor worship
نیاز (عرفان)	asking, petitioning
نیایش	intimate prayer
نیّت	intention to perform prayer, formulation of the intention

و

واجب	obligatory, incumbent, mandatory, prescribed
واجب الوجود (خداوند)	necessary being
واجب عینی	obligatory for each one
واجب کفایی	obligatory for the community
واحد (خداوند)	The One
وارث (عام)	heir
وارث (اسم الهی)	The Possessor, The Inheritor
وارد (عرفان)	visitation
واردات (عرفان)	divine contingencies
واسع (اسم الهی)	The Capacious, All-Embracing
واعظ	preacher
وافی (شرح)	exhaustive description
واقعه (سورهٔ پنجاه و ششم قرآن)	The Event
واقعهٔ کربلا	Karbala drama
واقعیت غایی (خداوند)	ultimate reality
واقفیّه (فرقه)	Waqifites
والی (اسم الهی)	The Reigning
والی	governor, ruler
وتر (نماز)	an odd prayer having only one rak'at
وثن	idol, fetish (fetich)
وثنیت	fetishism, idolatry
وجد (تصوف)	ecstasy
وجدان	conscience
وجوب شرعی	necessity by the law of shari'a
وجود	existence, being
وجود متعالی	Divine Being, transcendental being
وجود مجرّد (الوّهیت)	Numen (latin)
وجود مطلق (خدا)	Absolute Being
وجوه شرعی	religious taxes, legal alms
وجه‌الله	God's face
وحدانیّت	oneness, doctrine of the unity of God
وحدانیت خداوندی	Divine unity
وحدت	monism, unity
وحدت اسلامی	Pan-Islamism
وحدت الهی	Divine unity, the oneness of God
وحدت عرفانی	unity of being, mystical union
وحدت موجود	pantheism
وحدت وجود (عرفان)	existential

monism, unity of being, unity of existence, transcendental unity of being

وحی — revelation

وحیانی (مبتنی بر وحی) — revelational, revealed

ودود (اسم الهی) — The Loving One, The Loving-beloved

ورتراغنه (بهرام)، خدای جنگ در دین زرتشتی — Verethraghna

ورد (عرفان) — litany, recollection

ورع — abstinence

وسواس (در اجرای احکام) — doubt, concering orthopraxy

وصال (عرفان) — union (with God)

وصایت — successorship, entrustment

وصل (عرفان) — union (with God)

وصی — legatee

وصیت — testament

وصیتنامه — will

وضو — ritual ablution

وضو گرفتن — to undertake ablution

وطی — sexual intercourse

وظیفهٔ دینی — religious (ritual) act

وعظ — preaching, sermon, admonition

وفای به عهد — fidelity

وفور نعمت — affluence

وقت (عرفان) — moment, time

وقف — religious or pious endowment, religious endowment, consecration

وقف خاص — private endowment

وقف عام — public endowment

وقوف (در عرفات) — staying in ‘Arafat

وکیل (اسم الهی) — The Guardian

ولاء — friendship, devotion

ولاء عتق — relation between a master and a freed slave

ولایت — saintship, vilayat, sanctity, sainthood

ولایت عامّه — general saintship

ولایت خاصه — special saintship

ولایت فقیه — vilayat-e faqih, sanctity of Jurisprudent

ولد الزناء — bastard, illegitimate child

ولی (صغیر) — guardian, the nearest relative next of kin

ولی (عرفان) — saint, vali, friend of God

ولی الدّم — blood-wit, next of kin

ولی‌الله — a saint, a friend of God, vali par exellence

وهّاب (اسم الهی) — The Bestower, The Bountiful

وهابیّت — Wahabites, Wahabism, Wahhabi movement

ه

هابیل (پسر حضرت آدم) — Abel

هاجر — Hagar

هادی (اسم الهی) — The Guide, The Guiding One, One who guides right

هارون — Aaron

هاویه — a part of Hell

هُبَل (بت قریش) — Hubal (the great idol of Quraysh)

هبه — gift, donation

هبوط (آدم از بهشت) — The Fall

هجرت — emigration (from Mecca to Medina), Hijra, hegira

هدایت — guidance

هدی (هدی للمتقین) — right guidance

هدی (از اسامی قرآن) — The Guidance

هَدْی (قربانی) — cattle sacrificed at Mecca

هُمَزه (نام سورهٔ صد و چهارم قرآن) — Back-biter, The Slandered

هلال ماه نو — new moon, crescent moon

همّت (عرفان) — high spiritual ambiton of the saints

هو (تصوف) — He, the major Sufi pronoun of Godhood

هود (سوره یازدهم قرآن)، هود نبی(ع) — Hud

هورقلیا (قالب نجمی، در حکمت اشراق و کلام شیخیه) — corps astral

هوشیاری (در مقابل مستی) — sobriety

هویٰ — caprice

هویٰ و هوس — lust and covetous desires

هیئات مذهبی — religious gatherings

هیاکل النّور (عرفان) — The Altars of Light

هیبت (در عرفان) — respect, reverence, awe

Zwickau prophets م. پیامبران زویکاوو. گروهی از آناباپتیستها که سعی کردند در زویکاوی ساکسونی حکومتی (روحانی) انتخابی را به وجود آورند

Zwingli, Urich م. اوریخ زوینگلی (۱۵۳۱ - ۱۴۸۴) مصلح مسیحی از اهالی سوئیس که با پاره‌ای از نظریات کلیسا و حتی لوتر مخالف بود

ی

یائسگی	menopause
یأجوج و مأجوج	Gog and Magog
یتیم	orphan
یثرب	Yathrib, Medina
یحیی(ع)	John
یس [= یاسین: سورهٔ سی و ششم قرآن]	Yā-seen
یعقوب نبی(ع)	Jacob
یقین (عرفان)	certitude
یکتا (خداوند)	Absolute One
یکتایی خداوند	absolute oneness
یگانگی	oneness
یمین (سوگند)	oath
یوسف(ع)	Joseph
یوشع	Joshua
یوم الآخر (قیامت)	Last Day
یوم الحساب	the Day of Reckoning
یوم الحشر	the Day of Assembly, Doomsday
یوم الدین	Day of Reckoning, Day of Judgenent
یوم الست	Day of Alast, Day of Covenant
یوم الفصل	Day of Judgement
یوم الفطر	Day of breaking the fasts
یوم القیامة	The Day of Resurrection
یوم معلوم	the known day
یوم الوعید	The Day of Threatening
یومیه (نماز)	daily (Prayer)
یونس نبی(ع) (نام سورهٔ دهم قران)	Jonah
یهودای خائن	Juda
یهود ستیزی	anti-semitism
یهودی (قوم)	Jew, Jewish
یهودیّت (یهودیگری)	Judaism, Jewishness
یَهُوَه	Jehovah

In the name of God

Dictionary of Religion

A Concise edition of religious and mystical terms

(Persian – English – Persian)

Second Edition

Including the terms of:
Buddhism, Christianity, Confucianism, Islam, Jainism, Judaism, Mysticism, Shintuism, Sikhism, Taoism, Zoroasterianism

Compiled by:
A. Gavahi (Ph.D.)

A

Aaron هارون.برادر بزرگتر حضرت موسی(ع)

Ab آب، ماه پنجم سال مقدس عبری (یهودیان روز نهم این ماه را به خاطر تخریب معبد اورشلیم در سال ۵۸۶ ق.م. روزه‌می‌گیرند

Abaddon ابدّون. واژه‌ای به معنای «تخریب» که در گفتار حکیمانهٔ تورات در وادی موت به کار می‌رود؛ همچنین در مکاشفهٔ یوحنا (باب نهم، آیهٔ ۱۱) نام فرشته هاویه است

abba ابّا ـ ابّ. واژهٔ آرامی به معنای «پدر» که در سه نوبت در انجیل برای استغاثه به درگاه خداوند به کار رفته است

Abbasids (or Abbasid Caliphate) خلافت بنی‌عباس (۷۵۰ تا ۱۲۵۸ میلادی)

abbess رئیس راهبه‌ها، راهبهٔ بزرگ وارشد

abbey دیر، صومعه، خانقاه،کلیسا؛ کلیسای وست‌مینستر در انگلستان

abbot رئیس راهبان، راهب بزرگ؛ در کلیسای غربی (Western Church) به سرپرست کلیسا گفته می‌شود

abd (slave) عبد، بنده و برده

Abel هابیل، پسر دوم آدم و حوا، گله‌بان (سِفر پیدایش، باب چهارم آیهٔ ۲)

Abelard, peter فیلسوف و متکلم مسیحی (۱۰۷۹ ـ ۱۱۴۲ م) که این نظریه را در باب کفّاره گناهان توسط عیسی(ع) بیان کرد که عیسای دردکش فقط نمونه‌ای متعالی برای ما است و نه چیز دیگری

Abhidhamma Pitaka ابهیداما پیتاکا. بخش سوم از کتاب مقدس شریعت بوداییان که در آن پدیده‌های مادی و ذهنی تحلیل می‌شوند؛ سبد معارف متافیزیکی

Abhidhammattha Sangaha ابهیداماتها سنگاها کتاب درسی راهبان بودایی در سریلانکا

Abhinna (p. Abhijna) ابهینا. واژهٔ بودایی به معنای قوا و نیروهای روحی متعالی؛ حالات بینشها و معرفتهایی که با ریاضت دیانا حاصل می‌شود

Abhiseka ابهیسکا. واژهٔ بودایی به معنای وقف

Abiku ام. در میان قبیلهٔ یوروبا (از بومیان امریکای شمالی) به معنای روح بچه‌ای که در هفتهٔ اول تولد از دنیامی‌رود؛ روح خشنی که به دنبال بازگشت به عالم توحش می‌باشد

ablution الف. وضو، تطهیر، غسل

ablution م. شستشوی جام و انگشتان دست پس از مراسم عشای ربانی

Abode of Islam دار الاسلام

Abode of Permanence الف. دارالقرار

abracadabra ورد، سخن نامفهوم، طلسم؛ سخنی که به هنگام جادو و افسون برای دور کردن آفات و ارواح خبیثه گفته می‌شود

Abraham حضرت ابراهیم(ع)

abrogated منسوخ

abrogating (abrogative) ناسخ

abrogation نسخ

Absolute, The مطلق (اسم الهی)

absolute essence ذات مطلق

Absolute Existence وجود مطلق، خداوند، وجود قائم به ذاتی که به هیچ موجودی وابسته نیست

absolute knowledge علم‌مطلق(خداوند)

absolute law شریعت (قانون) مطلق

Absolute One احد، یکتا

absolute oneness وحدانیت، یکتایی مطلق

absolute sincerity عف. اخلاص

absolute trust in God عف. توکّل

absolution م. آمرزش گناه؛ در الهیات مسیحی به اعلام بخشودگی گناهان توسط کشیش (پس از اقرار فرد یا گروه به گناهانشان) گفته می‌شود

abstinence ورع، امساک؛ خودداری از خوردن بعضی از مواد نظیر تحریم گوشت خوک توسط یهودیان و مسلمانان، و یا گوشت گاو توسط هندوها؛ ریاضت

abstract light نور مجرد (مطلق)

Abu ابو. کوهی در راجستان هند که در آن معابد جاینی فراوانی وجود دارد

Abu Bakr الف.اولین خلیفه بعد از پیامبر که از ۱۱ تا ۱۳ ق/ ٦٣٢ تا ٦٣۴ م خلافت کرد

Abundance, The کوثر (چشمه‌ای در بهشت و نام سورهٔ صد و هشتم قرآن)

abysmal darkness عمی

abyss م. قعر دوزخ، هاویه، جهنم؛ واژهٔ یونانی به معنی قعر آتش که در انجیل برای توصیف جایگاه شیاطین به کار رفته است.

accursed (Satan) الف. شیطان رجیم

accident(s) عرض (اعراض)

Acharya سا. آکاریا. اصطلاحاً به معنی آموزگار؛ عنوان یک رهبر روحانی هندو که کتب وداها و یا یک معلم بودایی دهاما را تعلیم می‌دهد

acknowledgement of one's deeds اقرار به گناهان

acolyte م. شمّاس یا کشیشی که در موقع عشای ربّانی در کلیسای کاتولیک شمع را روشن می‌کند و به واعظ یا کشیش کمک می‌کند، دستیار کشیش

acquiescence عف. رضا

Acts of Apostles کتاب «اعمال رسولان» در عهدجدید یا انجیل

acts of devotion طاعت، عبادت

acts of worship اعمال عبادی

Aad قوم عاد

Adad [افسانهٔ بابل] خدای باد و طوفان که رامان نیز نامیده‌می‌شد؛

ق. خدای طوفان که در عهد باستان در بین - النهرین و آسیای صغیر پرستش می‌شد و گاهی حداد [Hadad] نیز نامیده می‌شد

Adae اف. واژهٔ آشانتی (Ashanti) [در غنا] از ریشهٔ «محل استراحت»؛ بنابراین در خصوص آداب و رسوم پرستش نیاکان به کار می‌رود

Adam and Eve آدم و حوّا

Adar ی. آذار. دوازدهمین ماه سال مذهبی یهود و ششمین ماه سال کنونی آنان

adaran ز. واژهٔ زرتشتی به معنای آتش مقدس درجهٔ دوم که در معابد کوچکتر و یا کم اهمیت‌تر پیدا می‌شود

adept عف. مرید

Adeste Fideles م. سرود مشهور مسیحی که مؤلف آن ناشناخته است

Adha (see Id al-Adha) الف. اضحی (نگاه کنید به عیدالاضحی)

adhan الف. اذان

Adhikarana ب. واژهٔ بودایی برای مسائل حقوقی که بخشی از قوانین دهاماکایارا تشکیل می‌دهد

Adi Granth س. از نظر لغوی به معنای «اولین کتاب» یا کتاب اصلی؛ عنوان نوشتجات مقدس دین سیک که عمدتاً آثار گوروی پنجم آرجان هستند

'Adiyät (The Assaulters) عادیات (سوره صدم قرآن)

admonition عم. موعظه، انذار

Adonai ی. آدونای. نام خداوند به زبان عبری؛ به معنای ربّ و آقا؛ در قرائت کتاب مقدس توسط یهودیان به جای (ی‌ه وه) (yhwh) تلفظ می‌شود

Adonis آدونیس. خدای یونانی رشد گیاهان؛ احتمالاً از ریشهٔ سامی آدون (خدا)

adioption فرزند خواندگی

adoptionism اعتقادی در کلیسای مسیحی اوّلیه که در آن عیسی مسیح(ع) به عنوان کسی که کاملاً جنبهٔ انسانی داشته و فقط به وی قدرت الهی داده شده است دانسته می‌شود؛ بنابراین وی فرزند حقیقی خدا نبوده وتنها فرزند خواندهٔ اوست

Adoration, The (sajdah) سجده (سوره سی و دوم قرآن)

adoration ستایش، پرستش، عبادت، نیایش، احترام فوق العادهٔ مخصوص خداوند؛ انتخاب پاپ با اکثریت دو سوم رأی‌دهندگان به وسیلهٔ تعظیم کوتاهی از طرف انتخاب کنندگان

adosa پ.آدوسا (درسانسکریت ادوسا) در تعالیم فلسفی بودایی به معنای عدم حضور کینه و تنفر؛ از عناصر مهم در تعالیم بودایی

adultery الف. زنای محصنه

Advaita ه. واژهٔ هندویی برای عدم ثنویت؛ وحدت اساسی براهمان و آتمان

Advancer الف. مقدِّم (اسم الهی)

Advantager الف. نافع (اسم الهی)

advent م. ظهور، آمدن؛ چهاریکشنبه پیش از میلاد که صرف نیایش و عبادت حضرت مسیح می‌گردد

Adventist م. آدونتیست. فرقه‌ای‌از مسیحیان که معتقدند ظهور حضرت مسیح(ع) و قیام او هر لحظه ممکن است اتفاق بیفتد

advesa سا. نگاه کنید به آدوسا (adosa)

advowson حق تعیین مقام برای تصدی امور وقفی کلیسا؛ متولی یا امین اموال کلیسا

akusala پ.ب. آکوسالا. اصطلاحاً به معنای «مضرّ و ناپاک» و یا چیزی که شرّ بوده و موجب کارهای بد و در نتیجه حلول مجدّد روح به صورت بدی می‌شود

alaya vijnana ب. آلایا ویجنانا. انبار و یا ظرف آگاهی و هوشیاری؛ از تعالیم مکتب هوشیاری و آگاهی صرف در هندویی

Al-Afghani, Seyyed Jamal al-Din سید جمال‌الدین اسدآبادی (مشهور به افغانی) (۱۳۱۴ - ۱۲۵۴ ق)

Al-Azhar الازهر. مسجد و دانشگاه بزرگ اسلامی در مصر

Al-Fatihah سورهٔ فاتحة الکتاب، اولین سورهٔ مبارکهٔ قرآن

Al- Ghazzali امام محمد غزالی یکی از بزرگترین علما و متکلمان اسلامی (۵۰۵ - ۴۵۰ ق)

'Alā (The Most High) عـلیٰ (سورهٔ هشتاد و هفتم قرآن)

ala اف. الا. الههٔ زمین دربین افراد قبیله ایبو؛ وی مهمترین خدایان این قبیله است زیراکه وی راروح زمـین، مـلکهٔ اعـماق زمـین، فرمانروای ارواح نیاکان و حاکم قوانین اخلاقی می‌دانند

aladura اف. آلادورا. ازنظر لغوی «مالکین دعا و نیایش»؛ حرکتی که برگروههای دعا و نیایش و مداوای روحانی تأکید داشته و در میان قبیله یوروبا در نیجریه در سال ۱۹۱۸ به وجود آمده است

Al-Ash'ari اشعری، ابوالحسن علی‌بن اسماعیل (متوفی ۳۲۴ ق) مؤسس مکتب کلامی در مقابل معتزله، که مذهب رسمی اهل سنت است

'Alaq (The Clot) علق (سوره نود و ششم قرآن)

alb م. جامه سفید بلندی که کشیشان جزء و یا داوطلبان تعمید می‌پوشند؛ امروزه کشیشان کاتولیک و انگلیکن‌ها در مراسم عشای ربانی این پیراهن بلند رامی‌پوشند

Alban, St. م. سن آلبان. اولین شهید مسیحی انگلستان

albigenses در تاریخ کلیسا فرقه‌ای از مسیحیان جنوب فرانسه که در قرن ۱۱ به وجود آمده و در قرن ۱۳ به وسیله صلیبیون از بین رفتند؛ از فرقه‌های ارتدادی مسیحیّت که به نوعی ثنویت (شیطان و عیسی) معتقد بودند

Ali الف. حضرت علی(ع) پسر عمو و داماد پیامبر اسلام(ص) و بـه اعـتقاد شیعیان اولین خلیفه و جانشین بر حق ایشان

alienation بُعد (در عرفان اسلامی)، از خود بیگانگی

Allah (The God) الف. اللّه، ذات مقدس الهی در اسلام و در دین سیک

allegiance, oath of الف. بیعت

allegorical interpretation الف. تأویل

Alleluia م‌ع. سبحان الله، حمد خدا را. از ریشهٔ عبری هللویا بـه مـعنی خدا را حـمد و سپاس؛ در کتاب مقدس این تعبیر زیـاد دیـده می‌شود

All-embracing واسع (اسم الهی)

All-forgiving غفور (اسم الهی)، غفّار

All-glorious مجید (اسم الهی)

All-grateful شاکر (اسم الهی)

All Hallows' Eve م. جشن انتقال از پاییز به زمستان که همچنین به نام هالوون نامیده می‌شود؛ در ابتدا عید آتش و مرگ و قدرتهای تاریکی بوده است؛ در شب ۳۱ اکتبر و قبل از اوّل نـوامـبر (روز قـدیسین) جشـن گـرفته می‌شود

All-hearing سمیع (اسم الهی)

All-high علی (اسم الهی)

All-holy قدوس (اسم الهی)

Allies, The (Ahzāb) احزاب (سوره سی و سوم قرآن)

All-knowing علیم، علام (اسم الهی)

All-merciful رحمن (اسم الهی)

All-mighty جبّار (اسم الهی)

All-pardoning عَفُو (اسم الهی)

All-peaceable سلام (اسم الهی)

All-perfect سبّوح (اسم الهی)

All-powerful قادر/ قدیر (اسم الهی)

All-preserver مهیمن (اسم الهی)

All-pure سبوح (اسم الهی)

All Saints' Day م. روز تمام قدیسین، روز عبادت در اول نوامبر؛ روز تشکر از زندگی و مرگ قـهرمانانه هـمهٔ زنان و مردان مقدسی که جان خـود را فـدای اعتقادشان به عیسی مسیح(ع) نمودند

All-seeing بصیر (اسم الهی)

All Souls' Day م. در بعضی از کلیساهای مـسیحی روز دوم نـوامـبر (فـردای روز قدیسین) را برای ارواح ائمه مؤمنین در گذشته دعا ونیایش می‌کنند

All-sublime متکبر (اسم الهی)

All-subtle لطیف (اسم الهی)

All-sufficient غنی(اسم الهی)

All-sustaining رزاق/قیوم (اسم الهی)

All-thankful شکور (اسم الهی)

All-wise حکیم (اسم الهی)

Almighty قادر مطلق، قدیر، عزّ و جل، قادر متعال

Almoner م. درکلیسای مسیحی اولیه به مأمور تقسیم صدقات می‌گفتند

alms صدقه، صدقات

alms, obligatory زکات

alms, given at the end of Ramadan زکات فطره

almsgiving الف. صدقه دادن، خیرات

م. واژهٔ صدقه در تورات نیامده امّا صدقه دادن به عنوان نشانهٔ اخلاص توصیه شده؛ در انجیل نیز ازکلام عیسی مسیح(ع) بر صدقه تأکید شده است

Al-Nabi al-Ummi الف. النبی الاّمی، پیامبر امّی اسلام

alobha پ.ب. واژهٔ مستعمل در دین بودایی به معنی نفی وفقدان میل و هوس

Alpha and Omega م. حروف اول و آخر لاتین؛ درکتاب مکاشفات یوحنا (باب ۱، آیهٔ ۸) خداوند می‌گوید من این حروف هستم

Al-Rahim(The Compassionate) الف. الرّحیم (اسم الهی)

Al-Rahman (The Merciful) الف. الرحمن (اسم الهی)

Al-Rajim الف. شیطان رجیم

Altar ع‌م. قربانگاه، محراب؛

هـ. محل نگاهداری آتش مقدس

altruism ایثار

Alvars هـ. دوازده شاعر مقدس در بین ویشناوی‌های تامیل که در بین قرون هفتم تا دهم میلادی زندگی می‌کردند

Ama-Terasu (amaterasu) ژ. الههٔ

خورشید در دین شینتویی که مهمترین خدای این دین محسوب می‌شود

amanat الف. امانت

Amar Das س. آمارداس. سومین گورو (آموزگار) دین سیک (۱۵۷۴ - ۱۴۷۹) که بنیانگذار مراسم و تشریفات، اعیاد و محلّ زیارت در آن دین بود

Amarapura ب. یکی از سه جامعهٔ اصلی راهبان بودایی در سریلانکا

Amardas, Guru س. گورو آمارداس. سومین پیشوای دینی سیکها

amaravati هـ. در اساطیر هندویی به معنی علامت فناناپذیرها، مرکز بهشت خدای ایندرا

amata پ.ب. واژه‌ای که در دین بودایی برای فنا ناپذیری و یا فقدان مرگ استعمال می‌شود؛ این واژه را می‌شود به جای نیروانا استفاده کرد

Ama-terasu ژ.ش. آماتراسو. رب النوع خورشید (یگانه درخشندهٔ آسمان) در دین شینتویی

ambiguous verses of the Qur'an متشابهات قرآن

ambo م. منبر، جایگاه‌و یا سکوی بلندی‌که درکلیساهای نخستین برای قرائت‌کتاب مقدس استفاده می‌شد

Ambrose, St. م. سن امبروز. یکی‌از چهار مجتهدکلیسای لاتین

amen عم. آمین. واژه‌ای‌که در ادیان یهودی، مسیحی و اسلام برای استجابت دعا استفاده می‌شود

Ameratat ز.امرتات (امرداد). در تعالیم دین زرتشتی فرشتهٔ خلود و فنا ناپذیری است؛ یکی از هفت فرشتگان خیر و یا امشاسپندان و از اوصاف اهورا مزدا در دین مزبور

Amesha Spentas ز. امشاسپندان. هفت فرشته یا روح لایزال بخشنده که در اطراف اهورامزدا بوده و طبق تعالیم زرتشتی صفات خاص وی را تشکیل می‌دهند؛ این هفت فرشته نمایندهٔ سروش، پندار نیک، راستی، مُلک، تقوی، رفاه، و جاودانگی هستند و نامهای آنها عبارت است از: بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسپندارمذ، خرداد، امرداد

amice م. شال یا دستمال سفیدی که کشیشان، به هنگام مراسم عشای ربانی، سابقاً بر سر می‌گذاشتند ولی اکنون به دور گردن می‌اندازند

amida ژ. ب. آمیدا. نگاه‌کنید به آمیتابا (Amitabha) اصطلاح بودهیستوه یا طلبه راه بودایی به زبان ژاپنی

amidah ع. مجموعه‌ای از هجده دعای خیر که‌روی هم‌رفته هستهٔ مرکزی عبادت یهودی را تشکیل می‌دهند

Amir Ali الف. امیرعلی. نویسنده ومصلح مسلمان هند (۱۹۲۸ - ۱۸۴۹ م)؛ نامبرده در سال ۱۸۷۷ انجمن ملّی محمّدیه را در کلکتّه تأسیس و کتابی به نام روح اسلام تألیف کرد

Amitabha ب. آمیتابا. در فرقهٔ بودایی ماهایانا به معنای بودای متعال، نور نامحدود و یاتشخص بینهایت، رحمت، حکمت، عشق، و محبت است

Amitabha Buddha ب. آمیتابا بودا. بودای مالک و خداوند «سرزمین خالص» یا «بهشت مغرب زمینی»؛ قرارگاه کسانی که داعیهٔ نجات وی راپذیرفته‌اند؛ در زبان چینی آمیتوفو تلفظ می‌شود

Amitayus ب. آمیتایوس. در فرقهٔ بودایی ماهایانا به‌معنای بودای متعال با حیات نامحدود

Amma اف. آمّا. هستی متعال یا خدای قبیلهٔ دوگون در مالی در افریقای غربی

amoha ب. آموها. اصطلاح مستعمل در تعالیم بودایی به معنای حکمت یا فقدان جهل

Amoraim ع.ی. آمورایم. ازنظر لغوی به معنی «سخنرانان»؛ لقب آموزگاران یهودی در قرن سوم‌میلادی که میشناوسنن یهودی را تفسیر و هماهنگ می‌کردند؛ تلمود اوج و حاصل کار ایشان است

amoral ضداخلاقی، غیراخلاقی

Amos ع.ی. عاموس نبی(ع) پیامبر عبرانی

Amosu آموسو. لقب آشانتیِ حمد خدا و به معنای «دهندهٔباران»

Amovwa آموُوا. لقب آشانتیِ حمد خدا و به معنای «دهندهٔ نور خورشید»

Amran (Imrān) عمران نبی(ع)

Amrit س. آمریت. آب شیرینی که سیکها در مراسم نامگذاری کودک ویا بلوغ و ورود او به جامعهٔ دینی (مرد شدن) به‌کار می‌برند؛ شراب ربّانی در مراسم عشای ربانی دین سیک

Amritdhari س. امریت دهاری. عضو خالصا، یا جامعهٔ سیک که مراسم مرد شدن (ورود به جامعه دینی) راانجام داده و آمریت رانوشیده است

Amritsar س. آمریتسار. شهر مقدس سیکها در پنجاب هند که توسط گوروی پنجم و با کمک اکبر شاه بنا نهاده شد؛ مؤمنین سیک برای زیارت معبد طلایی این شهر می‌آیند

Amrta (see Amata) سا. نگاه‌کنید به آماتا

amulet عم. افسون یا طلسمی که برای جلوگیری از ناخوشی، بدشانسی، و یا شکستن جادو و طلسم دیگران، با خود حمل می‌کنند؛ تعویذ، حمایل

Amun ق. عامون. خدای باد و هوا در مصر باستان

anabaptism م. برگزاری دوباره مراسم غسل تعمید؛ فرقهٔ مسیحیان آناباپتیست که در قرن شانزدهم در آلمان به وجود آمد؛ اعضای این فرقه معتقد بودند تعمید اطفال صحیح نیست وکلیسا نباید در امور سیاسی مداخله کند

anagarika ب. آناگاریکا. به معنای تحت اللفظی «شخص بی‌خانه»؛ اصطلاح مستعمل در دین بودایی در مورد کسی که خانه و کاشانه را ترک و آوارگی پیشه می‌سازد

analects ک. منتخبات. کتاب کوچکی که مجموعهٔ تعالیم اخلاقی، سیاسی، و مذهبی کنفوسیوس می‌باشد

An'ām (The Cattle) انعام (سوره ششم قرآن)

anamnesis م. درعشای ربانی شرقی و غربی دعای پس از تقدیس کشیش؛ بخشی از دعای عشای ربانی که یادآور شور و هیجان، قیام و صعود عیسی مسیح(ع) است

anand پ.س. واژه‌ای که در میان پیروان سیک برای توصیف سعادت ازدواج به کار می‌رود

Ananda ب. آناندا. پسرعمو و شاگرد و مرید مورد علاقه بوداکه تعالیم وی را تفسیر می‌نمود و آنها را با دقت جمع آوری کرد و برای دیگران باقی گذاشت

Ananse م. آنانسه. قهرمانی در فرهنگِ عامه افریقای غربی که گاهی نیز به عنوان خدای

خالق نام برده می‌شود

Anaphora م. در کلیسای شرقی دعای بعد از عشای ربانی؛ بخش اصلی و مرکزی در دعای عشای ربانی (شامل تقدیس و تبرّک، دعای پس از تقدیس، و سپس آیین عشاء)

anasakti آناساکتی. نظریهٔ هندویی عمل فارغ از خود؛ به نظر مهاتما گاندی این تعلیم اصلی گیتاست، که البته همهٔ هندوها این نظر را ندارند

anatta پ.ب بیخودی، فقدان خود؛ نبودن هیچگونه خود پایدار یا مطلق (نظیر آتمان در تفکر هندویی)؛ به زبان سانسکریت باید گفت anatman (نبوداتمان)

anathema م. در ابتدا و اصل به معنای هر چیزی که برای مصارف دینی تقدیم و اختصاص داده می‌شود؛ هدیه تقدیمی و تقدیس شده برای خدایان؛ لعنت و تکفیر و نسبت ارتداد از طرف روحانیون مسیحی به شخصی؛ اخراج از جامعهٔ دینی

Anbiyā'(The Prophets) انبیاء (سوره‌بیست ویکم قرآن)

ancestor worship عم. پرستش نیاکان که از دیرباز در بین بسیاری از ادیان از جمله ادیان کنفوسیوسی و تائویی رایج بوده است، نیاپرستی

anchor لنگر. در کلیسای اولیه مسیحی به عنوان سمبل امید و نجات استفاده می‌شد

anchorite عم. زاهد گوشه نشین

Andreas ادریس نبی (ع)

Andrew, St. م. سن آندرو. برادر سن پیتر؛ بر حسب روایات در سال ۶۰ میلادی در پاتراس به شهادت رسیده و از حدود سال ۷۵۰ به عنوان قدیس اسکاتلند محسوب می‌شود

anga (s) آنگه‌ها. متون مقدس دین جاینی؛ ازنظر لغوی به معنی «اندام» یا «عضو»؛ در دین هندویی به آثاری که علاوه بر وداها هستند می‌گویند

Angad دومین گوروی دین سیک (۱۵۵۲ - ۱۵۰۴ م) که گورو نانک، به عوض پسرش، برای جانشینی خود انتخاب کرد

angel عم. فرشته، مَلَک

angelic soul نفس مَلَکی

angeldom قلمروی فرشتگان

angelology عم. فرشته‌شناسی، مبحث فرشتگان

angelus نیایشی که در کلیسای کاتولیک رومی به هنگام صبح، ظهر و شب ادا می‌شود

Anglican Communion کلیسای انگلستان و سایر کلیساهای اسقفی نظیر کلیساهای استرالیا و کانادا که تحت نظارت اسقف اعظم کانتربوری هستند

Angra Mainyu ز. انگره ماینیو. به معنای اهریمن که در گاته‌های دین زرتشتی به عنوان روح مخرّب و خبیث آمده

angya ب. آنگیا. معنای تحت اللفظی آن «زیارت با پای پیاده» است؛ به کسی گفته می‌شود که برای پذیرش به عنوان نوآموز به زیارت یک صومعه ذن می‌رود

Ani اف. الههٔ زمین و حاصلخیزی در قبیلهٔ ایبو در افریقا

Anicca (p.), Anitya (s.) ب. آنیکا (پالی)،آنیتیا (سانسکریت) نظریهٔ بودایی زوال و فناکه از خصایص همهٔ امور است

anima عم. آنیما. واژهٔ لاتین به معنای روح

animal kingdom عالَم حیوانی

animal soul نفس حیوانی

animalism ق.عم. اعتقاد به جانور بودن انسان

animism ق. آنیمیسم. جان پرستی یا پرستش ارواح؛ عقیده به اشباح و ارواح؛ اعتقاد به اینکه ارواحی در طبیعت وجوددارند که در اشیای طبیعی مثل درختها وکوهها جای گرفته و آنها را تقدس می‌بخشند؛ جانمندانگاری

anitya (anicca) ب. نگاه کنید به آنیکا

Ankh ق. علامتی به‌شکل ☥ (حرف T با یک دایره) که در مصر قدیم سمبل و نشانهٔ زندگی بوده است

Annaprasana هـ. آناپراسانا. آیین تشریفاتی دین هندویی به مناسبت اولین روزی که کودک غذای جامد می‌خورد

annates م. مالیات یا منافع سال اول که به پاپ پرداخت می‌شود؛ اعانات (ومیوه‌های نوبر سال) که به طور سالیانه به پاپ و یا به اسقف اعظم کلیسای انگلستان اهدا می‌شود

Anne, St. سَنْتْ‌آن. به حسب روایات، مادر مریم مقدس

annihilation فناء

annihilation in God فناء فی الله

Anno Hegira(a.h.) الف. در زبان انگلیسی به عنوان مخفّف پس از هجرت به‌کار می‌رود

annulment الف. ابطال (عقود)

Annunciation (of the blessed virgin mary) مراسم اعلام؛ جشن مذهبی در روز بیست و پنجم مارس که به اعتقاد مسیحیان جبرییل بر حضرت مریم(س) نازل شده و مژدهٔ وجود حضرت عیسی(ع) را داده است؛ عید تبشیر

anointing م. مالیدن روغن مقدس به بدن بیمار یا حاکم و غیره به قصد شفا و تصدّق

anrta هـ. آنرتا. در دین هندویی به‌معنای هرج و مرجی که در متون مقدس ودایی ذکر شده است

Ansār الف. انصار (حضرت محمّد ص)

Anselm, St. م. سن‌آنسلم. متکلّم پر نفوذمسیحی (۱۱۰۹ - ۱۰۳۳ م)

Answering of Prayer الف. مجیب (اسم‌الهی)

Ant, The (Naml) نمل (سوره بیست و هفتم قرآن)

antaryamin هـ. آنتاریامین. در نوشتجات رامانوجا معلم دین هندویی به معنای روح درون روح و یاکنترل کننده درونی است

anthems عم. تسبیحات

anthesteria (مذهب یونانی) جشن سالیانه آنتی‌ها که در روزهای ۱۱،۱۲ و ۱۳ فوریه و مارس به خاطر بازکردن کوزهٔ شراب گرفته می‌شود؛ جشن بهاری در آتن که به محضر دیونیسوس Dionysus تقدیم می‌شود

Anthony St. م. سن آنتونی (۳۵۶ - ۲۵۱ م). بنیانگذار اولین فرقهٔ رهبانی در مسیحیّت

anthropology انسان شناسی یا مردم شناسی؛ بررسی ریشهٔ حیوانی افراد بشر

anthropomorphism آئین تشبیه؛ انسان انگاری خدا؛ همانند انگاشتن خدا با انسان؛ قایل شدن اَشکال و صفات انسانی برای خدایان

anthroposophy علم شناسایی ذات و یا طبیعت انسانی؛ نظام مذهبی ـ فلسفی مبتنی بر

ایبوکه همچنین خدای خوشبختی است

Apartments حجرات (نام سوره چهل و نهم قرآن)

Aphrodite ق. آفرودیت. الههٔ عشق و زیبایی در یونان؛ ونوس یونانی

Apocalypse ی.م. به معنای تحت اللفظی مکاشفه، الهام، وحی؛ ادبیات دینی اواخر دورهٔ یهود و اوایل مسیحیت؛ کتاب مکاشفات یوحنا در انجیل؛ علم جفر

apocalyptic مکاشفه‌ای، علم جفر

Apocrypha ی.م. ابوکریفا. کتب دینی مشکوک و یا مجعول؛ کتب دینی و آثاری که از اعتبار کافی برخوردار نبوده و بدین جهت از مجموعه‌های کتب مقدس حذف شده‌اند

Apollinarianism م. وابسته به عقاید اپولیناریس؛ وی معتقد بود که در وجود عیسی مسیح(ع) فکر و ذهن انسانی با کلمة الله (لوگوس) جابجا شده و لذا عیسای تجسّد یافته دیگر کاملاً یک انسان نیست؛ اپولیناریس می‌گفت شخص عیسی(ع) یعنی جمع کامل بین خدا و انسان و عقیده داشت از وقتی «کلمه» (خدا) به صورت جسم در عیسی ظاهر شد تابع خصوصیات و محدودیتهای بشری شد

Apollo یو. آپولو. از خدایان بزرگ یونان، فرزند زئوس؛ خدای تنبیه، دفع شیطان، طالع ـ بینی و شفای بیماران، موسیقی و آواز

Apollyon ی. آپولیون. نام یونانی مالک یاملک دوزخ

apologist م.نویسندهٔ رسالهٔ دفاعی؛ واژه‌ای که در مورد نویسندگان مسیحی دو قرن اول پس از مسیح (ع)، نظیر ژوستین شهید، به کار می‌رود که رساله‌هایی در دفاع از عقیده و ایمان

تعالیم رودولف اشتاینر (۱۸۶۱ ـ ۱۹۲۵ م) که بهشدّت تحت تأثیر آثار گوته و فلسفهٔ هندویی بود

Anti-Christ ضد مسیح ـ دشمن مسیح، مسیح دروغی، دجّال

anticlericalism ضدیت با روحانیّت، مخالفت با سازمان روحانی

antinomianism م. اباحه، مخالفت با اصول اخلاقی؛ فرقه‌ای از مسیحیان که در سال ۱۵۳۵ م .در آلمان پیدا شده و معتقد بودند چون فیض خداوند شامل حال مسیحیان است دیگر رعایت اصول اخلاقی لزومی ندارد

antiphon م. جملات و یا سرودهایی که در کلیسا در جواب دستهٔ دیگری خوانده می‌شود

Anti-semitism مخالفت با نژاد سامی و یا یهود، ضدّ یهودیگری، یهودستیزی

antiworldiness ضد دنیاگرایی

antyeshti آنتی یشتی. مراسم کفن و دفن که در دین هندویی روستایی اعمال می‌شود

Anu ق. آنو. به معنای تحت اللفظی «آسمان»؛ خدای متعالی افسانه‌های سومری

Anubis ق. آنوبیس. در مذهب مصر قدیم خدایی که سر او شبیه به سر شغال بود و پسر او زیریس خوانده می‌شد و هدایت مردگان را به محل داوری بر عهده داشت

Anunnaki ق. آنوناکی. از اصطلاحات مذهب قدیم بابِل به معنای «خدایان اسفل»

anussati (p) /anusmrti(s) ب. واژهٔ بودایی به معنی یادآوری یک رشته حقایق خاص (در مورد بودا، جامعهٔ بودایی،...) به منظور کمک به ریاضت و مراقبه

Anyanwu ق. انیانو. الههٔ خورشید قبیله

Aquinas, Thomas م. توماس آکویناس (۱۲۷۴ ـ ۱۲۲۵ م). فیلسوف و متکلّم معروف مسیحی

arabesque الف. اسلیمی (شیوهٔ تزیینی خاص اسلامی)

Arabic الف. عربی؛ زبان متون دینی و مقدس اسلامی از جمله قرآن مجید

Arabism عروبة

Arafat عرفات

Aramaic ق. آرامی. زبان فلسطینیان در زمان ظهور حضرت عیسی(ع)

Aranyakas ه. آرانیاکاها. معنای تحت اللفظی «متعلق به جنگل»؛ متون هندویی وابسته به براهماناها که در جنگلهای هندوستان مطالعه و یا تألیف گردیده‌اند

arati ه. آراتی. روش مرسوم بین هندوها و سیکها که سینی‌های پر از گل، بخور معطّر و شمع را در مقابل شیء یا مجسمهٔ مورد پرستش خویش تکان می‌دهند

arbitration داوری، حکمیّت

archangel الف. فرشتهٔ مقرب، جبرییل امین

archbishop م. اسقف اعظم

archdeacon م. سرشمّاس، معاون اسقف اعظم در کلیسا

archimandrite م. رئیس دیر در کلیسای شرقی (معادل abbot در کلیسای غربی)

archetype صورت نوعی، عین ثابته [اعیان ثابته]

arch-prophets پیامبران اولوالعزم

ardas س.آرداها. نیایش رسمی که بخشی از عبادات دین سیک است

Areimanios ق. اهریمن، که در لاتین به

مسیحی خود نوشتند، پوزشگرانه

apostasy ارتداد، ترک آیین، برگشتگی از دین

apostatise (ze) ارتداد، مرتد شدن

apostle رسول، حواری (در مسیحیت)، عنوان دوازده حواری عیسی‌مسیح (ع) که برای تبلیغ دین او مأمور گردیدند

Apostles' Creed اعتقادنامهٔ حواریون عیسی(ع) که در میان فرقه‌های مختلف مسیحیان مورد قبول است

apostolic وابسته به حواریون، وابسته به پاپ، وابسته به کلیسای کاتولیک

Apostolic Fathers پدران حواری. آباء کلیسا؛ عنوان آن دسته از پدران کلیسای مسیحی که در دوران بلافاصله پس از قیام عیسی(ع) و تدوین عهد جدید می‌زیسته‌اند

Apostolic See م. عنوان اسقف اعظم رم به خاطر همراهی سنتی وی با حواریون مسیحی سن پیتر و سن‌پل (پولس مقدس)

apostolic succession م. نظریه‌ای که معتقد است اسقفهای اعظم مسیحی از زمان حضرت عیسی(ع) و حواریون وی تا به امروز متوالیاً وجود داشته‌اند

apotheosis ق. سنت شرک آمیز به خدایی رسانیدن امپراطوران؛ تألیه

Apple م. سیب؛ میوه‌ای که در کتاب مقدس آمده که حضرت حوا با آن حضرت آدم را وسوسه کرد (گندم در روایات اسلامی)

apse م. محراب کلیسا که از بیرون منارهها و قسمت بلند روی آن بود

Apsu ق. در اسطوره‌های قدیمی بین النهرین به معنای اقیانوس زیرزمینی که می‌پنداشتند جهان روی آن شناور است

صورت Arimanius درآمده است

argument from design, برهان نظم،

argument of pattern برهان اتقان صنع

arhat/arhant ب.ج. کشیش بودایی و یا جاینی که به درجهٔ اشراق رسیده؛ یگانه مقدس در دین جاینی؛ عنوان راهبان مکتب بودایی تراوادا

Arianism م. پیرو عقیدهٔ آریوس (۳۳۶ - ۲۵۰ م)رهبر کلیسای اسکندریه که معتقد بود عیسی مسیح(ع) مخلوق خدا و فاقد جنبهٔ الوهیت است؛ مسیحیان وی را رافضی دانسته و بشدت محکوم می‌کنند

Arimanius ق. آریمانیوس. واژهٔ لاتینی اهریمن

Ariya(p)/Arya(s) ب.هـ. آریا. لقب کسانی که در مکاتب هندویی و بودایی به دنبال طریق رسیدن به نیروانا هستند

Ariya-Sacca ب. آریا ساکا. واژهٔ مستعمل در دین بودایی به معنای «حقیقت اصیل» - بخصوص «چهار حقیقت اصلی» که اساس تعالیم بودایی را تشکیل می‌دهند

Ariyatthangika-Magga ب. آریاتهانگیکا ماگا. طریقت هشتگانهٔ اصیل بودایی

Arjan, Guru س. گوروآرجان (۱۶۰۶ - ۱۵۸۱ م)پنجمین گورو (معلم) دین سیک و بناکنندهٔ معبد طلایی سیکها در آمریتسار

Arjuna هـ. آرجونا. پهلوان یا شوالیه دین هندویی که پسر خدای ایندرا دانسته می‌شود؛ محاورات وی با خدای کریشنا موضوع اثر معروف بهاگاوادگیتا است

Ark سفینهٔ نوح

Ark of the Covenant تابوت عهد

armagedon عم. مبارزهٔ نهایی بین نیکی و بدی در روز قیامت یا آخر الزمان

Armaiti ز. آرمی تی. در تعالیم زرتشتی فرشتهٔ تقوی و عشق؛ یکی از هفت امشاسپندان یافرشتگان (ارواح) خیر در دین زرتشتی و از اوصاف اهورا مزدا

Armenianism م. مکتب جیمز آرمینوس (۱۶۰۹ - ۱۵۶۰ م) متکلم هلندی که فرقه‌ای از پروتستان را به وجود آورده است

Armitsar س. آرمیتسار. معبد طلایی؛ معبد بزرگ و اصلی دین سیک

Aramaic ق. گروه زبانهای آرامی، کلدانی، سامی در هزارهٔ اول پیش از میلاد که در بعضی از متون مقدس یهودی به کار رفته است

Artemis در اساطیر یونانی الههٔ تعقیب و شکار و خواهر دوقلوی آپولو

artha هـ. آرتها. موفقیت مادی، ثروت و قدرت؛ یکی از سه هدف دنیوی در دین هندویی

Arti س. آرتی. سرود مشهور در بین سیکها که به گورو نانک منسوب است

articulation تبیین، بیان

articulo mortis مرض موت

arunoya Upanishad هـ. آرونیا اوپانیشاد. یکی از مجموعهٔ سیزده اوپانیشاد اصلی دین هندویی

arupa-dhatu ب. آروپا- دهاتو. در تعالیم بودایی قلمروی چهار مرحلهٔ عالی مراقبة

Arya Samaj هـ. آریا ساماج. به معنی اجتماع افراد شریف، حرکتی اصلاحگرایانه در دین هندویی به منظور تجدید بنای دین ودایی آریایی‌ها و طرد تفکرات هندویی پس از

عصر ودایی که در قرن نوزدهم توسط سوامی دیاناندسا راسوتی بنیانگذاری گردید

Aryavatra هـ. آریاواترا. مهد تفکر و فرهنگ ودایی هند؛ جایی که اقوام هند و اروپایی در بدو ورود به هند فتح کرده و در آن سکنی گزیدند

Asalha puja ب. آسالها پوجا. جشن بودائیان فرقهٔ تراوادا در ماه ژوییه به مناسبت اولین اعلام حقایق اصیل چهارگانه و راه اصیل هشتگانه توسط بودا

asana ب. آسانا. اصطلاح بودایی به معنی نحوه و یا شکل نشستن به هنگام تفکر و مراقبه

Asase Ya ق. آساسه‌یا. به معنای تحت اللفظی «زمین - پنجشنبه»؛ نام الههٔ زمین در بین اقوام آشانتی (ashanti) در غنا

asava (p)/asrava(s) ب. آساوا(پالی)/ آسراوا (سانسکریت) به معنای تحت اللفظی «آلودگی» یا «مسمومیّت ذهنی»؛ در تعالیم بودایی به معانی حس پرستی، میل به حیات، عقاید باطل و جهل

asbab al-nuzul الف. اسباب النزول

Ascension الف. م. معراج (پیامبر اسلام)، تصعید (عیسی مسیح)

Ascent, The Ways of معارج (سوره هفتادم قرآن)

ascetic زاهد، مرتاض، ریاضت کش، پرهیزکار، زاهد

asceticisim زهد و ریاضت پیشگی شدید در ادیان بودایی، هندویی، اسلام یا غیره؛ پرهیزکاری، پارسایی

ascetic poetry الف. زهدیّات

Ash Wednesday اولین روز از ایام روزه و پرهیز مسیحیان؛ (در بعضی از کلیساها سرودهای دینی سال قبل رامی‌سوزانند و کشیش باخاکستر آن روی پیشانی عبادت کنندگان به صورت صلیب می‌کشد.)

Asha (Asha-Vihishta) ز. آشه (آشه وهیشتا). اردیبهشت؛ فرشتهٔ راستی، درستی، نظم و عدالت در دین زرتشتی و یکی از هفت فرشتگان خیر (امشاسپندان)

Ashem-Vohu ز. آشم‌وهو. از ادعیهٔ دین زرتشتی: «تقدس بهترین نیکی‌هاست»

Asher پسرهشتم یعقوب پیامبر بنی اسراییل؛ همچنین نام قبیله‌ای در شمال غربی کنعان

Ashkenazi ی. اشکنازی. لقب اعقاب یهودیان مناطق شرقی و مرکزی اروپا

Ashoka (= Asoka) هـ. آشوکا (۲۳۲ - ۲۷۳ ق.م.) پادشاه بودایی هند در قرن سوم قبل از میلاد که نسبت به پیروان دین جاینی نیز نظر مثبت داشت

Ashrama هـ. آشرامه. مرکز تعلیم و حیات روحانی در دین هندویی؛ مرکزی برای عزلت و تزکیه نفس؛ یکی از مراحل چهارگانهٔ حیات در دین هندویی که بیشتر در مورد عزلت براهماها به کار می‌رود

Ashteroth ی. آشتروت. خدایان مؤنث اقوام سامی

Ashur ق. خدای اصلی آسوری‌ها و نگاهبان شهرآشور

Asperges م. مراسم پاشیدن آب مقدس به روی کسانی که روز یکشنبه به کلیسای کاتولیک (غربی) می‌روند

'Asr (Time) عصر (سوره صد و سوم قرآن)

asramas ه. آسرامه‌ها. مراحل چهارگانه در دین هندویی

Asrava (= asava) ب. آسراوا. نگاه کنید به آساوا

Assassins الف. حشاشین. پیروان حسن صباح

Assaulters, The ('Adiyāt) عادیات (سوره صدم قرآن)

Assembler, The جامع (اسم الهی)

Assenter, The مجیب (اسم الهی)

assimilation to Arabs الف. تعرّب

associationism عم. شرک

Assyria, dead religion of ق. دین قدیمی و مردهٔ آشور

Astarte ق. استارت. الههٔ اصلی اقوام فنیقی و کنعانی؛ الههٔ باروری ولقاح

Astika ه. آستیکا. هندوهای ارتودوکسی که الهامات ودایی رامی‌پذیرند

astral body جسم یا روح علوی یا آسمانی، جسم مثالی

astray, to go astray ضلالت

astrology طالع بینی (در اعتقادات قدیم)

Asuras ه.آسوراها. به معنای تحت اللفظی «روحانی» یا «الهی»؛ در ابتدا در مورد خدایان متعالی هندوها استعمال می‌شد امّا بعدها به ارواح خبیث و شیاطین ودایی نیزگفته شد

Asva-Medha ه. آسوه ـ مدها. مراسم مفصّل قربانی کردن اسب در دین هندویی

Atash Bahram ز.آتش بهرام. عالی‌ترین آتش مقدس دین زرتشتی

Athanasian Creed م. اعتقادنامه آتاناسیوس اسقف اسکندریه که از قرن نهم میلادی در میان مسیحیت غربی رواج داشته است

Atharua-Veda ه. آتاروا ودا. ودای افسونها، آخرین مجموعه سرودهای ودایی دین هندویی

atheism الحاد، بی‌خدایی

athena/Athene یو. آتنا. از بزرگترین خدایان آسمانی المپیاد؛ الههٔ کشاورزی و حکومت؛ دختر رزمجوی زئوس

atman(s) /atta(p) ه. آتمان (اتمن). روح، خود یا اصل حیات در تفکر هندویی؛ روح جهانی

Atmaram Pandurang ه. آتمارام پاندورانگ. مصلح هندویی که در سال ۱۸۶۷ در بمبئی نهضت پرارتاناساماج، به معنای «اجتماع نیایش»، را پایه‌گذاری نمود

Aton ق. آتون. الههٔ خورشید در مصر باستان

atonement م.کفّاره، اصلاح ذات البین گناهکاران و خداوند به واسطهٔ رنج و عذاب و مرگ مسیح(ع)

Atta (p) ه. آتا. همان آتمان (روح، نفس) در دین هندویی

attributes of God صفات خداوندی

Atum ق. آتوم. اولین خدای هلیوپولیس در مصر باستان

Augsburg Confession م. اعترافنامه یا اظهارنامهٔ ایمانی که احتمالاً فیلیپ ملانکتون در سال ۱۵۳۰ م. برای مسیحیان پروتستان تهیه نمود

Augustine of Canterbury م. آگوستین کلیسای کانتربوری که از طرف پاپ گریگوری کبیر برای تبلیغ بـه انگلستان اعزام و اسقف اعظم آنجا گردید

Augustine of Hippo م. سن آگوستین هیپویی. متکلم بزرگ مسیحیت و از آباء کلیسا (۳۵۴ ـ ۴۳۰ م)

Augustinian Canons م.کسانی که از دستورات سن آگوستین پیروی می‌کنند و زندگانی ساده و درویش مسلکانه‌ای دارند

aumbry کمد یا دولابچهٔ داخل کلیسا برای نگاهداری کتب یا ظروف مقدس

auspicious سعد

authorized Version م. نسخهٔ معتبر کتاب مقدس به زبان انگلیسی که در سال ۱۶۰۴ میلادی توسط یک گروه ۵۴ نفره از محققان و صاحبنظرانی که توسط جیمز اول منصوب شده بودند تهیه شد

authentic مستند، معتبر

authoritarian استبدادی

Authorities (in the matter of religion) الف. اولوالامر

authority حجّت

authority of imitation الف. مرجع تقلید

autocratic monarchy سلطنت‌استبدادی

authorization الف. اذن یا اجازه در روایت حدیث

Avacara (chara) ب. آواکارا. معنای تحت اللفظی «فضای وجود و هستی»؛ طبق تعالیم بودایی سه فضای این چنینی وجود دارند:کاما، روپا، و آروپا

Avalokiteshvara ب. آوالوکی تشوره. لقب یکی از بزرگترین بود هیستوه‌ها که به نام الههٔ کوان یین در چین و کوانون در ژاپن پرستیده می‌شود

Avatars ه. آواتارها. حلول و تجسّد خدایان در قالب انسان و یا حیوانات که مهمترین آنها حلول خدای ویشنو درجسم کریشنا و راما است

Ave Maria م. تسبیحی که کاتولیکها برای ذکر سرود و یا دعایی می‌گویند که به مناسبت سلام و درود جبرییل امین به مریم باکره در موقع تولد عیسی(ع) است

Avempace ابن ماجّه (م ۵۳۳ ق) فیلسوف مسلمان اسپانیایی

Avenge for blood الف. قصاص

Avenger, The الف. منتقم (اسم الهی)

Averroës الف. ابن رشد (۵۹۵ ـ ۵۲۰ ق) فیلسوف و متکلّم بزرگ اسلامی

Avesta ز. اوستا. کتاب مقدس دین زرتشتی

Avicenna الف. ابن سینا (۱۰۳۷ ـ ۹۸۰ م/ ۴۲۸ ـ ۳۷۰ ق) فیلسوف و بزرگ طبیب اسلامی

Avidya (s) /Avijja (p) ه. آویدیا. جهل و یا عدم دانستن در دین هندویی

avoidance اجتناب (از محارم)

Aware, The الف. خبیر (اسم الهی)

awareness وجدان، آگاهی

awe عف. مقام هیبت

ayah(a) ع.آیه؛ آیات قرآنی، نشانه و علامت

Ayeshah الف. عایشه همسر رسول خدا

Ayyub (Job) حضرت ایوب نبی (ع)

Azazel عزازیل. (کتاب مقدس؛ سفرلاویان؛ باب شانزدهم؛ آیات ۲۸ ـ ۱) ابلیس، شیطان رجیم

Azrael الف. عزراییل؛ ملک الموت

Aztecs ازتک‌ها. اقوام فاتحی که در قرن دوازدهم میلادی سرزمین مکزیک را فتح کرده، مدت دو قرن در آنجا حکومت کردند؛ ایشان خورشید پرست بودند و برای الههٔ خورشید انسانهایی را قربانی می‌کردند

B

Ba ق. واژهٔ مصری که معمولاً به «روح» ترجمه می‌شود، امّا اشاره به وجود شخص پس از مرگ دارد

Baal بعل. واژهٔ سامی به معنای «رب» که در بعضی از جوامع به عنوان نام یالقب خدا به‌کار می‌رود؛ خدای طوفان نزد کنعانیان قدیم که با حاصلخیزی زمین ارتباط دارد

Ba'al Shem ی. بعل‌شِم. معانی تحت اللفظی «آقا ـ دارای علم اسماء»؛ لقب کسانی که ادعا می‌کنند علم اسماء دارند و با آن معجزات می‌کنند

Ba'al Shem Tob ع. بعل شم تاب. لقب اسرایـیل بـن العـیزر (elizer) بنیانگذار فرقهٔ جدید جسیدیم در مذهب یهود؛ (نام وی به صورت بعل شم طوو (tov...)هم تلفظ می‌شود)

Babalawo اف. پیشگوی قبیله یوروبا، راهب خدای ایفا

Babar-vani س. بابار ـ وانی. چهار سرود گورو نانک بنیانگذار دین سیک

Babism الف. بابیگری؛ نهضت انحرافی سیدعلی محمد باب که بعدها در بهاییگری جذب شد

Babylon ق. شهر بابِل پایتخت کلده در کناره فرات و ۸۰ کیلومتری جنوب بغداد

Babylonia, dead religion of ق. دین مرده و یامنقرضهٔ مردم بابلی

Backbiter هُمَزه (نام سورهٔ صد و چهارم قرآن)

Bacchae ق. یو. باکائه. در افسانه‌های یونانی الهه‌ای که دیونیسیوس (باکوس) را در سفرهایش به مشرق همراهی می‌کرد؛ زنانِ جشنها و اعیاد مخصوص ویونیسیوس

Badr, battle of الف. جنگ بدر که در سال دوم هجری بین مسلمانان و کفار قریش اتفاق افتاد

Bahaism الف. بهاییگری. مسلک انحرافی که با انگیزه‌های سیاسی خارجی توسط باب و سپس بهاءالله در قرن نوزدهم در ایران رایج گردید

Balami ق. بیامی. به اعتقاد بسیاری از بومیان استرالیایی وی «پدر» و خالق همهٔ موجودات و معطی قوانین و رسوم می‌باشد

Balga بایگا. در آیین هندوی روستایی به کاهن محلی و یا خادم خدای دهکده گفته می‌شود

Balsakhi س. بیسکهی. جشن سیکها به مناسبت تولد مرام خالصه یا برادری سیکها (khalsa)توسط گوروگوبیندسیک در۱۶۹۹م.

Bala ب. بالا. واژهٔ مستعمل در دین بودایی برای توصیف ملکات متعالی

Balad (The City) بلد (سوره نودم قرآن)

balagh الف. بلاغ؛ پیام رسالت حضرت محمد(ص)

baldachino عم. قبّه‌ای که بر روی محراب کلیساها می‌سازند

Balder ق. بالدر. معنای تحت اللفظی «درخشنده»؛ خردمندترین و زیباترین خدایان اسکاندیناوی

Bani-Israel (The Israelites) بنی‌اسرائیل (سوره هفدهم قرآن)

banishment نفی بلد

Banishment, The (Hashr) حشر (سوره پنجاه و نهم قرآن)

Banning, The الف. تحریم (سورهٔ شصت و ششم قرآن)

baodah باوده. واژه دین زرتشتی به معنای ادراک انسانی

baptism آیین غسل تعمید در مسیحیت

Baptistery جایگاه غسل تعمید؛ ساختمانی در نزدیکی کلیسا به همین منظور

Baptist, John the م. یحیی تعمید دهنده

Baptists باپتیست‌ها. فرقه‌ای از مسیحیت پروتستان که برای غسل تعمید به طورکامل زیر آب می‌روند

Baqarah (The Cow) سوره بقره (دومین سوره قرآن)

Barā'at (The Repentence) برائت (سوره نهم قرآن)

Barahi هـ. باراهی. در هندوئیسم روستایی مراسم دوازدهمین روز تولد نوزاد و تطهیر مادر

baraka الف. عر. برکت

Bareshnum ز. بارشنوم. مراسم تطهیر نه روزهٔ زرتشتیان که از مقدمات اساسی مراسم دینی موبدان است

Bar-Mitzvah ی. بار- میتزوه. معنای تحت اللفظی «پسرفرمان و یا حکم الهی»؛ مراسمی که برای تثبیت دیانت یهودی پسران در سن ۱۳ سالگی برگزار می‌شود

Barnabas م. بارنابا. بنیانگذار کلیسای قبرس و اولین اسقف آن؛ یکی از مسیحیانی که همراه پولس رسول به مسافرتهای تبلیغاتی مذهبی می‌پرداخته و مسیحیان وی را جزو مقدسین می‌شمارند و در روز ۱۱ژوئن مراسم روز برنابای مقدس را به جای می‌آورند

Barth, Karl م. پ. کارل بارت (۱۸۸۶ - ۱۹۷۶ م). متکلم مشهور پروتستان و از مخالفین سر سخت نازیها

Bartholomew, st. م. بارتولومیوی مقدس یکی از دوازده حواری عیسی مسیح(ع)

Baruch, Book of ی. کتاب باروخ. از کتب مجعول و یا غیر معتبر یهودی که ضمیمهٔ کتاب ارمیای نبی است

Barzakh الف. برزخ؛ عالم پس از مرگ در اصطلاح اسلامی

Basil St. م. سن باسیل (باسیل مقدس). یکی از سه نفر پدران اهل کاپادوکیه (آسیای صغیر) در کلیسای اولیّه

basilica م. شکل اولیهٔ ساختمانهای کلیسای مسیحی که سالن مستطیل شکل درازی دارند

Basilides م. باسیلید. از عرفای مسیحی قرن

دوم اسکندریه که منکر الوهیت مسیح بود

Bas Mitzvah ی. معنای تحت اللفظی «دختر فرمان یاحکم خدا»؛ مراسم ورود دختران به دیانت یهودی که یهودیان اصول‌گرای انجام می‌دهند

Bast ق. بست. از الهه‌های قدیمی مصر باستان

Bath Qol ی. بات قول. به معنای تحت‌اللفظی «دختر صدا»؛ واژهٔ عبرانی که در کلام کشیشان یهودی به معنای صدایی است که پیام خداوند را از آسمان منتقل می‌سازد

Bayan الف. عر. بیان؛ از اسامی قرآن

Bayyinah (The Clear Evidence) بیّنة (سوره نودوهشتم قرآن)

Beatific vision م. دیدار فرخنده؛ در کلام‌قدیمی کلیسای کاتولیک به معنای اشراق و اتحاد با خداست که غایت هستی و کمال سعادت می‌باشد (تقریباً برابر با رؤیت الله و لقای الهی)

Beatification م. به معنای تحت اللفظی «زیبا سازی» (تبرک)؛ عمل اجازه دادن پاپ به اینکه یکی از افراد مقدس کاتولیک را در شهر و یاکلیسایی خاص تکریم کنند

Beatitudes م. نُه گفتار عیسی‌مسیح(ع) برفرازکوه که جملگی با واژه مبارک شروع می‌شوند

Beautiful Names of God, The Most الف. اسمای حسنیٰ

beauty عف. جمال

Bedouin الف. بدوی

Bedouin Arabs الف. اعراب بدوی

Bee, The نحل (سورهٔ شانزدهم قرآن)

Beelzebub ی. بعل زبوب. شیطان

begging bowl ب.کاسه درویشی یا گدایی؛ راهبان فرقهٔ بودایی تراوادا هر روز برای جمع آوری غذا و هدایا از پیروان خود از آن استفاده می‌کنند

Beguines and Beghards م. بگوئن‌ها و بگهاردها؛ اعضای انجمن نیکوکاری خواهران و برادران مسیحی که در قرن دوازدهم میلادی توسط لامبارت لویگ در هلند تأسیس گردید

Bel ق. بل. خدای زمین در دین قدیمی بابِل

Belenos ق. بلنوس. در اساطیر اقوام سِلت خدای خورشید

Belial ی. بلیال. شیطان قدرتمند در آثار مجعول و یا غیر معتبر دین یهودی

Believer, The (Mo'min) مؤمن (سوره چهلم قرآن)، معتقد، مؤمن

Believers, The (Mo'minun) مؤمنون (سوره بیست و سوم قرآن)

bells م. زنگ کلیساها که درمواقع عزا، شادی، اجتماعات عبادی و یا خطر نواخته می‌شود

Beltane ق. جشن دینی اول ماه مه در بین اقوام سِلت

Benares هـ. بنارس. از مشهورترین شهرهای دینی هندوستان درکنار رودخانهٔ گنگ

Benedicite م. دعای خیر و برکت که مسیحیان قبل از صرف غذا می‌خوانند

Benedict St. م. بندیکت مقدس. اسقف اعظم مکتب رهبانیت غربی در مسیحیت

Benedictines م. راهبان پیرو مسلک بندیکت مقدس

Benediction م. دعای خیر و برکت،

دعای اختتام؛ در کلیسای کاتولیک رومی در بعد از ظهر یا غروب با پخش مقداری از نان مقدس ذخیره شده در بین جمعیت انجام می‌شود

Benedictus م. سرود حضرت زکرّیا پدر حضرت یحیی تعمید دهنده درکتب مسیحیان؛ پنجمین قسمت از دعای عشای ربّانی

benefactor عم. نیکوکار، محسن

benefice م. دفتر در آمدکلیسا

beneficience عم. احسان

Beneficient, The (Rahmān) رحمٰن (سوره پنجاه و پنجم قرآن)

Benevolent, The لطیف، رئوف، ودود،کریم (از اسمای الهی)

Benign, The بَرّ، عَفُوّ (از اسمای الهی)

Benjamin ی. بنیامین. جوانترین پسر حضرت یعقوب(ع)

berakah, berakhot ع.ی. دعای خیر یا اختتام؛ اولین رسالهٔ تلمود یهود

Berit ع.ی. واژه عبری به معنای «عهد و پیمان» با خدا

Berit Milah ع.ی. میثاق و عهد ختنه کردن در دین یهودی

Bernard, St. م. قدیس برنارد یا برنارد مقدس (۱۱۵۳ - ۱۰۹۰ م) بنیانگذار یکی از فرقه‌های مسیحی که معتقد بود نجات و رستگاری در اثر فیض و محبت خداوندی و کارآگاهانه و توأم با اختیار انسانها حاصل می‌شود

Bernadette, St. م. برنادت مقدس. دختری روستایی از منطقه لورد در جنوب فرانسه که در سال ۱۸۵۸ م مدعی شهود مریم مقدس‌بود و چشمه‌ای که مسیحیان معتقد به شفا بخشی آن هستند در محل زندگی وی ظاهر شد و امروزه محل زیارت حاجتمندان است

Bestower, The وهاب (اسم الهی)

Beth Din ی. بت دین. محکمهٔ یهودی مرکب از سه کاهن که در مسائل شرعی دین یهود نظر می‌دهند

Bethel ع.ی. مشتق از کلمهٔ عبری «بیت ایل» به معنی خانهٔ خدا؛ محل پرستش خداوند

Bethlehem م. بیت‌اللحم. شهری در ۸ کیلومتری جنوب بیت‌المقدس و محل تولد عیسی مسیح(ع)

Bhadrabahu ج. بهادراباهو. رهبر فرقهٔ دیگ آمبرا (برهنگان یا آسمان جامگان) در دین جاینی

Bhagat هـ. بهاگات. واژهٔ مستعمل در میان هندوها و سیکها در مورد فرد عابد، کسی که به ریاضت ـ بهکتی ـ می‌پردازد

Bhagavad-Gita هـ. بهاگاوادگیتا. به معنای تحت اللفظی «سرود خداوند»؛ مشهورترین متن مقدس دین هندویی

Bhagavat ب. بهاگاوات. ازالقاب دین بودایی در مورد کسی که شایستهٔ احترام است؛ و نیز به معنای متبرّک و مقدس

Bhagvan هـ. بهاگوان. نام و یا لقب روح متعالی و غیرشخصی - خدا - در دین هندویی

Bhajan هـ. بهاجان. سرود مذهبی هندویی

bhakti هـ. بکتی/بهکتی/بهاکتی. به معنای تحت‌اللفظی «محبّت» یا «سرسپردگی»؛ اخلاص و سرسپردگی در دین هندویی و اعمال عبادی مبتنی بر آن

Bhakti-Marga هـ. بهاکتی مارگا. طریقت احساسی عشق و وفاداری در دین هندویی

Bhakti-Yoga ه. بکتی - یوگا. طریقت و یا ریاضت مبتنی بر بهاکتی (بکتی)

Bhavaca Kra ب.بهاواکاکرا.واژهٔبودایی مورد استفاده برای «گردونهٔ صیرورت» که توسط بودا در خطابهٔ بنارس ذکر گردیده است

bhedabhedavada ه. بهدابهداوادا. نظریهٔ بودایی در مورد بی تفاوتی در هویّت؛ مثل براهمن که هم با آتمان همانند بوده و هم باآن متفاوت می‌باشد

bheru ه. بهرو. جنبهٔ سبعیّت شیوا خدای هندویی

Bhikkhu (p)/Bhikshu (s) ب. بیکو (پالی)/ بیکشو (سانسکریت). راهب بودایی؛ مستخرج از ریشهٔ «گدا»؛ پیرو راه سنگهه

Bhikkhuni ب. بیکونی. راهبه‌های بودایی پیرو طریقت سنگهه

Bhima ه. بهیما. شاهزادهٔ وحشتناک؛ دومین شاهزاده از پنج شاهزادهٔ پاندو؛ پسر وایو خدای باد

Bhopa ه. بوپا. در آیین هندوی روستایی عنوان کاهن ده و یاخادم معبود یا اله محلّی

Bhumi ب. بهومی/بومی. به معنای «زمین» در دین بودایی برای اشاره به‌یکی از مراحل راه تنویر به کار می‌رود

Bhuvo ه. بوو/بهوو. به همان معنای بوپا؛

Bible ی.م.کتاب مقدس، عهدین، مجموعهٔ تورات و انجیل

bibliolatry عم. پرستش کتب مقدّس

bibliomancy استخاره

Biel, Gabriel گابریل بیل (۱۴۹۵ - ۱۴۲۰ م) یکی از پرنفوذترین علمای الهی اسکولاستیک مسیحی

Billal الف. بلال حبشی بندهٔ آزاد شدهٔ پیامبر(ص) و اولین مؤذّن اسلام

Bimah ع.ی. بیمه. میز و یا تریبون خطابه و قرائت در کنیسه‌ها

Biography of the Prophet Muhammad(ص) الف. سیرة النّبی

Bira ق. اف. بی‌را. واژهٔ مستعمل در بین قبیلهٔ افریقایی شونا برای مراسم پرستش ارواح نیاکان

Biradari ه. برادری. واژهٔ هندویی در مورد اجتماع افراد یک کاست

biretta م. بی‌رتا. کلاه چهارگوش کشیشان در کلیسای غربی

birthday of Guru Nanak میلاد گورونانک بنیانگذار دین سیک در ششم نوامبر هر سال

birthday of Prophet Muhammad(ص) الف. میلاد پیامبر اسلام (ص) در دوازدهم یا هفدهم ربیع الثانی

bishop م. اسقف. بالاترین مقام روحانی در کلیسای مسیحی

Bismillah الف. عر. بسم‌اللّه (بسمله: گفتن بسم‌الله الرحمن الرحیم)

Black Friars م. عضو فرقه‌ای از راهبان دومینیکن که ردای سیاه می‌پوشند

Black Muslims الف. نهضت سیاهپوستان مسلمان امریکا که در سال ۱۹۳۰ توسط و.د. فِرد بنیان گذاشته شد و سپس علیجاه محمّد رهبر آن گردید

Black Robed الف. مسوّده؛ پیروان ابومسلم خراسانی

Black Stone الف. حجرالاسود (در خانه کعبه)

blame عف. ملامت

blasphemy کفر، توهین به مقدّسات

Blavatsky, Mme Helena Petrovna خانم هلنا پتروفنابلاواتسکی (۱۸۹۱ - ۱۸۳۱ م) از بنیانگذاران انجمن عرفانی مسیحی

blessed مبارک (با حرف B از القاب قران)

Blessed One عم. یکتای مقدس، شخص مقدس؛ از القاب افرادی نظیر بودا یا مهاویرا

blessing عم. کرامت، فیض، برکت

blindness عمی، کوری

blood-money الف. دیه

Bo (p.,s.) ب. درخت بو یا انجیر که طبق روایات بودایی، گواتما بودا در زیر آن به اشراق دست یافت

Boaz (see Jachin and boaz) ق بوآز. نگاه کنید به جاچین و بوآز

Bodh Gaya ب. بوده گایا. محلّی که بودا در آنجا به اشراق رسید؛ محل زیارت بودایی‌ها

Bodhi ب. اشراق در دین بودایی

Bodhi Day ب. مراسم روز اشراق در ماه دسامبر که فرقهٔ ماهایانا به یادبود تنویر گواتمه سیذارتا بودا برپا می‌کنند

Bodhi Tree ب. درخت بو/ بودهی که بودا در زیر آن به اشراق رسید

Bodhi dharma ب. بودی - دارما. بنابر روایت، راهبی که در سال ۵۲۰ میلادی ذن را از هند به چین آورد؛ اولین رهبر ذن بودایی در چین

Bodhisatta(P)/ Bodhisattva(s) ب. بودیستوه/بودهیستوه سالک راه بودایی؛ کسی که به مرحله اشراق رسیده امّا وصول به نیروانا را به خاطر کمک به مخلوقات درد و رنج کشیده به تاخیر می‌اندازد

Bompu Zen ب. بومپوذن. یکی از پنج نوع ذن؛ ذن معمولی برای تقویت فکر

Bon عم. بُن. دین محلّی مردم تبّت؛ صورت خامی از طبیعت پرستی که بر دین بودایی در تبت تأثیر گذاشته و آن را از صور دیگر دین بودایی متفاوت ساخته‌است

Boniface VIII م. بونیفاس هشتم. کشیش ایتالیایی که در سال ۱۲۹۴ م به مقام پاپی رسید و در جهت اتحاد اروپا کوشش به عمل آورد

Bonface, St. م. بونیفاس مقدس (۷۵۴ - ۶۸۰ م). غالباً به نام رسول یا قدیس آلمان شناخته می‌شود

bonze ب. بونزه. لقب راهبان بودایی در ژاپن؛ از لحاظ معنی شبیه «بیکو» است

Book of Faith الف. کتاب تقدیر الهی

Book of History ک. کتاب تاریخ؛ از متون مقدس دین کنفوسیوسی

booty الف. غنیمت جنگی

Bo-tree ب. درخت بو (انجیر)؛ درختی که بودا در زیر آن به مراقبهٔ نفس مشغول بود و بالمال به اشراق رسید

Bountiful, The الف. وهّاب (اسم الهی)

bountiful spirit ز. روح بخشنده یا سپنتامانیو، یکی از ارواح خیر (امشاسپندان) در کتب مقدس زرتشتی

Boxer Uprising چ. قیام باکسر در سال ۱۹۰۰ میلادی در بین پیروان یکی از فرقه‌های دین تائویی که معتقد بودند بدنشان در مقابل گلوله اجنبی‌ها مصون است

Boy Bishop م. پسر بچهٔ کشیش؛ سنتی

قدیمی در انگلستان که در فاصله ۶ تا ۲۸ دسامبر بعضی وظایف اسقفی را به پسر بچه‌ای واگذار می‌کردند

Brahma ه. براهما. خدای خالق در دین هندویی که به همراه ویشنو وشیوا تثلیث هندویی را تشکیل می‌دهد؛ در متون وداها و برهماناها به معنی نیایش، زمزمهٔ مقدس، یا دانش مقدس آمده است

Brahma Samaj ه. براهماساماج. فرقهٔ اصلاح طلب هندویی که در سال ۱۸۲۷ م. توسط رام موهان روی بنیانگذاری گردید و مخالف شرک و بت پرستی، سوزاندن همسران بیوه و نظام طبقاتی کاست بود

Brahmacharin ه. براهماکارین. در تفکر هندویی به معنای اوّلین مرحله از چهار مرحلهٔ حیات (آشرامه‌ها)؛ مرحلهٔ طلبگی و دانش پژوهی که معمولاً ۱۲ سال طول می‌کشد

Brahmacharya ه. براهماکاریا. به معنای تحت‌اللفظی «زندگی مقدس»؛ در ادیان هندویی و بودایی به یک زندگی توأم با تقوی و مسک نفس گفته می‌شود

Brahman ه. براهمان/ برهمن. نیروی مقدسی که در همهٔ عالم نهفته است؛ حقیقت غایی که در زیر بنای عالم محسوس قرار دارد؛ وجود مطلق یا خدا؛ براهمن غیر قابل توصیف بوده و دارای صفات نیست

Brahman/Brahmin ه. برهمن. طبقهٔ روحانی یا بالاترین طبقات چهارگانه در دین هندویی و نظام طبقاتی کاست

Brahmanas ه. برهماناها.متون مقدس دین هندویی که به صورت شرح و تبیین سرودهای دینی وداها می‌باشند

brahmanda ه. براهماندا. تخم براهما؛ نام جهان در دین هندویی

Brahma-Putra ه. رودخانهٔبراهما- پوترا، از اماکن مقدس زیارتی هندوها

Brahma Sutra ه. براهماسوترا. مجموعه‌ای از امثله دربارهٔ براهمن که در کنار مجموعه اوپانیشادها مبنای حکمت ودانتایی را تشکیل می‌دهند

brahma-vihara ب. براهماویهارا. واژهٔ مستعمل در دین بودایی به معنای چهار منزلگاه و یا حالت روحی ذهن

Bran ق. بران. خدای اولیهٔ ویلز، پسر لیر

bread نان. مایهٔ حیات؛ عیسی مسیح(ع) در کتاب یوحنا (۶/۳۵) خود رانان زندگی می‌نامد و در شام آخر نیز نان خود را با حواریون تقسیم می‌کند

Breath of the Merciful عف. نفس الرحمن

Brethren م. برادران دینی. فرقه‌ای از مسیحیت که در سال ۱۸۳۰ م تحت رهبری ب. و. نیوتن در پلیموت به وجود آمد؛ اینان به وجود کشیشان رسمی عقیده نداشتند

Brethren of the Common Life م. فرقه برادران زندگی عادّی؛ انجمنی که در قرن چهاردهم در هلند برای تقویت حیات و اعتقاد مسیحی در بین افراد عادی به وجود آمد

Brethren of Purity الف. اخوان الصفّا

breviary م.کتاب دعا ونماز؛کتاب ادعیهٔ روزانهٔ کشیشان کلیساهای کاتولیک

Brigid ق. بریژید. الههٔ رودخانه‌ها و آبها در بین قوم سِلت

Brigid of Kildare, st. م. بریژید کیلدار مقدس. از قدیسین اولیهٔ کلیسای ایرلند

Brindaban (see Vrindaban) ه. نگاه کنید به ویریندابان

Brindraban ه. از اماکن زیارتی هندویی در شمال هند

brotherhood اخوت، طریقت عرفانی

Brownists م. پیروان رابرت براون (۱۶۶۳ - ۱۵۵۰ م) که کلیسای اجتماعی را بنیان گذاشت

Brunner, Emil م. امیل برونر (۱۹۶۵ - ۱۸۸۹ م) متکلم پروتستان از اهالی سوئیس

Bruno, St. م. برونوی مقدس. بنیانگذار فرقه‌ای از راهبان متعصّب در فرانسه

Bucer, Martin م. مارتین بوسر. چهره پیشتاز نهضت اصلاحی پروتستان در استراسبورگ

Buddha ب. بودا. لقب گواتمه سیذارتا بنیانگذار دین بودایی؛ معنای لغوی «اشراق یافته»

Buddha-dhamma ب. بودا- دمه. واژهٔ مستعمل در فرقهٔ تراوادا به معنای محتوای تعلیم بودا

Buddhahood ب. بوداگری، بودائیت

Buddha-sasana ب. بوداساسانا. واژهٔ مستعمل در فرقهٔ بودایی تراوادا به معنای نظم مورد تعلیم بودا

Buddhisatva (see bodhisatta) ب. بودیستوه. طلبهٔ راه بودایی

Buddhism ب. دین بودایی

Buddhist ب. فرد بودایی

Buk ق. باک. واژهٔ مستعمل در قبیلهٔ نور (Nuer) برای روح مؤنث، مادر دِنگ

Bull-Roarer ق. قطعه چوبی که به تسمه‌ای بسته‌شده و بومیان استرالیایی در موقع انجام تشریفات مذهبی صدای مخصوصی باآن ایجاد می‌کنند

Bultmann, Rudolf م. رودولف بالتمان (۱۹۷۷ - ۱۸۸۴ م) متکلّم پروتستان آلمانی و استاد مطالعات کتاب مقدس در ماربورگ که بر اسطوره زدایی از کتاب مقدس تأکید داشت

Bundahishn ز. بندهشن. سند دینی زرتشتی مشتمل بر روایتی از خلقت و ساختار عالم

burial عم. کفن و دفن؛ خاکسپاری

burka ع. الف. برقع؛ روبنده بعضی از بانوان مسلمان

Bursting Asunder, The (Inshiqâq) انشقاق (سوره هشتاد و چهارم قرآن)

Buruj (The Mansions of The Stars) بروج (سوره هشتاد و پنجم قرآن)

Bushido ژ.ش. بوشیدو. آیین و اخلاق جنگجویی و رشادت در بین سامورایی‌های ژاپن

Buto ق. بوتو. (مذهب مصری)الههٔ مارکه در دلتای رود نیل اورا می‌پرستیده‌اند

Byzantinism (تاریخ کلیسا) پیروی از افکار و روش معمول در بیزانس (بعدها قسطنطنیّه و امروزه استانبول)؛ انکار استقلال روحانی مذهب و اعتقاد به دخالت دولت در مذهب

C

Cabala (see kabbalah) ع. کابالا
نگاه کنید به kabbalah

Caiaphas ی. قیافا. کاهن یهودی که اولین جلسهٔ محاکمه عیسی‌مسیح(ع) را برگزار نمود و برای وی در خواست مجازات مرگ کرد

Cain قابیل، قائن. پسر بزرگ آدم و حوا(ع)

Caitanya ه. کائی تانیا. مصلح هندویی طرفدار ویشنو (۱۴۸۵ - ۱۵۳۳ م)؛ وی به جهت پرستش کریشنا شهرت داشته و پیروانش او را آواتارِ ویشنو می‌دانستند

cak ق. کک. واژهٔ مستعمل نزد قبیلهٔ افریقایی نوئر برای خلقت یاعالم مادی

Calamity, The Sure, The Terrible Calamity حاقّه (سورهٔ شصت ونهم قرآن)، قارعه (سوره صد و یکم قرآن)

Calculator, The حسیب (اسم الهی)

caliph ع. الف. خلیفه، جانشین

caliphate خلافت

call, call unto دعوت

call to prayer الف. اذان

Call to Prophethood الف. بعثت

calumet ق. سنگ سرخ رنگی که در ایالت مینسوتای امریکا وجود دارد و برای ساختن چپق مقدس بومیان امریکایی به کار می‌رود؛ چپق مقدس

calvary م. تپهٔ جلجتا یا گلگتا در اورشلیم فلسطین، جایی که عیسی مسیح (ع) را در آنجا مصلوب کردند

Calvin, John م. ژان کالوین. (۱۵۶۴ - ۱۵۰۹ م) مصلح و متکلم شهیر فرانسوی که از بزرگترین علمای فرقهٔ پروتستان به حساب می‌آید

Calvinism م. مکتب الهیات پروتستان پیرو عقاید کالوین (وی می‌گفت بخشش گناهان کار کشیشها نیست و همهٔ افراد می‌توانند آن را انجام دهند)

campanile م. مناریا برج ناقوس کلیسا

Cana م. کنعا. دهکده‌ای نزدیک دریای جلیله و محل اولین معجزهٔ حضرت عیسی(ع)

Canan کنعان، ارض موعود

Canaanite religion دین مردم کنعان

cancellation احباط، فسخ، نسخ

candlemas م. عید تقدیس و تطهیر حضرت مریم(س) در روز دوّم ماه فوریه

canon(law) م. قانون شرع، قانون مذهبی یا شرعی؛ مجموعهٔ کتب مقدس مذهبی که رسماً مورد قبول و اعتقاد کلیساست، شریعت

canonical م.ی. متون قانونی یا شرعی؛

مشروع، شرعی، واجب

canonical law فقه

canon of scripture م. ی. کتب دینی که رسماً مورد قبول کنیسه یا کلیسا هستند

canonist فقیه

canonization م. تشریع، تقدیس، پذیرفتن کسی به مقام قدیسی در کلیسا، چنین شخصی با عنوان سن (سنت) ـ مقدّس ـ خوانده می‌شود

canopy م.ب. قبه یا خیمه و سایبان مقدسی که در مراسم دینی بالای سرشیء، یا شخص مقدسی می‌گیرند

Cantate,Domino م. مزمور ۹۸ داود که به صورت مناجات در کلیساها خوانده می‌شود (دو کلمهٔ اول این دعا به زبان لاتین)

Canterbury م. شهر کانتربری مقر روحانیت آنگلیکن در انگلستان

canticles م. تسبیحات و سرودها (مزامیر) روحانی که در مراسم دینی کلیسا خوانده می‌شوند

capitation جزیه

Cappodocian Fathers م. پدران کاپودوچی؛ سه معلم الهیات مسیحی در قرن چهارم

caprice هوی و هوس

Capuchins م. راهبان باشلوق پوش؛ راهب کبوشی، یکی از فرقه‌های فرانسیسکن‌ها

cardinal م. کاردینال. از اعضای عالی‌رتبه و روحانی شورای پاپ

cardinal sin گناه کبیره

Cargo Cults ق. آیینهای دینی کشتی‌های باری؛ مظاهر مذهبی جزایر مالینزیایی در اقیانوس آرام؛ در این آیینها معمولاً رهبری پیدا می‌شود که به مردم وعده می‌دهد که به زودی یک منجی بر عرشهٔ یک کشتی باری که پر از مواد مصرفی نظیر رادیو، غذاهای کنسرو شده و... است فرا خواهد رسید

Carmathian قرمطی

Carmelite م. وابسته به راهبان کرملی ساکن کوه کرمل در یهودیه؛ فرقهٔ رهبانی مسیحی که در سال ۱۱۵۴ م توسط سن برتولد در فلسطین پایه گذاری گردید

carnal soul الف. نفس امّاره

carol م. سرود و رقص دستجمعی در اعیاد مذهبی کلیسا

Carthusians م. فرقه‌ای از راهبان متعصب که در سال ۱۸۰۶ م به وسیله سنت برونو در شهر فرانسه تأسیس شد و طرفدار ریاضتهای سخت و نفی دنیاست

cassock م. خرقهٔ بلند کشیشان، دلق

caste ه. کاست. نظام چهارگانه طبقات دین هندویی

casuistry علم حل مسائل از راه اخلاق و وجدان؛ در الهیات اخلاقی کاتولیک، این امر با مراسم اعتراف به گناهان در محضر کشیش مرتبط است

catacombs م. دخمه یا سرداب محل اجساد مردگان در کلیسای مسیحی اوّلیه

cat doctrine ه. تمثیل گربه در دین هندویی؛ تشبیه محبت و لطف خداوند به انسانها به لطف یک گربه به فرزندانش

catafalque عم. تابوت یا عماری که برای تشییع جنازه افراد معروف به کار می‌رود

catechesis م. تعالیم مذهبی شفاهی که در کلیسای اولیه برای غسل تعمید داده می‌شد؛ کتاب تعلیمات دینی

catechism م. کتاب سؤال و جواب دینی و

تعالیم مقدماتی مذهبی

Catechumen م. جدید المذهب؛ نوآموز ومبتدی تعالیم مسیحیّت

catharist م. فرقه‌ای از مسیحیان ارمنستان در قرن هفتم میلادی که پیرو عقاید مانی ومانویون بوده‌اند

cathars م. فرقه‌ای از مسیحیان در شمال ایتالیا و جنوب فرانسه (در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی) که به نوعی ثنویت معتقد بودند؛ کلیسای کاتولیک برای مبارزه با آنها محاکم تفتیش عقاید را برپاساخت و بسیاری از آنها را شکنجه نموده وکشت (همان مورد بالا، منتهی با اختلاف تاریخ)

catharsis تجرد روحانی، تطهیر، تزکیهٔ نفس

cathedral م. کلیسای جامع یا اسقف‌نشین، دارای cathedra یا تخت اسقفی

Catherine, St. م. کاترین مقدس (۱۳۴۷ - ۱۳۸۰ م). راهبهٔ شهیر مسیحی که بسیار اهل بصیرت بود

Catholic م. وابسته به کلیسای غربی و یا کلیسای کاتولیک روم؛ کاتولیک؛ از ریشهٔ یونانی به معنای «جهانی و جامع»

catholicism مذهب کاتولیک

Catholicos جاثلیق

Cattle, The انعام (سورهٔ ششم قرآن)

Caunri هـ. از روزهای مهم آداب ازدواج در دین هندویی که عروس و داماد هفت بارگرد آتش مقدسی که توسط کاهن تبرّک شده است قدم می‌زنند

causal affinity قرابت سببی

Cautes/Cautopates ق. واژه‌های مستعمل در دین میترایی برای افرادی که مشعل مقدسی را به طور سر بالا و سرازیر حمل می‌کنند که به معنای خورشید رو به طلوع و غروب و یا تولد و مرگ است

Cave, The کهف (سورهٔ هجدهم قرآن)

Cecilia, St. م. سن سیسیلیا، قدیس حامی موسیقی در قرن سوم میلادی

celestial علوی، ملکوتی

celibacy of clergy عزوبت و تجرّد روحانیون

Celsus م. سلسوس. فیلسوف قرن دوم میلادی که آرای اخلاقی مسیحیت را قبول داشت امّا با تجسیم و تجسید و تصلیب و داعیهٔ رستگارسازی کلیسا مخالف بود و لذا دستگاه کلیسا او را مشرک می‌دانست

Celts, dead religion of ق. دین مرده و قدیمی اقوام سلت

Celtic church ق. کلیسای اقوام سِلت (قوم باستانی اروپا)

censer بخور سوز یا مجمر در اماکن مقدس

Ceres ق. الهه رستنی‌ها یا الههٔ زمین در روم باستان که با الههٔ یونانی - دیمتر، یکی دانسته می‌شد

certainty یقین

certitude عف. ایقان، یقین

cetana ب. ستانا. در تعالیم بودایی به معنای اراده و خواست و از عوامل آگاهی است

chaba اف. چابا. واژهٔ مستعمل در بین قبیلهٔ افریقایی ایلا برای خدا به معنی «عطاکننده»

Chac ق. چاک. خدای باران وگیاهان در بین قوم مایا در امریکای مرکزی

chain of mystics, الف. سلسله (عرفا)

chain of initiation

chain (of transmitters) الف. سلسله (روات)

chaitanya هـ. چایتانیا. از مصلحین دین هندویی

Chalcedon, Council of م. شورای چالسدون. چهارمین مجمع جهانی کلیسای مسیحی در ۴۵۱ میلادی که در آن مریم مقدس به عنوان «مادر خدا» نامیده شد

chalice م. جام باده در مراسم عشای ربّانی کلیسای مسیحی

challenge تحدّی

Chambers, The (Hujurat) حجرات (سورهٔ چهل و نهم قرآن)

Ch'an (see Zen) ب. چان. نگاه کنید به ذن (در دین بودایی)

chancel م. صدر کلیسا. بخشی از کلیسا که محراب و جای سرود خوانی در آنجاست

Chandogya Upanishad هـ. اوپانیشاد چاندوگیا. یکی از قدیمی‌ترین اوپانیشادها

Chang Ling ت. چانگ لینگ. بنیانگذار تائوییسم دینی

chanter of Quran قاری قرآن

chantry م. پولی که وقف کشیشان می‌شود تا برای مردگان دعا بخوانند؛ نمازخانه‌ای که برای همین مقصود وقف می‌شود

Chanukkah ع.ی. چانوکه. از اعیاد مذهبی دین یهود

chapel م. نمازخانه کوچک؛ عبادتگاه یک مدرسه یا مریضخانه

chaplain پیشنماز

chapter در ابتدا به معنی بخشی از کتاب قواعد صومعه که به طور روزانه تلاوت می‌شد امّا بعدها به اعضای یک مرکز دینی که برای تعالیم و بحث گردهم جمع می‌شدند هم گفته شد. در مورد قرآن به معنی سوره

character سیرت، اخلاق

charism عم. عطیه، موهبت الهی

charisma عف. کرامت، فرّه

charismata کرامات اولیا

charismatic کسی که دارای عطیه و یا موهبتی الهی است و قدرت هدایت مردم را دارد؛ فرهمند

charity عم. دستگیری، صدقه، خیرات

Charlemagne م. شارلمان (۷۴۲ - ۸۱۴ م). اولین امپراطور مقدس اروپا که در سال ۸۰۰ میلادی توسط پاپ لئوی سوم تاجگذاری گردید

charming beloved عف. شاهد

charoset ع.ی. کاروست. مخلوط میوهٔ خرد کرده و شراب که یهودیان در مراسم عید فصح به کار می‌برند

charterhouse م. صومعه راهبان فرقهٔ کارتوزین

Chasidim ع. ی. حسیدیم. نهضت یهودی در قرن دوم پیش از میلاد که مخالفت یونانی کردن زندگی و آداب یهودیان بود؛ بعدها در قرن هیجدهم نیز نهضتی به همین نام توسط اسراییل بن الیزار پایه گذاری گردید که مخالف نجات از طریق تعالیم پیچیده تلموذ بود

chastisement عذاب

chasuble م. لبادهٔ باشلق دار بلندی که کشیشان هنگام عبادت و نماز بر روی لباس می‌پوشند

chatavan هـ. چاتاوان. مراسم دین هندویی در شش ماه پس از تولد نوزاد که غالباً با تشریفات نامگذاری همراه است

chathi هـ. چاتهی. مراسم هندویی در ششمین

روز تولد نوزاد که آغاز دورهٔ تطهیر مادر است

Chaytania ه. چایتانیا. از متجدّدین و مصلحین دین هندویی در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی که معتقد به تساوی همهٔ طبقات در برابر خداوند بود

chazenut ع. ی. چازنوت. هنر آوازخوانی که شامل صحیح خواندن متون مقدس در کنیسه‌های یهودی است

Chemosh ق. قموش. خدای قبیله مائوبیت در ساحل شرقی اردن

Cheng Huang چ.ژ. چنگ هوانگ. خدا ـ شهر

cherubim کروبیان، ملک مقرب

chih چ.ژ. چی/ ژی. فضیلت دانش وحکمت در دین کنفوسیوسی

Children of God م. فرزندان خدا گروهی که در سال ۱۹۶۸ م. توسط دیوید برگ در کالیفرنیای امریکا پایه گذاری شده و خود راز فروعات «انقلاب عیسی» می‌داند

chilenga ق. اف. چیلنگا. واژه‌ای که قوم ایلا در افریقا برای خدا به کار می‌برند و به معنای «خالق» است

Chiliasm م. اعتقاد به اینکه حضرت مسیح(ع) ظهور خواهد نمود و هزار سال بر دنیا حکومت خواهد کرد

Chinvat Bridge ز. پل چینوت در دین زرتشتی که مشابه پل صراط در اسلام است

chivalry الف. فتوّت، شهسواری

choir م. دستهٔ کُر یا سرایندگان کلیسا؛ جای نشستن روحانیون در کلیسا

chowri س. چوری. بادبزنی که از یال گاونر تهیه شده و در مراسم عبادی سیک مرتباً کتاب مقدس گرانت را با آن باد می‌زنند

chrism م. تدهین و تقدیس (بخصوص در موقع دست‌گذاری و انتصاب کشیشان و انجام آیین تعمید)

Christ م. مسیح(ع). لقب حضرت عیسی(ع) که از واژهٔ یونانی به معنای مسح یا تدهین گرفته‌شده

Christadelphians م. انجمن دینی که در سال ۱۸۴۷ م توسط جان توماس پایه گذاری گردید و افراد آن معتقد بودند که روش کلیسای قرن اول مسیحی را احیا نموده‌اند

Christening (see Baptism) م. غسل تعمید

Christian Aid Week م. هفتهٔ کمکهای مسیحی که در ماه مه توسط شورای کلیساهای انگلستان برگزار می‌شود و هدف از آن جمع آوری اعانات برای نیازمندان است

Christian م. مسیحی، عیسوی، نصرانی

Christianity م. دین مسیح، مسیحیّت

Christian Science م. نهضتی که در سال ۱۸۷۵ م توسط ماری بیکرادی پایه گذاری گردید که کتابی به نام «دانش و بهداشت» منتشر کرد و بر خوب بودن خداوند و مطلق بودن روح مقدس تاکید داشت

Christian Socialism م. سوسیالیسم مسیحی؛ نهضتی که در قرن نوزدهم توسط کلیسای انگلستان برای ارتقای اصلاحات اجتماعی و مقابله با نظریات سودپرستانه به وجود آمد

Christmas م. کریسمس. جشن تولد عیسی مسیح(ع) در بیست و پنج دسامبر

Christology م. مسیح شناسی، بخشی از کلام مسیحی که دربارهٔ اهمیت مسیح(ع) برای کلیسا بحث می‌کند

Christopher, St. م.بنابر روایات مسیحی از قدیسین آسیای صغیر می‌باشد که در قرن سوّم میلادی به شهادت رسیده است

Chronicles, Books of ی.م. دو کتاب «وقایع ایام» در عهد عتیق

Chun Chiu ک. چون چیو. به معنای «بهار خزان»؛ از متون مقدس دین کنفوسیوسی

Chu Hsi ک. چوهسی. معلم اخلاق دین کنفوسیوسی

chung چ.ک چونگ (جونگ). وفاداری در دین کنفوسیوسی

Chung Yung چ.ک. چانگ یانگ (چونگ یونگ). عنوان یکی از کتابهای کنفوسیوس به معنای «نظریهٔ میانه روی»

Chun Jen (see Jiun ren) چ. چون ژن. نگاه کنید به ژیون رن

church م. کلیسای مسیحی، اجتماعی دینی، اجتماع روحانی، تشکیلات دینی

Church Army م. ارتش یا لشکر کلیسا؛ سازمانی مرتبط باکلیسای آنگلیکن که در سال ۱۸۸۲ م. توسط ویلسون کارلایل و به الگوی «ارتش نجات‌بخش» تأسیس شد

Church of England م. کلیسای آنگلیکن

Church of Jesus Christ of the Latter Day Saints م. فرقه‌ای از مسیحیت که در سال ۱۸۳۰ م توسط ژوزف اسمیت در امریکا پایه گذاری گردید

Churching of Women م. شکل سپاسگزاری بانوان مسیحی پس از وضع حمل

Chwang-Tse (ze) چ. ت. چوانگ تزه (تسه). شاگرد لائوتسه بنیانگذار دین تائویی

Chwang-Tzu چ. ت. چوانگ تزو. از کتب مقدس دین تائویی

ciborium م. قدح یا ظرف پوشیده‌ای مخصوص شراب عشای ربّانی

circumambulation الف. طواف

circumcision الف. ی. ختنه (در دین اسلام و دین یهودی)

circumvention of the law الف. حیلهٔ شرعی

Cistercians م. وابسته به فرقهٔ مرتاض منشانه راهبان سیسترسین که در سال ۱۰۹۸ م. توسط رابرت مولسم (Molesme) فرانسوی بنیانگذاری گردید

cit ه. سیت. آگاهی در دین هندویی

cittamatra ه. سیتاماترا. جنبهٔ روح و یا ذهنی نیروانا در دین هندویی

City, The بلد (سورهٔ نودم قرآن)

civil liability الف. ضمان

classless society جامعه بی‌طبقه

Clatterer, The قارعه (سورهٔ صد و یکم قرآن)

Clear Proof, Clear Evidence, The بینه (سورهٔ نود و هشتم قرآن)

Clear Sighted, The بصیر (اسم الهی)

Cleaving Asunder, The انفطار (سورهٔ هشتاد و دوم قرآن)

Clement, The حلیم (اسم الهی)

Clement of Alexandria م.کلمنت اسکندرانی (۲۱۵ ـ ۱۵۰ م). متکلّم شهیر مسیحی

clergy=clergyman روحانی، عالم‌دینی

clientage الف. ولاء

clients الف. موالی

cloak خرقه، دلق، عبا، قبا، ردا

Cloaked One, The مدّثر (سورهٔ هفتاد و چهارم قرآن)

cloister دیر، صومعه

Clot, The علق (سورهٔ نود و ششم قرآن)

Clothed One, The (Muddassir) مدّثر (سوره هفتاد و چهارم قرآن)

codex م. نسخهٔ قدیمی، کهنه و دستنوشتهٔ کتاب مقدس

coercion الف. اضطرار در اعمال، اکراه (در فقه)

col ق. کول. از ارواح قبیلهٔ نور (Nuer) مرتبط با باران و رعد

collect م. دعای کوتاهی که در موقع جمع آوری پول اعانه در کلیسا خوانده می‌شود؛ هرگونه دعای کوتاه

collective duty الف. واجب کفایی

college م. گروهی از کشیشان که به طور جمعی در یک بنگاه خیریه زندگی می‌کنند

Colossians, Epistle to the م. رسالهٔ پولس رسول به کولسیّان در انجیل

Comforter م. تسکین‌بخش یا آرامش‌بخش؛ از القاب روح القدس در انجیل؛ این واژه به حمایت‌کننده و یاکمک‌کننده نیز ترجمه شده است

commendam م. تولیت عواید کلیسایی

commentary عم. شرح و تفسیر بر متون مقدس

committal to God الف. تفویض امور به خداوند

Communion م. آیین عشای ربانی

Communion Meal ک. طعام مشترک در دین کنفوسیوسی

Communion of Saints م. بند نهم در اعتقادنامه کشیشان مشتمل بر اتحاد هر مسیحی با عیسی مسیح(ع) و از آن طریق با همهٔ مسیحیان دیگر

community امّت، اجتماع

Companies, The زُمَر(سورهٔ سی و نهم قرآن)

companion الف. صحابی، قرین

Companions, The (Zumar) زمر (سورهٔ سی و نهم قرآن)

companions الف. اصحاب، صحابه

comparative religious studies عم. مطالعات تطبیقی ادیان

Compassionate, The الف. رحیم (اسم الهی)

compatibility in marriage الف کفائه (همشأنی زوجین)

compensation دیه

complete union عف. جمع

compline م. آخرین ساعات رسمی نماز کاتولیکهاکه در آخر روز و قبل از استراحت شب خوانده می‌شود

Compostella م. شهری در شمال غربی اسپانیاکه محل دفن جیمز مقدس شمرده می‌شود

Comprehensive, The واسع(اسم‌الهی)

compulsion الف. اضطرار در اعمال، اجبار، جبر

Conclave م. انجمن محرمانه مطران‌ها برای انتخاب پاپ جدید

concubine الف. متعه، زوجهٔ منقطعه

concupiscence نفس امّاره، شهوت

پرستی

conduct سلوک

confederate الف. حلیف

Confederates, The احزاب (سورهٔ سی و سوم قرآن)

confession عم. اقرار و اعتراف به گناهان

confession of faith الف. فرمول اقرار به ایمان؛ ادای شهادتین

confirmation م. آیین پذیرش و تأیید و تنفیذ فرد تازه‌وارد به عضویت در کلیسای مسیحی

Confucian texts ک. متون مقدس دین کنفوسیوسی

Confucianism ک. دین کنفوسیوسی. از ادیان چینی که در اصل به نام Ju Chiao به معنای آموزش حکیم بوده

Confucius ک. کنفوسیوس. لاتینی شدهٔ K'ung Fu'tzu به معنی استاد بزرگ که بزرگترین حکیم چین باستان در قرن پنجم قبل از میلاد می‌باشد

Congregation, The جمعه (سورهٔ شصت و دوم قرآن)

conscience وجدان، آگاهی

consecration عم. وقف، تخصیص؛ در مسیحیت به معنای تقدیس و متبرک شده (برای انتخاب به مشاغل روحانی و یا مصرف در مراسم عشای ربانی)

consensus of opinions الف. اجماع علما بر یک عقیده و یا حکم فقهی

Consensus Tigurinus م. اظهارنامهٔ ایمان (فرمول ادای شهادتین) که در سال ۱۵۴۹ م توسط ژان کالون برای مسیحیان سوئیس تدوین گردید

Conservative Movement ی. نهضت محافظه کارانهٔ متأخری در دین یهودی که سعی دارد بین مواضع ارتودوکس‌ها و اصلاح طلبان یهودی آشتی ایجاد کند

Constance, Council of م. شورای کنستانس (۱۴۱۷ - ۱۴۱۳ م) که تفرقهٔ عظیم کلیسای کاتولیک رم را مرتفع ساخت

Constantine م. کنستانتین. امپراطور روم (۳۳۷ - ۲۴۷ م) که اعلام نمود پیروی از دین مسیحیت نیز در قلمروی امپراطوری وی قابل تحمل است

Constantinople م. قسطنطنیّه (استانبول یااسلامبول فعلی) مرکز کلیسای روم شرقی

consubstantiation م. همذات بودن، نظریهٔ مارتین لوتر که می‌گوید نان و شرابی که در مراسم عشای ربانی مصرف می‌شود درست همجنس و همذات با بدن عیسی مسیح(ع) است (در فلسفهٔ اسلامی معادل این اصطلاح تَجَوهُر است)

contemplation عف. مراقبت (در عرفان اسلام، بودایی، هندویی وغیره)، مشاهدت

contraction الف. قبض یا انقباض روحی (درعرفان)

contribution الف. نفقه

Contrition ر توبه، انکسار

convent صومعه، خانقاه

convention عهد و میثاق

conversion عم. تغییر کیش یا آیین، ارشاد به کیش تازه

cope م. ردای روحانیون مسیحی

Coptic ق. قبطی

corban عم. قربانی؛ این واژه درکتاب مقدس و قرآن هر دو استعمال شده

Corinthians, Epistles to the م. رساله‌های پولس رسول به قرنتیان

coronation ceremony ش. مراسم تاجگذاری در دین شینتویی

corporal م. پارچه‌ای که در مراسم عشای ربّانی به کار می‌رود؛ رومیزی عشای ربّانی؛

Corporeal جسمانی، دنیوی، مادی

Corpus Christi م. معنای تحت اللفظی «بدن مسیح»؛ از اعیاد مذهبی کلیسای کاتولیک روم

corruption فساد (کون)، قلب و تحریف (کلمات)

cosmological argument عم. برهان جهانشناختی؛ اثبات وجود خدا برمبنای وجود عالم

council عم. م. شورا، انجمن کشیشان در کلیسای مسیحی

Counsel, The شوریٰ (سوره چهل و دوم قرآن)

Counter-Reformation م. حرکت ضد اصلاحگرایانه در کلیسای کاتولیک (در مقابل نهضتهای اصلاحی لوتروکالوین)

Courier of the Sun ق. پیک خورشید؛ ششمین مرحله از مراحل هفتگانهٔ ورود به دین میترایی

Coursers, The عادیات (سورهٔ صدم قرآن)

Coven (Covine) م. اجتماع ۱۳ نفری جادوگران؛ یک نفر رهبر و دوازده نفر پیرو؛ احتمالاً تقلیدی از شام آخر عیسی(ع) با حواریّون

covenant عم. عهد و میثاق و پیمان بین مردم یا مردم با خدا

Covenanters م. امضاکنندگان عهدنامه؛ لقب پروتستانهای اسکاتلند که در سال ۱۶۳۸ م. عهدنامه‌ای را علیه چارلز اول پادشاه انگلیس که می‌خواست ادعیهٔ انگلیسی را برای اسکاتلند اجباری کند امضا کردند

Covering up, The (Takwir) تکویر (سورهٔ هشتاد و یکم قرآن)

covetous desires عم. هوی و هوس (مخالفت تعالیم دینی)

Cow, The بقره (سورهٔ دوم قرآن)

cowl بالاپوش کلاه‌داری که اکثر سلسله‌های رهبانی می‌پوشند

cowper temple clause م. اصل عدم تعلیم یک مکتب و یا فرقه مسیحی خاص در تعالیم مذهبی عمومی مدارس انگلستان

created حادث، محدث، مخلوق

createdness, creation حدوث

created world عالم خلق

creatio exnihilo خلق از عدم

Creator, the خالق (اسم الهی)

Creator of Death ممیت (اسم الهی)

Creator of Life مُحیی (اسم الهی)

creation myths عم. اسطوره‌ها و افسانه‌های خلقت در ادیان وکتب آسمانی

creed عم. کیش، آیین، ملّت (ملت ابراهیم)؛ م. اظهار عقیده و ایمان (مثل ادای شهادتین در اسلام)

cremation عمل سوزاندن مرده وگرفتن خاکستر آن

crescent هلال ماه، که برای بعضی از کشورهای اسلامی (مثل ترکیه) به عنوان سمبل دینی پرچم ملّی پذیرفته شده

Criterion, The (Furqān) فرقان

(سوره بیست و پنجم قرآن)

Cromwell, Oliver م. اولیور کرامول (۱۶۵۸ - ۱۵۹۹ م). سرباز، سیاستمدار، و رهبر فرقه پیورتین‌ها [=پیرایشگران]

cross م. صلیب در مسیحیت

Crouching, The جاثیه (سورهٔ چهل و پنجم قرآن)

crozer=crosier م. حامل عصای اسقفی

crucifixtion م. مصلوب نمودن؛ نحوهٔ اعدام در بین اقوام آشور وکارتاژ

Crusades م. جنگهای صلیبی مسیحیان علیه مسلمانان در قرون یازده تا سیزده میلادی

Crusaders الف. صلیبیّون

Culus Regio Eius Religio م. اصل اینکه هر منطقه تابع نظر و امر حاکم و سلطان آنجاست؛ الناس علی دین ملوکهم

cult عم. کیش، مرام

cuong ق. کوونگ. اصطلاح قبیلهٔ نیور (Nuer) در مورد راستی و درستکاری

cupid ق. (افسانهٔ یونان) کوپید. مجسمه یا تمثال خدای عشق؛ رب النّوع عشق

curail هـ. کورئِل. در تفکرات هندوئی به معنی روح مؤنّث

curat(e) م. معاون کشیش؛ تسلی بخش روحانی

curia م. دربار پاپ

curse لعنت

custody الف. حضانت در اسلام

Cybele ق. سیبِل. الههٔ طبیعت در خاور نزدیک قدیم

Cyril of Alexandria م. سیریل اسکندریّه. اسقف اعظم اسکندریه (در سال ۴۱۲ م). یکی از سرسخت‌ترین هواداران تثلیث مسیحیّت

Cyrus کوروش کبیر. امپراطور ایران که در سال ۵۳۹ م. بابل را فتح نمود و به یهودیان اجازه داد که به اورشلیم برگردند

D

Dabistan الف. دبستان. [منظور دبستان المذاهب است]

dadgah ز. دادگاه. اصطلاح زرتشتی در مورد آتش مقدس درجهٔ سوّم که در منزل یا معبد نگهداری می‌شود

Dadu ه. دادو. از مصلحین دین هندویی در ابتدای قرن هفدهم و بنیانگذار فرقه‌ای به نام خودوی

daena ز. دائنه. [=دین] واژه زرتشتی برابر با یوم الدین، یا جزای اخروی در اسلام

deavas ز. دیوها. در کلام زرتشتی به معنای ارواح شرّ که در انگلیسی به صورت Devil نوشته می‌شود

Dagda ق. داگدا. پدر عظیم یا خدای خوب اقوام سلت

Dagoba ب. داگوبا. از اسامی معابد بودایی

Dagon ق. داگون. خدای ملّی فلسطینیان قدیم که نیمه انسان و نیمه ماهی بوده

dahej ه. داهج. جهیزیه در دین هندویی که پدر عروس به پدر داماد می‌پردازد

Dahr (Insaan) دهر [=انسان] (سوره هفتاد و ششم قرآن)

Daijo Zen ب. دایجو ـ ذن. مکتب ذِن گردونهٔ بزرگ (ماهایانا)

Daily Necessities(Needs), The ماعون (سورهٔ صد و هفتم قرآن)

daily prayers الف. نمازهای یومیّه

dakshina ه. داکشینه. مبلغی که در دین هندویی به کشیش یا کاهن خانوادگی برای انجام مراسم مذهبی می‌پردازند

Dalai Lama ب. دالایی لاما. رهبر بوداییان تبّت

dalmatic م. منسوب به دالماسیا؛ خرقهٔ آستین گشادی که اسقفان و شماسّان کلیساهای غربی در مواقع رسمی می‌پوشند

Damascus دمشق. پایتخت سوریّه امروزی که در هزارهٔ دوم پیش از میلاد بنا شده و در زمان حضرت ابراهیم(ع) از مراکز عمدهٔ تجاری منطقه بوده است

Dan ی. دان. پنجمین پسر حضرت یعقوب(ع)؛ کوچکترین قبیلهٔ بنی‌اسراییل

dana ه. ب. دانا/دانه. انفاق و دستگیری در ادیان هندویی و بودایی

Daniel ع. ی. حضرت دانیال نبی(ع) از پیامبران عبرانی

Dar al-Harb الف. دارالحرب

Dar al-Islam الف. دارالاسلام. سرزمینها و قلمروی اسلامی

Danu ق. دانو. الههٔ مادر در مذهب اقوام سلت

Darbar Sahib س. دربار صاحب. معبد طلایی سیکها در آمریتسار هند

Darbyites (see Brethren) م. اصول عقاید فرقهٔ مذهبی برادران پلیموت

Darius I ق. داریوش اول یا داریوش کبیر (۴۸۶ ـ ۵۴۲ ق. م.) پادشاه ایران در سلسلهٔ هخامنشیان که در طی حکومت وی پیامبران عبرانی (حَیقوق و زکریا) اجازه یافتند معبد اورشلیم را تجدید بنا کنند

Darkening, The تکویر (سورهٔ هشتاد و یکم قرآن)

darsania ه. دارسانیا. کاهنان فرقهٔ هندویی دِواتا در روستاهای هند که مدّعی داشتن دارسان (بینش و بصیرت) در اثر ارتباط مستقیم با خدا هستند

darshana ه. دارشانا/ دارشانه. یکی از شش نظام ارتودوکس فلسفهٔ هندویی

Dasam Granth س. داسام گرانت یا «کتاب دهمین». مجموعهٔ سرودهای دین سیک تألیف گوروی دهم به نام گوروگوبیندسینگ

Dashara/ Dusschra ه. داشارا. اختتام فستیوال مذهبی پاییزی به افتخار دورگا، الههٔ هندویی

Dastur ز. دستور. لقب موبدان زرتشتی

David, King ع. ی. حضرت داوود نبی(ع) پیامبر و پادشاه عبرانی

David, St. م. داوود مقدس. قدیس اهالی ویلز (متوفی حدود ۶۰۰ میلادی)

Dawn, The/ فجر (سورهٔ هشتاد و نهم قرآن)/ فلق (سورهٔ صد و سیزدهم قرآن)

Dawn of Islam الف. فجر اسلام؛ صدر اسلام

Dāwood (David) داود نبی (ع)

Day of Atonement ع. ی. یوم کیپور یا روز دیه و کفّارهٔ یهودیان

Day of Judgement عم. روز جزا، روز محاسبه، قیامت

dayaka ب. دایاکا. واژهٔ بودایی به معنی حامیان بیکوها از بین عوام که غذا، لباس، و داروی آنها را تأمین می‌کنند

Daybreak, The (Fajr) فجر (سورهٔ هشتاد و نهم قرآن)

Day of Alast (Covenant) الف. یوم الست

Dayanand Saraswati ه. دایاناندسارا سواتی. بنیانگذار فرقهٔ هندویی آریا ساماج به معنی اجتماع افراد شریف

De profundis م. اولین کلمات روایت لاتینی مزمور یکصد و سی به معنی «از دل اعماق»

deacon م. شمّاس یا خادم کلیسا که در خدمات به کشیش یا اسقف کمک می‌کند

deaconees م. خادمه‌های کلیسا که به مصادر خدماتی، پرستاری گمارده می‌شوند

Dead See Scrolls ع. ی. طومارهای مکشوفه در بحر المیّت به زبان عبرانی در مورد تاریخ یهود

dean م. کشیش یا شیخی که در کلیسا زیر نظر اسقف و یا مافوق دیگری قرار دارد و پاره‌ای از امور جزیی را سرپرستی می‌کنند

Deborah ی. دبوراه. یکی از شش نفر داوران بنی اسراییل که در انجیل ـ کتاب داوران ـ ذکر گردیده

Decalogue ع. ی. ده فرمان که از طرف

خداوند، در کوه طور در سینا، به حضرت موسی(ع) نازل گردیده. (سفر خروج، باب ۲۰، آیات ۱۷ ـ ۱ و غیره)؛ احکام عشره

decent behavior عف. ادب

Declining Day, The عصر (سورهٔ صد و سوم قرآن)

decretal م. حکم یا فرمان پاپ که در کلیسای کاتولیک روم جنبهٔ قانونی دارد

dedication عم. اهداء و یا وقف برای امور مذهبی

Defrauders, The (Mutaffefin) مطفّفین (سوره هشتاد و سوم قرآن)

deism عم. خدا پرستی طبیعی یا عقلی (بدون اعتقاد به وجود پیامبران و مسایل دیگر مذهب) [در مقابل theism که خداپرستی توحیدی و دینی است]

deity خدایی، الوهیّت

Deity, the خدا، خدای حقیقی، پروردگار

Deluge, the طوفان نوح

Demeter ق. (افسانهٔ یونان) دیمیتر، الههٔ حاصلخیزی و کشاورزی و باروری

Demiurge جهان آفرین، صانع؛ ترجمهٔ انگلیسی واژهٔ یونانی که افلاطون در رسالهٔ تیمایوس در مورد خدا به‌کار می‌برد

demon = devil عم. شیطان، دیو

demonology عم. دیوشناسی، بررسی نظرات مردم درباره ارواح و نیروهای خبیثه

Deng ق. دنگ. عمده‌ترین ارواح قبیلهٔ افریقایی (Nuer) و پسر خدای کووت (Kwoth)

Dengyo ب. دنگیو (۸۲۳ ـ ۷۶۷ م). راهبی که فرقهٔ بودایی تندای را بنا‌گذارد

Denis, St. م. سن دنیَس. قدیس مسیحی قرن سوم و اولین اسقف اعظم پاریس

Denkhard ز. دینکرد. کتاب دین زرتشتی

deri هـ. دری. کوچکترین معابد هندویی به ارتفاع حدود یک مترکه در بسیاری از دهات هندوستان یافت می‌شود

dervish الف. درویش

descendants of the Prophet(ص) الف. سادات

Deutero-Isaiah ع. ی. اشعیای ثانوی عنوان فصول ٦٦ ـ ۴۰ از کتاب اشعیای نبی(ع) در تورات که گمان می‌رود توسط اشعیای دیگری نوشته شده باشد

Deuteronomy ی. سِفر تثنیه، باب پنجم از اسفار تورات یا عهد عتیق

deva ب. هـ. دوا. در تعالی بودایی و هندویی به معنای موجودات روحانی و فوق بشری

Devananda چ. دواناندا. نام مادر ماهاویرا بنیانگذار دین جاینی

Devata هـ. دواتا. در عبادت هندویی به یک خدای کوچک و یا نیمه خداگفته می‌شود

Devekut ع. دوکوت. به‌معنای تحت‌اللفظی «شکافتن»؛ حذف موانع ارتباط با خدا

devil عم. شیطان، دیو، روح پلید

devotee عم. پارسا، فدایی، مجاهد فی‌سبیل الله

devotion عم. اخلاص، فداکاری، پارسایی، تقدس، سرسپردگی، اعتقاد، عقیده

devotional عم. پارسا منشانه، مخلصانه، عبادی، از روی سرسپردگی، تعبّدی

devotional Hinduism هـ. مکتب هندویی که بر اخلاص ورزی و عبادت عاشقانه تأکید دارد

devout متقّی

Dhamma(p)/Dharma هـ. ب. دهاما/ دارمه/ دارما. واژهٔ چند منظورهٔ ادیان بودایی و هندویی به معانی درست، تقوی، قانون، موضوع تفکر، حقیقت، عدالت، نظریه و عقیده

Dhammacakka Day ب. روزبه گردش در آوردن (چرخاندن) گردونهٔ قانون؛ جشن فرقهٔ بودایی تراوادا در نیمهٔ ماه (ماه کامل) به مناسبت اولین درس بودا به پنج زاهد در شهر بنارس

Dhammakaya ب. دهاماکایا. واژهٔ بودایی به معنای یکی از سه بدن (جسم) بودا؛ بودا به عنوان مجسمهٔ حقیقت یا واقعیت مطلق؛ مجموعهٔ قوانین دین بودایی

Dhammapada ب. دهمه پده. از متون مقدس دین بودایی به زبان پالی‌حاوی مضامین اخلاقی

Dharam (see dhamma) ب. دهارام/ دارام. نگاه کنید به دهاما/ دارما

Dharam Khand س. دهارام خند. در تعالیم گورونانک بنیانگذار دین سیک به معنی اولین مرحله از پنج مرحله و یا گام در جهت آزادی؛ مرحلهٔ وظیفه و تکلیف دینی و شناخت قانون و حکومت خدا

Dharamsala هـ. دهارام سالا. ساختمان هندویی برای انجام خیرات یا استراحت زایرین؛ عبادتگاه

dharana ب. دهارانا. آغاز تفکر و مراقبه (ریاضت) بودایی که مشتمل بر تمرکز دادن فکر روی یک شیء (موضوع) خاص می‌باشد

dharma(s) /see dhamma هـ. ب دهارمه (نگاه کنید به دهامه یا دهمّه)

Dharma Shastra هـ. دهارماشاسترا/ دهارمه شاستره رساله‌های اخلاقی در دین هندویی

Dharma Sutras هـ. دهارماسوتراها. کتب اخلاقی در دین هندویی

Dharmakaya ب. دهارماکایا. واژهٔ بودایی معادل مفهوم برهمن در دین هندویی

dharma vinaya ب. دهارمه ویناپا. در مراحل اولیه دین بودایی به معنای نظریه و یا نظامی که مبنای حیات دینی اجتماعی بودایی را تشکیل می‌داد

Dharmic complex هـ. تفکر بغرنج دهارمایی. واژهٔ مستعمل در مورد یکی از انگیزه‌های دینی هندویی

dhatu هـ. داتو. شش عنصر روانی وجود در تفکرات اولیهٔ هندویی

dhikr الف. ذکر، یاد خدا کردن

dhimmi الف. ذمّی، اهل ذمّه

dhyana هـ. دیهانا/ دیانا. تفکر و مراقبهٔ در دین هندویی؛ مرحلهٔ ما قبل آخر در یوگای بودایی

Diabolos ع. دیابولوس. واژهٔ یونانی و ریشهٔ واژه ابلیس، ابلیس

Diana ق. (یونان قدیم) دیانا. الههٔ ماه و شکار

diaspora of the Jews ی. پراکندگی و در بدری یهودیان در سرتاسر عالم

Diatessaron م. مجموع چهار انجیل (یوحنا، مرقس، متی، و لوقا) که به صورت یک سرگذشت درآورده شده و در کلیسای سریانی رواج داشته و بعدها جمع‌آوری گردید

Didache م. اعتقادنامهٔ مسیحیان قرن دوّم

diety ع. اله. بعضاً به صورت Supreme Diety برای خداوند استعمال می‌شود

Digambaras ج. فرقهٔ دیگ‌آمبرا (مبره) ها در دین جاینی؛ به معنای تحت اللفظی «آسمان جامگان»

Digha Nikaya ب. دیگانیکایا. یکی از پنج نیکایا، یا مجموعهٔ سوتاها، درکتاب مقدس دین بودایی

diksha هـ. دیکشا/ دیکشه. واژهٔ مستعمل در دین هندویی برای آغاز به کار کسی که در جستجوی سانیاسی شدن می‌باشد و نیز آداب تبرّک قبل از قربانی کردن

din الف. دین. محاسبهٔ الهی

dinkard ز. دینکرد. از متون مقدس دین زرتشتی

diocese م. قلمروی اسقف؛ محدودهٔ اداری کلیسای مسیحی

Dionysus (افسانهٔ یونان) دیونیسوس. نام یکی از خدایان المپیاد که خدای سبزیجات و زراعت محسوب می‌شود؛ خدای یونانی طبیعت و شراب

Directed one, the المهدی(عج)

dirge نوحه، سرود عزا، نوحه سرایی

disavowers رافضه

disciple عم. شاگرد، مرید، حواری، سالک

Discrimination, The فرقان (سورهٔ بیست و پنجم قرآن)

Disillusion,The Mutual تغابن (سورهٔ شصت و چهارم قرآن)

dispension م. درکلیسای کاتولیک به معنای معافیت (از یک قاعده و رسم و یا عهد و نذر)

Disputer, The مجادله(سورهٔ پنجاه و ششم قرآن)

Distresser, the ضار (اسم الهی)

Divali هـ. دیوالی. جشن نور در پایان سال هندویی وآغاز سال جدید؛ از جشنهای جدید دین هندویی در پاییز و به مناسبت خوشبختی و روشنایی و آغاز سال جدید

Divaneh Sadhu س. دیوانه سادهو. از فرقه‌های دین سیک و به معنای پیروان راه تقدس جنون‌آمیز

divination عم. پیشگویی، غیبگویی

Divine Act فعل خداوند

Divine عم. الهی، ربوبی، قدسی

Divine Attributes صفات ربوبی، اسماء الله الحسنی

Divine Authority الف. ملکوت

Divine Decree عم. قضای الهی، سرنوشت مقدّر

Divine Essence الف. لاهوت

Divine Grace الف. کرامت الهی (در تصوّف)

Divine Law الف. شریعت الهی

Divine Lordship عف. ربوبیّت

Divine Omnipotence الف. عالم جبروت

Divine Testament الف. نصّ الهی

Divine Throne الف. عرش الهی

Divine Unity توحید

Divine Wisdom الف. حکمت الهی

Divinity=diety عم. معبود

Divine Light Mission هـ. «هیئت تبلیغی نورالهی»؛ نهضتی که در سال ۱۹۵۷ توسط شری هانس جی‌ماهاراج در هند پایه گذاری شد و مدعی رهبری پیروان خود به «معرفت حقیقی» بود

diviner عم. پیشگو، غیبگو

Divorce, The (Talāq) طلاق (سورهٔ شصت و پنجم قرآن)

Diwan س. دیوان؛ کاخ پادشاه؛ سیکها.در مورد عبادت جمعی استفاده می‌کنند

Diwane Sadhu س. دیوانه سادهو. از فرقه‌های دین سیک

Do (J) see Tao ژ. دو (ژاپنی). نگاه کنید به تائو

docetism م. اعتقاد به علوی بودن جسم عیسی مسیح(ع)؛ از تعالیم کلیسای اولیه که معتقد بود تصلیب و آزار عیسی(ع) تنها جنبهٔ ظاهری داشته و در واقع چنین نبوده‌است

Doctor of the Church م. مجتهد کلیسا؛ لقبی که اوایل به متکلّمین برجستهٔ مسیحی داده می‌شد

doctrinal اعتقادی

doctrine = dogma عم. اصل اعتقادی؛ مجموعهٔ عقاید پیروان یک مکتب؛ تعالیم، اعتقاد

Doctrine of the Mean ک. نظریهٔ اعتدال. از متون مقدس دین کنفوسیوسی

Dogen ژ.ب. دوجن (۱۲۵۴ - ۱۲۰۰) بنیانگذار شاخهٔ سوتو از فرقهٔ ذن در بودایی ژاپن

dogma عم. عقیده دینی، اصول مسلّم، اصل تعبدی، عقیدهٔ تعصبی؛ در مسیحیت به معنای آنچه کلیسای مسیحی می‌گوید حقیقت دارد و لذا پذیرش آن اجباری است

dogmatics مسائل اعتقادی جزمی

dokhma ز. دخمه. جایی که زرتشتیان بدن مردگان خود رامی‌گذارند تاکم‌کم از بین برود

dokusan ب. دوکوسان. واژه‌ای که فرقهٔ بودایی ذن برای مصاحبهٔ خصوصی و رسمی با استاد به‌کار می‌برد

Dome of the Rock الف. قبة الصخره و یا مسجد عمر در بیت المقدس

Dominator, the قهّار (اسم الهی)

Dominicans م. فرقه رهبانی دومینیکن‌ها که در سال ۱۲۱۲ م توسط قدیس دومینیکن در تولوز پایه‌گذاری گردید؛ پیروان این فرقه

Donatism م. شکاف درکلیسای مسیحی که در سال ۳۱۱ م در افریقای شمالی به وجود آمد

doomsday عم. قیامت، آخرت

dosa ب. واژهٔ بودایی به معنای تقصیر، تنفر، خشم، و یا نیّت فاسد

dowry الف. مهر در نکاح

doxology عم. حمد، تسبیح، ستایش خداوند

dragon از القاب شیطان، اژدها

Druids ق. دروئیدها، جادوگران و یا فالگیران اقوام سِلت

druj ز. دروغ، بی‌نظمی، شرارت (در دین زرتشتی)

Druzes الف. دروزیها. یکی از فرقه‌های سیاسی و مذهبی اسلام در نواحی لبنان و سوریّه

du'a الف. دعا

dualism عم. اعتقاد به ثنویت و دوگانگی خیر و شرّ در عالم

Duke Ni ک. لقب سلطنتی کنفوسیوس و به معنای فردکامل و نمونه

Dukkha(p)/Duhkka(s) هـ. ب. دوکا از عناصر اصلی تفکر هندویی و بودایی؛یکی از چهار حقیقت برجسته در دین بودایی (این

که وجود سراسر درد و رنج و عذاب و بدبختی است)

Dukhān (The Evident Smoke) دخان (سوره چهل و چهارم قرآن)

Duns Scotus م. دانز اسکاتوس (۱۲۶۴ - ۱۳۰۸ م). فیلسوف فرقهٔ فرانسیسکن در قرون وسطی

Durga ه. دورگا. الههٔ هندویی؛ یکی از اسامی دِوی (Devi) همسر شیوا

Durga puja ه. دورگاپوجا. جشن پاییزی دین هندویی شری دورگا، مادر الهی، و همسر شیوا که در ماه اکتبر به صورت گردهمایی‌های خانوادگی و اجتماعی برگزار می‌شود

Dussehra ه. دوسه را. جشن مذهبی هندویی به مناسبت پیروزی خدای راما بر راوانا پادشاه لانکه

Dvaita ه. دویتا. مکتب ثنویت در فلسفهٔ مادهاوا در دین هندویی

dvija ه. دویجا. واژهٔ هندویی در موردکسی که دوبار متولد شده است که تنها در مورد سه طبقهٔ بالای نظام طبقاتی کاست به‌کار می‌رود

Dyaus-Pitar ه. دیائوس پیتار. پدر- آسمان و یا خدای آسمان در ادبیات ودایی دین هندویی

E

Ea ق. ای آ. خدای متعال در افسانه‌های بابل؛ خدای آبهای شیرین

Early Hours, The (Zohā) ضحی (سوره نود و سوم قرآن)

Earth Mother ق. مادر - زمین. در ادیان قدیمی و مبتنی بر طبیعت پرستی همواره الهه‌ای در ارتباط با زمین وجود داشته و به نام خدای زمین (زراعت و غیره) پرستیده می‌شده

Earth worship ک. پرستش زمین در دین کنفوسیوسی

Easter Day م. عید پاک مسیحیان (معادل عید فطر مسلمانان یا عید فصح یاپسح یهود) به مناسبت صعود عیسی(ع) به آسمان و برخاستن از مرگ

Eastern Orthodox Church م. کلیسای ارتودوکس شرقی که بیشتر در اروپای شرقی رایج است

Ebionites (Ebianites) م. فقرا. فرقه‌ای از مسیحیان که اعتقاد دارند مسیح انسان بوده و اطاعت قانون حضرت موسی(ع) وظیفهٔ مسیحیان است و منکر جنبهٔ الوهیت حضرت عیسی(ع) هستند

Ecclesia م. کلیسا. از واژهٔ یونانی Ekklesia به همین معنی

Ecclesiastes ی. کتاب جامعهٔ حضرت سلیمان(ع) در عهد عتیق

Ecclesiastical م. مربوط به کلیسا، روحانی، کشیشی

Ecclesiasticus ی. کتاب مذهبی در مدافعه از دین یهود از نوعی که به نام «ادبیات حکمت‌آمیز» شناخته می‌شود

Ecclesiology م. کلیساشناسی، رساله راجع به کلیساها، علم ساختن و تزیین کلیسا

Eckhart, Meister م. مایستر اکهارت (۱۲۶۰ - ۱۳۲۷ م) عارف مسیحی آلمانی که معتقد بود بارقه‌ای الهی در وجود هر کسی وجود دارد و لذا از طرف کلیسا به عنوان مشرک طرد گردید

ecstasy عم. حال وجد روحانی و عرفانی، جذبهٔ عرفانی

ecstatic مجذوب

ecstatic statements الف. شطحیّات

Ecumenical Movement م. نهضت جهانی کردن کلیسا که در اوایل قرن بیستم شروع شده و به تأسیس انجمن یا شورای جهانی کلیساها انجامید

Eddas اِداها. معنای تحت اللفظی «مادر بزرگها». دو مجموعهٔ ادبی در ایسلند یکی به

نظم و دیگری به نثر در خصوص خدایان اسکاندیناوی و اسطوره‌های شمالی

Eddy, Mary Baker م. ماری بیکر اِدی (۱۹۱۰ - ۱۸۲۱). بنیانگذار کلیسای دانشمندان مسیحی

Eden عم. عدن؛ خلد برین (در اسلام و کتب مقدس)

Edinburgh Conference م.کنفرانس ادینبورگ؛ کنفرانس جهانی مبلّغان مسیحی در سال ۱۹۱۰ م. که بالمآل به تأسیس شورای جهانی کلیسا منجر شد

Egungun ق. اِگونگان. به معنای تحت‌اللفظی «اسکلت»؛ آیین پنهانی قبیله یوروبا در افریقا

Egwugwu ق. اِگ ووگ وو. در قبیلهٔ افریقایی ایبو به معنی افراد واسطه بین انسان و خدا که در مراسم مهم مذهبی ارواح یکی از نیاکان قبیله را تجسّم می‌بخشند

Ehud ع.ی. دومین قاضی بنی‌اسراییل که دستاوردهای وی در کتاب داوران عهد عتیق آمده است

Eightfold Path ب. راه هشتگانه تزکیه و آموزش نفس که در چهار حقیقت اساسی بودایی ذکر شده

Eisai ب. ایسایی (۱۲۱۵ - ۱۱۴۱ م). استاد بودایی که فرقهٔ Rinzai را در مکتب بودایی ذن به وجودآورد

'El ع. اِئِل. نام کلی خداوند در زبان سامی که عمدتاً توسط اسقفهای بزرگ استعمال می‌شود

El Shaddai ع. عنوان خداوند در تورات عبری که به انگلیسی (God Almighty) گفته می‌شود

elder م. بزرگتر؛ شیخ یا کشیش ارشد کلیسا در بعضی از فرقه‌های مسیحیّت

Elected by God الف. مصطفی

election ع. ی. انتخاب، برگزیدن، اعتقاد یهودیان که ملت برگزیده خدا هستند

election by God الف. اصطفاء

Elephant, The فیل (سورهٔ صدو پنجم قرآن)

elegy مرثیه، نوحه

Elijah/Elias ی. ع. حضرت الیاس نبی(ع) از پیامبران عبرانی

Elim Pentecostalists م.گروههایی از (pentecostalist) که در سال ۱۹۱۵ تحت تأثیر جورج جفری اسقف ویلز گروهی مذهبی به همین نام (Elim) را بنا نهادند

Elisha ع. ی. اَلیشَع بن شافاط از پیامبران عبرانی و جانشین ایلیا (تورات، کتاب اول پادشاهان، باب ۱۹، آیه ۱۷) [در قرآن: یَسَع]

Elohim ع. ی. الوهیم. یکی دیگر از اسامی خداوند در زبان سامی؛ اسم عام خداوند

eloquence of the Holy Qur'an الف. فصاحت قرآن

Elysian عم. بهشتی، وابسته به Elysium، عِلوی

Elysium ق. در اساطیر یونان به نام بهشت یا عالم عِلوی

Emanation, Divine عم. فیضِ الهی، افاضه

Ember Days م. روزهای روزه و دعا که مسیحیان در هر فصلی سه روز برای آن معین کرده‌اند

Emigtants, the الف. مهاجرین

Emigrants and the Helpers مهاجرین و انصار

Emissaries,The مرسلات (سورهٔ هفتاد و هفتم قرآن)

Emperor Worship عم. پرستش امپراطور در بسیاری از ادیان باستانی مثل دین شینتو

Encompassor, the محیط (اسم الهی)

Encyclical م. بخشنامه‌ای که پاپ (در کلیسای کاتولیک رومی) و یا جمع اسقفان (در کلیسای انگلستان) صادر می‌کنند

endowment وقف

enlightenment ب. بیداری، تنویر؛ مرحلهٔ وصول به مقام بودائیت در دین بودایی

Enlil ق. انلیل. از خدایان متعالی اساطیر بابل

Enoch ع. خَنّوخ نبی(ع) در تورات

Enricher, the مُغنی (اسم الهی)

Enshrouded One, The مزمّل (سورهٔ هفتاد و سوم قرآن)

entraptured one عف. مجذوب

Enuma Elish ق. حماسهٔ خلقت در دین بابلی

Enwrapped, The مُدّثر (سورهٔ هفتاد و چهارم قرآن)

Epa ق. اف. اِپا. اجتماع دینی قبیله یوروبا در افریقا که در آن برای رفاه جامعهٔ قبیله‌ای با ماسک می‌رقصند

Ephesians, Epistle to the م. رسالهٔ افسیسیان. از مجموع رسایل پولس رسول در انجیل

ephod ع. ی. جامهٔ رسمی کاهنان یهودی

Ephraim ع.ی. افرایم. بنابر روایت تورات، پسر دوم حضرت یوسف

epic of creation ق. حماسهٔ خلقت نزد اقوام قدیم و از جمله اهالی بابِل

Epiclesis م. دعای قبل از عشای ربانی که در آن از پدر و پسر و روح القدس برکت طلبیده می‌شود

Epics هـ. کتاب حماسه‌ها؛ از متون مقدس دین هندویی

Epiphany م. تجّلی، ظهور؛ عید مسیحیان در ششم ژانویه، به یادبود نخستین ظهور عیسی(ع) بر غیر یهودیان

Episcopacy م. نظام حکومت اسقفان بر کلیسا و اداره آن در فرقه‌های مسیحی

Episcopalians م. پیروان کلیسای اسقفی یا طرفداران کلیسای مزبور

Episcopal Organization م. سازمان اسقفی

Equalitarians الف. شعوبیّه، اهل التسوّیه

Equitable, the مُقسط (اسم الهی)

Erastianism م. پیروی از عقیدهٔ اراستوس (۱۵۸۳ - ۱۵۲۴) مبتنی بر ریاست دولت بر کلیسا و امور مذهبی؛ طرفداری از دخالت دولت در مذهب

Eremite م. زاهدگوشه نشین. نوعی زهد و عزلت نشینی که از قرن سوم در مسیحیت پدید آمد

Eros ق. اروس. خدای عشق در افسانه‌های یونان

eschatology عم. آخرت شناسی، معادشناسی، فرجام شناسی

Eschaton م. آخرالزّمان، زمان بازگشت حضرت عیسی(ع) و برقراری حکومت الهی روی زمین؛ در اسلام، زمان ظهور حضرت مهدی(ع)

Esdras, Books of ع.ی. کتاب اسدرا.

تــلفظ لاتــین و یــونانی عــزراء، کــتاب عزرای نبی(ع)

Eshu ق. اف. إشو. خدای شرارت (حسادت و فساد) در بین افراد قبیله یوروبا

esotericism الف.طریقت یامعرفت باطنی

Essenes ع. ی. ایسن‌ها. فرقهٔ مرتاضین و معتزلین یهودی در فاصلهٔ قرون دوم پیش از میلاد تا قرن دوم میلادی که در نواحی بحرمیّت می‌زیسته‌اند

essential love عف. محبت ذات

Esther ع. استر. قهرمان کتابی به همین نام در تورات

Eternal, the الف. قدیم (در مقابل حادث)؛ قیوم، باقی (هردو از اسماء الهی)

eternal life عم. حیات ابدی؛ مورد اشاره تقریباً در تمام کتب آسمانی و از جمله انجیل

eternity الف. قِدَم (در مقابل حدوث)

ethics عم. اخلاقیّات

Eucharist م. به‌معنای تحت اللفظی «شکرگزاری»؛ مراسم و آداب عشای ربّانی که بـا نـامهای Mass و Holy Communion نیز خوانده می‌شود

Eucharistic م. وابسته به عشای ربّانی، شبیه عشای ربّانی، عبادتی

eulogy مدح و ستایش

Euphrate الف. فرات

Eusebius م. اوسبیوس. اسقف قیصرّیه و پدر تاریخ کلیسا

evangelical م. انجیلی، مسیحی انجیلی؛ پیرو این عقیده که نجات در اثر ایمان آوردن به مسیح حاصل می‌شود و نه انجام اعمال نیکو

Eve عم. حوّا

Evensong م. نماز عشا، سرود شب؛ ششمین نماز کاتولیکها به هنگام مغرب

Event, The Great (Wāqi'a) واقـعه (سوره پنجاه و ششم قرآن)

Everlasting, the قیوم (اسم الهی)

everlastingness عف. جاودانگی

evil (s) عم. شرّ (شرور)

evil attributes عم. صفات رذیله

Examind One, The (Mumtahinah) ممتحنه (سوره شصتم قرآن)

Ex Cathedra م. با قدرت، بنابر قدرت محوّله؛ فرامین و احکام صادره توسط پاپ

Exile, The حشر (سورهٔ پنجاه و نهم قرآن)

Ex Nihilo عم. معنای تحت اللفظی «از عدم» یا «از دل هیچ»؛ نظر ادیان الهی در مورد خلقت عالم و آدم

Expanding, The انشراح (سورهٔ نود و چهارم قرآن)

Exclusive Brethren م. برادری خاصّ یـا ویـژه. نـهضت مـنشعب از گـروه بـرادری منتسب به برادران پلیموت یا «برادری باز»

excommunication عم. تکفیر

exegesis عم. علم تفسیر کتب آسمانی و متون مذهبی

exegete عم. مفسّر، شارح

Exile ع. ی. دوران تبعید و اسارت قوم یهود در بابل از قرن ششم قبل از میلاد تا قرن ششم میلادی

Exodus ع. سفر خروج در تورات؛ خروج و مهاجرت جمعی یـهودیان (بـنی‌اسـرایـیل) از مصر

exorcism ق. عمل خارج ساختن جنّ و یا ارواح خبیثه از بدن افراد

expansion الف. حال بسط در عرفان

Expansion, The (Inshirāh) انشراح (سوره نود و چهارم قرآن)

experience a revelation, to عف کشف و شهود عرفانی

expiation عم. م. کفّاره؛ در مسیحیت به معنای اینکه تصلیب عیسی(ع) کفاره‌ای بـرای گناهان همهٔ افراد بشر بود

Exsurge Domine م. عنوان حکم رسمی پاپ لئوی دهم در سال ۱۵۲۰ م. در محکومیّت مارتین لوتر

extra sensory perception عم. ادراک فوق حسّی، ادراک دینی

extremists الف. غلاة

Ezekiel ع. حزقیال نبی(ع) از پیامبران عمدهٔ عبرانی

Ezra ع.ی. عزرای نبی(ع) از پیامبران بنی‌اسرائیل؛ عُزَیر

F

faith عم. ایمان و عقیدهٔ مذهبی
faithfuls عم. مؤمنین
faith-healing sects ش. فرقه‌هایی در دین شینتویی که به درمان از راه ایمان عقیده دارند
Faiziyyah Seminary الف. مدرسهٔ فیضیّه (محل شروع حرکت انقلابی اسلامی ایران)
Fajr (The Daybreak) فجر (سوره هشتاد و نهم قرآن)
fakir الف. فقیر، درویش، عنوان عرفا
falah ع. الف. فلاح
Falaq (The Dawn) فلق (سوره صد و سیزدهم قرآن)
Falashas ع. ی. یهودیان فلاشه. یهودیان اتیوپی که خود را از اعقاب مهاجرین یهودی می‌دانند
Fall عم. هبوط آدم و حوا(ع) از بهشت
Family of Imran, The آل عمران (سورهٔ سوم قرآن)
Family of the Propeht ا. اهل (ص) بیت پیامبر(ص)
fana ع. الف. فناء. اصطلاح متصوفه که به زبان انگلیسی وارد شده

fardh ع. الف. فرض، واجب (در احکام اسلامی)
Farewell Pilgrimage الف. حَجّة الوداع
Farewell Sermon الف. خطبة الوداع
Farvardin ز. فروردین. جشن زرتشتیان در بمبئی به یاد بود مردگان در «برج سکوت»
fasad ع. الف. فساد
fasting عم. روزه (در اسلام و بسیاری از ادیان الهی دیگر)
fatalistic عم. قَدَری مسلک
fate عم. تقدیر، قسمت
Fath (The Victory) فتح (سوره چهل و هشتم قرآن)
Father م. پدر. اسم یا لقب خداوند در تورات و انجیل؛ لقب متکلّمین بزرگ مسیحی در دوران اولیه کلیسای مسیحی؛ بالاترین درجه و مرتبه ورود به دین در مذهب میترایی
Father-God, God the Father م. خدای پدر در مسیحیّت
Fatihah: ع. الف. فاتحة الکتاب. اولین سورهٔ قرآن
Fatima الف. حضرت فاطمه(س) دخت

گرامی پیامبر اسلام(ص)
Fatimide Caliphs الف. خلفای فاطمی (بنی فاطمه) در اسلام
Fātir (The Originator) فاطر (سوره سی و پنجم قرآن)
fatwa (fitwa) الف. فتوا. نظریک مجتهد در احکام شرع
feast of tabernacles ی. عیدخیام (خیام جمع خیمه است)
feasts عم. اعیاد مذهبی
felicity عم. فلاح و رستگاری
fertility cults ق. آداب و رسوم مذهبی در رابطه با حاصلخیزی زمین و باروری
festivals عم. جشنها و اعیاد مذهبی
fetial ق. مقام روحانی دربار در روم باستان که مسئول جنبه‌های مذهبی روابط با دیگر کشورها بوده است
Fetichism/Fetishism ق. بُتواره پرستی. پرستش طلسمها و یا اشیای مقدس از سوی قبایل بدوی بدین تصور که در آنها قدرتهایی جادویی وجود دارد
fig م. درخت انجیر؛ اولین گیاهی که در کتاب مقدس نام برده شده
Fig, The (Teen) تین [= انجیر] (سورهٔ نود و پنجم قرآن)
Fil (The Elephant) فیل (سوره صد و پنجم قرآن)
filial piety ک. تقوای فرزندی در دین کنفوسیوسی
filioque م. کلمه‌ای‌است لاتینی که در اعتقادنامهٔ نیقیه برای افاضهٔ روح القدس از پسر (یعنی عیسی) همچون افاضهٔ روح القدس از پدر (یعنی خدا) به‌کار رفته؛ افاضه از دو منشاء پدر و پسر
final judgement الف. حکم یاداوری نهایی (در روز جزا)
fiqh الف. فقه
Fire, Sacred ز. آتش مقدس در دین زرتشتی
Firon (Pharaoh) فرعون
First, the الاوّل (اسم الهی)
First Fruits ی.ع. جشن اولین محصول. از اعیاد مذهبی یهودیان به مناسبت شکرگزاری در فصل برداشت محصول که تفصیل آن در سفر خروج تورات ذکر شده
first intellect عقل اوّل (خداوند)
fitnah ع. الف. فتنه
fitrah ع. الف. فطرت، طبیعت و ذات انسانها
fitwa (see fatwa) الف. فتوا
Five Great Vows of Jainism ج پنج عهد بزرگ در دین جاینی
five holy ones پنج تن (خمسهٔ‌طیبه) [= آل عبا]
Five K's س. پنج حرف K که توسط سیکهایی که به انجمن برادری سیک (خالصه) وارد شده‌اند به عنوان آرم و سمبول استعمال می‌شود(اینها حروف اول اعمالی هستند که یک سیک واقعی انجام می‌دهد، نظیر نبریدن موی سر، حمل خنجر و غیره)
Five Pillars of Wisdom (of Islam) الف. اصول پنجگانهٔ دین در اسلام
Five Prohibition's of Buddhism. ب. پنج پرهیز و منع در دین بودایی (مثل دروغ نگفتن و....)
Five Relationships of Confucianism ک. پنج ارتباط در دین

کنفوسیوسی

flagellation م. تصویر عیسی(ع) در حالی‌که او را تازیانه میزنند؛ در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی این رسم در بین مسیحیان اروپا رایج شد که در جلسات عمومی همدیگر را شلاق می‌زدند و به گناهان خویش اعتراف می‌کردند

Flame, The (Lahab) لهب (سوره صد و یازدهم قرآن)

flamen ق. (روم قدیم) کاهن حافظ یا متصدی معبد؛ متولی معبد

flood of Noah عم. سیل بزرگ زمان حضرت نوح(ع) که در عهدین و قرآن ذکر شده

font م. حوضچه یا ظرف مخصوص آب تعمید خردسالان

Food, The مائده (سوره پنجم قرآن)

Food-Goddess ش. الههٔ خوراک در دین شینتویی

forbidden الف. محرّمات (مثل گوشت خوک)

forgiveness غفران

Forgiver, the الغفّار (اسم الهی)

Forgiving, the الف. الغفور (اسم الهی)

formula دعاء، ورد، ذکر

forswear (a woman) ایلاء

forty عم. چهل؛ عددی که از ادیان قدیم بابل تا زمان موسی(ع) و عیسی(ع) و پیامبر اسلام(ص) همواره سمبل یک عمل مذهبی (غارنشینی، چله نشینی، و غیره) بوده

fosterage الف. رضاع

Four Noble Truths ب. چهار حقیقت برجستهٔ دین بودایی که بدان سبب بودا تنویر یافت (درمورد ماهیت رنج، علت آن، از بین بردن آن، و راه هشتگانهٔ وصول)

Four Sacred Events ب. چهارحادثهٔ مقدس در تاریخ زندگی بودا (تولد، تنویر، اولین خطبه و مرگ وی)

Foursquare Gospel (see Elim Pentecostalists) م. نگاه‌کنید به الیم..

Fourteen Impeccables چهارده معصوم(ع) در تشیّع

Francis of Assisi م. فرانسوای آسیزی (۱۲۲۶ - ۱۱۸۲). بنیانگذار فرقهٔ فرانسیسکن‌ها

Franciscans م. فرقه‌مسیحی راهبان سائل؛ فرانسیسکن‌ها

fraternity عف. طریقت

Fravashi/Fravahar ز. فره‌وشی/فره‌وهر. واژهٔ مستعمل در دین زرتشتی به معنای «خود» آسمانی یا روح حافظ انسانها

freedmen الف. موالی

Freemasonary فراماسونری. حرکتی که ابتدا در قرن دوازدهم توسط معماران ماهرویا آزاد در انگلستان شروع شد وکم‌کم رنگ برادری و اخوت و اهداف آموزشی و اخلاقی پیدا کرد و بالاخره به یک حرکت سیاسی انحرافی تبدیل شد

Frey ق. خدای نورس؛ خدای خورشید و حاصلخیزی

Freya ق. الههٔ نورس؛ خواهر Frey و همسر اودین (Odin)

Friar م. فرایار. راهب صومعه، راهب درویش و سائل؛ عضو یکی از فرقه‌های راهبان سایل مثل فرانسیسکن‌ها، دومینیکن‌ها، و یا کارملیت‌های مسیحی

Friday عم. روز جمعه که در مسیحیت و اسلام جنبهٔ مذهبی و عبادی دارد؛ سوره جمعه (سوره شصت و دوم قرآن)

friend of God عف. حبیب‌الله

friendship عف. خلّت

Frigg (Norse) ق. از خدایان نورس همسر اودین و الههٔ عشق

Frowned, The عبس (سورهٔ هشتادم قرآن)

Fuji-Yama ژ. فوجی یاما. کوه فوجی در ژاپن که موضوع تقدس دینی (شینتو) است

Fulfilling Father م. از مسئولین کلیسای کاتولیک روم که امر جنگ و معاهدهٔ صلح را بر عهده داشته

fundamentalism عم. بنیادگرایی در مسیحیت به معنای دیدگاه پروتستانهای افراطی که به عصمت ظاهری و لفظی کتاب مقدس اعتقاد دارند (شبیه به ظاهریّون در اسلام)

funeral prayer الف. نماز میّت در اسلام

Furies ق. فوری‌ها. در روم باستان نام الهه‌های خشم و غضب

Furqan (The Criterion) ع. الف. فرقان؛ از القاب قرآن

future life عم. حیات اُخروی؛ حیات پس از مرگ

G

Gabars ز. گبرها؛ زرتشتیان پارس

Gabriel عم. جبرئیل

Gad ع. ی. گاد. پسر هفتم حضرت ایوب(ع)

gah ز. گاه. واژهٔ مستعمل در دین زرتشتی برای پنج بخش دینی روز

Gaius Messius دقیانوس

Galatians, Epistle to the م. رسالهٔ پولس رسول به غلاطیان

Galilee م. جلیله. محل تولد و پرورش حضرت عیسی مسیح(ع) در فلسطین

Gallican Rite م. مراسم وابسته به گل (Gaul)ها که در فرانسه رایج بود تا اینکه شارلمان مراسم و آداب کاتولیک رومی را به جای آن وضع نمود

Galut ع.ی. گالوت. یهودیان پراکندهٔ جهان

Gandharva ه. گاندهاروا. از موجودات آسمانی در ریگ ودا که مأمور نگهداری از شراب مقدس (سوما)، دانای اسرار آسمانها و مسیطر بر زنان بود

Ganesh chaturthi ه. گانش شاتورتی جشن هندویی گانشه

Ganesha ه. گانشه. از خدایان هندویی که نیمه بالای بدن او شبیه فیل بوده و خدای خوشبختی قلمداد می‌شود؛ وی را پسر شیوا می‌دانند

Ganges, river ه. رودخانهٔ مقدس گنگ در هندوستان

Ganjitsu ژ.ش. گان جیتسو. جشن سال نو ژاپنی‌ها (مثل کریسمس مسیحیان)

Garant س. گارانت. از رسوم هندوئیسم روستایی که بعضی از متعلقات شخصی را در مسیر یک تقاطع دفن می‌کنند تا ناخوشی و مرض را از خانواده دفع کنند

Garden, the جنّت

Garuda ه. گارودا. در اساطیر هندویی نام پرنده‌ای که خدای ویشنو برآن سوار می‌شود

Gathas ب. گاته‌ها. سرودها و یا آیاتی که راهبان بودایی در حال اشراق بیان می‌کنند

Gathas ز. گاتاها. قدیمی‌ترین بخش متن مقدس زرتشتی ـ اوستا؛ در جمع هفده گاتا یا سرود وجود دارد که شامل تعالیم زرتشت می‌باشند

Gautama (s) ب. گائوتاما (گواتمه). نام اصلی بودا بنیانگذار دین بودایی به زبان سانسکریت

Gavind ه. س. گاویند. از اسامی هستی متعال در ادیان هندویی و سیک

Gayatri ه. گایاتری. مقدسترین آیه در ریگ ودا که هر فرد برهمن صبح و ظهر و شب تکرار می‌کند

Gayomart ز. کیومرث. در اساطیر زرتشتی نخستین مرد (مثل آدم) ای که توسط اهورا مزدا آفریده شده

Geb ق. خدای باستانی مصر که به عنوان زمین تلقی می‌شد

Gedo Zen ب. مکتب ذن گدو به معنای «راه بیرون»؛ دومین نوع از پنج نوع ذن

Gehenna عم. جهنّم

Geku ش. گه کویا معبد بیرونی؛ معبد بزرگ شینتویی در شهرایسه ژاپن که به نام اوکه - موچی (الههٔ غذا) ساخته شده است

Gelede ق. گلید. رقص بالماسکه در قبیلهٔ افریقایی یوروبا برای محافظت در مقابل سِحر

Gemara (rra) ی. گِمارا. واژه آرامی به معنای «تکمیل»؛ شرح و تفسیر برمیشنا یا قوانین شفاهی یهود؛ میشناوگمارا روی‌هم رفته تلمود را تشکیل می‌دهند

Gematria ع. ی. گماتریا. تفسیر کتب مذهبی یهود بر طبق اصول حروفیوّن که برای حروف ارزش عددی قایل‌اند

generosity سخاوت

Generous, the کریم (اسم الهی)

Genesis ع. سفر پیدایش در تورات

Geneva Bible م. کتاب مقدس چاپ جنوا که در سال ۱۵۶۰ م. به انگلیسی ترجمه شده و برای نخستین بار شمارهٔ آیات داشت؛ بعدها کتاب مقدس کینگ جیمز جای آن را گرفت

Genizah ع. جنازه. اطاق مجاور یک کنیسهٔ یهودیان که در آن نسخ قدیمی و یا مصرف شده متون مقدس نگهداری می‌شوند

Gentile م.ع. در ابتدا به معنی «ملل»، امّا در کتاب مقدس به عنوان «غیر اسراییلی» و اکنون به معنی «غیر یهودی» است

gentiles در ترجمهٔ قرآن در برابر «اُمیین» به‌کار می‌رود

genuflexion م. الف. رکوع یا زانوزدن در مسجد یا کلیسا

George, St م. سن ژرژ. قدیس شهیر انگلستان؛ همچنین جرجیس نبی(ع)

Get ع. ی. گِت. طلاقنامه در دین یهودی

Gethsemane م. باغ جتسیمانی که عیسی(ع) بعد از شام آخر برای عبادت بدانجا رفت و در همانجا هم دستگیر و بعدها مصلوب شد

Getig ز. گَتیگ. واژهٔ زرتشتی به معنای دنیای ظاهری

Ghadir-e Khumm الف. غدیر خم

Ghaib, al الف. الغیب. عالم غیب و نادیده و اسرارآمیز در اسلام

Ghāshiyah (the Overwhelming Calamity) غاشیه (سوره هشتاد و هشتم قرآن)

Ghat ه. گات. محل سوزاندن مردگان در دین هندویی

Ghee ه. گی. نوعی کرهٔ تصفیه شده که هندوها برای مراسم مقدس و سوزاندن مردگان به‌کار می‌برند

Ghetto ی. گتو. محلهٔ کلیمی‌ها (مخصوصاً در ایتالیا)؛ جهود محلّه

Ghibellines م. پشتیبانان امپراطور مقدس روم در دوران ضعف پاپ در قرن چهاردهم

Gideon ع.ی. جدعون. چهارمین نفر از داوران بنی‌اسراییل که اعمال برجستهٔ وی در کتاب داوران عهد عتیق ذکر شده است

Gita (see Bhagavadgita) هـ. گیتا نگاه کنید به بهاگاوادگیتا

glebe م. موقوفهٔ کلیسایی

Gloria in Excelsis م. درود و حمد بر آن وجود متعالی؛ بخشی از نیایش مسیحیان در مراسم عشای ربّانی

glorification of God تسبیح خداوند

Glorious, the مجید (اسم الهی)

glossolalia م. قدرت تکّم به چند زبان مختلف که مسیحیان معتقدند به حواریون عیسی(ع) موهبت شده

gnosis عف. عرفان، معرفت خفّی، معرفت

gnostic عف. عارف

gnosticism عم. عرفان، معرفت باطنی؛ از ریشهٔ یونانی gnosis به معنی دانش و معرفت

Gobind Singh س. گوبیند سینگ، دهمین گورو (رهبر دینی) سیکها

God عم. خداوند، الله

Godparents م. پدر یا مادر تعمیدی، والدین تعمیدی

God the Father م. خدای پدر

God the Holy Ghost م. خدای روح القدس

God the Son م. خدای پسر (مسیح)

God - wariness تقوی

Gog and Magog م. یأجوج و مأجوج. دشمنان سلطنت خداوندی

Golden Bough ق. شانهٔ طلایی که در درختی در Nemi می‌روید و توسط کاهن معبد دیانا، پادشاه جنگل، نگهداری می‌شد

Golden Calf ع. گوساله سامری از جنس طلا

Golden Rose م. گل رُز طلایی که توسط پاپ تبرک شده و به کسی که خدمت مهمی به مسیحیت انجام داده باشد تقدیم می‌شود

Golden Rule م. قاعدهٔ طلایی. کلام عیسی(ع) که «آنچه را به خود نمی‌پسندی به دیگران مپسند»

Golden Temple, Amritsar س. معبد طلایی سیکها در آمریتسار

Goliath جالوت

Good Friday م. جمعه قبل از عید پاک یا قیام مسیح که مسیحیان به مناسبت تصلیب عیسی(ع) روزه می‌گیرند و به کلیساها می‌روند

Good Man ت. انسان خوب (در دین تائویی)

good moral qualities خُلق خوب

Good Samaritan ی. سامری خوب

Good Spirits ز. ارواح یا فرشتگان خیر در دین زرتشتی

Good Thought ز. پندار نیک (وهومنه) در دین زرتشتی

Gopis هـ. گپی‌ها. گاوچرانانی که کریشنا، به هنگام فرار از تهدیدهای کاشای شرور، با آنها زندگی می‌کرد

Gorakhmata هـ. گوراکماتا. از اماکن مقدس زیارتی هندوها

Gospel م. انجیل، بشارت؛ یکی از چهار کتب اناجیلی که زندگی حضرت عیسی(ع) را شرح داده

Gotama (p) ب. گوتاما. نام سیذارتا بودا بنیانگذار دین بودایی به زبان پالی

gotra هـ. گوترا. واژهٔ هندویی به معنای یک خانواده یا قبیله در داخل یک طبقه کاست

Govind Singh, Guru س. گورو گووند سینگ. دهمین پیشوای مذهبی دین

سیک (درسالهای ۱۶۷۵ تا ۱۷۰۸ میلادی)

Goy (Goi) ع. گوئیم. اصطلاح عامی یهودیان برای غیریهودی‌ها

Grace of God عم. لطف و فیض الهی، فضل

Gradual م. کتاب نت موسیقی مخصوص سرایندگان کلیسا

Grail, the Holy (Saint) م. جام شرابی که حضرت عیسی(ع) در شام آخر خود با آن باده نوشید

Grail Foundation م. انجمن دینی که در سال ۱۹۲۸ م توسط اسکاربرنهاردت (۱۹۴۱ - ۱۸۷۵) در اتریش پایه‌گذاری گردید و مدعی است که مطلقاً بر مبنای تعالیم حضرت عیسی(ع) عمل می‌کند

Gram-devata هـ. گرام دواتا. خدایان کوچک و محلی دین هندویی در روستاها و قصبات

Granth س. گرانت. به معنای کتاب؛ متون مقدس دین سیک و بویژه گوروگرانت صاحب

Granth Saheb س. گرانت صاحب. به معنای تحت اللفظی «کتاب خدا»؛ متن مقدس دین سیک

Grateful شاکر

Great, the کبیر، عظیم (اسم الهی)

Greatest Name of God عم. اسم اعظم خداوند

Great Learning ک. آموزش بزرگ. از متون مقدس دین کنفوسیوسی

Great News, The (Naba') نباء (سوره هفتاد و هشتم قرآن)

Great Purification ش. تطهیر یاستشوی بزرگ در دین شینتویی

Greater-vehicle ب. گردونهٔ بزرگ (اکبر)؛ ترجمهٔ انگلیسی ماهایانا که بخش بزرگتر دین بودایی است

Gregger ی. زنگوله‌ای که در مراسم پوریم در کنیسه‌های یهودی به هنگام استعمال نام هامان (در قرائت کتاب استر) استفاده می‌شود

Gregorian calendar م. تقویم مسیحی گریگوری که در سال ۱۵۸۲ م. توسط پاپ گریگوری هشتم تصحیح و اعلام شد و اکنون در اکثر کشورهای مسیحی استفاده می‌شود

Gregorian chant م. سرود خوانی به سبک گریگوری که در مورد قرائت مزامیر توسط گریگوری اول در حدود سال ششصد میلادی معرفی گردید

Gregory I م. پاپ گریگوری اول (۶۰۴ - ۵۴۰) که زندگی بسیار ساده و ریاضت منشانه‌ای داشت و ساختن معابد مجلّل را بشدت نهی می‌کرد

Gregory VII م. پاپ گریگوری هفتم (۱۰۲۱ - ۱۰۸۵ م) از اهالی توسکان که در سال ۱۰۷۳ به مقام پاپی رسید وکوششهای فراوان در جهت احیای اخلاقی مسیحیت کرد

Grhastha هـ. گراستا. در تفکر هندویی به معنای دومین مرحله از چهار مرحله زندگی

Grhya Sutras هـ. سوتراهای گریا. متون هندویی در وظایف و آداب محلی هندوها

Grotius, Hugo م. هوگو گروتیوس (۱۶۴۵ - ۱۵۸۳). متکلم و حقوقدان هلندی که به عنوان پدر حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود

Guarded Tablet الف. لوح محفوظ

Guardian, the حفیظ، وکیل، مهیمن، حافظ (از اسماء الهی)

Guatama ب. گواتما/گواتمه. نام اصلی بودا

Guelphs and Ghibellines م. گوئلف وجیلین‌ها. دو حزب بزرگ سیاسی ایتالیا در قرون وسطی که اولی از پاپ و دیگری از امپراطور حمایت می‌کردند

guidance هدایت

Guide, the هادی (اسم الهی)

Guide (spiritual) عف. راهنما و رهبر (عرفانی)

Gun س. گان. فضیلت یا تقوی در دین سیک که موهبتی الهی است

Gunabhadra ح. گونابهادرا. از رهبران دین جاینی در قرن نهم میلادی

Gunas هـ. گوناها. در تفکر هندویی به سه نیرویی گفته می‌شود که از عملکرد متقابل آنها عالم ایجاد شده است

Gurbani س. قربانی. بیان کامل «کلمهٔ خدا» که به اعتقاد سیکها از گوروگرانت صاحب به آنها می‌رسد

Gurdjieff Society انجمن گورجیف (۱۹۴۹-۱۸۷۰) که توسط همین شخص در امریکا پایه‌گذاری شد و در صدد شناخت راز مشرق زمین و معرفی آن به غربیان بود

Gurdwara س. گوردوارا. معبد یا ساختمان سیکها برای عبادت جمعی

Gurmukh س. گورموخ. اصطلاح سیکها در مورد کسی که کلام گورو را می‌شنود و در جهت اطاعت از آن تلاش می‌کند

Guru هـ. س. گورو. فرد مقدس یا آموزگار روحانی در ادیان هندویی و سیک؛ در دین سیک ده گورو وجود داشته و پس از آن کتاب گرانت صاحب را گورو می‌دانند

Guru Granth Sahib س. گوروگرانت صاحب. کتاب مقدس دین سیک مشتمل بر آدی گرانت و نوشتجات دیگر

Guru Nanak س. گورونانک. بنیانگذار دین سیک

Gwan Buthni ق. گوان بوتهنی. سرپرست مراسم در تشریفات قربانی کردن در قبیله نیور

Gwan Kwoth ق. گوان کووت. پیامبر قبیله افریقایی نیور؛ به معنای «مالک روح»

Gyan Khand س. گیان خند. در تعالیم گورونانک دومین مرحله یا گام از پنج گام در جهت آزادی بشر

Gyani س. گیانی. معلم دینی وابسته به یک گوردوارا یا مرکز عبادت سیکها

H

Habakkuk ع. حبقوق نبی(ع). پیامبر عبرانی که در شهر تویسرکان دفن است

Hābīl (Abel) هابیل پسر حضرت آدم

Hadad (Adad) ق. آداد. خدای طوفان که در بین‌النهرین و آسیای صغیر پرستش می‌شده است

Hades (افسانهٔ یونان) خدای عالم اسفل؛ عالم اسفل

Hadīd (The Iron) حدید (سوره پنجاه و هفتم قرآن)

hadith الف. حدیث

Hafiz الف. حافظ قرآن

Haftarah ع. بخشی از کتاب پیامبران که در روزهای شنبه درکنار تورات در کنیسه خوانده می‌شود

Hagar (jar) ع. الف. هاجر همسر حضرت ابراهیم(ع) و مادر حضرت اسماعیل(ع)

Haggadah ع. کتاب دعای یهودیان که در مراسم شام شب عید فصح خوانده می‌شود

Hagiographa ی. نوشتجات دین یهود که بخش سوم کتاب مقدس ایشان را تشکیل می‌دهد

hagiography عم. تذکره نویسی؛ شرح احوال عرفا و بزرگان و قدیسین

Haiku/Haikai ژ. هایکو. یکی از صور شعر ژاپنی (در سه خط و هفده هجا) که تحت تأثیر مکتب بودایی ذن برای تقویت ادراک وبصیرت به وجود آمده است

Haisao King ک. هیسائوکینگ. به معنای تقوای فرزندی؛ از کتب مقدس دین کنفوسیوسی

Hajj, The الف. حج (سوره‌بیست‌ودوم‌قرآن)

Halakhah ع. نظام حقوقی دین یهود

hallah ع. نان فطیر. نان افطاری سبت

Hallel ع. منتخاب مزامیر داود (مزامیر ۱۱۸-۱۱۳) که شامل حمد و ثنای خداوند است ودر عید فصح و اعیاد خوانده می‌شود

Hallelujah ع. هللویا. اصطلاح عبری به معنای «خدا را حمد باد» که در بسیاری از مزامیر دیده می‌شود

Hallowe'en م. هالوون. شب اولیاء، آخرین شب ماه اکتبر که جشن گرفته می‌شود

halo عم. هاله. حلقه‌ای از نور که پشت سر یک قدیس کشیده می‌شود

Hā mīm حم (سوره چهل و یکم قرآن)

hammistagan ز. همیستگان. در تعالیم زرتشتی محلی بین بهشت و جهنم برای کسانی که کفهٔ نیک و بد اعمالشان برابر است

Hammurabi ق.حامورابی (۱۷۵۰- ۱۷۹۲ ق.م) پادشاه و قانونگذار بزرگ بابل

Hanafite School الف. مذهب حنفی در اسلام

Hana Matsuri ژ. هاناماتسوری. جشن گل ژاپن به افتخار تولد بودا

Hanbalite School الف. مذهب حنبلی در اسلام

Hanif الف.ع. حنیف؛ لقب حضرت ابراهیم(ع) در قرآن

Hanukkah ع. حنوکه. عید اخلاص و روشنایی‌ها؛ از اعیاد مذهبی یهود که در ماههای نوامبر و دسامبر برگزار می‌شود و به یاد پیروزی یهودیان بر یونانیان شامی در قرن دوم پیش از میلاد است

Hanuman هـ. (اساطیر هندویی) خدایی که هندوها به صورت میمون می‌پرستند

Haoma ز. گیاه مقدس در دین زرتشتی؛ سمبل موبد آسمانی و پسر خدا

Hāqqah (The Sure Calamity) حاقّه (سوره شصت و نهم قرآن)

hara ب. هره. به معنای تحت اللفظی «معده یا شکم»؛ در تعالیم ذن منشاء نیروی زندگی است

Hardwar هـ. هاردور. از اماکن زیارتی هندوها در شمال هند

Hare Krishna هـ. اولین کلمات سرودی که توسط پیروان نهضتی به نام «بیداری کریشنا» خوانده می‌شود

harem الف.ع. حرم؛ محل زندگی خانمها در منازل عربی

Hargobind, Guru س. گوروهارگوبیند

Hargovind (۱۶۴۴- ۱۵۶۵ م). ششمین گورو یا رهبر مذهبی سیکها

Hari هـ.س. هری. به معنای مهربان؛ از القاب خدای متعال در ادیان هندویی و سیک

Har Rai, Guru س. گورو هررای هفتمین پیشوای مذهبی سیکها (در فاصلهٔ سالهای ۱۶۳۸ تا ۱۶۶۰)

Harijans هـ. هاریجان‌ها. به معنای تحت اللفظی «ممنوع شده‌ها»؛ افراد بی طبقه یا خارج از طبقه (نجسها) در نظام طبقاتی دین هندویی

Har Kishan, Guru س. گوروهرکیشان هشتمین پیشوای مذهبی سیکها (درفاصلهٔ سالهای ۱۶۶۰ تا ۱۶۶۴)

Har-mandir س.هارمندیر. به معنای «معبد خدا»؛ از عبادتگاههای مشهور دین سیک که بعدها به نام آمریستار مشهور گردید

Harosel (charoset) ع. مخلوط میوهٔ خرد شده و شراب که یهودیان در شب عید فصح به کار می‌برند

Haraun (Aaron) هارون

haruspicy ق. غیبگویی؛ کسانی که در روم قدیم بانگاه کردن به امعاء و احشای حیوانی که قبلاً قربانی شده پیشگویی می‌کردند

Hasan امام حسن(ع)، امام دوم شیعیان

Hashemites الف. بنی هاشم

Hashr (The Banishment) حشر (سوره پنجاه و نهم قرآن)

Hasidim (Chasidim) ی.ع. حسیدیم. نهضت یهودی در قرن دوم پیش از میلاد که مخالف یونانی کردن آداب دینی و طرز زندگی یهودیان بود؛ نهضت عرفانی در اروپای شرقی که از حسیدیم‌ها که افرادی زاهد و متقی بودند تشکیل می‌شد

Haskalah حزقله. واژهٔ عبری به معنای

روشنایی و تنویر؛ نهضتی یهودی به همین نام که در قرن هجدهم توسط موسی مندلسون آغاز گردید و بیشتر روی مطالعهٔ متون مقدس عبری و یهودی در قالبی نوین تأکید داشت

hatha yoga ب. انجام یوگای جسمانی

Hathor ق. هاتور. از الهه‌های باستانی مصر که به صورت گاو آسمانی تصویر می‌شد

haumai س. هائومای. در تعالیم دین سیک به معنای صفت خود مرکزی یا خود دوستی

Haurvatat هوروتات(خرداد). در تعالیم زرتشتی به معنای فرشتهٔ کمال و رفاه؛ یکی از هفت امشاسپندان یا ارواح خیر در دین زرتشتی و از اوصاف اهورا مزدا

Haughty, the متکبر (اسم الهی)

Havan (Hom) هـ. هاوان (هوم). تقدیم آتش به پیشگاه خدایان در دین هندویی

Havdalah ع.ی. مراسم پایان روزسبت در دین یهودی

Healer, the الشافی (اسم الهی)

Hearer, the سمیع (اسم الهی)

Heaven الف. بهشت، جنّت؛ درمسیحیت به معنای محل زندگی خداوند و فرشتگانش؛ مأوای صالحین

Heavenly-Father هـ. دیائوس پیتار، پدر ـ آسمان در دین هندویی

Heavenly Fountain, The کوثر (سوره صد و ششم قرآن)

heavens, Divine عم. عرش الهی

Hebrew ی. زبان عبری، زبان متون مقدس دین یهودی؛ قوم عبرانی و عبرانیان

Hebrew Bible ی. کتاب مقدس عبرانیان، تورات

Hebrews, Epistle to the م. رسالهٔ پولس رسول به عبرانیان در کتاب مقدس انجیل

Hecate (افسانه یونانی) از الهه‌های کوچک معبد پانتئون در یونان باستان؛ الههٔ ماه و الهه یا خدای سحر وجادو

Heder در مذهب یهود مدرسه‌ای که پسران ۷ تا ۱۳ ساله در آن پنج کتاب موسی(ع) را می‌خوانند

Heedlessness غفلت

Heifer, The بقره(نام سورهٔ دوم قرآن)

Hegira (Hijrah) الف. هجرت؛ سالهای هجری در تقویم اسلامی

Heimdall ق. هایمدال. از خدایان اساطیری اسکاندیناوی

Heights, The اعراف (سورهٔ هفتم قرآن)

hekdesh ع. واژهٔ عبری به معنای چیزی که وقف احتیاجات معبد اورشلیم شود؛ امروزه به هرگونه خیرات مذهبی گفته می‌شود

Helena, St. م. سنت هلنا (۲۵۰ - ۳۳۰). مادر کنستانتین امپراطور روم که بنابر روایات، صلیبی را که حضرت مسیح(ع) بر آن به دار آویخته شده بود پیدا کرد و در محل آن معبدی بنا نمود

Heliopolis ق. بعلبک. شهر باستانی در شام؛ محل پرستش بعل یا خدای خورشید

Hell, the عم. دوزخ، جهنّم

Help, The نصر (سورهٔ صد و دهم قرآن)

Hemachandra ج. هماچندره. از متفکرین، محققین و مؤلفین بنام دین جاینی

henotheism ق. ستایش چندین خدا در حین اعتقاد به اینکه یکی از آنها مافوق دیگران است؛ پرستش رب الارباب

hepatoscopy ق. تفأل از روی جگر

حیوانات قربانی شده که در بابل مرسوم بود

Hephaestus ق. (افسانه‌های یونان) خدای آتش و آتشفشانها

Hera ق. (یونان قدیم) الههٔ المپیاد؛ ملکهٔ بهشت و آسمان که خواهر و زن زئوس بوده و معادل Juno خدای رومی است؛ بعدها وی الههٔ ازدواج و زنان می‌شود

hereafter عم. آخرت

herem ع. الف. حرام، تحریم شده

heresiography علم ملل و نحل

heresy عم. بدعت، انتخاب راهی مخالف با راه دین و خدا

heretic عم. ملحد، زندیق؛ در متون قدیم عربی یا فارسی هرطقی نامیده می‌شود

Hermas م. هرماس. از پدران اسقفی کلیسای مسیحی

hermeneutics م. علم تعبیر و تفسیر کتاب مقدس؛ تأویل کشف المحجوب

Hermes ق. (اساطیر یونان) هرمس. خدای بازرگانی که با مرکوری خدای رومی‌ها برابر بوده

hermit عم. ترک دنیا به خاطر علایق دینی، زاهد گوشه نشین

Hermod ق. هرمود. در اساطیر اسکاندیناوی پسر ادیون و برادر بالدر

Hero ق. در تاریخ یونان مردی که صفات فوق انسانی داشته و مورد عنایت خدایان بوده؛ نیم خدا

Herod the Great م. هرود کبیر (۷۰ ق م. تا ۴ میلادی). پادشاه یهودیّه در زمان تولد حضرت عیسی(ع) که به دستور وی تمام پسر بچه‌های بیت اللحم را گردن زدند

Hertzel (Herzl), Theodore ی. تئودور هرتصل (۱۹۰۴- ۱۸۶۰) پدر صهیونیسم بین‌الملل و بنیانگذار حکومت صهیونیستی اسراییل در سرزمین فلسطینیان

Hesiod ق. هزیود. شاعر یونانی قرن هشتم پیش از میلاد که در اثر مشهورش دربارهٔ منشاء جهان و افسانه‌های تولد خدایان سخن گفته است

Hestia ق. (یونان باستان) هستیا. الههٔ اجاق خانوادگی و شهرها؛ معادل وستای رومیان

Hesychasm مکتب گوشه‌نشینی و سکوت؛ فرقه‌ای از متصوّفین و اهل سکوت کلیسای شرقی در قرن چهاردهم که عمر خود را به سکوت و نظاره می‌گذرانیدند

Heyoka ق. دلقک قبیله سیوکس در افریقا که بنا بر روایات، مرغ افسانه‌ای رعد و برق را شهود کرده و لذا به قدرت مقدس دست یافته بود

Hexagram ی. ستارهٔ داود (آرم دولت اسرائیل)؛ یک شش ضلعی مرکب از دو مثلث متساوی الاضلاع

hexameron ق. روایت خلق عالم در شش روز که کاملترین وجه آن در باب اول از سفر پیدایش تورات آمده

Hexapla م. کتاب مقدس شش متنی که متون گوناگون در ستونهای کنار هم قرار گرفته‌اند؛ خصوصاً نسخهٔ اوریگن Origen (تألیف سال ۲۴۰ م) که تمام ترجمه‌های معروف در آن آورده شده

Hidden, the باطن (اسم الهی)

hierarchy م. سلسله مراتب روحانیت در کلیساهای اورتودوکس، کاتولیک رومی و آنگلیکن که به ترتیب اهمیت: اسقف اعظم، اسقف و کشیشان می‌باشند

hieroglyph عم. هیروگلیف. به‌معنای تحت اللفظی «خط روحانی یا مقدس»؛ خط تصویری

hierophant ق. (یونان قدیم) سرکشیش، پیشوا، تفسیرکنندهٔ رازهای مقدس

hierophany عم. تجلی و ظهور امور مقدّس؛ واژهٔ مستعمل توسط Eliade در کتاب (امور مقدس و دنیوی)

Hifz al-Qur'an الف. حفظ قرآن کریم

High, the علی (اسم الهی)

Highest honor (our) عم. شرف

High God عم. خداوند متعال

High Mass م. مراسم عشای ربانی توأم با موسیقی و بخور و در حضور کشیش یا شمّاس

High Priest م. به روایت کتاب مقدس هارون برادر موسی(ع) اولین نفر از بنی‌اسراییل بود که به این منصب (رئیس کَهَنه) منصوب گردید؛ در الهیات مسیحی این منصب به حضرت عیسی(ع) تعلق دارد (رساله به عبرانیان، باب ۴، آیه ۱۴)

Hijr (The Rock) حجر (سوره پانزدهم قرآن)

Hijrah ع. الف. هجرت، مهاجرت پیامبر اسلام(ص) از مکّه به مدینه

Hillel ع.ی. آموزگار یهودی در قرن اول پیش از میلاد که از نوادگان حضرت داود(ع) پنداشته می‌شد و درس بردباری، میانه‌روی و عشق به صلح و آرامش می‌داد

Hinayana ب. واژهٔ بودایی به معنای «گردونهٔ اصغر»؛ فرقهٔ بوداییان قدیمی‌تر سریلانکا و آسیای جنوب شرقی

Hinduism هـ. دین هندویی؛ آیین هندو

Hinnom, Valley of ع. درّه یا وادی هنوم در جنوب اورشلیم که درعهد باستان محل قربانی افراد بوده و بعدها واژهٔ عبری جهینوم (جهنّم) از آن مشتق شده است

Hira, Cave of الف. غار حراء در نزدیکی مکّه

Hiranygarbha(s) هـ. بنابر روایت ریگ ودا، تخم یا رحم طلایی که ابتدا به وجود آمد و منشاء پیدایش آسمانها و زمین شد؛ در قوانین مانو به صورت هستهٔ وجود بالذات توصیف شده

Hirata ژ.ش. هیراتا. از محققین و متفکرین دین شینتویی در قرن هجدهم که متجاوز از یکصد جلد تألیفات دارد

hiri ب. اصطلاح بودایی برای شرم اخلاقی، بدین معنا که فرد از انجام کار بد شرمنده باشد

Hirose-Oho-imi-no-Matsuri ش مراسم نیایش الهه غذا در دین شینتویی به هنگام جوانه زدن مزارع برنج

Hittites ق. اقوام هیتی مربوط به هجده تا دوازده قرن قبل از میلاد که در حوالی سوریه، لبنان و جلگهٔ فرات می‌زیسته‌اند و در قوانین آنها شباهتهایی با ده فرمان عبرانیان به چشم می‌خورد

Hobbling, The جاثیه (سورهٔ چهل و پنجم قرآن)

Hola Mohalla س. جشن بهارهٔ سیکها که بر وفق جشن Holi هندوها برای تقویت حسّ گروهیِ افراد سیک به وجود آمده

Holi هـ. جشن بهارهٔ کریشنا در دین هندویی

Holiness Movement م. نهضت تقدس یا قدوسیّت در بین مسیحیان که اعتقاد دارد افراد می‌توانند به مدد روح القدس به درجهٔ تقدس کامل برسند

Holocaust ع. قربانی سوختن (کتاب

مقدس، سفر پیدایش، باب ۲۲، آیه ۳)، قتل عام در آتش؛ قتل عام یهودیان (مخصوصاً توسط نازیهای هیتلری)

holy عم. مقدس

Holy, the [=the Most Holy] قدّوس (اسم الهی)

Holy Communion م. آیین عشای ربّانی مسیحیان

Holy of Holies ع. قدس الاقداس؛ بخش داخلی معبدی که یهودیان در اورشلیم بنا کرده‌اند

Holy City عم. ی. شهر مقدس، اورشلیم

Holy Innocents م. اطفال معصوم مقدس؛ اصطلاح مسیحیان در مورد کودکانی که به دستور هرود کبیر پادشاه یهودیه، برای کشتن عیسای نوزاد، قتل عام شدند

holy land عم. ی. سرزمین مقدس، یهودیه، فلسطین

Holy Roman Empire م. امپراطوری مقدس روم در اروپای غربی که با تاجگذاری شارلمان در روز کریسمس سال ۸۰۰ میلادی شروع و در سال ۱۸۰۶ توسط ناپلئون ختم گردید

Holy Saturday م. شنبه قبل از عید پاک مسیحیان

Holy Saying حدیث قدسی

Holy Sepulchre م. مقبرهٔ مقدس (کلیسایی بدین نام در بیت المقدس)

Holy Shroud م. کفن یا لفافه‌مقدس؛ لباس کتانی که از سال ۱۵۷۸ م. در کلیسای بزرگ تورین نگهداری می‌شود و به اعتقاد بسیاری از مسیحیان کفن عیسی مسیح(ع) می‌باشد

Holy Spirit (Ghost) م. روح القدس

Holy Unction م. روغن مقدس. تقدیس و تدهین افراد مریض یا مردگان با روغن مقدس که در کلیسای ارتودوکس مرسوم است

holy war الف. جهاد

Holy Week م. هفتهٔ قبل از عید پاک مسیحیان (برای تفکر و تأمل دربارهٔ رنجها و مصایب حضرت عیسی ع)

Hom/Havan هـ. پیشکش آتش به محضر خدایان در هندوئیسم روستایی

homiletics عم. فن سخنرانی مذهبی و موعظه

homoousios م. همذات پنداری؛ فردی که معتقد است اجزای تثلیث مسیحی هرسه از یک گوهرند

Honan ت. هونان. محل تولد لائوتسه بنیانگذار دین تائویی

Honden ش. مقدسترین بخش ساختمان در معبد شینتویی

Honen ب. هونن (۱۲۱۲-۱۱۳۳م) آموزگار پرنفوذ دین بودایی در ژاپن و بنیانگذار فرقهٔ جودو

honor (our) عم. عزّت

Hood [=Hud] هود نبی(ع)

hope عم. امید به فضل و رحمت خداوندی درتمام ادیان جهان، رجای مؤمن؛ درمسیحیت، در رسالهٔ پولس رسول به قرنطیان، امید به عنوان دومین صفت مؤمن ذکر شده

Horse-Sacrifice هـ. مراسم مفصّل قربانی کردن اسب آسوه- مدها (asva-Medha) در دین هندویی

Horus ق. هوروس. در مصر قدیم خدای روز یا خورشید که سرش مثل عقاب مجسم شده

Hosanna ع. هوشیعانا. تمنا داریم نجات بده ما را؛ هلهلهٔ یهودیان به وقت ورود حضرت عیسی(ع) به اورشلیم که او را «نجات دهنده» و «پسرداود» می‌خواندند

Hosea ع. هوشع نبی از پیامبران بنی‌اسراییل

Hospitallers م. فرقه‌ای از مسیحیان که از بیماران و معلولین (جنگهای صلیبی) پرستاری می‌کردند

Hosso ب. هوسو. پرنفوذترین شکل دین بودایی در دورهٔ نارا (قرن هشتم) در ژاپن

host م. نان در عشای ربّانی

Hours, Canonical عم. ساعات شرعی، اوقات نماز و عبادت در ادیان مختلف

Houri حوری

Hozhq ق. حوذق. مفهوم وضعیت ایدآل یا تلائم و هماهنگی کامل همه‌چیز، در بین قبیلهٔ ناواجو

Hsin ک. هسین. واژهٔ مستعمل کنفوسیوس به معنای «اعتقاد خوب» یا «قابل اعتماد بودن»؛ یکی از پنج فضیلت اصلی در تعالیم کنفوسیوسی

Hsiao (Shiau) ک. هسیائو (شیائو) مفهوم فضیلت غایی در دین کنفوسیوسی از جمله شامل احترام به بزرگترها و پیران خانواده و بخصوص پدر، و احترام به نیاکان

Hsien (Shian) ت. شی‌ین. موجودات فناناپذیر، پریان و جنیّان در دین تائویی

Huaca ق. هواکا. معبد مقدس اقوام اینکا (Inca)

hubris واژهٔ یونانی به معنای گستاخی انسان در مقابل خدا

Hud هود (سوره یازدهم قرآن)، هود نبی(ع)

Huda (a) الف. هدیٰ، هدایت

hudae ز. هوده. کریم، از اوصاف اهورامزدا خدای دین زرتشتی

Huguenots م. پروتستانهای فرانسوی قرون شانزدهم و هفدهم که توسط مقامات به عنوان رافضی اعدام گردیدند؛ در انقلاب کبیر فرانسه حقوق این افراد بازگردانده شد

Hui Neng. ب. هویی نانگ (۷۱۳-۶۳۸ م). ششمین کاهن اعظم مکتب بودایی ذن در چین و بنیانگذار مکتب جنوبی

Huitzilopochtli ق. خدای ملی ازتک‌ها

Hujurāt (the Chambers) حجرات (سوره چهل و نهم قرآن)

hukam س. در تفکر سیک به معنای ارادهٔ خداوند و علت خلقت جهان؛ حکم

hukm ع. الف. حکم خداوندی در اسلام

humanistic religions عم. ادیان انسانگرایانه یا انسان مدارانه

Humanization of God عم. تجسیم خداوند

hu-mata ز. هومته. پندارنیک در دین زرتشتی

Humaza (the Slandered) همزه (سوره صد و چهارم قرآن)

Humble Access, prayer of م. دعای فروتنی و خضوع که در آیین عشای ربّانی در کلیساهای آنگلیکن و متدیست قبل از دعای تقدیس خوانده می‌شود

humiliation ذلّت

hunger عف. جوع

Hun Pic Tok ق. اف. هان پیک تاک. خدای جنگ قوم مایا

huppah ی. ع. سایبان یا طاقی که عروس و

دامادهای یهودی به هنگام عروسی زیر آن می‌ایستند

Hurufis فرقه حروفیّه در اسلام

Husain الف. حضرت امام حسین(ع) امام سوم شیعیان

Huss, John م. جان هاس (۱۴۱۵-۱۳۶۹ م). مصلح دین مسیحی که تکفیر و سپس در آتش سوزانده شد

Hutterites م. گروه افراطی پروتستان و از پیروان جاکوب هاتر؛ امروزه در کانادا و امریکا وجود دارند و بیشتر به شغل کشاورزی اشتغال داشته و به صورت اشتراکی زندگی می‌کنند

Hu-uktha ز. هواوکتهه. گفتار نیک در دین زرتشتی

Hu-varshta ز. هو ورشته. رفتار نیک در دین زرتشتی

hymns عم. سرود روحانی یا سرود حمد و ثناگفتن

hypocrisy عم. ریا

Hypocrites, The عم. منافقین/ المنافقون (سورهٔ شصت و سوم قرآن)

Hypostasis (es) م. واژهٔ یونانی به معنای اقانیم ثلاثه مسیحیان (پدر و پسر و روح القدس)

Hystaspes, Oracle of م. پیشگویی هیستاسپ؛ سندی که در امپراطوری روم بسیار رایج بود و گفته می‌شد ریشهٔ زرتشتی دارد. در این سند سقوط امپراطوری روم و پایان جهان پیش‌بینی شده بود و لذا توسط کلیسا تحریم گردید

I

I چ. ای. صفت راستی و درستی در دین کنفوسیوسی

Ibeji ق. اف. ایبجی. در قبیلهٔ یوروبا به هنگام تولد فرزندان دوقلو یک جفت مجسمهٔ کوچک می‌خرند که اگر یکی ازنوزادان مُرد مجسمه جای او را بگیرد

Iblis (Diabolis) ابلیس

Ibrāhim (Abraham) حضرت ابراهیم(ع)، (سوره چهاردهم قرآن)

I Ching (King=Jing) ک. ای‌کینگ. کتاب قانون یا کتاب تغییرات؛ از پرنفوذترین متون مقدس کلاسیک دین کنفوسیوسی که بیشتر به مسائل فالگیری و غیبگویی می‌پردازد

Icon م. تمثال حضرت مسیح(ع) یا حضرت مریم(س) یا اولیا و قدیسّین مسیحی

Iconography عم. شرح شمایل اولیاء

Iconostasis م. درکلیسای شرق قسمتی از محراب یا جایگاه مقدس که در آن تصاویر و شمایل قرار داده می‌شوند

Id al-Adha الف. ع. عیدالاضحی، عیدقربان

Iddhi(p)/Siddhi(s) ب. ایدی/سیدی. در تفکر بودایی به معنای قدرتهای ذهنی تکامل نیافته، همچنین به معنای کسب قدرت جسمانی از طریق ریاضت و مراقبة

Idealism آرمانگرایی

Idea of the Holy اندیشه امر قدسی. کتاب رودولف اوتو (۱۹۳۷-۱۸۶۹) که در سال ۱۹۱۷ نگارش یافته و تأثیر عمده‌ای بر نوشتجات الهی بعد از خود داشت

Ideology عم. ایدئولوژی، مرام عقیدتی، مکتب، مسلک

Id al-Fitr الف. عیدفطر

Idol عم. بت، صنم، هرچیزکه به جای خدا پرستش شود

Idolatry عم. بت پرستی، شرک

Ifa ق. معبد بزرگ قبیله یوروباکه به نام خدای آنها ایفا یا اورون‌میلا ساخته شده

Igigi ق. واژهٔ مستعمل در دین مردهٔ اقوام بابل به معنای خدایلن جهان بالا یا خدایان اعظم

Ignatius, St. م. سن ایگناتیوس. اسقف Antioch و دومین اسقف اعظم دین مسیحی پس از سن‌پیتر

Iho ق. ایهو. خدای متعال دین مائوری (Maori)

Ihram الف. إحرام (در سفر حجّ)

I'jaz الف. اعجاز (در مورد قرآن)

Ijma (Ijma') الف. اجماع. عقیده واحد

فقهاء در یک مسأله فقهی

Ijtihad الف. اجتهاد در تشیّع

Ik Omkar س. ایک امکار. اصطلاح سیک به معنای «خداوند یکتاست» که در آغاز کتاب مقدس آن دین، گورو گرانت صاحب، آمده

Ikebana ژ. ایکبانا. هنر تزیین گلها نزد ژاپنی‌ها که در ذن بودیسم معنای سمبولیک دارد

Ikhlas, (The unity) الف.ع. سورهٔ توحید یا اخلاص در قرآن (سوره ۱۱۲)

Ikhenaton ق. اخناتون. نام فرعون آمنوفیس چهارم که در قرن چهاردهم قبل از میلاد پرستش خدای مصریان آمون را کنار گذاشت و به جای آن پرستش توحیدی خدای آتون را رواج داد

Ile-Ife ق. ایله ـ ایفه. شهر مقدس و باستانی قوم یوروبا

Iliad ق. (یونان باستان) منظومهٔ مفصل هومر شاعر یونانی که در آن از مداخلهٔ خدایان یونانی در جنگ بتفصیل سخن گفته شده

Illumination عم. اشراق، تنویر

Ilm الف. علم در اسلام؛ در قرون وسطی، علوم دینی؛ امّا امروزه به معنای عام

Ilm-i Kshnoom ز. علم کشنوم. حرکت جدیدی دربین زرتشتیان که توسط B.N.shroff (۱۸۵۷-۱۹۲۷) بنیانگذاری شده و ویژگی‌های متصوفانه دارد

Ilyas (Elias) حضرت الیاس نبی(ع)

Image عم. تمثال (خدایان) که در دین هندویی رایج و در یهود و اسلام بکلّی ممنوع است؛ مجسمه، بت

Imam الف. امام و پیشوای مذهبی

Im(m)amate الف. امامت

Imamites الف. امامیّه، شیعه

Iman الف. ایمان

Imitation of Christ م. تقلید یا متابعت از مسیح؛ جزوه‌ای به‌همین نام منتسب به توماس آکِمپیس (۱۳۷۰-۱۴۷۱) عضو فرقهٔ دینی برادران «زندگی مشترک»

Immaculate conception م. اعتقاد به اینکه بارداری حضرت مریم(س) در باکره بودن و به ارادهٔ خداوندی بوده و وی از هرگناه و خطایی مبرّاست

Immanence عم. نظریهٔ حضور ذاتی، ماندگاری و بقای خداوند در جهان؛ حضور خدا در جهان

Immanuel ع. امانوئل. واژه به معنای «خدابا‌ما»، در کتاب مقدس در اشاره به عیسی(ع) آمده

Immolation عم. قربانی

Immortality عم. نظریهٔ خلود و فناناپذیری روح پس از مرگ جسم

Impeccable الف. معصوم

Imperfection نقص (در مقابل کمال)

Imprimatur م. اجازهٔ رسمی کلیسای کاتولیک روم برای چاپ یک کتاب

Imrān (Amran) عِمران نبی (ع)

Incantation عم. طلسم خواندن (به منظور دفع نیروهای جادویی)

Incarnation م. تجسم خداوند به صورت انسان در پیکر عیسی(ع)؛ تجسّم، حلول؛ تجسّد لاهوت در ناسوت

Incense عم. بخور معطری که در بسیاری از معابد می‌سوزانند (مثل عود وغیره)

Incest عم. زنای با محارم

Incompetent الف. محجور

Incubation ق. در مذاهب روم و یونان قدیم خوابیدن در یک مکان مقدس به منظور محشور شدن با خدایان و اشراق و تنویر

Incubus ق. کابوس یا اهریمنی که می‌گفتند شبها روی تخت زنها می‌افتد و با آنها عمل جنسی انجام می‌دهد

Incumbent الف. واجب، فرض (مثل طلب علم)

Index Librorum Prohibitorerm
م. فهرست کتبی که کلیسای کاتولیک روم برای پیروان خود ممنوع اعلام می‌کند

Indra هـ. ایندرا. قدرتمندترین خدایان ودایی؛ خدای آسمان و طوفان

Indulgence م. بازخرید گناهان، باتوبه و پرداخت مبلغی به کلیسا، در کلیسای کاتولیک که باعث اعتراض لوتر و ایجاد نهضت اصلاحگرایانه پروتستان گردید

Indus, River (civilization) هـ. تمدن درهٔ سند که از سه هزار سال قبل از میلاد شکوفایی داشته و منشاء ادیان و فرهنگهای متنوع هندی بوده است

Indwelling عم. حلول

Inerrancy م. خالی از خطا بودن؛ نظریه‌ای که معتقد است متون مسیحی خالی از اشتباه و خطا بوده و دقیقاً کلام خداوند است؛ عصمت

Infallibility عم. عصمت، کسی را خالی از خطا دانستن؛ در مسیحیت به معنای اعتقاد به خالی از نقص و خطا بودن متون‌مقدس دین مسیحی؛ شورای کلیسای کاتولیک در سال ۱۸۷۰ م این مقام را برای پاپ تصویب نمود

Infitār (The Cleaving Asunder) انفطار (سوره هشتاد و دوم قرآن)

Inipi ق. ام. اینی‌پی. مراسم شستشو و تطهیر سرخپوستان قبل از شرکت در آیینهای مذهبی

Initiate نوآموز دینی، فرد تازه وارد به یک مرام یا مسلک جدید

Initiation عم. خرقه‌پوشی، آیین ویژهٔ دخول در یک مذهب یا آیین تازه، تشرّف

Inlibration صورت کتاب یافتن کلام خداوند

Inner عف. باطنی، درونی

Innovation بدعت دردین

Innovator, the مُبدع (اسم الهی)

Inquisition م. تفتیش عقاید مذهبی مردم از طرف کلیسا و محکوم کردن و بعضاً اعدام کسانی که به افکار کلیسای کاتولیک عقیده نداشتند؛ در تاریخ عقاید اسلامی: محنّة

Insaan (The Man) انسان (سوره هفتاد و ششم قرآن)

Inshiqāq (The Bursting Asunder) انشقاق (سوره هشتاد و چهارم قرآن)

Inshirāh (the Expansion) انشراح (سوره نود و چهارم قرآن)

Insight عم. بینش، بصیرت، اشراق

Inspiration الهام؛ در تفکر مسیحی به معنای اینکه متون اناجیل الهام خداوندی بر دلهای نویسندگان آنهاست

Institutes of the Christian Religion م. نهادهای مذهب مسیحیت اثر عمده متفکر الهی مسیحی جان کالوین که نخستین بار در سال ۱۵۳۶ م. چاپ شده است

Intercession عم. شفاعت

Interdict م. از تنبیهات کلیسای کاتولیک به صورت محروم کردن کسی از انجام وظایف کلیسایی

Inti ق. اینتی. خدای قبیله اینکه‌ها، خدای

خورشید و حاصلخیزی

Intichiuma ق. آیین بومی قبیلهٔ آراندا در استرالیا برای ازدیاد نسل وحشم

Intimacy عف. انس

Intimate prayers عم. مناجات

Intinction م. خیساندن نان یا فطیر عشای ربانی در شراب برای اینکه نان و شراب یکجا مصرف گردد

Intoxicating drinks الف. مسکرات

Intoxication مستی (در عرفان)، سُکر

Introit م. مزمور یا سرود افتتاحیهٔ آیین عشای ربّانی

Intuition عم. کشف و شهود

Intuitive knowledge عم. الف. معرفت

Invention of the True Cross م. جشن ابتکار صلیب؛ جشنی که مسیحیان در روز سوم ماه مه و چهاردهم سپتامبر به مناسبت اینکه در چنین روزهایی در سال ۳۲۶ م. هلن مادر کنستانتین صلیب عیسی(ع) را پیدا کرده است برپا می‌کنند

Invocation الف. ذکر

Irenaeus م. ایرنائوس (۲۰۰ - ۱۳۰). اولین متکلّم بزرگ کاتولیک و اسقف اعظم لیون

Iron, The(Hadid) حدید (سوره پنجاه و هفتم قرآن)

Isā (Jesus) م. نام حضرت عیسی(ع) در قران و در بین مسلمانان

Isaac ع. ی. حضرت اسحٰق نبی(ع) پسر حضرت ابراهیم(ع)

Isabella I م. ایزابل اوّل (۱۵۰۲- ۱۴۵۱) ملکهٔ اسپانیا که علاقه وافری به مسیحیت داشت و باعث تقویت مبانی کاتولیک در آن کشور گردید

Isaiah ع.ی. اشعیای نبی(ع) از پیامبران بزرگ عبرانی در قرن هشتم قبل از میلاد

Isaiah of the Exile ع. اشعیای نبی(ع) از پیامبران دوران سرگردانی و در به‌دری یهود

Ise ش. ایسه. معبد شینتویی در شهر ایسه ژاپن ویکی‌از مهمترین اماکن مقدس مذهبی آن‌کشور

Ishāq (Isaac) اسحق نبی(ع)

Ishmael عم. حضرت اسماعیل(ع) پسر حضرت ابراهیم(ع) و هاجر

Ishtar ق. ایشتار. خدای ستارگان در دین بابل؛ الههٔ ستاره صبح و غروب

Ishvara(s) هـ. ایشوره. خدا، آقا، پادشاه، یا موضوع تفکر و مراقبه؛ لقب شیوا یا کریشنا

Isis ق. ایسیس. الهه زمین و ماه در مصرقدیم و همسر اسیریس

Islam اسلام

Islamic New Year الف. سال جدید اسلامی که از هجرت پیامبر اکرم(ص) در ۶۲۲ میلادی آغاز می‌شود

Islamic Revolution of Iran, the انقلاب اسلامی ایران

Islamology اسلامشناسی

Isles of the Blest ق. در تفکر یونان باستان محل سکونت مردگانی که زندگی شایسته‌ای داشته‌اند

Ismael, Ismail (Samuel) حضرت اسمعیل نبی(ع) پسر حضرت ابراهیم (ع)

Ismailite (Ismailis) الف. فرقهٔ اسماعیلیه یا شیعیان هفت امامی

Isnad الف. اِسناد. سلسلهٔ سند یک حدیث به پیامبر(ص) یا صحابه

Israel ع. اسراییل. ۱. نام حضرت یعقوب(ع)

نوهٔ حضرت ابراهیم(ع)؛ ۲. نام قبایلی که به عنوان بنی‌اسراییل شناخته می‌شوند؛ ۳. کشور جدید قوم یهود در فلسطین اشغالی

Israelite, The (Bani-Israel) بنی‌اسرائیل (سوره هفدهم قرآن)

Israelite ی. اسرائیلی، بنی‌اسرائیل، کلیمی، عبرانی، یهودی

Isra' w-al Mi'raj الف. اسرا و معراج پیامبر اکرم(ص)

Issachar ع. نام نهمین پسر حضرت یعقوب(ع) و نیز قبیله‌ای که از نسل اوست

Ite, Missa Est. م. معنای تحت اللفظی «ترک کنید، تمام شده است»؛ کلمه Mass یا مراسم دعای همگانی کلیسای کاتولیک از همین ریشه‌است

Ithna 'Ashari (Twelver) الف. شیعه اثنی‌عشری

Itminan عر. الف. اطمینان، آرامش درونی در اسلام

Ittihad الف. عر. اتّحاد. از اصطلاحات اهل تصوف

Ittoen ژ. ای توئن. از ادیان جدید در ژاپن

Itzamna ق. ایتزامنا. خدای آسمان نزد قبیلهٔ باستانی مایا

Izanagi and Izanami ش. ایزاناگی و ایزانامی. در اساطیر ژاپنی موجود مذکر ازلی و موجود مؤنث ازلی؛ از خدایان دین شینتویی؛ به معنای لغوی مذکّری که می‌خواند و مؤنثی که می‌خواند

J

Jabrites الف. جبریّه(در اسلام)

Jachin and Boaz ق. جاشین و بواز. اسامی دو ستون برنزی تزیین شده در ورودی معبد سلیمان که نشانهٔ درخت حیات و درخت معرفت در باغ عدن بوده‌اند

Jacob ع. حضرت یعقوب(ع) پسر دوم حضرت اسحاق نبی(ع)؛ نیز: اسراییل

Ja'far as-Sadiq امام جعفر صادق (ع)

jagannath ه. معبد جاگانات. از اماکن مقدس و زیارتی دین هندویی

Jagannatha(s) ه. جاگاناتا. خدای عالم، لقب و یشنوکریشنادر دین هندویی

Jagat ه. جاگات. اصطلاح دین هندویی به معنای عالم موجودات متحرک و محسوس

Jahiliyyah عر. الف. دوران جاهلیت در عصر ظهور اسلام

Jahweh (yahweh) ع. یَهْوِهْ. صورت اوّلیه یَهُوَه خدای دین یهود

Jaina ج. جِینا. پیروان جِیْن یا جینا

Jainism ج. دین جِیْنی، جِیْنی‌ها. از ادیان منشعب از دین هندویی

Jajmani ه. واژهٔ مصطلح در هندوئیسم روستایی در مورد رابطهٔ بین اعضای یک کاست وابسته به کاست‌های بالاتر

Jălut (Goliath) جالوت

Jamadut س. اصطلاح سیکها در مورد فرشتگان مرگ

Jamapuri س. جاماپوری. اصطلاح سیکها در مورد شهر مردگان

James م. جیمز. نام دو تن از حواریون عیسی(ع)؛ عنوان یکی از رسایل انجیل

Jamshidi Naorozi ز. نوروز جمشیدی که سرآغاز سال نو ایرانی است

Janam Ashtami ه. جنم آشتامی. جشن ملی هندوها در ماه اوت به مناسبت تولد کریشنا

Janam Sakhi س. جنم سکهی یا جانام ساکهی. اصطلاح هندوها در مورد تذکره‌ها و داستانهای پیرامون زندگی گورونانک بنیانگذار دین سیک

Janeu ه. جانو. ریسمان مقدس که به هنگام تولد به بازوی نوزادان هندو می‌بندند

Jansenism م. پیرو تعلیمات کورنلیس جانسن (۱۶۳۸ - ۱۵۸۵ م) که مبلغ نظرات اگوستین و مخالف تعالیم یسوعیان بود؛ وی معتقد به تباهی بشر و فیض سرشار الهی و بی‌ارادگی بشر در مقابل گناه و فیض الهی بود

Janus ق. جانوس. یکی از خدایان قدیم رومی که وی را نگهبان درها و دروازه‌ها و خدای هر آغازی می‌دانستند؛ ماه ژانویه به این خدا تقدیم شده

Japa ه. تکرار نام خدا نزد هندوها به عنوان یک عمل عبادی

Japji س. جاپجی. سرود بلند ابتدای کتاب گوروگرانت صاحب متن مقدس دین سیک؛ نمازهای صبحگاهی و عصرانه سیکها که به نام «ذکر» خوانده می‌شوند

Jăsiyah (The Kneeling) جاثیه (سوره چهل و پنجم قرآن)

Jataka ب. جاتاکا. معنای تحت‌اللفظی «داستانهای تولد»؛ مجموعه ۵۵۰ داستان اساطیری در مورد زندگی‌های قبلی بودا

Jati ه. جاتی. نام دیگر نظام طبقاتی کاست در دین هندویی

Jehowah ع. ی. یهوه. ذات متعال خداوندی در دین یهودی که ترکیبی از یهْوِه و آدونای (خدا، ارباب) است

Jehovah's Witnesses م. فرقهٔ مسیحی که در سال ۱۸۷۰ پایه گذاری گردید و موضوع اصلی آن بازگشت سلطنت مسیح(ع) است

Jen (ren) ک. چ. ژن (رِن). اصطلاح کنفوسیوس به معنای خیرخواهی و فضیلت انسانی

Jephthah ع. یفتاح. یکی از شش داوران بنی‌اسراییل که دستاوردهایش در کتاب داوران تورات شرح داده شده

Jeremiah ع. ارمیای نبی(ع) از پیامبران عبرانی

Jeroboam ع. یربعام. از پادشاهان قدیم قوم یهود در سال ۹۳۰ قبل از میلاد

Jerome, St. سن ژرومه (۴۲۰-۳۴۲) از صاحبنظران کتاب مقدس و مترجم آن به زبان لاتینی

Jerusalem ع.ی. بیت‌المقدس، اورشلیم

Jesuit م. یسوعیون. عضو فرقهٔ مذهبی به نام «انجمن عیسی» که در سال ۱۵۳۴ م. توسط لویولا عارف اسپانیایی تأسیس و به تصویب پاپ معاصر وی رسیده‌است

Jesus Christ م. حضرت عیسی مسیح(ع)

Jesus Liberation Front م. جبههٔ نجات عیسی(ع). نهضت پیروان عیسی(ع) که در سال ۱۹۷۱ و از خیابانهای لندن شروع شد

Jew ع. یهودی، اسراییلی

Jewish ع. یهودی

Jezebel ع. ایزابل همسر پادشاه احاب که پرستش بعل را رواج داد

jhana ب. جانا. اصطلاح بودایی برای حالت مراقبه و تأمّل خاموش

jiania س. جیانیا. اصطلاح سیکها در مورد روح آدمی

Jibreel (Gabriel) جبرئیل

jihad الف. جهاد، جنگ مقدس

Jimmu Tenno ژ. ش. جیموتنو. اولین میکادوی ژاپن

Jina ج. جینا. اصطلاح دین جِیْنی در مورد ۲۴ آموزگار بزرگ یا «فاتحین مرگ و حیات» که نخستین آنها میلیونها سال قبل می‌زیسته و نفر آخرهم مهاویرا بوده است

Jinah, M.A. محمدعلی جناح، قاعد اعظم پاکستان

Jinasena ج. جیناسنا. از رهبران دین جاینی در قرن نهم میلادی

Jinn, The جنّ (نام سوره هفتاد و دوم قرآن)

Jiriki ب. جی ری کی. واژهٔ مصطلح در فرقهٔ بودایی سرزمین پاک، به معنای خود یانیروی خود

Jiun ren ژ. چ. ژون رِن. فرد متعالی، اهل فضیلت و تقوی، شاهزاده

jiva هـ. جیوا. اصطلاح اصل زندگی یا روح که در بعضی از نوشتجات دینی هندویی به چشم می‌خورد؛ یکی از دو واقعیت ابدی در ثنویت دین جاینی (جیوا، آجیوا)

jizyah الف. جزیه در اسلام

jnana هـ. جنانه. واژهٔ هندویی به معنای معرفت یا حکمتی که از بصیرت مستقیم ذات واقعیت غایی حاصل می‌شود؛ یکی از راههای رستگاری

Jnana-Marga هـ. جنانامارگا. راه معرفت و حکمت در دین هندویی

Joan of arc ژاندارک. دوشیزهٔ فرانسوی (۱۴۳۱- ۱۴۱۲) که دارای الهامات غیبی بود و علیه انگلیسی‌ها می‌جنگید

Joan, Pope م. پاپ ژان

Job ع. حضرت ایّوب نبی(ع)

Jodo ژ.ب. جودو. فرقهٔ ژاپنی بودایی «سرزمین پاک» که اعتقاد به بودایی با نور بی‌نهایت و محبت عظیم دارد

Joel ع. حضرت یوئیل نبی(ع) از پیامبران بنی‌اسراییل که پیام وی در عهد عتیق آمده

John ۱) یکی از حواریون عیسیٰ‌مسیح(ع)؛ ۲) مؤلف انجیل چهارم (یوحنا)؛ ۳) مؤلف سه رساله در عهد جدید؛ ۴) مؤلف مکاشفه یوحنّا در انجیل

John, the Baptist م. یحیی معمّد یا تعمید دهنده که قبل از عیسی(ع) مردم را به توبه و تعمید دعوت می‌کرده

John of the Cross, St. م. سن ژان صلیب (۱۵۹۱- ۱۵۴۲). نویسندهٔ اسپانیایی مسیحی که در بارهٔ عرفان و تصوف می‌نوشت

Jonah ع. حضرت یونس نبی(ع) از پیامبران عبرانی که یکی از کتب عهد عتیق نیز به نام اوست

joriki ب. جوریکی. نیروی جسمی و روحی که پیروان مکتب ذن معتقدند از عمل به آن دست می‌آید

Joseph ع. حضرت یوسف(ع) یازدهمین پسر حضرت یعقوب(ع)

Josephus ع. ژوزفوس. مورخ یهودی پایان سدهٔ اول که مؤلف کتاب مهم تاریخ قوم یهود می‌باشد

Joshua ع. حضرت یوشع نبی(ع) پیغمبر بنی‌اسراییل و جانشین حضرت موسی(ع)

Josiah, King ع. یوشیاء از پادشاهان بزرگ عبرانی حدود هفت قرن پیش از میلاد

joy عف. فرح

Joya No Kane هـ. ش. جشن هندوان و شینتوها به مناسبت آغاز سال جدید

Jubilate ع. مزمور صدم در کتاب مزامیر داود که نخستین واژهٔ آن همین کلمه است که به معنای «شادی کنید» می‌باشد

Jubilee ع. جشنی که قوم یهود هر پنجاه سال یک بار به یاد بود تاریخ تصرف کنعان و آزادی بردگان برپا می‌کنند

Jubilees, Book of ع. کتاب جشنها؛ نوشتهٔ یک تا دو قرن پیش از میلاد که گاهی «سفر پیدایش کوچک» نیز خوانده می‌شود

Ju Chiao ک.چ. جوچیائو. به معنای «آموزش حکیم»؛ نام اصلی دین کنفوسیوسی نزد چینیان

Judah ع. یهودا. چهارمین پسر حضرت یعقوب(ع)؛ از قبایل بنی‌اسرائیل

Judaism ع. دین یهود، یهودیگری، یهودیت

Judas Iscariot م. یهودای اسخریوطی خائن که به خاطر جایزهٔ سی سکه نقره به عیسی(ع) خیانت کرد

Judas Maccabaeus (see Maccabees) ع. یهودیان مکابیّان

juddin ز. اصطلاح زرتشتیان در مورد یک فرد بی‌اعتقاد

Jude م. یهودا. عنوان یک رسالهٔ کوچک در عهد جدید

Judgement Day عم. روز حکم و قضاوت الهی

Judges, Book of ع. کتاب داوران؛ مجموعهٔ هفت کتاب در تورات

Julius II م. پاپ ژولیوس دوم (۱۵۱۳- ۱۴۴۳ م)

Jum'a الف.ع. جمعه. روز و نماز جمعه در بین مسلمین؛ سوره جمعه (شصت و دومین سوره قرآن)

Juno ق. (افسانه یونان) جونو. نام زن ژوپیتر، الههٔ عروسی و زایمان

Jupiter ق. (افسانهٔ یونان) ژوپیتر. رئیس خدایان

jurisconsult الف. مفتی

jurisdiction قضا، ولایت فقیه

jurisprudence الف. فقه

jurisprudent الف. فقیه

Jurist فقیه

Juristic فقهی

justification م. اصطلاح مسیحی در مورد عبور یک فرد از مرحلهٔ گناه و محکومیت به مرحلهٔ توبه و درستی و صحت عمل؛ برائت

Justin Martyr م. ژوستین شهید (۱۶۵- ۱۰۰) مدافع مکتب مسیحیّت

Justinian م. وابسته به ژوستین امپراطور روم (۵۶۵- ۴۸۳ م) و قوانینی که وی وضع نموده است

Justus ژوستوس. کشیشی که به همراه هیئت اعزامی پاپ گریگوری کبیر به انگلستان آمد و بعدها به مقام اولین اسقف روچستر (سال ۶۰۴) و اسقف اعظم کانتربوری ارتقا یافت

K

Ka ق. کا. اصطلاح ادیان باستانی مصر برای روح یا نیروی الهی

Kaaba (ka'ba) الف. خانهٔ کعبه در مکه معظّمه؛ قبلهٔ مسلمین

Kabbalah/Kabala ع. قباله/قبالا: عرفان ابتدا یهودی؛ مسلک فلسفی و صوفیانه‌ای که درمیان یهودیان وسپس مسیحیان به‌وجودآمد و خدا را مبدأ اصلی موجودات دانسته و اعتقادی شبیه به حروفیّون در اسلام داشتند

Kābil (Cain) قابیل پسر حضرت آدم(ع)

Kabir ه. کبیر (۱۵۱۸-۱۴۴۰ م) شاعر و مصلح دین هندویی که برگورونانک بنیانگذار دین سیک هم تأثیر گذاشت

Kabir Panth ه. کبیر پانت. از فرقه‌های دین هندویی بر مبنای تعالیم کبیر شاعر هندو

Kabod ع. کابُد. واژه به معنای «شکوه و افتخار»؛ از اوصاف خداوند

Kaccha س. کچه. لباس زیر و نیم شلواری که اعضای «سیک خالصه» به طور سمبولیک می‌پوشند

Kachina ق. ام. کاچینا. رقصندگان مقدس قبیلهٔ هوپی ازبومیان امریکایی

Kada ش. کادا. از احیاگران دین شینتویی در قرن هفدهم میلادی

Kaddish ع. قسمتی از نماز روزانهٔ یهودیان در کنیسه که شامل شکرگزاری است؛ همچنین نماز و دعای اقوام میّت برای او و نیز نماز و دعای فرزند متوفی برای پدر

kafir الف. کافر در اسلام

Kafirun (The Unbelievers) کافرون (سوره ۱۰۹ قرآن)

Kagase-Wo ژ.ش. کاگاسه ـ وو. خدای ستاره در دین شینتویی

kalam عر. کلام. علم کلام و الهیات در اسلام

Kali ه. کالی. معنای تحت‌اللفظی «سیاه»؛ الههٔ همراه و همسر شیوا؛ از خدایان دین هندویی که خدای سیاه ستمگر و سفاکی به حساب می‌آید

Kaligamalai ج. کالی گامالای. معبد سنگی بسیار مجلل دین جاینی در جنوب هند

Kalimah الف. اظهار ایمان در اسلام؛ کلمهٔ شهادتین «لااله الا اللّه، محمداً رسول اللّه»

Kaljug س. کلجوق. شیطان در دین سیک

Kalkin ه. کالکین. دهمین آواتار (حلول) ویشنو که در پایان این عصر تاریکی خواهد آمد

kam ه. کام. در تعالیم سیک میل و هوس؛ یکی از پنج ضعف روح انسانی

Kama ه. ب. کاما(کامه). لذت، میل و آرزو؛ یکی از موانع پیشرفت روحی در دین بودایی؛ همچنین به معنای رقص، شعر، نمایشنامه و لذات جنسی؛کاما خدای عشق در دین هندویی است

kama-dhatu ب. کاما- داتو. اصطلاح بودایی برای عالم میل و یا آرزوهای مادّی

Kami ش. کامی. به معنای متعالی، در دین شینتویی و اساطیر ژاپنی به معنای خدایان یا موجودات متعالی و مقدس که خوب و بد، و صالح و فاسد هر دو در بین آنها یافت می‌شود

Kami-dana ژ. کامی ـ دانا. اصطلاحاً به معنی قفسهٔ خدا یا اله؛ معبد خانگی کوچک در اکثر منازل ژاپنی

Kami-no Michi ژ. ش. کامی نومیچی. نام اصلی دین شینتویی در ژاپن

kamma (p) (see karma) ه. کاما. همان کارما

Kammanta ب. کامانتا. واژهٔ بودایی به معنای عمل؛ عمل صحیح چهارمین مرحله از راه هشتگانه است

kandy ب. کاندی. شهری در سریلانکا و محل معبد بودایی معروف «توت» که یکی از آثار مقدس باقیمانده از بودا در آنجا نگهداری می‌شود

Kangha س. کانگه. شانهٔ چوبی که اعضای سیک خالصه به عنوان یکی از پنج نشانه ایمان بر سر دارند

Kapilavastu ب. کاپیلاواستو. محل تولد بودا

Kara س. کارا. خلخال فولادی که اعضای سیک خالصه به عنوان یکی از پنج سمبول ایمان می‌پوشند

Karaites ع. ی. قرائیم/ قرائیمی‌ها. فرقه‌ای ازیهودیان که در قرن هشتم میلادی توسط عنان بن داود در بغداد به وجود آمد و منکر تلموذ و تفاسیر علمای یهود بوده و صرفاً بر نص صریح تورات تکیه می‌کرد

Karam khand س. کرم خند. در تعالیم سیک گورونانک چهارمین مرحله از پنج مرحله یاگام در جهت رهایی

Karbala الف. کربلا. محل شهادت و دفن سومین امام شیعیان حضرت اباعبدالله(ع)

Karma(s) / Kamma(p) ه. کارما. اصطلاحاً به معنای «اعمال»؛ اعتقاد به اینکه عمل افراد در حیاتهای قبلی آنان تعیین کننده مرتبهٔ طبقاتی (کاست) فعلی ایشان می‌باشد

Karma Marga ه. کارما مارگا. در تعالیم هندویی به معنای طریقهٔ عمل که به رستگاری منجر می‌شود

Karma yoga ه. کارمایوگا. نظم عمل، یا تمرین روحی از طریق کار که در بهاگاوادگیتا تعلیم داده می‌شود

Karna chedan ه. کارنه چدان. مراسم دینی هندویی برای سوراخ کردن گوش دختران در پنج سالگی

Kartepur س. کارته پور. محل فوت و مقبرهٔ نانک بنیانگذار دین سیک

Karttikeya ه. کارتی‌کِیا. خدای جنگ در دین هندویی

Karuna ب. کارونا. حس محبت و عطوفت بوداها و بودیستوه‌ها؛ یکی از دو اصل مهمّ و ارکان فرقهٔ بودایی ماهایانا

kasb ع. الف. کسب نظریه‌ای درکلام اشعری بینابین جبر و اختیار، در مورد افعال انسان

Kashrut ع. ی. در مذهب یهود به معنای مشروعیّت، حالت جواز و حلالیّت

Katha هـ. کاته. قرائت متون مقدس دین هندویی توسط کاهن برهمن تحت سرپرستی یک نفر از عبادت کنندگان؛ بخشی از اوپانیشاد

Katta Upanishad هـ. کاتا اوپانیشاد. از مجموعهٔ متون مقدس (اوپانیشادها) در دین هندویی

Katonda ق. اف. کاتوندا. نام خدای متعالی مورد پرستش قبیلهٔ گاندا در کشور اوگاندا

Kattandiya ب. کاتاندیا. رهبر مراسم بودایی در روستاهای سریلانکا

Kaur(p) س. کائور. به معنای پرنسس؛ لقب بانوانی که به سیک خالصه وارد می‌شوند

Kavvanah ع. کوانه. اصطلاح عبری به معنای توجه و تمرکز به هنگام دعا و عبادت

Kaya ب. کایا. در تفکر بودایی به معنای جزء مادی انسان، بدن

K'e ق. ام. کی. هماهنگی اخلاقی در بین افراد قبیله ناواجو از بومیان امریکا

Kedushah ع. کدوشه. اصطلاحاً به معنی «تقدیس»؛ عنوان ادعیهٔ یهودی که تنها در مراسم جمعی خوانده می‌شوند

Kehillah ع. کهیلا. تشکیلات یهودیان در اطراف کنیسه که محل عبادت، دستور و قضاوت است؛ تشکیلات خیریه و اجتماعی یهودی در شهرها

Keisaku ب. کی ساکو. چوب سر پهنی که استاد ذن برای هشیار نگاه داشتن شاگردان در طول مراقبه به کار می‌برد

Kendo ز. کندو. «راه شمشیر»؛ آیین شمشیرداری در دین ژاپنی که دارای نشانه‌های دینی است

Kenosis م. اعتقاد به اینکه مسیح برای نجات بشر جنبهٔ الهی خود را از دست داده و به صورت بشری درآمده؛ خلع مقام الوهیت و قبول بشریت به وسیلهٔ عیسی(ع)

Kerygma م. موعظهٔ انجیل، مژدهٔ انجیل

Kesh س. کش. موهای بلند و گره زده سیکهای خالص که از پنج نشانهٔ ایمان آنهاست

Keshdharis س. کِشداری‌ها. کسانی که موهای خود را قطع نمی‌کنند؛ سیکهای خالص

Ketubah ع. کتوبه. سند ازدواج یک نو عروس یهودی که در آن وظایف داماد ذکر شده

Kethubim ع. کتوبیم. مکتوبات؛ بخش سوم از متون مقدس عبری که به نوشتجات شهرت داشته و شامل کتابهای شعر و حکمت است

Keys, Power of the م. قدرت کلیدها؛ اصطلاح مسیحیان در مورد اینکه کلید قدرت کلیسا و موت و عالم اموات در دست عیسی(ع) است (مکاشفهٔ یوحنا، باب ۱، آیه ۱۸)

Khadija(jah) الف. حضرت خدیجه(س) همسر پیامبر اسلام(ص)

Khalifah الف. خلیفه. حکمرانان جامعهٔ اسلامی پس از رحلت پیامبر اسلام(ص)

Khalsa (sah) س. (از ریشهٔ خالص)، سیکهای خالص که پیروان گوروی دهم هستند

Khanda س. خندا. شمشیر دو لبه سمبولیک که نشانهٔ قدرت و الوهیت است و در مراسم سیکها استفاده می‌شود

Khandha(p)/shandha(s) ب اصطلاح بوداییان در مورد پنج جزیی که بدن انسانی را تشکیل می‌دهند: شامل جسم، احساس، درک و غیره

Kharijites (Kwarij) الف. خوارج در اسلام

Khidr حضرت خضر نبی(ع)

Khordad Sal ز. خرداد سال. جشن میلاد زرتشت نزد پیروان دین زرتشتی در اول سپتامبر

Khorda-Avesta ز. خرده اوستا. از متون مقدس دین زرتشتی

Khota هـ. واژهٔ مصطلح در هندوئیسم روستایی برای خشم خدایان روستا

Khudda, the Glorious س. خداوند پر مجد و شکوه؛ از اسامی خدا در دین سیک

khutbah الف. خطبة. خطبهٔ نماز جمعه

kibbutz ع. کیبوتص. جامعهٔ اشتراکی کوچک در اسراییل که بیشتر به امر کشاورزی اشتغال دارند

Kiddush ع. دعای تقدیس که در آغاز روزهای شنبه و یا سایر روزهای مقدس توسط یهودیان خوانده می‌شود

Kingdom, The (Mulk) مُلک (سوره شصت و هفتم قرآن)

Kingdom of God عم. ملکوت یا عرش الهی که در تمام ادیان آسمانی اشاره شده

Kings, Books of ع. کتاب پادشاهان (در دو بخش) در تورات

kinhin ب. کین هین. اصطلاح مکتب بودایی ذن برای مراقبه و ریاضتِ «در حال راه رفتن»

kinship affinity قرابت نسبی

kirk م. اصطلاح کلیسا (معادل church) در اسکاتلند و شمال انگلیس

kirpan س. خنجری که سیکها به عنوان یکی از پنج نشانهٔ ایمان به همراه دارند

kirtan س. کرتان. آوازهای عبادی سیکها به هنگام عبادت جمعی در گورودواراها

kismet الف. قسمت، تقدیر

kiswa الف. جامه یا پردهٔ کعبه (کسوة)

Kitab عر. الف. کتاب. قرآن

knowledge of certitude الف. علم الیقین

Kneeling, The (Jasiyah) جاثیه (سوره چهل و پنجم قرآن)

knowledge immediately derived from God عف. علم‌لدّنی

Knox, John م. جان ناکس (۱۵۱۳- ۱۵۷۲ م). مصلح اسکاتلندی دین مسیحیت

koan ب. کوئن. به‌معنای تحت اللفظی «مسئله» یا «نقطه ضعف»؛ در مکتب بودایی ذن به معنای سؤال یا عبارتی که با منطق و دلیل قابل پاسخ دادن نیست

Kobo-Daisi ژ. ش. کوبودای ایشی. بنیانگذار مکتب ریوبو (Ryobu) یا شینتوی مختلط در دین شینتویی

Kohen ع. کاهن یهودی

Ko-Ji-Ki ژ. کوجی کی. به معنای «سوابق موضوعات باستانی»؛ قدیمی‌ترین کتاب ژاپنی و تقریباً از متون مقدس دین شینتویی

Kol Nidrei ع. دعای یهودی که در نماز غروب روز کفّارهٔ یهودیان خوانده می‌شود

Konko-Kyo ش. کونکوکیو. از فرقه‌های دین شینتویی

Korah قارون
Koran (Qur'an) الف. قرآن مجید
Koran-reader الف.قاری قرآن
Koraish (Quraysh) الف. طایفهٔ قریش در عربستان در جاهلیت و صدر اسلام
Kosher ع. غذاهای حلال و مجاز برای یهودیان و نحوهٔ تهیه آن غذاها
Krishna هـ. کریشنا. از مشهورترین خدایان دین هندویی که تجسم یا حلول ویشنوی خدا دانسته می‌شود، در کتاب مقدس بهاگاوادگیتا وی همچون خدای متعال تصویر شده است
Krishna Consciousness هـ. مکتب آگاهی کریشنا؛ از شاخه‌های دین بودایی که تحت تعلیمات کایتانیا قرار داشته و مبتنی بر عمل بهکتی یوگا است
krodh س. کِرود، به‌معنای خشم؛ یکی از پنج ضعف روح انسانی در تعالیم سیک
Kshathra (-Vairya) ز. خشتره (وایریه). شهریور، فرشتهٔ قدرت و حکومت؛ یکی از هفت ارواح خیر (امشاسپندان) در دین زرتشتی و از اوصاف اهورامزدا
Kshatriya هـ. طبقهٔ کشاتریا، فرمانروایان و یا جنگجویان درطبقات چهارگانه دین هندویی که بعد از طبقهٔ روحانیون یا برهمانان در مرتبهٔ دوم قرار دارد
Kuan Yin (kwan) ب. کوان یین. از بودیستوه‌ها که نام چینی او Kuan Shih Yin p'u sa است، یعنی کسی که ناله و فریاد عالم را می‌شنود؛ الههٔ بخشش
Kubrawiyya کرویّه (از سلسله‌های تصوف اسلامی)
kufr الف. کفر (در اسلام)
Kumarbi ق. کوماربی. خدای قدیمی اقوام حوریان و هیتی
Kung Fu-tzu ک. کونگ فوتزو(تزه). صورت اصلی نام کنفوسیوس
Kurma هـ. کورمه. به معنای «لاک پشت»؛ دوّمین تجسیم یا حلول ویشنوی خدا
Kurukshetra هـ. کروکشترا. از اماکن زیارتی هندوها در شمال هند
Kusala ب. اصطلاح بودایی در مورد آزادی فردی که سودمند یا خوب است
Kusti ز. کُستی. رشتهٔ مقدسی که زرتشتیان می‌پوشند و در طول نماز و دعا آن را مرتب می‌سازند (جالب است که کلمهٔ کُشتی از همین رشته و کلمه است)
Kwang Ti ک. گوانگ‌تی (چوانگ‌تی). از خدایان دین کنفوسیوسی
Kwang-Tze ک. کوانگ تزه (چوانگ تزه). شاگرد لائوتسه بنیانگذار دین تائویی
Kwan Yin/Kwannon ب کوان یین. ازبودیستوه‌های مؤنث که لطف و مرحمت زیادی دارد و به صورت الههٔ حافظ زنان و کودکان پرستش می‌شود
Kwoth (pl. Kuth) ق. کووت (در جمع، کوت). خدا یا روح در قبیله نیور
Kyoto ش. کیوتو. شهر کیوتو پایتخت قدیمی ژاپن و مرکز معابد بزرگ شینتویی در آن کشور
Kyala ق. کیالا. خدای متعال قبایل Nyak yusa, Konde؛ خدای راستی و درستی
Kyrie Eleison م. واژه‌های یونانی به معنای «خداوندا بر ما رحم فرما» که کشیش و حضار درکلیسا در مراسم عشای ربانی، توبه و انابه، و عبادات دیگر به کار می‌برند

L

Labarum م. پرچم مخصوص کنستانتین امپراطور روم پس از قبول دین مسیح
Labbaika الف. عر. لبّیک. زمزمهٔ زایرین خانهٔ خدا در مراسم حجّ
Lody chapel م. بخشی از کلیسا یا محراب کلیسا که به حضرت مریم(س) اختصاص داده شده
Lady Day م. عید مخصوص مریم باکره (س) برابر با ۲۵ مارس (پنجم فروردین)
Lag B'Omer ع. در مذهب یهود سی و سومین روز بعد از عید فصح که اکثراً برای ازدواج به کار می‌رود
Lahab (The Flame) لهب (سوره صد و یازدهم قرآن)
laic لائیک
Lailat al-Qadr (see Night of Power) الف. لیلة القدر
laity عم. عوام، خارج از مسلک روحانی؛ مکلاّ
Lakhana (P) / Lakshana (s) ب لاکانا/ لاکشانا. اصطلاح دین بودایی به عنوان علامت تمیز
Lakshmi هـ. لاکشمی. همسر ویشنو خدای بزرگ؛ الههٔ خوشبختی در دین هندویی
Lama ب. لاما. شیخ یا رهبر بودایی تبّت
Lamaism ب. دین لامایی؛ دین بودایی تبّت
Lambeth Quadrilateral م. اسناد چهارگانه لمبت (محل زندگی اسقف اعظم کانتربوری) که از نظر کلیسای انگلیس اجزای اساسی اتحاد کلیسای مسیحی را تشکیل می‌دهند
lamentation ندبه، عزاداری
Lamentations, Book of ع. کتاب مراثی یا سوگنامه‌ها؛ از کتب عهد عتیق
Lammas م. جشن خرمن در روز اول ماه اوت که از اولین نوبر خرمن برای عشای ربانی نان تهیه می‌کنند
langar س. لانگار. آشپزخانهٔ کنار یک معبد سیک (گوردوارا) که به زایرین غذای مجانی می‌دهد
Langton, Stephen م. استیفن لنگتون که در سال ۱۲۰۷ به مقام اسقفی اعظم انگلستان رسید
Lao-Tze (se) م. لائوتسه (تزه). فیلسوف چینی قرن هفتم پیش از میلاد و بنیانگذار دین تائویی
Lares and Penates ق. (روم باستان) خدایان خانگی در روم قدیم

Last Day الف. یوم‌الاخر، روز قیامت

Last Judgement عم. روز حکم و حساب نهایی در همهٔ ادیان آسمانی؛ روز جزا

Last Reality عف. حقیقت غایی؛ وجود خداوند متعال

Last Supper م. شام آخر، آخرین شام حضرت عیسی(ع) با حواریون خویش قبل از دستگیری و مصلوب شدن

Lateran Basilica م. باسیلیکا (کلیسای بزرگ) لاتران در رُم و محل اقامت پاپ

Latin م. لاتین. زبان رومی‌ها که بعدها زبان کلیسا و متون مقدس نیز گردید

Laud م. سرود حمد و ستایش، نخستین نماز روز در کلیسای مسیحی

Lawrence, St. م. سن لورنس. کشیش مسیحی و شهید در رُم در سال ۲۵۸ میلادی

lavabo م. آیین دست شستن کشیش در مراسم عشای ربانی

law شریعت، فقه

lawful حلال، قانونی، شرعی

law giver شارع

law school الف. مذهب (مثل مذهب مالکی، حنفی،...)

Laws of Manu هـ. قوانین مانو. متن مقدس دین هندویی

layman مکلّا؛ فردعادی (درمقابل روحانی)

League of Virtuous الف. حلف الفضول؛ پیمان صدراسلام

Lebbaeus (Thaddaeus) م. لبائوس (تادائوس). یکی از دوازده حواری حضرت عیسی‌مسیح(ع)

lectern م. میز مخصوص قرائت کتاب مقدس در کلیساها

lectionary م. آیات منتخبه یا قسمتی از کتاب مقدس که در مجالس عبادی کلیسا قرائت می‌شود

legal alms الف. زکات در اسلام

legal opinion الف. فتوا

legal school مکتب فقهی

legate م. نمایندهٔ تام‌الاختیار پاپ

legislation, Divine عم. تشریع

lent: م. دورهٔ چهل روزهٔ پرهیز یا توبه و روزهٔ مسیحیان کاتولیک که از چهارشنبه توبه شروع و تا عید پاک به طول می‌انجامد؛ چله پرهیز و روزه؛ ایام صیام

Leo X م. پاپ لئوی دهم (۱۴۷۵- ۱۵۲۱) که در سال ۱۵۱۳ به مقام پاپی رسید و در طول ریاست خود با نهضت اصلاحگرایانه روبرو شد که در نتیجه درسال ۱۵۲۰ م. مارتین لوتررا طرد و تکفیر نمود

Lesser Pilgrimage حج عمره در اسلام

Lesser Vehicle ب. ترجمهٔ انگلیسی هینایاما، به معنای گردونهٔ اصغر؛ عقیده بودایی فرقهٔ مربوطه که در سریلانکا و جنوب شرقی آسیا وجود داشته و تفسیر محافظه‌کارانه‌ای از دین بودایی بدست می‌دهند

Levi ع. لاوی. پسر سوم حضرت یعقوب نبی(ع) وجدّ لاویان‌ها

Leviathan ع. جانور بزرگ دریایی که در کتاب عهد عتیق نام برده شده

Levites م. لاویان. فرزندان لاوی پسر حضرت یعقوب نبی (ع)

Leviticus ع. سفر لاویان در عهد عتیق یا تورات

Leza ق. اف. لزا. خدای متعالی مورد پرستش قبیله باثیلا در زامبیا

Li ک. چ. لی. رفتار خوب، تملّک و آداب‌دانی در دین کنفوسیوسی؛ این یکی از پنج صفت عمدهٔ مورد توجه و توصیه کنفوسیوس است

libation ق. پیشکشی شراب به هنگام انجام مراسم قربانی به حضور خدایان

Liberal Jews (see Reform Jews) ع. یهودیان لیبرال یااصلاحگرای

Lieh-Tze ت. لیه‌تزه. از مفسرّان دین تائویی در قرن پنجم پیش از میلاد

licit عم. مشروع، مُجاز، حلال، روا

Life after Death (see Eternal Life) عم. حیات پس از مرگ

Light, The نور (سورهٔ بیست و چهارم قرآن)

Light of Muhammad نور محمّدی

Li Ki ک. لی‌کی. کتاب آداب؛ از متون مقدس دین کنفوسیوسی

Lila(s) هـ. لیلا. به معنای بازی یا ورزش؛ در فلسفه ودانتا، لیلای روح جهانی باعث به وجود آمدن یا خلق عالم می‌شود

Lilith ع. عفریت یا شیطان در اساطیر بابل که در تورات نیز نام برده شده

Limbo م. اعراف؛ در روایات مسیحی به معنای کنارهٔ دوزخ

Lingam هـ. لینگام. آلت تناسلی مرد که در دین هندویی به نشانهٔ نیروی خلاقیت جهان قلمداد و پرستش می‌شود؛ علامت خدای شیوا و صورتی که در بیشتر حالات بدان پرستیده می‌شود

Lingayata هـ. لینگایاتا. فرقهٔ شیوایی که در قرن دوازدهم در هند به وجود آمد و هنوز در جنوب سرزمین هند از نهضتهای مهم دینی است

litany م. مناجات و دعای دست جمعی به صورت سؤال و جواب که کشیش آیه یا مناجاتی رامی‌خواند و جماعت حاضر از روی کتاب یا نوشته‌ای جواب او را می‌دهند

Literalists الف. اهل ظاهر، ظاهریّون

liturgical عم. مناجاتی

liturgy م. آیین و آداب نماز، نماز عشای ربانی؛ مناجاتنامه، کتاب نماز

Living, the الف. الحّی (اسم الهی)

Lobh (p) / lobha (s) س. لُبه (لبهه). حرص و طمع؛ یکی از پنج نقطه ضعف آدمی در تعالیم دین سیک

Logos م. کلمه. به عقیدهٔ مسیحیان حضرت عیسی(ع) کلمه «خداوند است»؛ عقل کلّ و منشاء عالم؛ کلمة الله؛ در اسلام معادل با حقیقت محمدی

loka ب. لوکا. واژهٔ بودایی به معنای عالم وجود

Loki ق. در بین خدایان اسکاندیناوی نقش شیطان و یا موجود شرور مسئله ساز را دارد

Lollards م. از پیروان وایکلیف (۱۳۲۹-۱۳۸۴ م) که از طرف کلیسا رافضی قلمداد می‌شدند؛ اینان بیشتر روی ایمان شخصی و اعتبار کتاب مقدس تأکید داشتند و مخالف قدرت پاپها بودند

Lombard, Peter م. پیتر لومبارد (۱۱۰۰-۱۱۶۰ م) متکلم شهیر مسیحی و مؤلف اثر چهار کتاب جملات که کتاب اصلی الهیات مسیحی در قرون وسطی است

Lonesome Stone م. گروهی از زمره پیروان «انقلاب عیسی» که ابتدا در امریکا شروع شد و سپس به انگلستان نیز رسوخ نمود

longing عف. شوق و اشتیاق عارفانه

Lord ع. ارباب. لقب خداوند در ترجمهٔ انگلیسی تورات؛ لقب عیسی(ع) که حوازیون به وی دادند؛ ربّ

Lordship عم. ربوبیّت

Lord's Prayer م. نیایش الهی؛ دعایی که حضرت عیسی(ع) به حواریون خود تعلیم داد (انجیل متی، باب ٦، آیات ١٣ـ ٩)

Lord's Supper م. شام خداوند (عشای ربانی) که توسط پولس رسول (رسالهٔ اول به قرنطیان، باب ١١، آیه ٢٠) عنوان شده است

Lot ع. حضرت لوط نبی(ع)

Lote-Tree, Lotus Tree الف. سدرة المنتهی

Lotus Sutra لوتوس سوتره

Lourdes م. لورد. مرکز زیارتی در جنوب فرانسه که گفته می‌شود و در سال ١٨٥٠ میلادی برنادت سوبیروس در آنجا مریم‌مقدس را در رویا می‌دیده است

love عف. محبّت، عشق

loving kindness عف. عنایت

lower qualities عم. صفات رذیله

Low Sunday م. یکشنبه بعد از عید پاک؛ شاید به مناسبت جشن و سرور عید پاک چنین نامی بر آن نهاده‌اند

Loyola, Ignatius م. ایگناتیوس لویولا (١٤٩٥ـ١٥٥٦). بنیانگذار «انجمن عیسی(ع)» یا یسوعیان

Lucifer ق. شیطان قبل از سرپیچی و سقوط و هنگامی که هنوز به صورت فرشته‌ای بوده‌است

Lug ق. لوگ. خدای قدیم اقوام سِلت و حامی کشاورزی؛ احتمالاً در آغاز خدای خورشید بوده است

Luke م. لوقا. طبیب و همراه پولس رسول در بعضی از سفرهای تبلیغی نامبرده که به عنوان مؤلف انجیل لوقا و نیز کتاب اعمال رسولان شناخته می‌شود؛ انجیل سوم یا انجیل لوقا

Lun Yu ک. لون یو. مجموعهٔ گفتار کنفوسیوس؛ از متون مقدس دین کنفوسیوسی

Lupercalia ق. لوپرکالیا. جشن تطهیر و کفّارهٔ گناهان در روم باستان در نیمهٔ فوریه

Luqmān لقمان (سوره سی و یکم قرآن)

lust عم. هویٰ و هوس

Lut (lot) لوط نبی(ع)

Luther, Martin م. مارتین لوتر (١٤٨٣ـ١٥٤٦ م) راهب آلمانی فرقهٔ درویشان و زاهدان پیروسن آگوستین که در سال ١٥١٧ م. علیه فروش بهشت توسط کلیسا شورید و مکتب اصلاحی پروتستان (به معنی لغوی اعتراض) را در مسیحیت بنا نهاد

Lutheran Church م. کلیسای پروتستان که در آلمان، کشورهای اسکاندیناوی و امریکا قوی است

M

Ma'arib ع. نماز مغرب در مذهب یهود

Ma'ārij (The Ways of Ascent) معارج (نام سوره هفتادم قرآن)

Maat ق. در مذهب مصریان قدیم الههٔ راستی و عدالت و قانون که با ترازویی مجسم شده است

Mabuchi ش. مابوچی. از احیاگران و متکلمین دین شینتو در قرن هجدهم

Maccabees ع. مکابیان. لقب خانواده‌ای از میهن‌پرستان یهود که در زمان حکومت آنتوکیوس چهارم علیه سلطهٔ یونانیان قیام‌کردند و یهودیه را از سلطهٔ بیگانگان آزاد ساختند

Maccabean Revolt ع. شورش یا طغیان مکابیان مذکور در فوق

Machzor ع. کتاب دعا و نیایش یهودیان در جشنها و اعیاد مذهبی

Madhava= Madhva هـ. مادهاوا- مدهوه. فیلسوف ویشناوایی و مصلح دین هندویی قرن سیزدهم که مکتب ثنویت (دِویتا) را بنیان گذاشت

madhyama ب. مدیاما. اصطلاح بودایی در مورد راه وسط، هم در اخلاق و هم در متافیزیک

Maenads نامی که روی پیروان باکوس (خدای میگساری و شراب) گذاشته شده؛ از ریشهٔ یونانی «دیوانه بودن» که اشاره به‌رقصهای دیوانه‌وار پرستندگان دیونیسوس دارد

Magadhi=Maghadi ب. زبان بومی قبیلهٔ محل تولد بودا؛ نزدیک به زبان پالی

Magga (p) see Marga هـ. ماگا. راه نجات و رستگاری در دین هندویی

Magha puja ب. ماگاپوجا. فستیوال بهاره ماه کامل فرقه بودایی تراوادا به‌مناسبت پذیرفته شدن ١٢٥٠ شاگرد توسط بودا که جملگی نیز به تنویر رسیدند

Magi ز. مغ. روحانی دین زرتشتی

Magog (Ma'juj) مأجوج

Magnificat سرود نیایش حضرت مریم(س) در انجیل لوقا، باب اول، آیات ٤٦ تا ٥٥

Magnificient, the متکبّر (از اسمای الهی)

Mahabharata هـ. مهابهاراتا. از حماسه‌های دین هندویی؛ به معنای جنگ بزرگ بهاراتا

Maha Bodhi Society هـ. انجمن مهابودهی. انجمنی که در سال ١٨٩١ م. در هند تأسیس شد تا در محلی که بودا به تنویر رسید یک معبد بنا کند

Mahadeva ه. مهادوا. لقب شیوا خدای دین هندویی که به معنای «خدای بزرگ» می‌باشد

Mahaparinibbanasutta ب. معنای تحت اللفظی «سوتای نیبانای بزرگ نهایی»؛ روایت مرگ بودا

Mahasanghika ب. مهاسنگهیکا. پیروان مکتب بودایی بزرگ سنگهه؛ کسانی که نتایج دومین شورا را پذیرفته و از ملایمتر کردن قوانین رهبانی جانبداری کردند

Mahatma ه. مهاتما. لقب هندویی به معنای «روح بزرگ»؛ لقب گاندی رهبر استقلال هند

Mahavakyas ه. مهاواکیاها. گفتار و سخنان بزرگی که در متون مقدس ودایی دین هندویی وجود دارد

Mahavamsa ب. مهاوامشه. از متون مقدس دین بودایی

Maha-Vihara ب. مهاویهارا. یکی از دو مکتب بزرگ تفکر هندویی در سریلانکا و به معنای «صومعهٔ بزرگ»

Mahavira ج. مهاویرا. بنیانگذار دین جاینی در قرن ششم پیش از میلاد

Mahayana ب. فرقهٔ بودایی مهایانا به معنای «گردونهٔ بزرگ» که بخش عمدهٔ بوداییان را در بر می‌گیرد

Mahayogi ه. مهایوگی. به معنای «یوگی عظیم»؛ لقب خدای شیوا در دین هندویی

Mahdi الف. مهدی. هدایت یافته؛ حضرت مهدی(ع) امام دوازدهم شیعیان

Maidah (The Food) مائده (سوره پنجم قرآن)

Maimonides ع. فیلسوف یهودی ابن میمون (۱۲۰۴- ۱۱۳۴ م) در قرون وسطی که فلسفه ارسطو را با تعالیم مذهبی یهود منطبق ساخته است؛ از بزرگترین تدوین کنندگان قانون یهود

Maitra, Harendranath ه. هارندرانات مایترا. مؤلف کتاب مشهور «دین هندویی - آرمان جهانی»

Maitreya ب. مایتریا. بودای موعود یا منتظر که به زبان چینی Milei-Fo خوانده می‌شود

Maitri(s)/Metta(p) ب. مایتری/ متا. نظریهٔ خیرخواهی و نیت خیر برای همهٔ مردم در دین بودایی

Majestic (al), the جلیل (اسم الهی)

Majesty عر. جلال

Majesty, The (Qadr) قدر (سوره نود و هشتم قرآن)

Maji Maji اف. ماجی ماجی. نهضت مقاومت قبایل جنوبی تانزانیا علیه اشغالگران آلمانی

Major Occultation of Imam Mahdi(ع) الف. غیبت کبرای حضرت مهدی(ع)

Maker, the باری، مصوّر، کردگار (اسم الهی)

Makoto ژ. ش. ماکوتو. به معنای «صمیمیت» یا «راستی»؛ فضیلت اساسی در دین شینتویی که صافترین تجلی روح انسانی قلمداد می‌شود

makyo ب. اصطلاح مکتب بودایی ذن در مورد تخیّلات و توّهمات

Malaci, Book of ع. کتاب ملاّکی نبی(ع)، آخرین کتاب تورات یا عهد عتیق

Malikite School الف. مذهب مالکی در اسلام

Man, The (Insaan) انسان (سوره هفتاد و ششم قرآن)

Mana ق. اف. مانا. واژهٔ مالانزی یا پولینزی به معنای نیرویی حیاتی که به همهٔ جانداران حیات می‌بخشد

Manas ه. ب. اصطلاح ادیان هندویی و بودایی در مورد حس ششم که تمام مدرکات پنج حس دیگر را جمعبندی نموده و تصویر کاملی از شیء موضوع ادراک به دست می‌دهد؛ تقریباً برابر با حس مشترک

Manasseh ع. مناسه. پسر بزرگتر حضرت یعقوب نبی(ع)

Mandala ق. ماندالا. بخشهای یک کتاب؛ تصویر سمبلیک که در اطراف آن دایره است و در وسط تصاویری سمبلیک (یا تصویر ویشنو خدای هندویی) قرار دارد که به عنوان سمبل تکامل، یا عدد صفر، یا پایان و انتها و به هرحال برای موضوع مراقبهٔ به‌کار می‌رود

Manes ق. اصطلاح رومیان باستان در مورد ارواح مقدس شدهٔ نیاکان درگذشته

Mani ق. مانی. آموزگار پارسی که دین مانی را از ریشهٔ دین زرتشتی بنیانگذاری کرد

Manichaeism ق. دین مانی؛ مانویّت

Manifest, the الف. مبین، از صفات قرآن مجید

manifestation عم. تجلّی، ظهور، مظهر

Manikka-Vasagar ه. مانیکاواساگار. از مصلحین و آموزگاران دین هندویی در قرن یازدهم میلادی

Manitou ق. مانیتو. اصطلاح رایج در امریکای شمالی و هند در مورد موجودات روحانی و نیز نیروی مافوق طبیعی و اسرارآمیزی که در تمام پدیده‌های طبیعت وجود دارد

Manmukh س. منموخ. اصطلاح سیکها در مورد کسی که به جای صدای گورو به سخن دل خویش گوش می‌کند و لذا از تمیز طبیعت نظم الهی محروم می‌ماند

Manna ع. الف. منّ. مائدهٔ آسمانی؛ غذایی که خداوند به هنگام سفر و دربه دری قوم یهود اختصاصاً برای ایشان نازل فرمود

Mansions of the Stars, The (Buruj) بروج (سوره هشتاد و پنجم قرآن)

Mantle of the Law ع. جلد یا پوشش سیمین طومار تورات

mantra ه. ب. س. مانترا. اصطلاح ادیان هندویی، بودایی و سیک در مورد عبارت و یا واژه و حتی هجایی با یک معنای سرپوشیده و عرفانی و مقدس؛ فرمولهای خاصّ مذهبی

mantravidh ه. ب. مانتراوید. اصطلاحاً به کسی می‌گویند که معنای مانتراها را می‌داند

Mantrayana ب. مانترایانا. تحولات بعدی فرقهٔ بودایی ماهایانا به نحوی که مانتراها در آن نقش مهمّی پیدا کردند

Manu ه. مانو. به روایت اساطیر هندویی، سرمنشاء و سرآغاز نژاد بشر و یا انسان اولیه‌ای که آداب دین هندویی را تدوین نمود؛ در هر دوره‌ای از تمدن بشر، که جمعاً ۱۴ دوره و اکنون هفتمین دوره آن است، باید یک مانو وجود داشته باشد

manumission الف. عتق در اسلام

Manyo-Shiu ش. مانیوشیو. به معنای «مجموعه‌ای از ده هزار برگ»؛ چهارمین کتاب مقدس مهم دین شینتوئی

Mappo ب. ماپو. در بین پیروان فرقهٔ

Nichiren دین بودایی این نظریه که اکنون در اواخر دورهٔ فعلی تمدن بشر هستیم و دورهٔ جدیدی در حال طلوع است

Mara ب. مارا. شیطان یا ابلیس در دین بودایی

Marathi س. ماراتهی/مارتهی. از گویشهای هندویی مورد استفاده در کتاب گرانت، متن مقدس سیکها

Marburg Colloquy م. مجمعی که توسط Philip of Hesse در سال ۱۵۲۹ م برای رفع اختلافات بین اصلاحگرایان پروتستان ساکسون و سوئیس تشکیل شد که بالمآل به جهت اختلاف نظر بین Zwingli و لوتر روی موضوع عشای ربّانی به شکست انجامید

Marcion م. مارسیون. از رافضی‌های قرن دوم مسیحیت که دین مسیح(ع) را صرفاً بر مبنای عشق و محبّت قبول داشت و به قوانین و قواعد کلیسا معتقد نبود

Mardana س. مردانا. خدمتکار و همراه نانک بنیانگذار دین سیک

Mardi Gras م. آخرین روز کارناوال که در بعضی از کشورهای مسیحی‌نشین از جمله امریکا کاروانهای شادی با شکوهی راه می‌افتد؛ سه شنبه جشن و شادی (قبل از چهارشنبه توبه)

Marduk ق. مردوک/ مردوخ. رئیس خدایان بابل قدیم؛ خدای بزرگ اقوام سامی

Marga(s)/Magga(p) ه. مارگا/ ماگا. در تعالیم هندویی به معنی راهی که به نجات و رستگاری منتهی می‌شود؛ در تعالیم بودایی نیز چهارمین حقیقت برجسته، یعنی راه هشتگانهٔ اصیل و یا راه میانه، است که به آزادی و رهایی منجر می‌شود

ma'rifah الف. معرفت در اسلام

Marium (Mary), Mariam, Maryam مریم (سوره نوزدهم قرآن)

Mariyah the Copt الف. ماریهٔ قبطیه همسر رسول خدا(ص)

Marja'-e Taqlid (model of emulation) الف. مرجع تقلید در اسلام

Mark م. ۱) یکی از افراد محلی بیت المقدس که پولس رسول و عموی وی بارناباس را در سفرهای تبلیغی همراهی می‌کرد؛ ۲) انجیل مرقس دومین انجیل از اناجیل چهارگانهٔ کتاب مقدس

Maronites م. مسیحیان مارونی در شام و لبنان

maror ع.ی. گیاه تلخی که در عید فصح یهودیان به نشانهٔ تلخی زندگی یهودی‌ها در مصر چشیده می‌شود

Marriage نکاح، زناشویی

Mars ق. مارس. خدای جنگ در روم باستان که معادل آرس خدای یونان است

martyr عم. شهید. از ریشهٔ یونانی. «شاهد بودن»؛ زنان و مردانی که عقیدهٔ خود را با مرگ خویش شهادت می‌دهند

martyrdom عم. شهادت

ma'ruf الف. معروف. عمل خیر و مورد رضای خداوند در اسلام

Maruts ه. ماروتها. بنابر روایت ریگ‌ـ ودا کتاب مقدس دین هندویی «ارواح طوفان» که به نرمی باد و پیچیده در باران هستند

Mary الف. مریم (سوره نوزدهم قرآن)؛ م. مریم مقدس(س) مادر حضرت عیسی(ع)

masjid (mosque) الف. مسجد

Mass (= Eucharist, Holy Communion) م. عشای ربّانی

Massorah ع. ی. حواشی ماسورت‌ها (Massoretes) یا سلسله روات بر تورات

Massoretic text ع. متن عهد عتیق (تورات) با اعراب‌گذاری، جمله‌بندی و تقسیمات فعلی

Masya and Masyanag ز. مشی و مشیانه. در تعالیم زرتشتی آدم و حوّا که از تخم کیومرث هستند

Mata ه. ماتا. در هندوئیسم مردمی روستایی به معنای یک دِواتا (نیمچه خدا)ی مستقل و مؤنّث

Matarisvan ه. ماتاریسوان. به روایت ریگ‌ـ ودا، خدای باد در دین هندویی

materialism ماده گرایی

Matha ه. ماتا، ماتهه. مرکز تعلیم نظریات هندویی و یا صومعه راهبان ومرتاضان

Mathnawi مثنوی جلال‌الدین رومی

Mathura ه. ماترا. طبق روایات هندویی، محل تولد خدای کریشنا

Matins م. مجلس عبادت بامدادی (اول صبح روز یکشنبه) در کلیسای مسیحی

Mativa ه. ماتیوا. کاهن روستایی دین هندویی که از طریق آواز، جن‌گیری می‌کند و ارواح خبیثه را از بدن دفع می‌نماید

matrimony عم. زناشویی. یکی از هفت امر مقدس (واجب) در کلیسای کاتولیک

Matsya ه. ماتسیا. واژه سانسکریت به معنای «ماهی» که به اولین آواتار (تجسیم یا حلول) ویشنو اطلاق می‌شود

Matthew م. انجیل متی؛ نام یکی از حواریون حضرت عیسی(ع)

Matzah ع. مزّه. نان فطیر (ورنیامده) ای که یهودیان در عید فصح می‌خورند؛ نشانهٔ اینکه وقتی حضرت موسی(ع) به یهودیان مصر فرمان حرکت داد آنقدر عجله داشتند که فرصت پخت کامل نان را نداشتند

Matzu (Matsu) ژ. چ. ماتزو (ماتسو). نام ملکهٔ بهشت یا آسمان؛ الههٔ مردم سواحل جنوبی چین

Maulid الف. مولود پیامبر اکرم(ص) در اسلام

Ma'un (the Daily Necessaries) ماعون (سوره صد و هفتم قرآن)

Maunday Thursday م. در کلیسای کاتولیک آیین شستن پای بینوایان در روز پنجشنبهٔ قبل از عید پاک، شام واپسین، عشای ربّانی

mausoleum بقعه، آرامگاه، مقبره

Mawu اف. ماوو. خدای متعال قبایل ایو (Ewe) در توگولند و داهومی

Maya ه. مایا. خیال و رویا در دین هندویی؛ در مفهوم اولیه در ریگ ـ ودا و اوپانیشادها به عنوان قدرت خلاّقه خداوند

Mayin ه. مایین. اصطلاح هندویی به عنوان لقب خدا؛ ادارهٔ کنندهٔ مایا

Mazda, Ahura ز. اهورامزدا، اورمزد خدای دین زرتشتی

Mbari ق. امباری. خانه‌های تزیین شده‌ای که افراد قبیلهٔ اوبو در نیجریه برای آلا، الههٔ زمین، می‌سازند

Mecca الف. شهر معظّم مکّه در عربستان سعودی

Meccan الف. مکّی (سوره‌های مکّی در قرآن)

mediator عم. شفیع؛ در اسلام «مقام محمود» که در قرآن به آن اشاره شده راجع به مقام شامخ شفاعتگری رسول‌الله(ص) است؛ در تعالیم تورات، پیامبران و کاهنان نقش واسطه و آشتی بین انسان و خدا را بر عهده داشتند (نظیر خود حضرت موسی ع)، امّا در انجیل، حضرت عیسی(ع) این نقش را بازی می‌کند

Medina الف. مدینهٔ منوّره. مدینة النّبی [=یثرب]

Medinan الف. مدنی (سُوَر مدنی در قرآن)

meditation عم. تفکر و مراقبه عبادی و روحانی که در ادیان بسیاری نظیر بودایی، هندویی، و مسیحیت به چشم می‌خورد و هر کدام شیوه و روش جداگانه‌ای برای آن دارند؛ مراقبه، تأمل، خودانديشی، نوعی ریاضت صوفیانه

Megilloth ع. مگیلوت. پنج کتاب از عهد عتیق که به عنوان تذکرهٔ بزرگان قلمداد می‌شوند و در اعیاد عمده یهودی قرائت می‌شوند؛ این پنج کتاب عبارت‌اند از: کتاب روت، غزلهای سلیمان، جامعهٔ سلیمان، مراثی ارمیای نبی و کتاب استر

Meher Baba هـ. مهربابا. لقب ماروان شریار (متولد ۱۸۹۴ م). هندی که در سال ۱۹۱۳ م) مدعی شهود خداوند به جهت تأثیر اسلام گردید؛ وی خود را خدا و آواتار عصر خویش معرفی کرد و بسیاری از پارسیان هند پیرو او شدند

Mehizah ع. واژه عبری به معنای پردهٔ بین قسمت آقایان و بانوان در کنیسه‌های یهودی

Melan هـ. قربانی کردن یک بچه خوک برای یکی از بتهای هندویی در دهات هند به منظور حل مسائل و مشکلات ده

Melancthon, Phillip م. فیلیپ ملانختون (۱۵۶۰- ۱۴۹۷). مصلح فرقهٔ پروتستان و از پیروان سرسخت مارتین لوتر

Men, The (Nās) ناس (سورهٔ صد و چهاردهم قرآن)

Mencius چ ک. منسیوس (۳۷۰ تا ۲۸۸ ق.م.) فرم لاتین نام Meng-Tse آموزگار چینی و شاگرد کنفوسیوس که کتابی در شرح این دین نوشته است

mendicant عم. فقیر، درویش گدا

Mendicants م. (کلیسای مسیحی) عضو فرقهٔ راهبان سائل؛ ابتدا فقط فرانسیسکن‌ها و دومینیکن‌ها را شامل می‌شد، امّا بعدها اعضای کارملیت‌ها و سرویت‌ها را نیز در برگرفت

Mennonites م. منونیت‌ها. فرقه‌ای از مسیحیان پروتستان مخالف تعمید که توسط منو سیمونز در قرن شانزدهم تأسیس شد و طرفدار متن کتاب مقدس، سادگی لباس و کناره گیری از سیاست بود

menog ز. در تعالیم زرتشتی جنبهٔ نادیدنی و غیر ظاهر وجود

menorah ع.واژه عبری به معنای شمعدان هفت شاخهٔ کلیسا یا کنیسه

Mephistopheles ق. خدمتکار اهریمن؛ دیوی که در افسانه‌های آلمانی ذکر شده

Merciful, the الف. رحیم (اسم الهی)

Mercury ق. عطارد. رب النوع سخنوری و بازرگانی و دزدی و رهبری کننده مردم به عالم اموات در مذهب روم قدیم

mercy عم. رحمت

merit عم. شایستگی و استحقاق بخشش و لطف در پیشگاه خدا که در مذاهب اسلام و

مسیحی بیشتر با فیض الهی و در مذاهبی نظیر بودایی با عمل خیر و زیارت اماکن مقدس بودایی حاصل می‌شود

Merlin م. مرلین. جادوگر و پیامبر افسانه‌ای ویلز (wales)انگلستان که به مقام مشاور شاه آرتور رسید

messenger رسول

Messiah م. مسیح، مسیحا. لقب حضرت عیسی بن مریم(ع)؛ معنای لغوی «تقدیس یا تدهین شده»؛ ناجی موعود بنی‌اسرائیل و جهان

Messianic م. مسیحایی

metaphysics عم. حکمت الهی؛ مابعدالطبیعه، گاهی به معنای الهیات

metempsychosis هـ. تناسخ ارواح؛ انتقال روح از بدن یک فرد مرده به بدن جاندار دیگری

Methodist م.کلیسای متدیست. فرقه‌ای از پروتستانهای مسیحی که ابتدا توسط جان وسلی در اکسفورد انگلستان به وجود آمد و این نام را به خاطر روش واسلوب صحیح مطالعه و عبادت روی خود گذاشتند

Methuselah ع. متوشالح. نسل هشتم حضرت آدم که به روایت تورات (سفر آفرینش، باب پنجم) نهصد و شصت و نه سال زندگی کرده و طولانی‌ترین عمر را داشته است

Metropolitan م. لقب اسقفهای بزرگ که ریاست منطقهٔ وسیعی را برعهده دارند؛ معمولاً به اسقف اعظم یک کشور گفته می‌شود

Metta ب. متا. واژه پالی محبت یا خیرخواهی دردین بودایی

Mevlevis ع. درویشان مولوی

Mevleviyyah دراویش مولوی

Mezuzah ع. طوماری از بعضی آیات تورات که قوم یهود قاب کرده و بر سر در منازل خود می‌آویزند

Micadoism ش. میکادو (امپراطور) پرستی که اوج تفکر اعتقادی شینتو است

Micah ع. میکاه نبی(ع) که پیام وی در تورات ثبت شده است

Miccha ب. میشا. دروغ و نادرستی در دین بودایی

Michael عم. میکاییل از فرشتگان اعظم الهی (در قرآن: میکال)

Michi ش. میچی. راه یا مقررات اخلاقی در دین شینتویی

Middle Path (way) ب. راه یا طریقت میانه. راه بین مادیگرایی و زهدگرایی افراطی

Midrash ع. تفسیر کتب مقدس یهود در طی ۱۵۰۰ سال دوران پس از مهاجرت یهود از مصر؛ تفسیر عهدین به منظور استخراج مفاهیم حقوقی و اخلاقی از آنها

Midsummer Eve م. جشن مسیحیان در نیمهٔ تابستان به یادبود یحیی تعمید دهنده

mightiness عزّت

Mighty, the قادر، عزیز (اسم‌الهی)

mihrab الف. محراب مسجد مسلمانان

Mikado ژ.ش. میکادو. لقب امپراطور ژاپن که او را از نسل الههٔ خورشید در آسمان می‌دانند

Miki Nakayama ژ. ش. میکی ناکایاما بنیانگذار فرقه جدید تِن ریکیو در ژاپن

mikveh ع. میکوه. استحمام تشریفاتی یهودیان به منظور طهارت روحی

Millenarianism م. اعتقاد به دورهٔ هزار

ساله سلطنت حضرت مسیح(ع)، منجی‌گرایی

Mimamsa ه. می‌مامسه. یکی از شش مکتب ارتودوکس فلسفهٔ هندویی

Mina الف. منیٰ. از اماکن مهم زیارت حجّ مسلمین

minaret الف. مناره (در مساجد اسلامی)

minbar الف. منبر (در مساجداسلامی) برای ایراد خطبه و موعظه

Minerva ق. در روم قدیم الههٔ صنایع دستی و هنری که بعداً جزو خدایان سه‌گانهٔ رومی در آمد

Ming ک. تقدیر در دین کنفوسیوسی؛ از اسامی قدرت متعالی جهان در این دین

Minhaj ع. منهاج. آداب و سلوک اجتماعات محلی یهودیان که کم کم در قوانین دین یهود نقش پیدا کرده‌اند؛ اختلافات یهودیان اشکنازی و شفاردی نیز از همین جا ناشی می‌شود

Minhah ع. نماز بعداز ظهر یهودیان که یکی از نمازهای سه‌گانهٔ یومیّه آنها است

ministry م. خدمت روحانی، کشیشی

Minor Occultation of Imam Mahdi الف. غیبت صغرایِ حضرت مهدی(ع)

minor orders م. مراتب پایینتر کلیسای کاتولیک؛ زیر سطح اسقف و کشیش و دستیار کشیش

minor prophets ع. پیامبران کوچکتر، در تورات به کتب انبیای دوازده‌گانه غیر سه پیامبر بزرگتر (اشعیاء، ارمیاء، و حزقیال نبی) گفته می‌شود

minyan ع. ی. در مذهب یهوداکثریت لازم برای تشکیل کنیسه و عبادت که نباید کمتر از ده نفر فرد ذکور بالای ۱۳ سال باشد

miracle عم. معجزهٔ انبیای الهی، کرامت

Mi'raj الف. عر. معراج پیامبر اکرم(ص) در اسلام

Mire ق. (یونان قدیم) جهنم یا منجلابی که مردم بدکار پس از مرگ در آن فرو می‌روند

Miserere ع. عنوان مزمور پنجاهم داود (مشتق از اولین واژهٔ ترجمهٔ لاتینی آن) که در موقع توبه و انابه خوانده می‌شود

misericord م. مقرری راهبان صومعه‌ها؛ سالن کوچک غذاخوری راهبان مریض و زخمی

misguidance اضلال

Mishnah ع. میشنا. قدیمی‌ترین مجموعهٔ سنن و روایات شفاهی دین یهودی؛ نظریهٔ علما و فقهای یهودی؛ مجموعهٔ عقاید و آرای متشرعین یهودی (ربّون)؛ اساس تلموذ

Mishneh Torah ع. تورات میشنه. کارعظیم ابن میمون (۱۲۰۴ - ۱۱۳۵ م) که بررسی کامل قوانین و حقوق شریعت یهودی است (شبیه مکاسب یا جواهر شیعیان)

Missal م. کتاب نماز و دعای مسیحیان کاتولیک؛ کتاب ادعیهٔ آیین عشای ربّانی

missionary عم. داعی (الی الله)، تبشیری

missionary activity م. فعالیتهای تبلیغی میسیونهای مذهبی

Mithraism ق. آیین مهر یا میتراپرستی؛ پرستش روشنایی یا خورشید در بین پارسیان قدیم

Mitra ه. میترا. خدایی که در وداهای هندویی به همراه وارونا ذکر شده است؛ ظاهراً میترا ایزد روز و وارونا ایزد شب بوده است؛ ایزد خورشید زرتشتیان

mitre م. تاج اسقفی

Mitzvah ع. حکم کتاب مقدس یا خاخام یهودی در مذهب یهود

Mixcoatl ق. خدای ستارهٔ قطبی در مکزیک باستان

Moabite ق. مردمان سامی قدیم از قبیلهٔ مواب (نوادهٔ لوط) که نزدیک بحرالمیّت زندگی می‌کردند؛ محل مرگ حضرت موسی(ع) را در این سرزمین (مواب) دانسته‌اند

moderator م. رئیس انجمن روحانیون درپاره‌ای از کلیساهای مسیحی

modesty تواضع

Mogai اف. موگای. خدای خالق زمین و آسمانها نزد قبیلهٔ گی‌کویو در افریقا

Moha س. ب. موها. در تعالیم سیک به معنای عشق به دنیا که یکی از پنج ضعف اساسی روح بشر است؛ در تعالیم بودایی به معنای کند ذهنی که یکی از سه شعله‌ای است که قبل از حصول به ایزد دانا باید خاموش شود

Mohammedan (ism) الف. محمّدی؛ آیین محمد(ص)؛ نامی که بعضی از غربی‌ها و شرقشناسان به اسلام داده‌اند

Moharram/Muharram الف. ماه محرّم اولین ماه سال هجری قمری یا سال اسلامی

Mohel ع. در مذهب یهود به عنوان کسی که از طرف خاخام مجاز به انجام عمل ختنه است

Moh Ti ک. موه‌تی. از علمای اخلاق دین کنفوسیوسی

Moirae ق. در مذهب یونان باستان به معنای سرنوشت انسان؛ الههٔ قسمت و سرنوشت

Moksha ه. موکشا. رهایی و رستگاری در ادیان هندویی و جاینی؛ آزادی نهایی

Moloch ق. ملوخ/ مولوخ. نام بت کنعانیان که مردم بچه‌های خود را برایش قربانی می‌کردند

Mo'min (The Beliver) مؤمن (سوره چهلم قرآن)

Mo'minun (The Believers) مؤمنون (سوره بیست و سوم قرآن)

monastery عم. صومعه، خانقاه، دیر، راهب خانه

monasticism الف. رهبانیّت، ریاضت؛ زندگی مبتنی بر زهد و ریاضت

monastic rules قواعد و مقررات رهبانیگری

Mondo ژ.ب. موندو. سؤال و جواب سریع در مکتب بودایی ذن برای مغلوب کردن عقل آدمی

monism عم. مونیسم. از ریشهٔ یونانی «یک»؛ وحدت وجود، وحدت، یک‌گرایی

monk ه. ب. راهب، تارک دنیا، صومعه نشین

Monkey Doctrine ه. نظریهٔ میمون در دین هندویی

monolatry عم. پرستش خدای یگانه، یکتا پرستی؛ محدود شدن به پرستش یک خدا در حالی که وجود خدایان دیگر نیز مورد قبول است

monophysite م. کسی که عقیده دارد مسیح تنها دارای یک ذات است و بس

monotheism عم. توحید، یکتا پرستی

monotheist عم. موّحد، یکتاپرست

monothelite م. پیروان این عقیده که عیسی(ع) فقط دارای جنبهٔ بشری است

monstrance م. ظرف طلا یا نقره

مخصوص نان عشای ربانی

Montanism م. آیین فرقهٔ رافضی مسیحی پیروان مونتانوس که مدعی بود روح القدس در وجود وی ساکن است

Monte Cassino م. مونت کازینو. صومعهٔ اصلی فرقهٔ بندیکتن‌ها در ایتالیا که در سال ۵۲۹ توسط سن بندیکت بنا گردیده است

Moon, the (Qamar) قمر (سوره پنجاه و چهارم قرآن)

Moon-God ش. الههٔ ماه در دین شینتویی

Moon Sect (see Unified Church) م. فرقهٔ مون (ماه). نگاه کنید به «کلیسای متّحد»

moon worship ک. ماه‌پرستی یا پرستش ماه در دین کنفوسیوسی

Moral Rearmament (see Oxford Group) م. تسلیح اخلاقی (نگاه کنید به گروه آکسفورد)

Moravian Brethren م. فرقهٔ برادران موراوی که در سال ۱۷۲۲ م. از امتزاج دو فرقهٔ برادری دیگر تحت رهبری کنت زین زندورف (zinzendorff) به وجود آمد

Mormon, Book of م. کتاب مورمون فرقه‌ای در مسیحیت به همین نام که در امریکا توسط ژوزف اسمیت بنا گذاشته شد و مدعی است که فرشته‌ای از جانب خدا این کتاب را به وی وحی نموده است

Mormons (see Church of Jesus Christ of the Latter Day Saints) م. مورمون‌ها. نگاه کنید به عنوان داده شده

mortification عم. ریاضت، نفس‌کشی

Moses ع. حضرت موسی کلیم(ع) ناجی قوم یهود و بنی‌اسراییل و بنیانگذار دین یهودی

Moslem (Muslim) الف. مسلمان، مُسلِم

mosque (masjid) الف. مسجد

Most Bountiful Spirit [= Spenishta Mainyu] ز. بزرگترین روح بخشنده، از فرشتگان خیر و نیز از القاب اهورامزدا در دین زرتشتی

Most Cunning, the الف. خیرالماکرین (صفت الهی)

Most High, The ('Alā) علیٰ (سوره هشتاد و هفتم قرآن)

Most Holy, the عم. قدوس (اسم الهی)

Mother Earth ق. مادر ـ زمین. زمین مادر که از اعتقادات اکثر ادیان قدیمی بوده است

Mother Goddess ق. الههٔ مادر. مظهر محبت و خشم که در اقوام قدیم بابل، کنعان، هندو به نامهای گوناگون ایشتار، ونوس، کالی، شیوا و غیره آمده است

Mothering Sunday م. چهارمین یکشنبهٔ دورهٔ چهل‌روزهٔ توبه و پرهیز مسیحیان که به روز مادر معروف است

Motoori ژ. ش. موتوری. بزرگترین متکلم دین شینتویی

Mountain, The (Tur) طور (سوره پنجاه و دوم قرآن)

Mount Horeb ع. کوه سینا، مهبط وحی موسی(ع)

Mudda(p)/Mudra(s) هـ. ب. مودا/ مودرا. ژست خاص و سمبولیک انگشتهای دست در آداب دینی هندویی و بودایی

Muddassir (The Clothed One) مدثّر (سوره هفتاد و چهارم قرآن)

Mudita ب. اصطلاح بودایی درمورد سومین

برهماویهاراها؛ آرمان مشارکت شادی بامردم

muezzin الف. مُؤَذِّن اسلامی

mufti الف. مفتی

Muhajirun الف. مهاجرین در صدر اسلام

Muhammad الف. حضرت محمد(ص) پیامبر اسلام؛ نام سوره چهل و هفتم قرآن

Muhammad Iqbal الف. محمد اقبال لاهـوری (۱۸۷۳ ـ ۱۹۳۸) احـیاگـرانـدیشهٔ اسلامی و شاعر بلند آوازهٔ پاکستان

Muharram الف. محرّم

muhtasib الف. محتسب

Mujādilah (The Pleading One) مجادله (سوره پنجاه و هشتم قرآن)

mu'jizah الف. معجزه

mujtahid الف. مجتهد

Mulk (The Kingdom) مُلک (سوره شصت و هفتم قرآن)

multiplicity الف. کثرت (در عرفان)

Muktab ز. ده روز آخر سال پارسی، زمانی که فروشیِ درگذشتگان به یاد آورده می‌شوند

mukti هـ. موکتی. معادل موکشا؛ رهایی از گردونهٔ تولد و تجدید تولد در تفکر هندویی

mullah الف. ملاّ در بین مسلمین؛ آدم درس خوانده و عالم

Mulunga ق. اف. مولونگا. نام خالق یا خدای متعال در بین بسیاری از قبایل مرکزی و شرقی افریقا

mummy عم. مومیای؛ احتمالاً از ریشهٔ شده «موم»

Mumtahanah (The Examined One) ممتحنه (سوره شصتم قرآن)

Munafiqun الف. منافقون در اسلام؛ نام سوره شصت و سوم قرآن

Mundaka هـ. موندا کا. از متون مقدس اوپانیشادها

mundan هـ. ماندان. در هندوئیسم روستایی مراسم مذهبی کوتاه کردن موی کودک

munkar الف.عر. منکر در اسلام

Muratorian Canon م. قدیمی‌ترین فهرست شناخته‌شده کتبی که به عنوان قانون عهد جدید پذیرفته شده‌اند

murid الف. مرید در تصوّف

Murjites مرجّئه در اسلام

Mursalāt (The Emissaries) مرسلات (سوره هفتاد و هفتم قرآن)

muruwwah الف.عر. مروّت در اسلام

Musā (Moses) حضرت موسی(ع)

Muses ق. در اساطیر، نُه نفر اِلهه‌های شعر و هنرهای زیبا

Musical Gospel Outreach م. سازمانی که از دل «انقلاب عیسی» بـه وجـود آمده و در سال ۱۹۶۶ در امریکا تأسیس یافته و سعی در تبلیغ مسیحیت در قالب آواز و موسیقی دارد

Muslim الف. مسلمان، مُسلِم

Muslim Law الف. شرع اسلام، شریعت اسلامی، توسعاً به معنی فقه اسلامی

Muslim League الف. انجمن مسلمانان که در سال ۱۹۰۶ در داکا بنیان گذاشته شد و هدف از آن ارتقای وضع مسلمانان هند بود

Musta'lians مستعلیان، از فرق اسماعیلیّه

Mutaffefin (The Defrauders) مطففّین (سوره هشتاد و سوم قرآن)

Mu'tazilah الف. عر. معتزله (در اسلام)

Muzzammil(The Wrapped one) مزمّل (سوره هفتاد و سوم قرآن)

mysteries ق. آیینهای مذهبی قدیم که سر به مهر و پوشیده بوده‌اند
mysterious عف. پوشیده و اسرار آمیز
Mystery of Lordliness عف سِرالرّبوبیه
mystic عم. صوفی، عارف
mystical عارفانه، صوفیانه
mystical hints عف. اشارات
mystical leader عف. پیر طریقت
mystical states عف. احوال عرفا و متصوّفه
mysticism عم. عرفان، تصوّف، باطنیگری
myth ق. اساطیر خدایان و مذاهب قدیم

N

Naba' الف. نباء (سوره هفتاد و هشتم قرآن)
nabi ع. الف. نبی
nadar (s) هـ. س. نَدر. لطف و نگاه خداوندی به بندگان (نظر)
Naga ب. ناگا. چهره‌های اساطیری که برای حفاظت از بودا و بوداییان خود را به صورت بشر در می‌آورند
Nagarjuna ب. نگارجونا. آموزگار بودایی که مکتب فلسفی مادیا میکارا در قرن دوم پایه گذاشت
Nagi اف. لفظ خدا نزد افراد قبیله گی‌کویو در افریقا
Nahl (the Bee) نحل (سوره شانزدهم قرآن)
Nahum ع. ناحوم نبی(ع) از پیامبران عبرانی که پیام وی در یکی از کتب تورات مضبوط است
Naiko ش. معبد مشهور نایکو (معبد درونی) که در شهر کیوتوی ژاپن در سال چهارم قبل از میلاد بنا گردیده و به الههٔ خورشید تقدیم شده است
Najar / Nazar هـ. نظر. اصطلاح هندویی به معنی چشم بد یا چشم زخم زدن
Najm (The Star) نجم (سوره پنجاه و سوم قرآن)
Naladiyar ج. نالادیار. مجموعهٔ رباعیّات مشهور در مناطق جنوبی هند متعلق به دین جاینی
Nam س. نام. در دین سیک، نام خداوند
Nam Japan س. نام جاپان. تأمل و مراقبه یا تکرار «نامِ» [خداوند] به عنوان راه کسب معرفت الهیِ در دین سیک
Nam Simaran س. نام شماران. تفکر و مراقبه و ذکر «نام» [خدا] به‌منظور کسب معرفت الهی
Nama ق. نامه. واژهٔ ایرانی مصطلح در دین میترایی (مهرپرستی) به معنای کرنش و تعظیم؛ در زبان سانسکریت به معنی نام
Namakarana هـ. ناماکرانا. تشریفات نامگذاری در دین هندویی
Naml (The Ant) نمل (سوره بیست و هفتم قرآن)
Nanak, Guru س. گورونانک. اولین گوروی سیکها (۱۵۳۹ - ۱۴۶۹ م) و بنیانگذار این دین
Nandi هـ. نآندی. گاونری که به شیوا خدای هندویی تقدیم شده و محافظ شخصی او

است

Naojot ز. مراسم ورود دختران و پسران ۸ تا ۱۳ ساله به دین زرتشتی

Naphtali ع. نفتالی. پسر ششم حضرت یعقوب نبی(ع) پیامبر بنی اسرائیل

naql الف.عر. نقل حدیث یا روایت در اسلام

Nara Simha ق. هـ. در اساطیر هندویی انسان ـ شیر؛ از آواتارهای ویشنو

Naraka هـ. نـاراکـا. در اساطیر هندویی بمعنی جهنّم، برزخ، یا محل بدکاران

narration عم. نقل کلام یا روایت معصومین

Narrative, The (Qasas) قصص (سوره بیست و هشتم قرآن)

narrative الف. روایت، خبر

Nās (The Men) ناس (سوره صد و چهاردهم قرآن)

Nasr (The Help) نصر (سوره صد و دهم قرآن)

Nastika هـ. مکاتب غیرارتودوکس فلسفی هند که جنبهٔ وحی بودن وداها را نمی‌پذیرند؛ در دین جاینی ناستیکا به معنای کافریا مرتد

Nat ق. نات. ارواح طبیعت در سریلانکا که هنوز نیز در معابد روستایی پرستش می‌شوند

Nataraja هـ. ناتاراجا. لقب شیوا خدای هندویی و به معنی «خدای رقص»

Nathan ع. ناتان نبی(ع) از پیامبران عبرانی (کتاب دوم سموئیل، باب دوازدهم)

nature-worship ق.ک. پرستش طبیعت در ادیان قدیمه و نیز در دین کنفوسیوسی

Nau Rat هـ. نائورات. پنج دورهٔ روزه هر کدام به مدت نه روز که اُجا(Ojha) یا کاهن روستایی هندویی در دورهٔ آموزش خود می‌گیرد

nave م. قسمت وسیع سالن کلیسا

Nayanas هـ. نایاناها. شصت و سه نفر از آموزگاران یا پرستندگان شیوایی در جنوب هند که سرودهای بسیاری را در خلال قرون هفتم تا دهم میلادی ساخته‌اند

Nazareth م. ناصره. دهکده‌ای در جلیله که عیسی(ع) دوران کودکی و جوانی خود را در آنجا گذارنید

Nazarenes نصاریٰ [= مسیحیان]

Nāzi'āt (Those Who Pull Out) نازعات (سوره هفتاد و نهم قرآن)

Nazirites ع. عضو فرقه‌ای از زهاد و مرتاضان قدیم یهود که از خوردن شراب و چیدن موی سر خودداری می‌کردند؛ این نام احتمالاً از واژهٔ عبری به معنای «جداشدن» مشتق شده است

Nebi'im ع. نبی ایم. گروهی از یهودیان غیبگو و مجذوب که در دوران پیامبران یهودی سموییل و حضرت داود(ع) به وجود آمدند

Nebo ق.نبو. از خدایان باستانی بابل، پسر مردوک

Nebuchadrezzar ع. بخت النصر. از بزرگترین پادشاهان بابل که قوم یهود را به اسارت در آورد

necromancy ق. غیبگویی از راه مراوده با عالم ارواح

nectar ق. (یونان قدیم) شراب گوارای خدایان یونان، شربت شهد

Negus نجاشی (فرمانروای حبشه در زمان حضرت محمد (ص))

Nehemiah ع. نحمیای نبی(ع) از پیامبران عبرانی که کتابی در تورات به نام وی ثبت گردیده

neophyte م. واژه یونانی به معنای جدید الایمان و یاکسی که تازه ایمان آورده

Neo-platonism نو افلاطونیگری

Nephesh ع. واژه عبری که متجاوز از هفتصد بار در تورات آمده و به معنی روح می‌باشد

Nephthys ق. نفتیس. الههٔ باستانی مصر، دختر گِب و نوت؛ وی ارواح مردگان را تا محضر اسیریس همراهی می‌کرد

Neptune ق. نپتون. الههٔ اقیانوس یا دریا در روم باستان

Ner Tamid ع. نورابدی. چراغی که در کنیسه‌های یهودی به صورت یک لامپ سقفی همیشه روشن است

Nergal ق. خدای طاعون و جهان زیرین در بابل قدیم که حاکم کشور مردگان بود

Nero ق.نرون. امپراطور خونخوار روم که در حق مسیحیان ظلم و شکنجه فراوان اعمال نمود

Nestorians م. نسطوریان یا مسیحان آشوری؛ پیروان نسطوریوس در قرن پنجم که کلیسای رافضی وی را مرتد و محکوم اعلام نمود؛ امروزه در ایران و عراق وامریکا وجود دارند

New Dispensation حرکت اصلاحی کِشِب چوندرسن از مصلحین دین هندویی در قرن نوزدهم که به تقلید از اعتقاد معافیت (Dispension) در مذاهب یهود و مسیحیت پایه گذاری شده است.

New Testament م. عهد جدید. اناجیل چهارگانه در کتاب مقدس به همراه کتاب اعمال رسولان، رساله‌های پولس رسول و مکاشفه یوحنا؛ بخش مسیحی کتاب مقدس یا عهدین

next of kin الف. ولی دمّ در اسلام

Ngewo ق. نگوو. خدای متعال قبیلهٔ مِند در سیرالئون

Nhialic ق. اف. خدای متعال قبیلهٔ دنیکا در افریقا

Nibbana (see Nirvana) هـ. نیروانا

Nibbuta ب. اصطلاح بودایی به معنای انسان ایده‌آل، کسی که آتش حسد و حرص و آز در او خاموش شده

Nicaea, Council of م. شورای نیقیه. اولین شورای جهانی کلیسا که به دستور امپراطور کنستانتین در سال ۳۲۵ میلادی متشکل از ۳۱۸ اسقف در شهر قدیمی «نیق» تشکیل و اعتقادنامه‌ای را به تصویب رسانید

niche عم. محراب

Niche of Lights عر. مشکوة الانوار

Nichiren ژ.ب. نی‌چی‌رن (۱۲۸۲ ـ ۱۲۲۲) راهب بودایی ژاپن و بنیانگذار فرقه‌ای به همین نام که اعلام نمود فقط لوتوس سوتره را باید پرستید و فرقه‌های ذن، وینایا، و سرزمین پاک را محکوم نمود

Nicholas, St. م. سن نیکلاس. از قدیسین بنام مسیحی. قدیس روسیه، ملاحّان و کودکان در بعضی ازکشورها روز ۶ دسامبر را به نام او جشن می‌گیرند و هدایایی به بچه‌ها می‌دهند

Nidana ب. دوازده نیداناکه به صورت پرّه‌ها یا میله‌های چرخ زندگی (صیرورت وشدن) در تفکر بودایی هستند

nifaq الف. نفاق در اسلام

Nigh, the قریب (اسم الهی)

Night, The لیل (سوره نود و دوم قرآن)

Night Journey اسراء (سورهٔ هفدهم قرآن)

Night of Awakening ب. شب بیداری و بصیرت؛ شبی که بودیستوه‌ای که به نام سیدارتا گواتمه متولد شده بود به بیداری و بصیرت کامل دست یافته بوداشد

Night of Power, Night of Might الف. لیلة القدر در اسلام

Night Star, The طارق (سورهٔ هشتاد و ششم قرآن)

Nihi-name ش. نیهی نامه. جشن چشیدن طعم اولین محصول برنج تازه در دین شینتویی

Nihon - gi ژ. ش. نیهون جی. از متون مقدس دین شینتویی

Nihon Shoki ژ. ش. نیهون شوکی. متن قدیمی دین شینتو؛ «وقایع مکتوب تاریخ ژاپن» که بعد از کوجی‌کی معتبرترین متن مقدس دین شینتویی است

Nikaya ب.نیکایا. اصطلاح بودایی به معنای مجموعه‌ای ازکتب وخطابات دینی

nimmana(p)/nirmana(s) ب. نیمانا/نیرمانا. واژهٔ بودایی به معنای مسخ و دگرگون شدن

Ninigi ژ. نی‌نی‌جی. نوهٔ پسری الههٔ خورشید در اساطیر ژاپنی که برای آرام کردن زمین اعزام گردید

Ninth Ab ع. روزهٔ یهودیان دراواخرتابستان به یادبود تخریب اولین و دومین معابد یهود

Nirgunam Brahman ه. اصطلاح دین هندویی در مورد برهمن بدون هیچگونه اوصاف

Nirimale Sadhu س. نی ریمال سدو. از فرقه‌های دین سیک و به معنای افراد مجرّد پیرو راه تقدس بی عیب

Nirmana(s):(see Nimmana) ب نیرمانا = نیمانا

Nirmana kaya ب. نیرماناکایا. یکی از سه بدن بودا؛ وجود زمینی یا ظاهری بودا

Nirodha ب. نیرودا. اصطلاح بودایی در مورد خاموش کردن شعلهٔ آرزوها در وجود آدمی

Nirvana(s)/Nibbana(p) ه. ب. نیروانا. بیرون کردن گناه و خیالات از خود؛ در مکتب هندویی به معنی کشتن نفس یا خودکه موجب موکشا یا رستگاری می‌شود

Nisa'(The Women) نساء(سوره چهارم قرآن)

Nisan (Nissan) ع. ماه نیسان. نخستین ماه تقویم مذهبی و هفتمین ماه تقویم ملّی یهود

Nitya(s) ه. نی‌تیا. اصطلاح هندویی به معنی «درونی» یا «ابدی»

Niyama ب. اصطلاح مستعمل در یوگا برای مراعات قوانین تأدیب نفس نظیر آرامش، مطالعه و عبادت

niyyah الف. عر. نیّت در اسلام

Noah(Nuh) ع. حضرت نوح نبی(ع) از پیامبران بزرگ عبری و اسلامی؛ (نیز نام سورهٔ هفتاد و یکم قرآن)

Noble Eightfold Path ب. راه هشتگانهٔ اصیل و برجستهٔ حیات در دین بودایی

Noctural Ascension الف. معراج پیامبراکرم(ص)

nocturn عم. نماز و دعای شب و سحر

Nomad الف. اعراب بدوی و بادیه نشین

nomocracy نظام یا حکومت مبتنی بر اساس شرع؛ نگرش شریعتمدارانه

non-biblical ع. غیروابسته به تورات و انجیل؛ غیر یهودی و مسیحی

non-conformist م. کسی که باکلیسای رسمی انگلیس موافق نیست

non-duality ه. عدم ثنویت؛ نظریهٔ هندویی ادویتا(advaita) که برهمن یا الوهیت متعالی را با اتمان، یا روح انسانی، ذاتاً همانند می‌داند

None م. نماز ساعت نهم کلیسا که در ساعت سه بعد از ظهر انجام می‌شود

non-violence ب. اصل عدم خشونت یا آهیمسا در دین بودایی

Norito = Nori-to (j) ز. نوریتو. دعا و پرستش خدایان شینتویی از طریق زمزمهٔ کلمات و اوراد مقدس

Norns ق. سه الههٔ سرنوشت در افسانه‌های اسکاندیناوی که سه خواهر بودند و باهم سرنوشت گذشته، حال و آینده انسان راتعیین می‌کردند

Northern School ب. مکتب شمالی یا ماهایانا در دین بودایی

nothing ع. عدم، لاشیئی

Novation م. بدعتهای نوینی که یکی از زهبران کلیسای روم به نام نواتیانوس در قرن سوم وارد مسیحیت نمود و مقررات سختی را وضع نمود مسیحیانی راکه یک بار سرد و روگردان شده بودند دیگر هرگز به کلیسا نمی‌پذیرفت

Novena م. نماز و عبادات نه روزهٔ کلیسای کاتولیک

novice عم. نوآموز یاکارآموز مسائل دینی؛ کسی که تازه دینی را برگزیده است؛ سالک

Nueer (Nuer) ق. مفهوم گناه در قبیلهٔ نیور در افریقا

Nuer ق. اف. قبایل نیور (نور) در امتداد نیل در نواحی جنوب سودان در افریقا

Nuh (Noah) حضرت نوح نبی(ع)؛ نیز نام سوره هفتاد و یکم قرآن

Numbers, Book of ع. سِفرِ اعداد در تورات یا عهد عتیق

Numen ع. الوهیت، وجود مجرد

nun عم. راهبه، زن تارک دنیا و صومعه نشین

Nunc Dimittis م. عبارتی که شمعون پیر هنگام دیدن عیسی(ع) گفته و به معنی «مرا رخصت می‌دهی ای خداوند» می‌باشد

Nuncio م. سفیر دیپلماتیک (سیاسی) پاپ

Nupe ق. اف. نوپ. افراد نواحی مرکزی نیجریه که سوکو ـ خدای آسمان را می‌پرستند

Nur (The Light) نور(سوره بیست و چهارم قرآن)

Nut ق. در مصر قدیم خدای آسمان و همسر گب خدای زمین

Nyana ه. نیانا. یکی از شش مکتب ارتودکس فلسفهٔ هندویی

Nymph ق. در اساطیر روم و یونان موجودی نیمه‌انسانی ـ نیمه الهی که در دریاها، رودخانه‌ها، کوهها وجنگلها می‌زیسته است؛ حوری دریایی

Nzambi ق. اف. نزامبی. خدای متعالی قبایل باکونگو و ندمبو در زامبیا؛ وی خالق همه چیز و مدّبر زندگی انسانها بوده از افراد درست کردار حمایت و بدکاران را تنبیه می‌کند

O

oath عم. سوگند، یمین
Obadiah ع. عبدیاء نبی(ع) که در کتاب پیامبران تورات کتابی به نام وی وجود دارد
Obaku ب. اوباکو. کوچکترین سه فرقهٔ منشعب از مکتب بودایی ذن در ژاپن
Obatala ق. اف. اُباتالا. از خدایان کوچک (ارواح مقدسه) قبیلهٔ افریقایی یوروبا و مسئول خلق جهان و اولین افراد بشر
Obi ق. اف. اُبی. خدای مار در بین قبایل افریقای غربی که بردگان سیاهپوست پرستش آن را به غرب آوردند
oblate م. تقدیم هدیه به کلیسا و امور خیریه؛ اهدای نان و شراب به شرکت کنندگان عشای ربانی
oblation عم. م. خیرات، نذر، تقدیم نان و شراب در عشای ربّانی
obligation to pay الف. دِیْن
obligatory الف. واجب در اسلام
obon ژ. اوبون. جشن بودایی در ژاپن در ماه ژوئیه که در آن برای هدایت ارواح نیاکان که به دیدن خانواده می‌آیند فانوسهایی را روشن می‌کنند
observance انجام آداب مذهبی
occultation الف. غیبت حضرت مهدی (ص) امام دوازدهم شیعیان
Octave م. روز هشتم بعد از جشن یا عید کلیسایی؛ جشن هشت روزه که از روز عید آغاز می‌شود
Odin ق. اودین. خدای اصلی اقوام قدیم توتونیک واسکاندیناوی
Odd, the فرد (اسم الهی)
Odomankomo ق. اودومن کومو. نام خدای خالق در مذهب مردم آشانتی
Offertory م. آن قسمت از مراسم عشای ربّانی مسیحیان که در آن نان و شراب قبل از تقدیم به جماعت تقدیس می‌گردد
Office, Divine م. در کلیسای غربی (کاتولیک) به نمازها و ادعیهٔ واجب کشیش و کادر روحانی گفته می‌شود
Opening, The فاتحة الکتاب (اولین سوره قرآن)
Oqun ق. اف. اُکون. خدای شکار و آهن در بین قبیله یوروبا در افریقا
Oho-harahi ش. اوهو ـ هاراهی. آیین تطهیر بزرگ در دین شینتویی
Oho-nihe ش. اوهو - نیهه. به معنای چشیدن بزرگ؛ جشن محصول جدید برنج در دین شینتویی که توسط امپراطور هدایت می‌شود

Ohrmazd ز. اورمزد یا اهورا مزدا؛ خدای متعال در دین زرتشتی
Ojha اُجا. کاهن هندویی در روستاهای هند که متخصص کارهای جادوگری وجن‌گیری است
Old Catholics م. کاتولیکهای قدیمی؛ گروهی از کلیساهای ملّی که ازکلیسای روم جدا شده‌اند
Old Testament ع. عهد عتیق، تورات، بخش نخست کتاب مقدس که بین یهودیان و مسیحیان مشترک است
Olodumare ق. اف. اولودومار. خدای متعالی قبیلهٔ یوروبا در افریقا که اولورون هم نامیده می‌شود
Olokun ق. اف. اولوکون. از خدایان قبیلهٔ یوروبا مربوط به امر آبها و دریا
Olorun ق. اف. اولورون = اولو دومار
Om هـ. اووم. مقدسترین واژهٔ هندویی که از سه حرف A, U, M مرکب شده که نمایندهٔ سه ودای کهن و یا سه خدای ویشنو، شیوا و براهماست
Om Mane Padme Hum هـ. مانترا یا عبارت مقدس مورد استفادهٔ بوداییان تبت که به معنی «اُم، جواهر درون لوتوس» است که جواهر به نظریهٔ بودایی و لوتوس به متون مقدس این دین بر می‌گردد
Omar (Umar) الف. عمر. خلیفهٔ دوم اهل تسنن و صحابی حضرت رسول اکرم(ص)
Omayyad Caliphate الف. خلافت اموی یا بنی‌امیّه در اسلام
Omen, good فال نیک
Ometecuhtli ق. خدای ثنویت؛ بالاتر از تمام خدایان مذکر و مؤنث، در اساطیر ازتک (Aztec)
Omito-fu ب. او میتوفو. اصطلاح طلبهٔ بودایی یا بودهیستوه در زبان چینی
Omnipotent, the الف. القدیر، القاهر، القهار، الجبار(اسم الهی)
Omniscient, the الف. العلیم (اسم الهی)
Omoto ژ. اوموتو. از ادیان جدید ژاپن
One, the الف. الواحد (اسم الهی)
Oneness الف. احدیّت، یگانگی، وحدانیّت خداوند
Only Reality عم. تنها حقیقت عالم، خداوند متعال
Onyame ق. اونیامه. هستی متعال در دین مردم آشانتی
oppression الف. استضعاف
oracle ع. م. الهام و مکاشفه الهی در بین یهود و مسیحیان؛ هاتف غیبی؛ الهام‌گاه و معبد
oratory م. کلیسای کوچک؛ محل عبادت و دعا
ordeal عم. امتحان یا آزمایش سخت برای اثبات بی‌گناهی یک نفر (مثل رفتن در آتش)؛ در آیین زرتشتی: ور
Order م. ۱) در کلیسای مسیحی اجتماعی از راهبان زن یا مرد، مثل گروه دومینیکن‌ها؛ ۲) در کلیساهای کاتولیک رومی، ارتودوکس و انگلیکن به معنی سه مرتبهٔ روحانی؛ ۳) در ساختمان کلیسا، سبک معابد یونانی با ستونهای بلند؛ سلسله مراتب و بطور عموم به معنای مقام و زّی روحانی، آیین مراسم دینی، انجمن دینی، نظام روحانی، طریقه، طریقت عرفانی
Ordinal م. کتاب نمازی که هنگام دادن

درجهٔ روحانی به کار می‌برند

ordination م. انتصاب به مقام روحانی، آیین پذیرش افراد به سلک روحانیت؛ دستگذاری وتقدیس برای انتصاب به‌مقام روحانی

Oriental شرقی

Orientalism شرقشناسی، اعم از اسلامشناسی و سایر وجوه شرق

Origen م. اوریگن (۲۵۴ - ۱۸۵). متکلم شهیر مسیحی اهل اسکندریّه

original sin عم. گناه اصلی و اولیهٔ آدم ابوالبشر؛ گناه جبلی و مادرزادی انسان بر وفق آیین مسیحیت

Originator, The (Fātir) فاطر (سوره سی و پنجم قرآن)

Orisha ق. اف. اوریشا. خدایان کوچکتر و مرتبهٔ دوم که دستیار اولودومار خدای اصلی و متعالی قبیلهٔ یوروبا در افریقا می‌باشند

Orisha-Nla ق. اف. اوریشا - نلا. رئیس اوریشاها که کارهای خلق و اجرایی اولودومار را انجام می‌دهند

orisons عم. مناجات

Ornaments, The زخرف (سورهٔ چهل و سوم قرآن)

Orphicism = Orphism ق. مذهب قدیم اسرارآمیز یونان که معتقد به گناه و نجات انسان از گناه بوده و نیز به تناسخ ارواح وتجسم ثانوی روح عقیده داشته است

orthodox عم. ارتودوکس، حنیف، متعصّب

Orthodox Church م. کلیسای ارتودوکس؛ در ابتدا کلیسای بخش شرقی امپراطوری روم که یونانی زبان بود؛ در سال ۱۰۵۴، بخش شرقی (ارتودوکس) کلیسا از بخش غربی (کاتولیک رومی) جدا شد

orthodoxy م. درست اندیشی، راست دینی، درستی، پیروی از کلیسای ارتودوکس روسیه و یونان

Orthopraxy درست کرداری

Orunmila ق.اف. اورون‌میلا. مشاور اصلی خدایان یوروبا؛ قدرت پشت سرمعابد ایفا

Osiris ق. أسیریس. خدای بزرگ مصرباستان؛ خدای عالم اسفل و داور مردگان

otherworld عم. آخرت

Othman (Uthman) الف. عثمان. سومین خلیفه‌اسلامی پس از رحلت پیامبر(ص)

Othniel ع. یکی از شش نفر داوران عبرانی که در کتاب داوران تورات ذکر شده است

Otto, Rudolf م. رودولف اوتو (۱۸۶۹ - ۱۹۳۷ م) متکلم پروتستان و مؤلف کتاب معروف مفهوم قدس (امر قدسی)

Ottoman empire الف. امپراطوری عثمانی

outcaste هـ. افراد بی طبقه یا خارج از طبقه (نجس‌ها) در دین هندویی

Overwhelming Calamity, The غاشیه (سوره هشتاد و هشتم قرآن)

Oxford Group م. گروه آکسفورد که در حدود سال ۱۹۲۶ م. فرانک باکمن آن را بنیان نهاد و از مراسم آنها برگزاری اوقات فراغت و سکوت در صبح و عصر و دریافت هدایت الهی است

Oxford Movement م. نهضت آکسفورد؛ حرکتی در درون کلیسای انگلستان که هدفش برقراری مجدّد آرمان کلیسای قرن هفدهم مسیحی بود

P

Pabbajja (p) / Pravrajya (s) هـ. پاباجا. واژهٔ بودایی به معنای کناره گیری و ترک رسمی دنیا توسط فردی که در صدد است که یک راهب بودایی شود

Pak khnda س. پاک خنده. در تعالیم گورونانک بنیانگذار سیک پنج مرحله و پاگام در راه آزادی روحی افراد

pachacamac ق. خدای دین اینکاو به معنای «رب‌زمین» که همچنین او را علّت زلزله می‌دانستند

Pachamama ق. الههٔ همسایه‌ها در دین اینکا و به‌معنای «مادر زمین»؛ الههٔ ناظر بر امور کشاورزی

Pachomius م. پاکومیوس (۳۴۶ - ۲۹۰) بنیانگذار نخستین فرقهٔ راهبان صومعه نشین مسیحی در مصر

pacifism عم. اعتقاد به عدم توسل به زور و جنگ مثل اصل آهیمسا در ادیان بودایی و جاینی و یا تعالیم کواکرها در مسیحیت

Padmasana ب. پادماسانه. موقعیت لوتوس که موقعیت اصلی برای شروع مراقبه به روش بودائی است

pagan عم. مشرک، کافر، از ریشهٔ یونانی Paganus به معنای فرد دهاتی

pagdi / pagri س. عمامهٔ سیکها

Pagoda هـ. چ. ژ. پاگودا. بتکده، بنای مقدس که معمولاً به صورت برجی هرمی شکل در چین، ژاپن و برمه دیده می‌شود؛ معبد بودایی

Pahlavi ز. زبان پهلوی، زبان متون مقدس دین زرتشتی

Pairidaeza ز. بهشت یا پردیس در اوستا، معادل paradise انگلیسی

Pajjusana ج. پاجوسانا. دورهٔ هشت روزهٔ توبه جینی‌ها در ماه اوت به مناسبت روز تولد مهاویرا

Palestine عم. سرزمین فلسطین، خاستگاه بسیاری از ادیان و پیامبران سامی

Pali ب. پالی. زبان متون مقدس اولیهٔ دین بودایی یا فرقهٔ بودایی تراوادا

Palia هـ. پالیا. سنگ یادبود هندوها در دهات هند که به رنگ سرخ بوده و به یاد بود افرادی است که با خشونت مرده‌اند

pallisadc = pallium م. ردای کشیشان

و پاپ اعظم در مراسم مذهبی خاص

Palm Sunday م. آخرین یکشنبهٔ ایام توبه و روزه مسیحیان و آغاز هفتهٔ مقدس که مسیحیان آن را به مناسبت ورود پیروزمندانهٔ حضرت عیسی(ع) به اورشلیم جشن می‌گیرند

pamada ب. پاماده. اصطلاح خفت آور دین بودایی در مورد بی‌توجهی و تنبلی ذهنی

Pan ق. پان. خدای گله‌ها و چهارپایان در یونان قدیم که بعدها خدای همه طبیعت شد

Pancasila ب. پانکاسیلا (پانچاسیلا). پنج تحریم بوداییان نظیر اجتناب از الکل، دزدی، دروغ و غیره

Pancayat هـ. اجتماع یا شورای کاست که قوانین و مقررات آن طبقه را تدوین نموده و به حلّ اختلافات بین اعضاء می‌پردازد

Pancgavya هـ. پانک گاویا. مخلوطی از پنج محصولی که از شیرگاو میگیرند و در دین هندویی برای تطهیر خورده می‌شود

Panchen Lama ب. پانچن لاما. لامای بزرگ بوداییان تبت که پس از دالایی لاما در مرتبهٔ بعد قرار دارد

Pandavas هـ. پانداوا. پنج برادر در شعر حماسی مهابهاراتا که بهترین آنها آرجونا است و جملگی باکمک و مشورت خدای کریشنا به جنگ نیروهای مخالف رفته و پیروز می‌شوند

Pandora ق. در افسانه‌های یونان پاندورا زن زیبایی بود که جعبهٔ پاندوا، تمام آلام و پلیدیها و یا تمام برکات و زیبایی‌ها، را از خدایان گرفت و به زمین آورد

Pandu هـ. پاندو. پادشاه هندی و پدر پانداواها که بهترین پسر وی آرجونا است

Pandurang, Dr. Atmaram هـ. دکتر اتمارام پاندورانگ از مصلحین دین هندویی

panentheism عم. اعتقاد به اینکه خدا جزیی از خلقت خود است و نه تمام آن

Panipat هـ. پانی‌پات. از اماکن زیارتی هندوها در شمال هند

Pan-Islamism الف. نهضت «اتحاد اسلام»ی در مصر و غیره

Panj Pyares س. پنج پیارها به معنای پنج محبوب. پنج نفر همراهان گورو گوبیند سینگ که در کنار وی «برادری سیکها» یا «خالصه» را در سال ۱۶۹۹ م بنا نهادند

Pan-ku ت. پان - کو. خدای آفریننده در دین تائویی

Panna(p)/Prajna(s) ب. پانا/ پراجنا. حکمت متعالی؛ یکی از دو رکن فرقهٔ بودایی ماهایانا

pansil ب. پانسیل. جمع پانچاسیلا یا پنج اصل اخلاقی در دین بودایی فرقهٔ تراوادا؛ تعهد نسبت به خدا

Panth س. پانت. در دین سیک لقب مجموعهٔ کسانی که کتاب گوروگرانت صاحب، متن مقدس آن دین را قبول دارند

Panthaks ز. پنتاک. پنج منطقهٔ جغرافیایی که زرتشتیان عالم از جهت ادارهٔ دینی تقسیم شده‌اند

pantheism عم. وحدت وجود، همه خدایی

Pantheon ق. پانتئون. پرستشگاه یا معبد عمومی خدایان در شهر روم

pap هـ. پاپ. واژهٔ هندویی در مورد هر نوع گناه

Papa م. پاپا. در ایتالیا و اسپانیا به پاپ گفته می‌شود

Papacy م. مقام یا قلمروی پاپی؛ دورهٔ

تصدی مقام پاپی؛ پیروی از کلیسای کاتولیک روم

Papias م. پاپیاس. اسقف هیراپولیس متولد حدود ۶۰ میلادی که در مطالعهٔ عهد جدید به اهمیت نقش وی بر می‌خوریم

Paraclete م. فارقلیط؛ روح القدس، شفیع، یار، منجی

Paradeisos ع. معادل Paradise انگلیسی؛ بهشت، پردیس

paradise عم. بهشت، پردیس در ادیان آسمانی

paradoxes عف. شطحیات

Parajika ب. پاراجیکا. هستهٔ اصلی قوانین در نظام رهبانی بودایی

Paramatman هـ. پارام‌اتمان. در تعالیم اوپانیشمادهای هندویی به معنای اتمان جهانی یا روح عالم

Param-Brahma هـ. س. پرام برهما. به معنای برهمای متعالی؛ هستی متعال در دین هندویی که در دین سیک هم نامبرده شده

Parameshvar هـ. س. پارامشور. به معنای خدای متعالی در ادیان هندویی و سیک

Paramita ب. پارامیتا. در تعالیم بودایی مرحله‌ای از کمال روحی که طلبهٔ بودایی، بودیستوه، در طریقه بوداشدن کسب می‌کند

Paranirvana ب. پارانیروانا. وصول به مقام یا مرحلهٔ نیروانا که فرد را از نیاز به تولد مجدّد معاف می‌دارد؛ در فرقهٔ بودایی ماهایانا عنوان جشنی است که به مناسبت «مرگ عظیم» بودا برپا می‌شود

Parasu-Rama هـ. پاراسو - راما به معنای رامای باتبر؛ ششمین آواتارویشنو که سرگذشتش در حماسهٔ مهابهاراتا آورده شده

Paratantra هـ. پاراتانترا. نظریهٔ فلسفی هندویی که همهٔ اشیا و امور عالم متکی به خداوند هستند

Parisad ب. پریساد. چهار گروه بوداییان؛ راهبان، راهبه‌ها، و زنان و مردان معمولی بودایی

parish م. در کلیسای انگلیس به منطقه یا ناحیهٔ تحت قلمروی کشیش کلیسای محل گفته می‌شود

Parivarta(s) ب. پاری وارتا. اصطلاح فرقهٔ بودایی ماهایانا در مورد صفت یا فضیلت کسب استحقاق و شایستگی برای دیگران

Parmesha س. پارمشه. عنوان خداوند یا هستی متعال در دین سیک

Parousia م. اعتقاد به ظهور مجدّد حضرت مسیح(ع) در آخر الزّمان

Parsee (Parsis) ز. پارسی، زرتشتی؛ پارسیان هند که به هنگام حملهٔ اعراب از ایران گریختند

Parthian ق. وابسته به قوم پارت یاسلسلهٔ اشکانیان که مزدا را می‌پرستیدند و همیشه آتش مقدسی را روشن نگه می‌داشتند

parvati هـ. پارواتی. الههٔ کوههای هیمالیا در هندوستان؛ یکی از همراهان خدای شیوا

Paryushan = Pajjusana ج. پریوشان. دورهٔ عبادت هشت روزه جِیْنی‌ها به‌یاد و خاطرهٔ آموزگارشان مهاویرا و عطای کاپلاسوترا

Paschal م. از ریشهٔ واژهٔ عبری برای عید فصح؛ وابسته به عید پاک یا عید فصح

Pashupatas هـ. پاشوپاته‌ها. پیروان خدای هندویی شیوا؛ پاشوپاتی (ربّ حیوانات) یکی

از القاب شیواست؛ در این فرقه نوعی توحید تعلیم داده می‌شود که شیوا نیز خدای متعال آن است

passion عم. عشق (در تصوّف)

Passion Sunday م. پنجمین یکشنبه ایام چلهٔ توبه و روزه مسیحیان که افراد مسیحی به یاد رنج و عذاب حضرت عیسی(ع) بر بالای صلیب به تامّل و مراقبه می‌پردازند

Passion-play عم. الف. تعزیه؛ نمایش روزهای آخر حیات عیسی(ع)

Passover / Pesach ع. عید فصح یا پسح یا فطر یهودیان که از عمده‌ترین اعیاد قوم یهود و به یادبود بهل کردن نخست زادگان یهود در مصر برگزار می‌شود (سفر خروج، باب ۱۲)؛ قربانی فصح؛ عید قیام موسی(ع) و رهایی بنی‌اسرائیل از اسارت و بردگی فرعون

Pastor م. شبانی کلیسا راکردن؛ شبان ارواح آدمیان؛ مرشد و پیشوای روحانی

Pastoral Epistles م. رسالات پولس رسول که در طی آن دستورها و راهنمایی‌هایی برای شبانان کلیسا داده است

Pastoral staff (see crozier) م. حامل عصای اسقفی

Patala ه. پاتاله. در اساطیر هندی هفت منطقهٔ زیرین یامادون که قلمروی ناگه‌ها یا مخلوقات شیطانی هستند

patched frock عف. خرقه

paten م. بشقاب نان عشای ربّانی که معمولاً یک سینی نقره‌ای است

Pater Noster ز. از ادعیهٔ زرتشتی مشابه دعای «نیایش الهی» در بین مسیحیان

path, the عف. طریقت عرفانی

Paticcasamuppada(p)/ Pratityasamutpada (s) ب. نظریهٔ بودایی در مورد حلقهٔ ارتباط تولّد و تجدید تولّد

patience عف. مقام صبر در عرفان

Patimokkha (p)/Pratimoksa (s) ب. پاتی موکا/ پراتی موکشا. ۲۲۷ قانون و قاعده تأدیبی برای هر طلبه راه بودایی که برای اقرار و اعتراف هر از چندگاهی قرائت می‌شوند

Patmos م. جزیرهٔ کوچک پاتموس از مجموعهٔ جزایر دودِکان یونان که محل تبعید و سپس مکاشفهٔ یوحنای حواری بود

patriarch عم. شیخ، رئیس، سرسلسلهٔ امت، بزرگ طایفه و قوم؛ اسقف اعظم

Patrick, St. م. سن پاتریک (۴۶۱ ـ ۳۸۹ م) قدیس ایرلندی

patristic literature م. مبحث زندگانی و نوشته‌های اولیا و قدیسین مسیحی که بخشی از الهیات مسیحی را تشکیل می‌دهد

patron saint عم. حافظ وحامی، شیخ، پیر، خواجه، پیر نگهبان

pattit س. پاتیت. اصطلاحاً به معنای مرتدین؛ کسانی که از دین سیک بر می‌گردند

Paul of Tarsus, St. Paul م. پولس مقدس یا پولس رسول

Pazuzu ق. پازوزو. در اساطیر بین‌النهرین به پادشاه ارواح خبیثهٔ موجود در هوا گفته می‌شود

People of the Book الف. اهل کتاب در اسلام

Pearly Emperor ت. امپراطور مرصّع یا درخشان در دین تائویی

Pectoral Cross م. صلیبی که مسیحیان روی سینه می‌اندازند؛ این عمل در کلیسای

صفّه

Perfect Man انسان کامل

permanent subsistence (in God) عم. عف. لقاء (بالله)

Persephone ق. الههٔ طبیعت و دختر زئوس و دیمیتر در افسانه‌های یونان

Perseus ق. پرشاوش. در افسانه‌های یونان پسر زئوس و دانائه

Persian ق. پارسیان. پنجمین مرتبه از هفت مرتبه یا درجهٔ ورود به دین میترایی؛ پارسی

Pesach (pesah) ع. عید فصح؛ عید فطیر یهودیان؛ جشن مذهبی بهارهٔ یهودیان برای بزرگداشت مهاجرت بنی‌اسراییل از مصر به رهبری حضرت موسی(ع)

Peshitta ع. پشیتا. ترجمهٔ سریانی کتاب مقدس که در حدود قرن پنجم میلادی صورت گرفته

Peter م. نام یکی از حواریون عیسی(ع) که نام اصلی وی سیمون بود؛ نام دو رساله (پطرس) در عهد جدید

Phallus ه. مجسمهٔ آلات جنسی که در دین هندویی درکنار خدای شیوا پرستش می‌شود

Pharaoh ق. فرعون، پادشاه مصر قدیم

Pharisees ع. فریسی‌ها. گروهی از متشرعین یهود که پایبند معانی تحت اللفظی تورات و سخت پیرو روایات قدیمهٔ یهود بودند و قیامت و رستاخیز و مکافات عمل و آمدن مسیح موعود را منکر بودند؛ حضرت عیسی(ع) مکرراً ایشان را منافقین می‌خواند

Philemon, Epistte to م. رسالهٔ پولس رسول به فلیمون، کوتاهترین رسایل عهد

کاتولیک رومی و کلیسای انگلستان برای تمام رده‌های کشیشان تقریباً الزامی است

Pen, The (Qalam) قلم (سوره شصت و هشتم قرآن)

penal substitution م. نظریهٔ مسیحی که پاره‌ای از متکلمین پروتستان بدان معتقدند که عیسی مسیح(ع) قربانی معصوم، به جای گناهکاران واقعی، یعنی همهٔ انسانها، مجازات شده است

penance م. طلب بخشایش و توبه؛ از آیینهای هفتگانهٔ کلیسای کاتولیک رومی

Penates ق. خدایان خانواده و خانه داری و انبار در روم قدیم

Penn, William م. ویلیام پن (۱۷۱۸ ـ ۱۶۴۴ م). کواکر انگلیسی که به خاطر عقایدش از دانشگاه آکسفورد انگلستان اخراج گردید و بالمآل باگروهی از کواکرها ایالت پنسیلوانیای امریکا را بنا نهاد

Pentateuch ع. اسفار پنجگانه یا پنج کتاب (اسفار) اوّل کتاب مقدس که عهد عتیق، تورات، یا قانون موسی خوانده می‌شود

Pentecost ع. م. ۱) عید یهودیان در هفت هفته یا پنجاه روز بعد از عید فصح به مناسبت اعطای ده فرمان خداوند به موسی(ع) در کوه سینا؛ عید یادگاری نزول تورات ۲) عید گلریزان یا پنجاههٔ مسیحیان به یاد بود نزول روح القدس بر حواریون عیسی(ع)

Pentecostalism م. نهضت گسترده‌ای در بین مسیحیان پروتستان که بر تعمید «روح» تأکید می‌ورزند، شبیه آنچه حواریون عیسی(ع) در روز پنجاههٔ (فوق‌الذکر) تجربه کردند

People of the Bench الف. اصحاب

جدید

Philip م. ۱) فیلیپوس یکی از دوازده حواری عیسی(ع)؛ ۲) یکی از هفت شماس کلیسای قدیمی مسیحی در اورشلیم

Philip II of Spain م. فیلیپ دوم (۱۵۹۸ - ۱۵۲۷ م) پادشاه اسپانیا، ناپل، و پرتغال که هدف اصلی زندگی خویش را دفاع از عقاید کاتولیک در مقابل پروتستان قرار داده بود

Philip Neri م. فیلیپ نری (۱۵۹۵ - ۱۵۱۵ م) که به خاطر کمک به فقرا و مریضها به لقب رسول رُم مشهور گردید

Philippians, Epistte to م. رسالهٔ پولس رسول به فیلیپیان در عهد جدید

Philo ع. فیلون (۲۰ ق. م. تا ۵۰ میلادی) متکلم و فیلسوف یهودی که تفکر یهودی را با فلسفهٔ یونانی درهم آمیخت

philology الف. فقه اللغة

philosophy of religion فلسفهٔ دین

Phoenician Dead Religion ق. دین مردهٔ اقوام فنیقی،کشوری قدیمی درساحل سوریه

Photius م. فوتیوس (۸۹۵ - ۸۱۰ م) دولتمرد و حکیم الهی بیزانسی که به مقام اسقفی قسطنطنیه رسید

phylacteries ع. حقه‌های چرمی کوچکی که یهودیان برخی آیات تورات را روی پوست نوشته در آن قرار می‌دهند و به هنگام نماز بامداد آن را با بند چرمی نازکی به پیشانی و بازوی چپ می‌بندند؛ تعویض، طلسم

Pieta م. پی‌یتا. مجسمهٔ مشهور حضرت مریم که بدن بی‌جان عیسی(ع) را در برگرفته است در کلیسای سن پیتر در رُم

Pietism م. پیروی از اصول عقاید جماعت پرهیزگاران آلمانی قرن هفدهم که معتقد به توبه از گناهان و ایمان قلبی و تولد تازهٔ روحانی و تقدس و پاکی بوده‌اند

piety عم. تقوی، دینداری، دیانت، پارسایی

Pilgrim Fathers م. مهاجرین اولیهٔ انگلیسی امریکا که مخالف کلیسای انگلیس بوده و در سال ۱۶۲۰ م به منظور رهایی از فشار متعصبین کلیسای انگلیس به امریکا جلای وطن کردند

pilgrimage الف. حجّ، (از فروع و عبادات واجب اسلامی)

Pilgrimage, The (Hajj) حج (سوره بیست و دوم قرآن)

pious عم. متقّی، متدین، پرهیزگار، دیندار

Pipal هـ. ب. درخت انجیر مقدس هندی که از لحاظ بزرگی و دوام معروف است و بودا هنگامی که در زیر آن به مراقبه نشسته بود به اشراق یا تنویر رسید

pirism عف. گرایش به پیر، پیرباوری

Pirit ب. پی‌ریت. افسون یا آداب بوداییان سریلانکا برای محافظت از خود در مقابل شُرور

Pirke Aboth ع. معنای تحت اللفظی «اخلاق پدران»؛ مجموعه مباحث خاخامهای یهودی که روایات از زمان حضرت موسی(ع) را بررسی کرده و موازین اخلاقی رفتار یهودیان را وضع می‌کند

piscina م. سنگاب کلیسا، حوض سنگی کوچک برای شستن ظروف و دست کشیش پس از مراسم عشای ربّانی

Pitaka ب. پیتاکا. به معنی سبد یا زنبیل؛ بخشی از کتاب مقدس دین بودایی (تری پیتاکا)

piti ب. اصطلاح بودایی به معنای وجد و شعف روحی

Plagians م. پیروان راهب انگلیسی پلاگیوس (قرن پنجم) که اعتقاد داشت گناه موروثی فکر بشر است و از این روی تعمید و تولد روحانی تازه بی مورد است

Pleading One, The (Mujādilah) مجادله (سوره پنجاه و هشتم قرآن)

Pledge of Aghaba الف. پیمان عقبه در اسلام

Pluto ق. پلوتو. خدای عالم اسفل در افسانه‌های یونان؛ خدای مردگان و دوزخ

Poets, The (Shu'arā) شعرا (سوره بیست و ششم قرآن)

Pogrom ع. کشتار و قتل و تبعید یهودیان از روسیه در قرن نوزدهم

pole عف. قطب

poll tax الف. جزیه در اسلام

Polycarp م. پولیکارپ (۱۵۵ - ۶۹ م). پدر مقدس و اسقف اسمیرنا و یکی از اولین شهدای مسیحی

polygamy عم. تعدد زوجات یا چند همسری در ادیان هندویی، اسلام و غیره

polytheism عم. چندگانه پرستی، شرک

polytheist عم. مشرک

Pontifex م. عضو شورای کشیشان کاتولیک (نُه یا پانزده نفر)؛ شورای مذهبی کلیسای کاتولیک

Pontifex Maximus م. خلیفهٔ اعظم، پاپ

Pool of Immortality س. استخربقا؛ محوطهٔ اطراف معبد طلایی، معبد مرکزی سیکها در آرمیتسار

Pope م. پاپ. اسقف اعظم روم و رهبر کلیسای کاتولیک

Porasurama هـ. پاراسورامه. قهرمانی که به عنوان ششمین آواتار (تجسیم) ویشنو، براهمن‌ها را از عداوت جنگجویان کشاتریا نجات داد

Posan / Poson ب. پوسان. جشن فرقهٔ تراوادای بودایی در شب نیمهٔ ماه ژوئن به یادبود اولین ابلاغ موعظه دهاما به کشورهای خارجی و بخصوص ورود دین بودایی به سریلانکا

Poseidon ق. خدای دریا در یونان قدیم، معادل نپتون خدای رومی‌ها

possession اعتقاد به اینکه کسی تحت تصرف ارواحِ خیر یا شر در آید؛ جن زدگی یا دیوزدگی

postulant م. تقاضای ورود به نظام روحانی مسیحیت قبل از نوآموزی

Potala ب. پوتالا. اقامتگاه رسمی دالایی لاما رهبر بوداییان تبّت

poverty عف. فقر

Prabandham هـ. پراباندام. مجموعهٔ سروده‌های شعرای قدیس، آلوارهای فرقهٔ هندویی ویشناوا در تامیل که در آن مناطق جزو متون مقدس هندویی به حساب می‌آیند

practices عم. عف. آداب، رسوم، اعمال

praemunire م. پاپ را به عنوان تکفیر پادشاه محکوم ساختن و تحت تعقیب قرار دادن

Praiseworthy حمید، ستوده

Prajapati هـ. پراجاپاتی. معنای تحت اللفظی «خدای مخلوقات»؛ در وداها به عنوان لقب خدایان طبیعی گوناگون به کار رفته

prajna(s) ه. ب. پراجنا. اصطلاح ادیان هندویی و بودایی به معنای دانش یا حکمت

Prakrit ه. پراکریت. زبانهای باستانی هندی نظیر پالی...؛زبان متون مقدس دین جَیْنی

Prakriti(s) ه. پراکریتی. در مکتب هندویی سانکیا (Sankhya) به‌معنای ماده یا هیولای اولی

pranam ه. پرانام. آداب تعظیم و تکریم در مقابل خدایان هندویی یا یک گورو

pranayama ب. پرانایاما. تنظیم تنفّس در آیین یوگا

pranidhana ب.پرانیدانا. اصطلاح بودایی به معنای نذر یا اهداء، بخصوص کاربودیستوه که به خاطر کمک به دیگران از قبول نیروانا خودداری می‌کند

Prarthana Samaj ه. پارارتانا ساماج. به معنای «اجتماع نیایش» و از جمعیّتهای اصلاحگرای دین هندویی که در سال ۱۸۶۷ م. در بمبئی توسط آتمارام پاندورانگ بنیانگذاری گردید

Prasad ه. پراساد. ۱. باقیماندهٔ غذا در مراسم قربانی در دین هندویی که ته ماندهٔ غذای خدا فرض شده و بین حضار تقسیم می‌شود؛ ۲. غذای مقدس و متبرکی که پس از مراسم دیوان سیکها بین عبادت کنندگان تقسیم می‌شود

Prasada ه. پراسادا. اصطلاح لطف و فیض کریشنا (الهی) درکتاب گیتا در دین هندویی

Pratimoksa(s)=patimokkha ب. پراتی موکشا. قواعد طلبگی در دین بودایی

Pratityasamutpada (s) ب. نظریهٔ بودایی در مورد حلقهٔ رابط بین یک تولد و تولدی مجدّد

Pratyahara ب. پراتیاهارا. اصطلاح بودایی به معنای قطع حواسّ از دنیای خارج

Pravrajya ب. پراوراجیا (= پاباجا) کناره گیری و ترک دنیا توسط طلبهٔ راه بودایی

prayer عم. نماز، دعا، نیایش، عبادت

prayer beads عم. دانه‌های تسبیح

prayer leader الف. امام جماعت

prayer niche الف. محراب

prayer wheels ه. ب. گردونه‌های دعا که توسط لامایی‌ها در تبت استفاده می‌شود وروی هر گردونه (استوانه‌ای شکل) دعاها و عبارات مقدس حکاکی شده

preacher عم. آخوند، مبلّغ، واعظ

preaching عم. وعظ، موعظه، خطابهٔ

prebend م. مقرری و معونهٔ کشیش و عضو رسمی کلیسا

precentor م. رهبر یا سردستهٔ خوانندگان کلیسا؛ کشیش رهبر خوانندگان کلیسا

precepts احکام، فرایض

Precious Stone Society ق. «انجمن سنگ قیمتی» که در سال ۱۹۲۰ در Ijebu-Ode در نیجریه تشکیل شده و بر پیشگویی در حالت جذبه، مداوای الهی (روحانی) و تقدّس تأکید می‌ورزد

predestination عم. قضاوقدر، تقدیر که در هریک از ادیان الهی و غیر الهی به گونه‌ای تفسیر شده

predestined مقدّر

predetermination الف. جبر در مبحث کلام

pre-existent عم. ازلی، قدیم، ذات مقدس الهی

preface م. مقدمه‌ای که درکتاب ادعیهٔ کلیسا برای مراسم و دعاهای هریک ازاعیاد منهم تدوین شده است.

prelate م. مطران، خلیفه، اسقف بزرگ

Presbyterianism م. اصول عقاید کلیسای مشایخی یاکلیسای شبانی که شعبه‌ای از کلیسای پروتستان و مبتنی بر عقاید کالوین است و تمام اعضای آن در انتخاب رهبرانشان مشارکت دارند

presence الف. مقام حضور (در عرفان)

Preta ب. پرتا. اصطلاح بوداییان در مورد سایه‌های مردگان وبه معنی «ارواح گرسنه»

pride غرور و افتخار؛ اولین گناه بزرگ یا کبیره در فهرست هفتگانهٔ گناهان پاپ گریگوری کبیر؛ کِبر

priest عم. کاهن، موبد، کشیش، آخوند، مجتهد و غیره

priestly code م. نظامنامهٔ طبقهٔ روحانی

Primate م. سراسقف؛ رئیس تمام اسقفهای دیگر درکلیسا و یا مثلاً در یک کشور مثل انگلستان

prime م. نماز اول صبح کلیسا در ساعت شش بامداد

primordial عم. ازلی

primordial covenant or compact عم. میثاق ازلی الهی، عهد الست

primordial nature عم. فطرت

primordial religion الف. دین حنیف، اسلام

principles of the faith الف. اصول یا ارکان دین

prior م. در نظام روحانی به کسی که قبل از راهب بزرگ قرار دارد می‌گویند؛ جانشین یا قائم مقام رئیس دیر یاکلیسا

Prithivi Matar ه. پریتیوی ماتار. مادر ـ سرزمین، یا خدای مؤنّث در دین هندویی

progeny of the Prophet الف. آل محمد(ص) (ص)

prohibited degrees عم. کسانی که ازدواج با آنان ممنوع است (نظیر خواهر،...)

Prohibition, The (Tahrim) تحریم (سوره شصت و ششم قرآن)

Prometheus پرومته؛ پرومتوس از خدایان افسانه‌ای یونان

Promised Land ع. سرزمین موعود یا سرزمین کنعان که بنابر روایت تورات (سفر آفرینش، باب ۱۷، آیه ۸) خداوند آن را به حضرت ابراهیم(ع) وعده داده است

prophecy عم. نبّوت، پیشگویی

prophet عم. نبّی، پیامبر

Prophets, The (Anbiyā') انبیاء (سوره بیست و یکم قرآن)

prophethood عم. نبّوت، پیامبری

propitiation کفّارهٔ گناهان (در مسیحیت حضرت عیسی(ع) کفارهٔ گناهان بشر است)

proselyte عم. جدید المذهب، جدیدالایمان

Proserpina / Proserpine ق. در افسانه‌های یونان دختر زئوس و ملکه عالم دوزخ

prostration عم. سجود، پیشانی برخاک نهادن

Protector, the الف. حافظ (اسم الهی)

protestan م. پروتستان. کسی که ازکلیسای کاتولیک روم پیروی نمی‌کند

Proverbs, Book of ع. کتاب امثال

سلیمان(ع) در عهد عتیق

providence, divine عم. مشیت الهی، قدرت الهی

provisors م. ناظر خرج کلیسا یا صومعه؛ انتصاب به مقام روحانی که هنوز خالی نشده

provost م. کشیش پروتستان که متصدی کلیسای عمده‌ای در یک شهر باشد

proximity قُرب در عرفان

psalm عم. مزمور، زبور، سرود روحانی، سرود نیایش

Psalm, the Book of کتاب مزامیر یا زبور داود در عهد عتیق

Psudepigrapha م. بخشی ازکتاب مقدس که جزو عهد عتیق منظور شده ولی از کتب رسمی آسمانی و مورد قبول پروتستانهانیست (مثل کتاب امثال سلیمان و غیره)؛ نوشته‌های مشکوک عهد عتیق که به بعضی انبیا منصوب ولی صحت این انتصاب معلوم نیست

pseudo-religions عم. مذاهب دروغین (مثل قادیانیه / احمدیه، بابیگری و بهاییگری از نظر اسلام و مسلمانان)

pseudo-ulama الف. علمای درباری و دروغین؛ علمای دنیاپرست

Psychopannichim اعتقاد بعضی از گروههای مسیحی در قرن شانزدهم به اینکه روح انسان پس از مرگ به خواب رفته در قیامت بیدار می‌شود؛ زوینگلی و کالوِن بشدت با این نظریه مخالف بودند

Ptah ق. رب النوع عمده و مهم شهر ممفیس در مصر قدیم که خالق آدم و پدر خدایان محسوب می‌شد

Puggala(p)/Pudgala(s) ب پوگالا / پودگالا. نفس یا خود در دین بودایی

Puja ه. ب. پوجا. آداب و مراسم پرستش و یاتکریم خدایان و موجودات متعالی در ادیان هندویی، بودایی و جاینی

Pujari ه. پوجاری. کشیش هندویی در دهات و قصبات هند

pulpit عم. منبر

punam ه. روز ماه کامل (نیمه ماه) که از نظر هندوها روز مقدسی است و برای زیارت و رفتن به معبد مناسب است

Punchayet شکل سنتی رهبری اجتماع دینی در نزد زرتشتیان

Pundit(s) ه. پاندیت. فرد حکیم، عالم و فیلسوف؛ معمولاً به‌برهمن‌ها که مطالب دینی را می‌دانند می‌گویند

punishment(s) الف. حدّ شرعی (حدود در فقه)

punna(p)/punya(s) ه. ب. پونا / پونیا. اصطلاح هندویی و بودایی به معنای کارشایسته و مستحق پاداش

Puranas ه پوراناها. متون مقدس دین هندویی که دربارهٔ قدرت خدایان می‌باشند؛ مجموعهٔ داستانهای مذهبی یا داستانهای قدیمی

pure عف. صاف، صافی

Pure Land ب. مکتب بودایی «سرزمین خالص یا پاک» که تأکید فراوانی روی افراد عادی و عامی داشته و در قرن دوم میلادی در چین و ژاپن طرفداران زیادی داشت

purgatory عالم برزخ

Purim ع. در مذهب یهود عید فوریم که به مناسبت رهایی از جنگ هامان برگزار و در آن بخشهایی از کتاب اِستر نبی(ع) قرائت می‌شود

Puri ه. پوری. از اماکن مقدس زیارتی هندوها

Puritans م. پیرایشگران. اعضای فرقه‌ای از پروتستانهای انگلیس که در دوران ملکه الیزابت و بعد از آن علیه آداب و رسوم کلیسای کاتولیک رومی قیام نموده، طرفدار سادگی در عبادت و ایمان خود بودند

purity عم. طهارت روح، صفای عرفانی

Purohit ه. پوروهیت. کشیش خانوادگی هندوها در دهات هند

Purusa (Purusha) ه. پوروشا. اصطلاح هندویی در مورد روح فردی، خود یا نفس؛ همچنین انسانِ نخستین؛ اصل غیر فعال موجود در ثنویت سامکهیا

Pythia ق. (یونان قدیم) پیتیا. الههٔ غیبگو و کاهنه معبد آپولو در دلفی یونان

Pyx م. جعبهٔ کوچکی که در آن نان عشای ربانی یا قربانی را قرار داده به بالین بیماران می‌برند

Q

Q م. منابع دست دوم انجیلهای چهارگانه [منبع دست اول انجیل مرقس می‌باشد و منابع دست دوم اناجیل متی و لوقا است]

qadar الف. عر. قَدَر الهی در اسلام

Qadarites قدریّه در اسلام

qadi الف. قاضی

Qadr (The Majesty) قدر (سوره نود و هفتم قرآن)

Qāf قٓ (سوره پنجاهم قرآن)

Qalam (The Pen) قلم (سوره شصت و هشتم قرآن)

Qamar (The Moon) قمر (سوره پنجاه و چهارم قرآن)

Qāri'ah (The Terrible Calamity) قارعه (سوره صد و یکم قرآن)

Qarmahtians قرامطه در اسلام

Qārun (Korah) قارون

Qasas (The Narrative) قصص (سوره بیست و هشتم قرآن)

Qiblah الف. قبله در اسلام

qist الف. قسط در اسلام

Qiyāmah (The Resurrection) قیامت (سوره هفتاد و پنجم قرآن)

quadragesimal عم. چله نشینی؛ روزه و عبادت چهل روزهٔ مسیحیان، مسلمانان و غیره

Quadratus م. کوادراتوس. اولین مدافع عقاید مسیحی که در سال ۱۲۴ م دفاع نامه‌ای برای امپراطور هادریان نوشت

Quakers م. کواکرها. عضو فرقه مذهبی مسیحی که در حدود سال ۱۶۵۰ م. در انگلستان به وجود آمد واعضای آن خود را دوستان می‌خواندند

Qualified Non-dualism هـ. عدم ثنویت شایسته. ترجمه انگلیسی اصطلاح Visishtadvaita که رامانوجا در قرن دوازدهم در دین هندویی مطرح نمود؛ به نظر وی non - dualism ای که توسط شانکارا تعلیم داده می‌شد اهمیت کافی برای پرستش و اخلاص قائل نمی‌شد و لذا وی بر اهمیت «فیض و لطف» در رابطهٔ با خدا تأکید نمود

Quetzalcoatl ق. خدای مکزیکی که ازتک‌ها (Aztecs) آن را عبادت می‌کنند وبه معنای «گرانبهاترین دوقلو» می‌باشد؛ وی خدای بزرگ فرهنگ بود و با سیارهٔ صبح و غروب همانند دانسته می‌شد

Quietism م. فرقهٔ صوفیانه‌ای که شخصی به‌نام مولفیوس در روم پایه گذارد و تعلیم می‌داد که کمال آرامش در اثر کشتن نفس و توکل عمیق به خداوند و امور الهی میسر می‌گردد

Quinquaqesima م. فاصلهٔ پنجاه روزه بین یکشنبهٔ قبل از ایام پرهیز تا یکشنبهٔ قبل از عید پاک؛ یکشنبهٔ قبل از ایام پرهیز مسیحیان

Quraish, The قریش (سوره صد و ششم قرآن)؛ طایفه قریش در صدر اسلام

Qur'an, Quran الف. قرآن مجید

R

Rabb الف. عر. رب

Rabbi ع. عالم ربّانی یهود، خاخام

Rachel ع. راچل. همسر مورد علاقهٔ حضرت یعقوب(ع) و مادر حضرت یوسف(ع)

Ra'd (The Thunder) رعد (سوره سیزدهم قرآن)

Radha هـ. رادا. یکی از شبانان که طرف عشق و محبت کریشنا بود

Radhakrishna هـ. راداکریشنا (۱۹۷۰ - ۱۸۸۰). فیلسوف و سیاستمدار هندی که رئیس جمهور آن کشور شد و کوشش بسیاری در جهت تفسیر نظریه‌های باستانی دین هندویی بر مبنای تفکرات قرن بیستم به عمل آورد

Raga هـ. ب. راگا. ۱) واحد اصلی موسیقی هند؛ ۲) هوی و هوس و آز و شهوت در دین بودایی

Ragnarök ق. راگ ناروک. سرنوشت خدایان و یاشعاع نور آنها که در اساطیر Norse بازگوشده، نظیر اینکه نیروهای شر افزایش یافته و اخلاق سقوط می‌کند؛ قهرمانان کشته شده و خدایان نابود می‌شوند و تنها روزنهٔ امیدی که هست این است که بعضی‌از خدایان باقی می‌مانند تا عالم را دوباره خلق و حکمت باستان را تجدید بنا کنند

Rahat Maryada س. راحت ماریادا. منبع تعالیم اخلاقیات و آداب دینی سیکها شامل مقررات انضباطی خالصه

Rahmān (The Beneficient) رحمن (سوره پنجاه و پنجم قرآن)

Rahula ب. راهولا. پسر بوداکه در پانزده سالگی وارد سنگهه شده وآراهات مشهوری شد

rainbow رنگین کمان. در تورات (سفر پیدایش، باب ۹) به عنوان علامت قول خداوند که دیگر طوفان و سیلی نفرستدکه زمین را خراب کند ذکر شده

Rajas هـ. راجاها. اصطلاح هندویی در مورد یکی از گوناها یا صفات حیات که معمولاً به انرژی، محبت یا زور ترجمه می‌شود

Rajayoga هـ. راجایوگا. انجام یوگا از جمله شامل انضباط فکری

raka'at الف. رکعت، واحد نماز در اسلام

Raksha هـ. راکشا. ارواح خبیثه در اساطیر هندویی

Ram هـ. س. رام. خدای دین هندویی که در دین سیک درکنار لفظ جلالهٔ اللّه قرار می‌گیرد

Ram Carit Manas هـ. رام کاریت ماناها. روایت هندی مشهور رامایانا توسط شاعر قرن شانزدهم تولسی داس که بعضاً به عنوان «کتاب مقدس مناطق شمالی هند» خوانده می‌شود

Ram Mohan Roy (Mohun) هـ. رام موهان روی (۱۸۳۳ - ۱۷۷۲). مصلح دین هندویی که به دنبال رنسانس زندگی در هند بود و بخشی از اوپانیشادها را به انگلیسی و قسمتی از کتاب مقدس را به‌سانسکریت ترجمه کرد

Ram Naumi هـ. رام نائومی. فستیوال هندویی به مناسبت تولد رامای خدا

Rama راما. خدای قهرمان در دین هندویی؛ از مشهورترین تجلیّات ویشنوی خدا و قهرمان داستان حماسی رامایانا

Ramadan الف. ماه رمضان در اسلام

Ramakrishna هـ. راماکریشنا. نهضت متأخر دین هندویی که توسط فیلسوف و مصلح بزرگ شری راماکریشنا (۱۸۸۶ - ۱۸۳۶) به وجود آمده در اکثر نقاط جهان توسعه پیدا نمود

Ramananda هـ. رامانادا. مصلح فرقهٔ هندویی ویشناوایی در قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی

Ramanuja هـ. رامانوجا (متوفی ۱۱۳۷ م). فیلسوف و مصلح دین هندویی که با وحدت گرایی شانکارا مخالف بوده نظام فلسفی جدیدی را به نام «عدم ثنویت شایسته» تعلیم می‌داد

Ramayana هـ. رامایانا، یا شرح زندگی و سرگذشت رامای خدا، حماسه منظوم قرن پنجم قبل ازمیلاد منتسب به حکیم هندویی وال میکی (valmiki)

Ramdas, Guru س. گورو رامداس چهارمین پیشوای دینی سیکها (از سال ۱۵۷۴ تا ۱۵۸۱)

Ramlila هـ. رام لیلا. جشن مذهبی پائیزه در دین هندویی که در آن داستان زندگی رام در قالب یک درام (لیلا) به نمایش در می‌آید

Ran ق. ران. الههٔ اسکاندیناویایی و همسر خدای دریا (Aegir)

Rangers, The صافّات (سورهٔ سی و هفتم قرآن)

Rangi ق. رنگی. خدای آسمان در دین مائوری و شوهر الهه زمین، پاپا

Ranks, The (Saff) صف (سوره شصت و یکم قرآن)

ransom الف. فدیه‌اسیر؛ م. فدیه؛ اصطلاحی که حضرت عیسی مسیح در مورد مرگ خویش به‌کار برد (انجیل مرقس، باب ۱۰، آیه ۴۵) که بعضی از آبای اولیه کلیسا به معنای فدیهٔ عیسی به شیطان برای نجات بشر تفسیر می‌کردند

Raphael ع. رافائل. یکی از چهار فرشتهٔ اعظم در روایات یهودی

rapture جذبه

Rashi ع. راشی. نام مستخرج از "Rabbi Solomon - bar Isaak" شارح و مفسر متون مقدس یهودی

Rashnu داور مردگان در دین زرتشتی

Raslila هـ. راس لیلا. جشن بهارهٔ هندوها به یاد بود خوشی‌های کریشنا خدای دین هندویی

rasul الف. عر. رسول در اسلام

Ratha Yatra هـ. راتایاترا. جشن نمایشی و دیدنی هندوها به افتخار جاگانات، یا ربّ خدای عالم

Ravana ه. راوانا. در اساطیر هند پادشاه شیطان صفت سریلانکا که گفته می‌شود ده سر و بیست بازو داشته

Raven عم. غراب یا کلاغ سیاه که در داستان کشتی نوح، و آیین میترایی و افسانه‌های دینی قدیم اشاره شده

ra'y الف. عر. رأی (فقهی) در اسلام

Re ق. را. تشخّص خورشید و از خدایان حکومتی مهّم در مصر باستان

reader قاری

Reality, the الف. حق (اسم الهی)

reality حقیقت، واقعیت

rebirth عم. ه. اعتقاد به تناسخ روح و تولد مجدد در ادیان مختلف نظیر هندویی و غیره

recitation عم. تلاوت متون مقدس (نظیر قرآن)

reclusion عم. زهد و انزوا نشینی

recollection of God عم. الف. ذکر خداوند

recompensation جزا

reconciliation م. آشتی با خدا، بازگشت به کلیسا؛ واژهٔ کلیدی در الهیات پولس رسول

rector م. کشیش مسئول بخشی از شهرستان که کلیسا و کشیش جداگانه دارد

Reconstructionism ی. نهضت تجدید ساختارگرایی که توسط موردخای کاپلان بنیانگذاری شده و بر یهودیگری به عنوان یک تمدن تأکید می‌ورزد اما واقعیت خداوند متشخص و فوق طبیعی را انکار می‌کند

rectification of character تصفیه‌اخلاقی

redemption م. بازخرید (از گناهان)؛ فدیه، نجات ورهایی

reforms عم. نهضتهای اصلاح دینی

reformers, religious عم. مصلحین دینی

Reform Jews (Reform Movement) ع. ی. نهضت اصلاحی دین یهود که از دل عصر روشنگری اروپا سربرآورده سعی در مرتبط ساختن دین یهود با جامعهٔ مدرن دارد

Reformation نهضت اصلاح کلیسای روم که با حرکت مارتین لوتر و ایجاد مذهب پروتستان شروع شد

Reformed Churches عنوان کلیساهایی که بعد از نهضت اصلاح بنیانگذاری شدند، مثل کلیسای پروتستان فرانسه و کلیساهای کالوینی هلند و سوئیس

Refreshment Sunday (=Mothering Sunday) م. چهارمین یکشنبهٔ ایام روزه و توبهٔ مسیحیان

regeneration م. اعطای حیات تازه یا زندگی روحانی که به اعتقاد مسیحیان با غسل تعمید حاصل می‌شود

reincarnation ه. ب. س. اعتقاد به تناسخ ارواح و حلول مجدّد روح در یک بدن دیگر پس از مرگ، حلول

relics عم. آثار مقدس برجای مانده از اولیا و قدیسین و یا اسباب و اثاثیهٔ آنها

religio عم. واژهٔ لاتین به معنای ترس و وحشت اولیه بشر در برابر پدیده‌های مجهول

religion دین

religions of the People of the Book الف. ادیان اهل کتاب (یهود و نصاری) در اسلام

religious community الف. ملت (مثل ملت ابراهیم)

religious expiation الف. کفّاره

religious feasts عم. اعیاد دینی

religious formulas اذکار، اوراد، ادعیه

religious injunctions عم. اوامر و نواهی دینی

religious law عم. شریعت

religious literature کتب و نوشتجات دینی

religious obligation عم. تکلیف دینی و شرعی

renunciation عم. ترک دنیا و کناره گیری از آن، مقام زهد

Repentence, The برائت (سوره نهم قرآن)

repentance عم. توبه

repentant عم. نادم، توبه کار

Repentants الف. توابون (حادثهٔ کربلا)

repulsive قبیح

repulsiveness قبح

requiem الف. م. نماز وحشت، نماز آیات، نماز میّت

Reredos م. پردهٔ پشت محراب و جلوی دسته سرایندگان کلیسا

Rerum Novarum م. بخشنامهٔ صادره از ناحیهٔ پاپ لئوی سیزدهم در سال ۱۸۹۱ در تبیین تعالیم مسیحیت دربارهٔ کار، سود، کارفرما و خدمتکار در شرایط جدید حاکم پس از انقلاب صنعتی

reservation of the sacrament م. نگاهداری بخشی از عشای ربانی برای مصرف کشیش

Reshef (Resheph) ق. خدای اقوام کنعان یا فنیقیه که احتمالاً به معنای آتش یا گوی آتشین است

respect عف. مقام هیبت حضور

resurrection عم. نشور، بعثت اخروی؛ از اعتقادات اساسی کلیسای مسیحی که معتقدند حضرت مسیح(ع) در سومین روز از قبر برخاسته و به آسمان رفت؛ احیاء، رستاخیز

Resurrection, The قیامت (سوره هفتاد و پنجم قرآن)

retaliation الف. قصاص در اسلام

retribution عم. کیفر، مجازات، جزای اعمال در ادیان آسمانی

Reuben ع. ی. روبن. بزرگترین پسر حضرت یعقوب(ع)

revayat (rivayah) الف. روایت در اسلام

revelation عم. مکاشفه، وحی، الهام

revealed وحیانی

revealed law الف. قانون مُنزل الهی، شریعت وحیانی

reverend م. معزّز، محترم، جناب کشیش روحانی

Revised Version م. نسخهٔ تجدید نظر شده و اصلاح شدهٔ کتاب مقدس که ترجمهٔ انگلیسی آن در سالهای ۵ - ۱۸۸۱ انجام شد و زبان آن به زبان محاوره عصر حاضر نزدیکتر است

reward ثواب

Rhea ق. از الهه‌های یونان باستان، دختر اورانوس؛ الههٔ مادری

Richar, Mira میراریچارد (۱۹۷۳ - ۱۸۷۸ م) همکار روحانی شری آروبیندو که در سال ۱۹۲۰ به وی ملحق گردید و تا زمان

نزول باران)

Roman Catholic Church م. کلیسای کاتولیک روم؛ تمام کلیساهایی که پاپ را به عنوان جانشین سن پیتر، خلیفهٔ عیسی مسیح(ع) و حافظ عقیدهٔ مسیحیت قبول دارند

Romans, The روم (سورهٔ سی‌ام قرآن)

Romans, Epistle to م. رساله به رومیان؛ از مهمترین رسایل پولس رسول در عهد جدید

Romulus ق. رومولوس. پسر مارس خدای یونان و بنیانگذار افسانه‌ای شهر رُم مقّر پاپ

Rongo ق. رونگو. خدای کشاورزی و صلح در دین مائوری‌های نیوزلاند

Rood Screen پرده یا تجیری که در کلیسای مسیحی قسمت وسیع سالن کلیسا را از محراب و محل خواندن سرود جدا می‌کند و معمولاً در یک سمت آن نقش یوحنای مقدس و در سمت دیگر آن تصویر مریم مقدس قرار دارد

rosary عم. تسبیح (برای شمردن اذکار و اوراد در اسلام، مسیحیت، و غیره)؛ سبحه

Rosh Hashanah ع. ی. سال نو یهودیان که به یاد بود خلقت جهان توسط خدا جشن گرفته می‌شود

Roshi ب. روشی. عنوانی که به یک راهب یا طلبهٔ بودایی پس از تکمیل موفقیت‌آمیز دروسش داده می‌شود

Rosicrucians م. اعضای فرقه‌ای از مسیحیان قرون هفده و هجده که عقاید صوفیانه و مرموزی داشتند

Rsis هـ. رسیس. پیامبران باستانی هندو که الهامات موجود در وداها را دریافت می‌کردند

Rta هـ. رتا. مفهوم ودایی قانون فراگیر عالم

مرگش به نام «مادر مرکز آموزش شری آروبیندو» مشهور بود

righteous صالح، دیندار

Rig-Veda هـ. ریگ ودا. ودای مزامیر؛ قدیمی‌ترین متن مقدس دین هندویی؛ معنای تحت اللفظی «دانش منظوم» یا «دانش کلمهٔ»؛ مجموعه ۱۰۲۷ سرود در مورد خدایان گوناگون و بویژه آگنی و ایندرا

Rinzai ب. رین زای. یکی ازبزرگترین فرقه‌های مکتب بودایی ذن در ژاپن

Rishis هـ. ریشی‌ها. شاعران یا خوانندگان سرودهای مقدس؛ حکمای مقدسی که سرودهای وداها را از خدایان دریافت می‌کردند

Risho-Kosai-Kai ژ. ریشوکوسای کای. از ادیان جدید دین ژاپنی، یکی از فرقه‌های شینتو

rites عم. شعایر، آداب، آیینها و اعمال دینی

rites of passage م. مراسم نقل و انتقال مثل مراسم غسل تعمید پس از تولد یا مراسم تثبیت ورود و عضویت در یک مذهب به هنگام بلوغ و غیره

ritual عم. مراسم، شعایر و مناسک و آداب دینی و عبادی در ادیان مختلف

ritually مذهبی، دینی

ritual prayer الف. صلوة، نماز

ritual purity الف. وضو، طهارت

rochet م. جبّهٔ کتانی گشاد که بیشتر اسقفان و راهبان می‌پوشند

Rock, The (Hijr) حجر (سوره پانزدهم قرآن)

rogation days عم. روزهای تضرع و استغاثهٔ عمومی به درگاه خداوند (مثلاً برای

بودایی در مورد قلمروی موجودات روحانی

Rural Dean م. عنوانی که در کلیسای انگلیس به کشیشی داده می‌شود که از طرف اسقف اعظم برای کمک به نامبرده در زمینهٔ یکی از وظایف اداری اسقف اعظمی تعیین می‌شود

Ruth ع. روت نبی(ع) که در عهد عتیق (تورات) یکی از کتب پیامبران به نام وی می‌باشد

Ruysbroeck, Jan Van جان وان رویسبروک (۱۳۸۱ - ۱۲۹۳ م). عارف و کشیش اهل فلاندرز و بنیانگذار مکتب (Devotio Moderna) پرستش و اخلاص جدید که بعدها گروه «برادران زندگی روزمره و عادی» از آن به وجود آمد

Ryobu ش. ریوبو. مکتب شینتوی مختلط که توسط کوبو - دایشی کاهن بودایی پایه گذاری شد

که از آن طریق همه چیز در وجود باقی است

Rual ق. روال. مفهوم زنا یا گناه نزد قبیله نیور (Nuer)

Rubrics م. دستورالعملهای تشریفاتی و عبادی که در کتب دعایی مسیحیان چاپ شده‌اند

Rudra هـ. رودرا. خدای طوفان در هندوئیسم باستانی

Ruler Worship ق. پرستش حکام و فرمانروایان به عنوان خدا یا پسر خدا و غیره؛ مثل پرستش امپراطور در ژاپن

Rum = Roman, The سوره روم (سوره سی‌ام قرآن)

Runners, The عادیات (سورهٔ صدم قرآن)

rupa ب. روپا. اصطلاح دین بودایی در مورد شکل جسمانی

rupa-dhatu ب. روپا ـ داتو. اصطلاح

S

Saad ص (سوره سی و هشتم قرآن)

Saba (Sheba) سبا، قوم سبا

Saba, The سبأ (سورهٔ سی و چهارم قرآن)

Sabad س. سبد. در تفکر سیک به معنای «کلمه»؛ نوعی تبیین ذاتی الهی

Sabad Hazare س. سبد هزار. بخشی از کتاب سیک «داسام گرانت» که تقوای نظامیگری را شرح می‌دهد که از ویژگیهای گوروی دهم ـ گوبیندسینگ ـ مؤلف این بخش می‌باشد

Sabazius ق. سابازیوس. خدای طبیعت اقوام لید که بعدها همان سابائوت خدای کتاب مقدس دانسته‌شد

Sabbath ع. یوم سبت؛ روز شنبه؛ روز تعطیل و عبادت قوم یهود

Sabeans الف. صبّی‌ها، صائبی‌ها

Sabellianism م. پیروی از عقاید سابلیانوس خلیفه رومی مسیحی و عالم الهیات در قرن سوم که معتقد بوده تنها یک خدا وجود دارد (به خلاف تثلیث) و روح القدس و عیسی(ع) از مظاهر آن هستند

Sabians الف. صبّی‌ها، صائبی‌ها

Saboraim ع. سابورائیم. عنوان آموزگاران دینی یهود از قرن ششم به بعد

sabr الف. عر. صبر در تعالیم اسلامی

Sacca(p)/Satya(s) ب. ساکا / ساتیا. اصطلاح بودایی به معنای حقیقت کلّی یا حقیقت واحد

Sach س. ساچ. در تفکر سیک به معنای «حقیقت»؛ یکی از شش مفهوم مرتبط با تبیین ذات الهی

Sach khand س. ساچ قند. در تعالیم گورونانک بنیانگذار دین سیک آخرین و پنجمین گام یا مرحله در جهت آزادی و رستکاری افراد بشر؛ بهشت خاص دین سیک

Sacraments عم. شعایر، رسوم، وآداب دینی؛ اعتقاد به انجام شعایر مذهبی و تأثیر باطنی آنها؛ شعایر هفتگانهٔ مذهبی (در کلیسای ارتودوکس شرقی) و شعایر دوگانه (در کلیسای پروتستان)

sacred مقدس، قدسی

Sacred Book ع. م. کتاب مقدس (تورات و انجیل)؛ عهدین

Sacred Cherubim and

sacrilege توهین به مقدسات

Seraphim Society م. انجمنی که در سال ۱۹۲۵ م. توسط شخصی به نام Moses Tunolashe در نیجریه در رابطه با یک سلسله مکاشفات شخصی تأسیس شد

Sacred Fire ز. آتش مقدس در دین زرتشتی

Sacred Gridle of Zoroaster ز. کمربند مقدس زرتشت

Sacred Heart of Jesus م. دعای «قلب مقدس عیسی ع» که از سال ۱۷۶۵ رواج یافته

Sacred Kurral (Kurrel) هـ. کورال یا کارل مقدس. از کتب مقدس دین هندویی

sacred law عم. شریعت ادیان گوناگون؛ قانون شریعت

sacred marriage عم. ق. ازدواج مقدس در بین خدایان، یا خدایان و بشر، پادشاهان و غیره

Sacred Mosque الف. خانهٔ مقدس کعبه؛ مسجد کعبه

sacred scripture عم. متون مقدس ادیان

sacred space حَرَم

Sacred Thread هـ. ریسمان مقدسی که در دین هندویی به هنگام قبول رسمی در آن دین به بازو می‌بندند؛ این رسم در میان زرتشتیان پارسی نیز مرسوم است

sacredotalism عم. تقدس گرایی

sacrifice عم. قربانی در ادیان الهی و غیر الهی (مثل هندویی)

sacrilege عم. توهین به مقدّسات

sacristy م. اطاق محل نگاهداری ظروف مقدسهٔ کلیسا

sadaqat الف. عر. صدقات در اسلام

Saddha ب. سددا. اصطلاح بودایی به معنای اعتماد یا ایمان، ایمان به «سه گوهر» بودایی

Saddharmapundarika Sutra ب. از متون بسیار مشهور مکتب‌بودایی ماهایانا و به معنای «لوتوس قانون حقیقی، سوتره»

Sadducees ع. صدوقی یا زندیقی‌ها. فرقهٔ محافظه کار یهود که جز نصّ تورات به چیز دیگری قائل نبود

Sadhana(s) هـ. ب. سادانا. در دین هندویی به معنای دوره‌ای از آموزش روحی که برای تحقق یا تکامل حیات طراحی شده، در دین بودایی به معنای دورهٔ آموزش تانتریک قوا و استعدادهای جسمانی

Sadhu هـ. سادهو. اصطلاح دین هندویی در مورد یک فرد مقدّس

Sa'diya الف. عر. سعدیّه. فرقهٔ دراویش پیرو سعدالدّین در اواخر قرن هفتم

sadjdjada الف. عر. سجّاده در اسلام

sadness عف. حزن

Safa الف. کوه صفا در مکّه

Saff (The Ranks) صّف (سوره شصت و یکم قرآن)

Sāffāt (The Rangers) صافّات (سوره سی و هفتم قرآن)

Saga ق. الههٔ افسانه‌های اسکاندیناوی؛ اساطیر و داستانهای خدایان در ایسلند

Sagacious, the خبیر(اسم الهی)

Sagunam Brahman(s) هـ. سگونام براهمن. اصطلاح رایج در اوپانیشادهای هند در مورد خدایان (موجودات روحانی) دارای صفات مختلف، مثل خالق،

Sahaj Dharis س. ساهاژ دهاری‌ها. اعضای جامعه سیکها که مراسم ورود به دین را انجام نداده و لذا در زمرهٔ خالصه‌ها نیستند

Sahib az-Zaman الف. صاحب الزمان

لقب امام مهدی(ع) امام دوازدهم شیعیان

Sai Baba ه. سایوبابا (تولد ۱۹۳۶) گوروی دین هندویی که یک آشرام (مرکز آموزش دینی) در پوتاپارتی در جنوب هند تأسیس کرده و هرساله میلیونها نفر به زیارت وی می‌روند؛ سایوبابا مدعی قدرت ایجاد و شفاست

Saicho ب. سایچو. راهب بودایی که مکتب تندای را از چین به ژاپن آورد

Saijopo Zen ب. سایجوپو ذن. پنجمین و بالاترین نوع ذن

saint(s) عم. فرد مقدس، ولی، مرشد، شیخ، پیر، قدیس

saintship الف. ولایت

saint worship فردپرستی

Sajdah (The Adoration) سجده (سوره سی و دوم قرآن)

Sakha ه. سکهه. واژهٔ سانسکریت به معنای عضو یا شاخه؛ شاخه‌ای از مکتب وداها

sakinah الف. عر. سکینه، آرامش قلب و روح در اسلام

Sakka ب. سکّا. خدای متون بسیار قدیمی بودایی که گفته می‌شد از ایندرا انسانی تر است

Sakya ب. ساکیا. نام طایفهٔ بودا بنیانگذار دین بودایی در شهر کاپیلاواستو درصد مایلی بنارس

salaam الف. سلام. سلم و سلامتی در اسلام

salaat الف. صلوة، نماز در اسلام

Salafiyya سلفیّه، از نحله‌های اسلامی که معتقد به بازگرداندن مردم به سنتهای اسلاف بودند

Salii ق. در روم قدیم به معنی کهانت یا کاهنان جنگی مریخ ـ خدای جنگ

salik الف. عر. سالِک راه طریقت در تصوف اسلامی

Salman الف. سلمان فارسی صحابی بزرگوار حضرت رسول(ص)

salvation عم. نجات و رستگاری روح از گناه و رسیدن به فلاح

Salvation Army م. سپاه نجات مسیحیان که توسط ویلیام وکاترین بوت در سال ۱۸۸۰ م. تأسیس شده دارای سلسله مراتب نظامی و درجات روحانی بود و به تبلیغ عقاید مذهبی می‌پرداخت

Salve Regina م. سلام و درود بر مریم باکره(س)

Samadaya ب. سامادایا. اصطلاح بودایی به معنای میل و آرزو که بنابرتعالیم بودا منشاء همهٔ آلام آدمی است

Samadhi ب. ه. سامادهی. تمرکز و مراقبهٔ شدید در دین بودایی؛ آخرین انگه یا عضو در راه هشتگانهٔ بودایی؛ نشئه و جذبهٔ روحانی و سرمنزل نهایی در ریاضت یوگا؛ رستگاری

Samana ب. سامانا. اصطلاح بودایی به معنی آوارگی، بیابانگردی و گوشه نشینی

Samaritan ع. سامری‌ها. اهل سامره فلسطین که یهود آنان را نجس می‌دانند ولی عقایدی شبیه به عقاید یهود دارند

Samatha ب. ساماتا. آرامش ذهن در دین بودایی

Sama-Veda ه. ساما ـ ودا. ودای آوازها؛ یکی از چهار مجموعهٔ سرودهای ودایی در دین هندویی و از متون مقدس آن دین

Sambhoga-kaya ب. سامبوگا ـ کایا.

اصطلاح بودایی به معنای یکی از سه بدن بودا؛ بدن متعالی و الهی بودا که موضوع دعا و پرستش بوداییان است

Sambodhi ب. سامبودهی. بصیرت، حکمت و جذب و درک حقیقت در دین بودایی

Samjna(s)=sanna ب. سامجنا / سانا. ادراک یا عزم و تصمیم در دین بودایی

Samma(p)/Samyak(s) ب. ساما/ ساماک. اصطلاح بودایی برای آنچه درست، واقعی و دقیق ومتعالی است؛لذا از این واژه در مورد خود بودا، راه هشتگانه و تنویر متعالی استفاده می‌شود

Samprali ج. سامپرالی. نوه و جانشین آشوکا پادشاه بزرگ هند که در قرن سوم ق. م به تأسیس معابد جاینی پرداخت

samsara ه. ب. اصطلاح تناسخ و حلول مجدد روح در تولدهای مکرر در ادیان بودایی و هندویی

samskaras ه. سامسکارا. اصطلاح دین هندویی در مورد آیینهای مقدس مربوط به سیکل حیات نظیر آیین اعطای ریسمان مقدّس

Samson ع. سامسون. یکی از شش نفر داوران بنی‌اسرائیل که دستاوردهایش در کتاب داوران تورات آمده

Samuel ع. شموئیل. آخرین و بزرگترین داوران بنی‌اسرائیل که شائول و سپس داود را به عنوان پادشاهان بنی‌اسرائیل تدهین نمود؛ عنوان دو کتاب در عهد عتیق؛ اسمعیل نبی(ع) پسر حضرت ابراهیم(ع)

Samurai سامورایی. طبقهٔ جنگجویان ژاپن که با روحیه بوشیدو تعلیم می‌بینند

Samyak = Samma ب. ساماک. نگاه کنید به ساما

Samyutta Nikaya ب. سامیوتا نیکایا. واژه پالی به معنای مجموعه‌ای از گفتار کوتاه‌که بخشی از سوتاپیتاکا، دومین بخش مهم از متون مقدس شریعت دین بودایی است

Sanatana Dharma ه. ساناتانا دارمه. واژه سانسکریت به معنای حقیقت ابدی؛ قوانین ابدی در بهاگاوادگیتا

San Chiao چ. سان چیائو (سه مذهب) سه دین رسمی چین: تائویی، کنفوسیوسی و بودایی

sanctification عم. تقدیس، تطهیر، پاکسازی، عادل شماری در ادیان مختلف

sanctity ولایت، تقدس، پاکی، حرمت

sanctuary عم. حرم مطهّر، جایگاه یا مکان مقدس، پناه‌گرفتن و بست نشستن؛ در عبری به معنای قدس الاقداس بیت‌المقدس که تابوت عهد عتیق در آن نهاده شده و هیچکس جز کاهن اعظم حق ورود بدانجا را ندارد؛ در مسیحیت به معنای بخشی از کلیسا که محراب در آن قرار دارد، حریم مقدس

Sanctus م. سرود «قدوس، قدوس» که هنگام برگزاری مراسم عشای ربّانی قرائت می‌گردد

Sandhills, The (Ahqāf) احقاف (سوره چهل و ششم قرآن)

Sangat س. سنگات (سنگهه). اجتماع بزرگ عبادی در دین سیک

Sangha ب. ج. سنگهه. اجتماع در دین جاینی و هندویی؛ نظام روحانی در دین بودایی و جاینی

Sangita Sutta ب. مجموعه‌ای از

Saoshyant ز. سوشیانت. مُنجی موعود در دین زرتشتی که در آخر زمان می‌آید و بر همه نیروهای شرّ غلبه پیدا می‌کند

Saracen الف. ساراسن. نامی که صلیبیّون به مسلمین داده بودند

Saram khand س. سارام خند. در تعالیم گورونانک سومین گام یا مرحله در جهت آزادی و رهایی

Sarana هـ. ب. سارانه. در دین بودایی به معنای پناه بردن به سانگهه؛ در دین هندویی به معنی پناه‌گرفتن در کریشنا

Sarapis/Serapis ق. سراپیس. خدای شفای بیماران در مصر باستان

Sarasvati هـ. ساراسوتی. در ابتدا الههٔ رودخانه‌های هند، امّا بعدها همسر براهما و مخترع زبان سانسکریت

Saraswati, Dayanand هـ. دیانند ساراسوتی. مصلح دین هندویی

Sarasuati Puja هـ. ساراسوتی پوجا جشن هندوان در اول سال به افتخار ساراسوتی همسر خدای بزرگ براهما

Sarum Rite م. نسخهٔ اصلاح شده‌ای ازنماز و دعای کلیسای کاتولیک روم که در کلیسای بزرگ سالیسبوری به‌کار می‌رود

Sarvastivadins ب. سارواستی وادین‌ها یکی از مکاتب بودایی اولیّه؛ از فرقه‌های منشعب از تراوادا

Sarvodaya هـ. نهضت هندویی قرن بیستم توسط وینودا بهاوه به منظور ارتقای کلی فرهنگ، اخلاق و سطح اقتصادی روستاییان هندی

Sasana ب. ساسانه. اصطلاح بودایی به معنای نظریه؛ نظریه دهامه مورد تعلیم بودا خطابات بلند که طلبه‌های مکتب بودایی به صورت سرود می‌خوانند

Sanhedrin ع. سن هدرین. شورای عالی مذهبی یهود در اورشلیم در دوران هلنی و رومی که از ۷۱ عضو خاخام تشکیل می‌شد و در کلیهٔ امور مذهبی و جنایی و مدنی صلاحیت نظر داشت

Sankhara(p) ب. سنکارا. در تفکر بودایی به معنای تمایلات یا پدیده‌های ذهنی مبتنی بر عادت

Sankhya هـ. سنکهیه. یکی از شش مکتب فلسفی ارتودوکس هندویی از هفت قرن هفتم قبل از میلاد؛ این مکتب بر ثنویت متافیزیکی مبتنی بوده و اساساً منکر خداست

Sanna(p)/Samjna(s) ب. سانا/ سامجا. ادراک یا عزم و اراده در تفکر بودایی

Sannyasin هـ سانی یاسین. در تفکر کلاسیک هندویی کسی که امور دنیا را ترک گفته و به چهارمین و آخرین مرحلهٔ حیات رسیده؛ استعمال عمومی این واژه در مورد هر زاهد و مرتاض دینی است

Sanskrit هـ. ب. سانسکریت. زبان باستانی آریاییان هند و زبان متون مقدس بودایی و هندویی

Sant tradition هـ. سنّت سانت. از مکاتب فکری و عبادی هندویی که در قرن پانزدهم در شمال هند نفوذ زیادی داشت و چهره برجستهٔ شاعر و متکلّم آن کبیر می‌باشد

Santa Claus م. بابا نوئل

Sanusiyya سانوسیّه (از سلسله‌های تصوف)

San-Zen ب. سان ـ ذن. مصاحبهٔ بین یک استاد ذن و یکی ازشاگردانش با استفاده از koan ها و mondo ها

انفاق، دعا و غیره تأمین می‌شود

Sat Nam س. سات نام. نام حقیقی [خداوند] در دین سیک

Satori ژ. ب. ساتوری. اصطلاح تنویر در زبان ژاپنی؛ هدف مکتب بودایی ذن

Satsang هـ. اجتماعات دینی هندویی که در آنها سرودهای مذهبی خوانده می‌شود

Sattva هـ. ب. ساتوا. از گوناها یا فضایل هندویی که به معنای روشنی و خوبی ترجمه شده؛ در تفکر بودایی به معنای بودن و هستی

Saturn ق. زحل/کیوان. در افسانه‌های یونان و روم خدای بذرکاری و مثل خزانهٔ کشور بوده، ساتورن

Saturnalia ق. ساتورنالیا. جشن رومی‌ها در ۱۷ دسامبر به مدت یک هفته به افتخار خدای ساتورن

Satya(s) [see Sacca] هـ. ساتیا. نگاه کنید به ساکا

Satyagraha هـ. ساتیاگراهه. اصطلاح مهاتماگاندی در مورد عدم خشونت مبتنی بر نیروی حقیقت

Satyartha Prakash س. ساتیارتا پراکاش. از متون مقدس دین سیک

Satyr ق. در افسانه‌های یونانی نیمه خدای جنگلی یا روستایی باگوش و دم اسب

Saul ع. شائول نبی(ع) از پیامبران عبرانی، طالوت نبی(ع)

saum الف. عر. صوم. روزه در اسلام

Sautrantikas ب. راهبان بودایی که تنها به سوتاها تکیه وکمک ابهیداما را ردّ می‌کنند

Savaiyye س. ساوایّه. بخشی ازکتاب داسام گرانت سیکها که به «انبار تسلیحات» متصل بوده و روی هم رفته روحیهٔ نظامیگری

Saster Nam-Mala س. ساستر نام مالا. بخشی از کتاب سیک‌ها به نام داسام گرانت که شامل «انباری از اسلحه» می‌باشد و تقوای نظامی گوروگوبیندسینگ مؤلف آن را شرح می‌دهد

Sastra ب. ساسترا. رساله‌های بودایی که به شکل حاشیه بر سوترا و یا یک کتاب کلامی منظم نوشته‌شده‌اند

Sat هـ سات. اصطلاح هستی یا وجود در دین هندویی که در نتیجه به امر خیر یا حقیقی گفته می‌شود

Satan عم. ابلیس، شیطان در ادیان مختلف

Satapatha Brahmana هـ. ساتاپاتا برهمانا. از کتب برجسته دین هندویی

Satchitananda هـ. ساچی تاناندا. نام «الوهیت» در دین هندویی؛ ترکیبی ازسه واژه به معانی هستی، آگاهی و برکت؛ برهمن مطلق

Satguru س. سات گورو. اصطلاح سیک تقریباً معادل واژهٔ «خداوند»

Sati/Sutti هـ. ساتی. زن خوب در دین هندویی؛ کسی که خود را درون آتشی که جنازهٔ همسرش را می‌سوزانند می‌اندازد؛ این روش بعدها تحت سلطهٔ انگلیس ممنوع شد

Sati(p) [see Smriti] هـ. ساتی / اسمریتی. آنچه به یاد آورده می‌شود؛ مثل کتاب گیتا

satisfaction م. نظریهٔ سن آنسلم متکلم مسیحی که می‌گفت بدن مصلوب عیسی، در مقابل خشمی که خداوند ازگناهان بندگان داشت، موجب رضایت ذات الهی گردید؛ کسب رضایت خداوند پس از توبه و اقرار به گناهان که معمولاً با مجازاتهایی نظیر روزه،

گوروی دهم، گوبیندسینگ، مؤلف آن را به نمایش می‌گذارند

Savitar هـ. ساویتار. خدای خورشید در دین ودایی که به نام ثریّا نیز خوانده می‌شود

Savonarola Giroalamo م. ساونارولا (۱۴۹۸ - ۱۴۵۲). کشیش دومینیکن که نهضتی اصلاحی را در فلورانس رهبری می‌کرد امّا از طرف پاپ تکفیر شد و مردم او را اعدام‌کرده و سوزاندند

sayyid الف. سیّد. اولاد پیامبر اسلام(ص)

scapular م. عبای کوتاه بدون آستینی که فقط شانه‌ها را می‌پوشاند

Scatterers, The (Zariyat) ذاریات (سوره پنجاه و یکم قرآن)

schism م. اختلاف و تفرقه و دو دستگی و جدایی در کلیسای مسیحی

Schmalkaldic Articles م.مواد اعتقادنامهٔ فرقهٔ مسیحیان لوتری که در سال ۱۵۳۷ م. در شهر کالد به وسیلهٔ لوتر و یارانش تنظیم شد

Schmalkaldic League م. اتحاد بین شاهزادگان آلمانی پروتستان در فوریه ۱۵۳۱ به منظور دفاع از لوتر در مقابل امپراطور چارلز پنجم

scholasticism آیین مدرسی؛ حکمت مدرسی؛ تحقیقات و تتبعات مذهبی متفکرین قرون وسطی، پیروی دقیق از روایات مذهبی

Schweitzer, Albert م. آلبرت شوایتزر (۱۹۶۵ - ۱۸۷۵ م). متکلّم و فیزیکدان شهیر آلمانی که کتب عمده‌ای در زمینهٔ کلام مسیحی تألیف کرده

scribes ع. کاتبین نسخه‌های خطی تورات که در ضمن متخصّصین علوم و شریعت یهودی بوده و آن را تدریس می‌کردند

scripture عم. کتاب مقدس یک جامعه یا امّت دینی؛ مثل قرآن نزد مسلمانان

Sebek ق. خدای آب در مصر قدیم که با سر سوسمار مجسم شده و مجسم کنندهٔ نیروهای شیطانی و مرگ بود

Seceders الف. خوارج در اسلام

Second Coming م. رجعت عیسی مسیح(ع) به زمین که در رسایل پولس رسول به چشم می‌خورد و مورد قبول کلیساست

sect عم. فرقه، مسلک یا دسته مذهبی

sectarianism عم. عقاید تعصب‌آمیز فرقه‌ای یا مسلکی

Sectarian Shinto ش. شینتوی فرقه‌ای (در مقابل شینتوی رسمی یا حکومتی)

secular عم. دنیوی، غیرروحانی، عرفی، غیر مذهبی، عامی

Secular Arm م. بازوی غیر روحانی کلیسای کاتولیک رومی که در قرون وسطی اگر کلیسا کسی را رافضی و مرتد می‌خواند مسئول کشتن آن شخص بود

secular clergy م. روحانیون مسیحی که در بیرون از صومعه‌ها زندگی می‌کنند

secularization عم. برگشت از عقاید مذهبی، دنیاگرایی، علاقه به امور دنیوی، دنیوی‌گری، عرفی شدن، جدایی دین از سیاست

Seder ع. شامی که خانواده‌های یهود در شب قبل از عید فصح به یاد بود خروج بنی‌اسراییل از مصر صرف می‌کنند

Sedia Gestatoria م. عرش مخصوصی که در بعضی مراسم خاص پاپ روی آن می‌نشیند و توسط دوازده نفر حمل می‌شود

Sedilia م. سه صندلی در قسمت جنوبی

محراب کلیسا که مقامات اداره کننده در مراسم عشای ربانی روی آن می‌نشینند

Sedna ق. الههٔ دریا در بین اسکیموها

seer عم. پیامبر و یا کسی که مدعی است با بصیرتی خاص آینده را پیش‌بینی می‌کند؛ رازبین، مُلهَم

Sefer Torah ع. سِفِر تورات. نوشته طوماری شکل تورات که در کنیسه‌های یهودی نگهداری می‌شود و طی مراسمی به محل قرائت حمل می‌شود

Sefiroth ع. اصطلاح عرفا و متصوّفهٔ یهود در مورد ده صفت خداوند

Sekhmet ق. الههٔ قدرتمند و آتشین مصر باستان که نمایشگر جنبهٔ تخریبی گرمای خورشید بود

Sekiten ک. سکیتن. جشن کنفوسیوسی معبد مقدّس یاشیما در ژاپن از قرن هفتم میلادی که مبیّن نخستین عقاید کنفوسیوس نزد ژاپنی‌ها است

Selah ع. واژه عبری که هفتاد و یک بار در مزامیر تکرار شده و ریشهٔ آن شناخته شده نیست؛ احتمالاً معادل لفظ «آمین» و یا علامت و نشانهٔ مناجات

Seleucid ق.ع. سلسلهٔ سلوکیه که پس از مرگ اسکندر مقدونی تا ۶۴ ق. م. برسوریه و نواحی آن حکومت کردند و شورش مکابیان یهود در زمان سلطنت ایشان به وقوع پیوست

self-immolation عم. فدا ساختن خویش در راه هدف

self-sacrifice عم. ایثار در راه عقاید دینی

Self-Subsisting الف. قیّوم (اسم الهی)

Semele ق. در افسانه‌های روم، سمله همسر زئوس و مادر دیونیسوس

seminary عم. مدرسهٔ علوم دینیّه، حوزهٔ علمیه

Semi-Pelagian م. نیمهٔ پلاگیوسی. تعالیم گروهی از علمای الهی مسیحی که بعضی از تعالیم آگوستین و بعضی از تعالیم پلاگیوس را پذیرفته‌اند

Semiramis ق. سمیرامیس. دختر یکی از الهه‌های آشوری که شهر بابل را بنا نمود

Semites ق. اقوام سامی از نسل سام بن نوح(ع)

Sen, Keshab Chunder (1838-84) سِن، کِشَب چوندر، از مصلحین متاخردین هندویی

Seng-Tsan ب. سنگ تسان. سومین کاهن اعظم فرقهٔ بودایی ذن در ژاپن

Sephardi ع. کلیمیان نسل یهودیان مقیم اسپانیا و پرتغال که چهره‌شان تیره‌تر از نسل اشکنازی‌ها می‌باشد

Septuagesima م. دورهٔ هفتاد روزه‌ای که از سومین یکشنبهٔ قبل از چلّه روزه و پرهیز تا شنبه قبل از عید پاک می‌باشد؛ سومین یکشنبه قبل از فصل پرهیز یا نهمین یکشنبه قبل از عید پاک

Septuagiant ع. ترجمهٔ یونانی یا سبعینی کتاب مقدس که توسط هفتاد و یا هفتاد و دو نفر از علمای یهود در قرون دوم و سوم قبل از میلاد انجام شده و به ترجمهٔ هفتاد نفری معروف است

Seraphiel اسرافیل

Seraphim ع. فرشتگان سرافین (جمع واژه عبری سراف)؛ فرشتگان با شش بال

Serapis (see Sarapis) ق. سراپیس

(سارایپس). خدای شفای بیماران در مصر قدیم

sermon عم. موعظه، خطابه، خطبه، وعظ

Sermon on the Mounth م. عنوان تعالیم و مواعظ عیسی در انجیل متی، باب ۵ تا ۷

Serpent ع. ماری که طبق روایت سفر آفرینش تورات (باب سوم) حوّارا گول زد که از میوه ممنوعه بخورد و نیز ماری از جنس برنز که موسی بالای چوبی کرد (سفر اعداد، باب ۲۱، آیات ۹ ـ ۴) تا هر که از یهودیان مارگزیده بر وی نظر کند شفا یابد؛ ۲. حیوان مقدس نزد آسکولاپیوس خدای طب یونان؛ ۳. Naga های اساطیر هندویی و بودایی

servant عبد، بنده

servanthood عبودیت، بندگی

Servant-Messiah ع. مسیحای خادم در دین یهود

Servant Songs ع. سرودهای «بندهٔ خدا» در ابواب مختلف کتاب اشعیای نبی (مثل باب ۴۲، آیات ۱ تا ۴) که ظاهراً در مورد کل قوم اسرائیل یا یک فرد خاص است

Seshat ق. الههٔ نوشتن و یادگرفتن و حامی آرشیتک در مصر باستان

Sesshin ب. دوره‌های یک هفته‌ای تفکر و مراقبهٔ شدید در مکتب بودایی ذن که در صومعه‌های ذن هر ماه یکمرتبه انجام می‌شود

Set ق. ست. در اساطیر مصر باستان برادر اوسیریس که وی را به قتل رساند و لذا سمبل نیروهای تاریکی است

Seth ق. عم. شیث. به روایت تورات (سفر پیدایش، باب ۴، آیه ۲۵) سومین پسر آدم و حوا که پس از کشته شدن هابیل به دست قابیل به دنیا آمد

seven Deadly Sins هفت گناه کبیره که طبق نظر پاپ گریگوری کبیر (۶۰۴ ـ ۵۴۰) عبارت‌اند از: غرور، طمعکاری، شهوت، حسادت، پرخوری، خشم و تنبلی

Seven Gifts of the Holy Spirit ع. هفت عطیه روح القدس که به روایت کتاب تورات (اشعیای نبی، باب ۱۱، آیه ۲) عبارت‌اند از: حکمت، مشورت، فهم، قوّت، دانش، تقوی، و ترس از خدا

Seven Sacraments م. هفت آیین مقدس در کلیسای کاتولیک روم از قبیل غسل تعمید، عشای ربّانی و غیره

Seven Sleepers (of Ephesus) اصحاب کهف

Seven Virtues م. هفت فضیلت اصلی انسانی در کلیسای قرون وسطی که عبارت‌اند از: ایمان، امید، خیرات و مبرّات، عدالت، حَزم، اعتدال، و قوت

Seveners الف. شیعیان هفت امامی یا اسماعیلیّه

Seventh Day Adventists م. مسیحیان پیرو عُقیدهٔ «آدونتیست روز هفتم» که شنبه را به عنوان روز موعود مراجعت عیسی(ع) به زمین مقدس می‌شمارند

Sexagesima م. یکشنبهٔ دوم قبل از چلّه روزه و پرهیز مسیحیان یا هشتمین یکشنبهٔ قبل از عید پاک

sext م. عبادت ساعت دوازده (ششمین ساعت عبادی) در کلیسا

Shaddai ع. نام عبری خداوند در قوم یهود که معمولاً به خدای متعال یا یَهُوَه ترجمه می‌شود

Shadhiliyyah شاذلیّه (از سلسله‌های تصوف اسلامی)

Shafi'ite School الف. مذهب شافعی در اسلام

Shahadah الف. کلمه شهادت در اسلام؛ ادای شهادتین (لا اله الاّ اللّه، محمّداً رسول اللّه)

Shaharit ع. نماز صبح یهودیان که در ضمن کاملترین نماز روزانهٔ آنهاست

Shahenshahi ز. شاهنشاهی. جشن سال نو در دین زرتشتی در اواخر ماه اوت مسیحی

Shaikhis شیخیّه در اسلام

Shaiva(ite) ه. شیوا. پیروان شیوا خدای هندویی

Shaiva Siddhanta ه. شیوا سیدانتا. مکتب فکری هندویی که از سنت شیوایی جنوب هند نشئت گرفته است

Shaivism ه. شیوا پرستی یا شیواگری؛ مذهب پیروان شیوا خدای هندویی

Shaking , The زلزال (سورهٔ نودو نهم قرآن)

Shakti ه. شکتی. همسران خدایان هندویی مثل لاکشامی همسر ویشنو؛ انرژی یا قدرت، مثل قدرت خلاقهٔ خدا

Shaku Baku ژ. ب. شاکو ـ باکو. تکنیک مورد استفاده فرقه سوکا ـ گاکای در مکتب بودایی ژاپن برای جلب افراد به آن فرقه که عبارت از قرار دادن فرد تحت تبلیغاتی شدید است

Shakya ب. شاکیا. قبیلهٔ گوتاما بودا

Shakyamuni ب. شاکیامونی. بودای تاریخی که به عنوان چهره‌ای متعالی و مُنجی بشر تصویر می‌شود؛ معنای لغوی «حکیم طایفهٔ شاکیا»

Shalagram ه. سنگ صدفی با علایم مارپیچی که یکی از سمبلهای ویشنو خدای هندویی است

shalom ع. سلام به زبان عبری؛ از همان ریشهٔ سِلم و سلامت

Shaman ق. شمن. در ادیان بومی امریکایی و آسیایی به شخصی گفته می‌شود که نقش واسطه بین افراد انسانی وعالم ارواح را دارد؛ کشیش یاکاهن جادوگر

Shamash ق. لقب خدای خورشید در ادیان بین‌النهرین، از ریشهٔ عبری «خورشید»

Shammai ع.. خاخام یهودی. رهبر یکی از دو مکتب مهم فریسی‌های یهودی در قرن اول پیش از میلاد

Shams (The Sun) شمس (سوره نود و یکم قرآن)

Shango ق. شانگو. خدای رعد و برق در بین افراد قبیلهٔ افریقایی یوروبا

Shang Ti (Di) چ.ژ.ک. شانگ تی وجود متعالی یا حاکم متعال در دین کنفوسیوسی؛ در عهد باستان همچنین به نیاکان خاندان سلطنتی که به‌عنوان یک معبود پرستیده می‌شدند گفته می‌شد

Shankara ه. شانکارا. فیلسوف هندویی از طبقهٔ برهمن‌ها که معتقد به همانندی براهمن و آتمان بود

shariah الف. شریعت در اسلام

sharif الف. شریف. فرد اصیل و شریف و یا از خانوادهٔ پیامبر اسلام(ص)

Shavout ع. شاووت. «عید هفته‌ها» (پنجاهه) در قوم یهود که پنجاه روز پس از عید فصح جشن گرفته می‌شود

shaykh الف. شیخ در اسلام

Sheba, Queen of ع. الف. ملکهٔ سبا که داستان برخورد وی با حضرت سلیمان(ع) در قرآن و تورات آمده

shechita ع. کشتن حیوانات برای مصرف محلی طبق آداب و رسوم قوم یهود

Shekhinah ع. درخشش، جلال حضور خداوند؛ اصطلاح یهودیان در مورد خود خداوند

Shem ع. حام بزرگترین پسر حضرت نوح(ع) به روایت تورات

Shema ع. شِما. نیایش یهود در هر صبح و شام با عبارت «ای اسرائیل بشنو، یهوه خدای ما یهوه واحد است» سفر تثنیه، باب ۶، آیه ۴

Shen-hui ب. شن هویی (۷۶۰ - ۶۸۶) استاد دین بودایی که خود شاگرد استاد اعظم هویی نِنگ بود

shen-shiu ب. شن شیو. پنجمین کاهن اعظم چینی فرقهٔ بودایی ذن (۷۰۶ - ۶۰۶)

Sheol ع. در ادبیات عبری به معنای عالم اسفل و برزخ

Shepherd of Hermas م. شبان هرماس رساله‌ای به همین نام از مؤلف مسیحی هرماس

Shiah الف. شیعه در اسلام

Shi'ite الف. شیعی مذهب

She Chi (Ji) چ. ژ. شی جی. خدای زمین و دانه

Shikan Taza ژ. ب. اصطلاح فرقهٔ بودایی ذن در ژاپن و به معنای «فقط نشستن» که در مورد تمرکز خالص فکر در فرقهٔ سایجو در مکتب ذن استعمال می‌شود

Shi King ک. شی کینگ. به معنای قانون شاعری؛ از متون مقدس دین کنفوسیوس که بیشتر یک جُنگ دینی است

shila ب. شیلا. مقررات اخلاقی مثل منع دزدی، زنا، قتل، دروغ و غیره در هندویی

shimenawa ش. شیمناوا. طنابی از کاه برنج که سر در معابد شینتویی آویزان است

Shimunega ق. اف. شی مونگا. نام خدای قبیله‌ای با - ایلا در زامبیا

Shin Buddhism / Shin Shu ب شین بودیسم / شین شو. فرقهٔ حقیقی «سرزمین پاک» بودایی ژاپن در شکل افراطی خویش که معتقد به نجات و رستگاری از طریق ایمان ناب است

Shingon ژ. شینگون. فرقهٔ بودایی سرّی (تانتریک) ژاپن که در قرن هشتم توسط کوکای به ژاپن آورده شد

Shinran ب. شین ران (۱۲۶۳ - ۱۱۷۳). کاهن ژاپنی بودایی، شاگرد هونن و بنیانگذار فرقه «سرزمین پاک»

Shinto-Shintao ش. شینتو یا شینتائو. به معنی راه خدایان؛ گونه‌ای طبیعت و نیاکان‌پرستی که دین بومی ژاپنی‌هاست

Shintoism ش. دین شینتوئی، شینتو گرایی

shirk الف. شرک در اسلام

Shiuratri ه. شیوراتری. جشن بهاره به افتخار شیوا خدای دین هندویی

Shiva ه. شیوا. از بزرگترین خدایان هندویی که در کنار براهمن و ویشنو تثلیث هندویی را به وجود می‌آورند

shivah ع. شیوه. دورهٔ هفت روزهٔ عزاداری یهودیان پس از مرگ خویشان که در منزل می‌باشند و اقوام به دیدنشان می‌روند

shofar ع. شوفار. شیپوری از شاخ قوچ که به مناسبت عید سال نو یهودی در کنیسه‌ها

می‌زنند

Shojo Zen ب. ژ. شوجو ذن. سومین نوع از پنج نوع ذن؛ مشهور به ذنِ هینایاما یا گردونهٔ اصغر

Shopona اف. شوپونا. از خدایان قبیلهٔ افریقایی یوروبا

Shraddha rites ه. مراسم عزاداری پس از مرگ در دین هندویی

Shramanas ه. شرامانه‌ها. آموزگاران دین هندویی که از طبقهٔ برهمن‌ها نباشند

shramanera ب. شرامانره. نوآموز تازه وارد در یک صومعه و یا کسی که می‌خواهد داخل سنگهه شود

Shravaka ب. شراواکه. واژهٔ بودایی در مورد کسی که کلام بودا را مطالعه می‌کند؛ در اصل به معنای «شنونده» امّا امروزه به معنای «خواننده» کلام بودا که سپس به تأمّل و مراقبه می‌پردازد

shrine عم. معبد، مقبره بزرگان دین، زیارتگاه، عتباتِ مقدسه

shrine Shinto ژ. ش. شینتوی حکومتی یا مقدس که عملاً نوعی آداب میهن‌پرستانه است

Shrove Tuesday م. سه شنبه قبل از چهارشنبه ایام توبه و پرهیز مسیحیان؛ روز استغفار از گناهان و کسب بخشایش

Shu ق. شو. خدای آسمان و آفتاب در مصر قدیم که نگاهدارندهٔ آسمان بود؛ صفت معامله به مثل در دین کنفوسیوسی

Shu'ara (The Poets) شعراء (سوره بیست و ششم قرآن)

Shudhi ه. شادهی به معنای تطهیر؛ از آداب فرقهٔ آریا ساماج برای وارد کردن بی‌طبقه‌ها به جامعهٔ هندویی

shudra ه. شودرا (شودره). پایینترین طبقه در نظام طبقاتی کاست در دین هندویی که معمولاً خدمتکار سه طبقهٔ دیگر می‌باشند

Shu King ک. کتاب شوکینگ یا قانون تاریخ، از متون مقدس دین کنفوسیوسی که مروری است بر تاریخ چین

Sulchan Aruch ع. کتاب قانون دین یهود تألیف یوسف کارو (۱۵۷۵ - ۱۴۸۸)

shunyata ب. شونیاتا. اصطلاح بوداییان در مورد خالی بودن یا پوچی که طبیعت اصلی هرچیزی است

Sibyl ق. سیبیل. لقب زنان غیبگو در روم باستان که کتابهایی منتسب به آنهاست

Sibylline Oracles ع. مکاشفات یا پیشگوییهای مبتنی بر الهام. عنوان مجموعه‌ای از نوشتجات دینی مبتنی بر مکاشفه و الهام که عمدتاً تألیف یهودیان دوران هلنی اسکندریه هستند

Siddha ه. سیدها. ۱. واژهٔ سانسکریت مستعمل در دین هندویی به معنای کمال و تحقق کامل؛ ۲. دادن غله به کشیش در مقابل خدمات دینی در هندوئیسم روستایی؛ ۳. در دین سیک به چهره‌های افسانه‌ای می‌گویند از طریق ریاضت یوگا به تبرک و تقدس دست یافته‌اند

Siddhantas = Sidhantas ج. سیدانتاها یا ذخایر. از مجموعهٔ متون مقدس دین جاینی

Siddharta ب. سیدارتا گوتاما. نام شخصی آموزگاری که بعدها به بودا ملقب شد

Siddha [=Iddhi] ب. سیدا / ایدی. قدرت ذهنی تکامل نایافته در دین

بودایی

Siddur ع. سیدور. عنوان کتاب نماز و دعای روزانهٔ یهودیان و به معنای تحت اللفظی «ترتیب»

Sidhantas ج. سیدانتاها یا ذخایر. از متون مقدس دین جاینی

sign (of God) عم. آیت (الهی)

Sila ب. شیلاً. اصطلاح بودایی در مورد قواعد رفتار و سلوک شایسته (نظیر اجتناب از قتل،...)

Silas, St. م. سن سیلاس. از همراهان پولس رسول در سفرهای وی به مقدونیه و قرنت و اولین اسقف اعظم قرنت (corinth)

Silenus ق. سیلنوس. در یونان قدیم الههٔ جنگل که به‌شکل انسان ولی با دم و گوش‌اسب مجسم شده

Silver Rule ک. قانون سیمین در دین کنفوسیوسی

Simchat Torah ع. عید دوباره به تـورات پـیوستن؛ روزی در آخـرین عـید «سکوت» که شروع مجدد قرائت متن تـورات در کنیسه‌ها برای سال جدید است

Simeon ع. شمعون. پسر دوم حضرت یـعقوب؛ قـبیلهٔ وی کـه در جـنوب کـنعان می‌زیسته؛ کشیش پیری که عیسای(ع) نوزاد را در معبد اورشلیم در بغل گرفته و شکرگذاری به عمل آورد (انجیل لوقا، باب ۲، آیات ۲۵ ـ ۳۵)

Simon م. سیمون. شمعون غیور یکی از حواریون عیسی(ع)؛ شمعون پطرس رسـول و حواری عیسی(ع)

Simon Peter م. سیمون پطرس. حواری فوق الذکر که نامش سیمون بود ولی حضرت عیسی(ع) اورا پطرس می‌نامید

simony م. خرید و فروش مقدسات مثل مناصب روحانی، موقوفات، و عواید دینی

sin عم. گناه در ادیان مختلف

Sinai, Mt. ع. کوه سینا. محل تجلی خداوند بر حضرت موسی(ع)

sincerity عف. اخلاص

Singh(s) س. سینگ. معنای تحت اللفظی «شیر»؛ لقب کسانی که به جـامعه «خـلصا» ی سیکها وارد می‌شوند

Singh, Guru Govind س. گورو گوویند سینگ مصلح دین هندویی

Sinism چ. ق. چین‌گرایی یا دین چینی؛ بعضاً برای اشاره به مذاهب قدیم چین به کار می‌رود

sinlessness عم. عصمت و بی‌گناهی انبیاء و ائمه

Sirah الف. سیرة النبی. سیرهٔ پیامبر اکرم(ص) در اسلام

Siren ق. سیرن. در یونان قدیم به معنای، حوری دریایی یا رب النوع مرگ که به اشکال مختلف مجسم می‌شود

Sistine Chapel م. نمازخانه یا کلیسای کوچکی در واتیکان که طرح پاپ سیکستوس چهارم است

Sisyphus ق. در افسانه‌های یونان پادشاه مکاری است که در عالم اسفل سنگی را بـه بالای کوهی می‌غلطاند و آن بالا که رسید باز پایین می‌افتد؛ کنایه از سرنوشت افراد شرور در عالم برزخ

Sita هـ. سیتا. از چهره‌های برجستهٔ دین هندویی؛ همسر راما و قهرمان مؤنث داستان حماسی رامایانا

Sivcauni هـ. زینت آلاتی که در دین هندوی روستایی در مراسم عروسی به عروس هدیه می‌دهند

Skandha [see Khandha] س. اسکاندا (خاندا). شمشیر دو لبه‌ای که سیکها در مراسم خود به‌کار می‌برند

Sleipnir ق. اسلیهنیر. در افسانه‌های عامیانه اسکاندیناویایی نام اسب اودیـن خـدای قـوم نوردیک می‌باشد

Smartas هـ. اسمارته‌ها. گروهی از هندوها که از پیروان شانکارا هستند و در عین حـال هردو خدای ویشنو و شیوا را مـی‌پرستند و سعی در اتحاد فرق هندویی دارند

Smriti/Sati ب. اسمریتی/ ساتی. مواظبت و دقت در دین بودایی؛ مرحلهٔ هـفتم از هشت مرحله اصلی

Smrti هـ. اسمرتی. به معنای تحت اللفظی «چیزی که به خاطر سپرده شده»؛ واژهٔ هندویی در مورد آثاری که تـوسط حکـمای هندویی به خاطر سپرده شده‌اند، مـثل کـتاب گیتا

sobriety عف. مقام (حال) صحو عرفانی، متانت و آرامش

Society of Friends م. انجمن دوستان انجمن مسیحی که در قرن هفدهم در انگلستان به دنبال تعالیم ژرژ فاکس بنا گردید و اعضای آن به نام کواکرها خوانده می‌شوند

Society of Jesus م. انجمن عیسی(ع). یسوعیان (ژزوئیت‌ها)

Socinianism م. پیروی از عقاید سوسینوس (Socinus) که منکرالوهیت عیسی، تثلیث و وجود شیطان بود و اعتقاد داشت که انسان ذاتاً گناهکار نیست و کفّاره لزومی ندارد و راه نجات در پیروی از فضایل معنوی مسیح است (بسیار شبیه بـه نـظر مسلمانان دربـارهٔ مسیحیّت)

sodales م. کشیشان دون پایه‌تر در روم باستان

sodality م. انجمن دوستی در کلیسای کاتولیک روم؛ اطاق کوچک کلیسا که معمولاً به دید و بازدید اختصاص دارد

Sodar س. عبادت و دعای شامگاهی سیکها

Sodah Rahiras س. مراسم دعای شامگاهی سیکها که در آن سرودهایی از کتاب گورو گرانت صاحب خوانده می‌شود

Sodom and Gomorrah ق. شهرهای سدوم و عموره در شمال بحرالمیّت که بـنابر روایت تورات مردمانش به شرارت و فساد ـ مخصوصاً لواط ـ معروف بوده‌اند

Sohila س. آخرین نماز روزانهٔ دین سیک که قبل از رفتن به بستر خوانده می‌شود

Soka - Gakkai ژ. ب. سوکا ـ گاکای. از ادیان جدید ژاپن که حرکتی بر مبنای مکتب بـودایـی نـی‌چی رن بـوده و افکـار بسیار ملی‌گرایانه‌ای دارد

Sokha هـ. سوکهه. روحانی دین هندویی در دهات و قصبات

Soko (Nupe) ق. سوکو. خدای قبیلهٔ نی‌یوپ در نیجریه

Soldier ق. سرباز. سومین مرحله ازمراحل هفتگانهٔ ورود به دین میترایی

Solifidianism م. از تعالیم لوترو سایر مصلحین پروتستان کـه مـی‌گوید تـنها وسـیلهٔ نجات و رستگاری، ایمان انسانهاست

solipsism عم. پیروی از نفس و نفسانیات؛ اعتقاد به اینکه جز نفس حقیقتی وجود ندارد

solitude عم. گوشه نشینی و عزلت صوفیانه

Solomon (Sulaiman) ع. ی. حضرت سلیمان نبی(ع) از پیامبران بنی‌اسراییل

Soma ه. سوما. نوشیدنی فرحبخش و نیروبخشی که از ساقه‌های گیاه بخصوصی تهیه شده و در بعضی از مراسم ودایی به محضر خدایان تقدیم می‌شود؛ بعضاً به صورت یکی از خدایان هندویی تجسم می‌یابد

Song of Solomon ی. کتاب غزلهای حضرت سلیمان(ع) در تورات

Son of God م. پسر خدا، از القاب حضرت عیسی(ع) در اناجیل

Son of Heaven ک. پسر آسمان، از القاب کنفوسیوس

Sophia, St. م. الف. کلیسای قدیمی ایاصوفیه در استانبول که توسط سلطان محمد فاتح به مسجد بزرگ اسلامی تبدیل گردید

sorcery جادوگری و افسونگری

soteriology عم. مبحث نجات و رستگاری در علم کلام

Soto ژ. ب. از فرقه‌های با نفوذ مکتب ذن که توسط کاهن چینی دوگن (۱۲۵۳ - ۱۲۰۰) به ژاپن وارد گردید

soul عم. نفس، جان، روان، جنبهٔ غیر مادّی وجود انسان

South School (Ten-gaiais) ه. مکتب جنوب یا جنوبی؛ از مکاتب دین هندویی

Southern School of Buddhism (Hinayana) ه. فرقهٔ هینایانا یا مکتب جنوبی دین بودایی

Sovereignty of God عم. سلطنت یا ملکوت خداوندی

Spenta ز. سپنتا به معنای بخشنده و مقدس؛ از اوصاف اورامزدا خدای دین زرتشتی

Spenishta Mainyu ز. اسپنیشتامانیو بخشنده‌ترین روح؛ از ارواح خیر (امشاسپندان) در دین زرتشتی

Spenta Mainyu ز. سپنتامانیو. در تعالیم زرتشتی به روح مقدس یا خدای جمیل اطلاق می‌شود؛ یکی از هفت امشاسپندان (ارواح نیک) در مقابل انگره مانیو (اهریمن)

Sphinx عم. ابوالهول. موجود موهومی که ترکیبی از شیر و زن است

Spider, The ('Ankabut) عنکبوت (سورهٔ بیست و نهم قرآن)

spirit عم. روح، روان، جان؛ روح القدس

spirits عم. ارواح مقدس در ادیان مختلف

spiritual عف. معنوی، روحانی

Spiritual Exercises م. تمرینات روحی. نام رساله‌ای که لیولا در سال ۱۵۴۱ م برای هدایت اعضای «انجمن عیسی(ع)» یا یسوعیان، نوشت

spiritualism عم. اعتقاد به اصالت روح و اینکه روح انسانی پس از مرگ جسم باقی می‌ماند

spiritual path (way) الف. طریقت در عرفان

Splitting, The (Infitār) انفطار (سورهٔ هشتاد و دوم قرآن)

Spoils of War, The الف. انفال در اسلام (نیز نام سورهٔ هشتم قرآن)

Spreader, the باسط (اسم الهی)

Srosha ز. سروش. واژهٔ مستعمل در دین زرتشتی اوّلیه به معنی هنر خوب شنیدن و اطاعت

Sri ه. شری. الههٔ خوشبختی در دین هندویی، همسر ویشنو خدای بزرگ

Sri Chinmoy ه. شری شین موی. گورو (آموزگار) هندویی (متولد ۱۹۳۱) که «راه قلب به خداوند» را تعلیم می‌دهد و در غرب طرفداران زیادی پیدا کرده است

Sri Ramakrishna ه. شری راماکریشنا بنیانگذار نهضت هندویی راماکریشنا در قرن نوزدهم

Srong Ma ب. شرونگ ما. اصطلاح بودائیان تبّت در مورد «محافظین ایمان»؛ عنوانی که به خدایان اصلی دین قدیمی بُن در تبت اطلاق می‌گردد

Sruti ه. سروتی. به معنای تحت اللفظی «آنچه شنیده می‌شود»؛ اصطلاح هندوان در مورد متون وحی شده (مثل وداها، اپانیشادها، و غیره)

Ssu Shu ک. سوشو. از متون مقدس کنفوسیوسی که توسط پیروان بلافصل کنفوسیوس نوشته شده‌اند

Stabat Mater م. واژه‌های ابتدایی سرودی که در قرن سیزدهم برای سوگواری به خاطر مصلوب شدن عیسی(ع) سروده شده و حضرت مریم(ع) را در کنار دار حضرت عیسی(ع) مجسّم می‌سازد

stage (station) الف. مقام در عرفان

Stairways, The معارج (سورهٔ هفتادم قرآن)

Star, The نجم (سورهٔ پنجاه و سوم قرآن)

Star of David ی. ستارهٔ داود. ستاره شش گوشه‌ای که از دو مثلث متحدالاضلاع تشکیل شده و در قدیم سمبل آب و آتش بوده و برای محافظت در مقابل شیطان به کار می‌رفت

state عف. حال در عرفان

Statement of Creed عم. اعتقادنامه؛ شهادتین (در اسلام و ادیان دیگر)

stations عف. مقامات عرفانی

Stations of the Cross م. مجموعهٔ چهارده نقاشی یا کنده کاری که به ترتیب بردیوارهای کلیسای مسیحی منقوش می‌شوند و حالات حضرت عیسی(ع) برپای دار را به نمایش می‌گذارند

Stephen, St. م. سن استیفان. اولین شهید مسیحیّت که روز ۲۶ دسامبر را به یاد او برگزار می‌کنند

Sthanakavasi (vasti) ج. استهاناک وستی. از فرقه‌های اصلاحگرای دین جاینی در قرن پانزدهم

Sthavira ب. استاویرا. از اولین مکاتب فکری دین بودایی متعلق به قرن سوم قبل از میلاد

Stigma (p. Stigmata) م. استیگما. علایمی شبیه به علامتهای زخمهای حضرت عیسی(ع) بر صلیب

Stoicism رواقی گری، پیروی از فلسفهٔ رواقیون که توسط زنون یونانی ابداع گردیده است

Stoics رواقیون

Stole م. جامعهٔ سفید و دارای حمایل اسقفان و کاردینالها در کلیسای مسیحی

Stonehenge ق. واژه ساکسونی به معنای «سنگهای معلق» که در حدود بیست قرن پیش از میلاد به صورت یک مکان مقدس سنگی (احتمالاً برای پرستش خورشید) بنا می‌شده

Stool ق. چارپایه. در ادیان قدیمی افریقای غربی شیء مهمّی قلمداد شده و معتقد بودند که

چارپایه طلایی قبلهٔ آشانتی از آسمان نازل شده و در بردارنده روح آنها است؛ در مسیحیت به معنای چارپایهٔ زیر زانو برای عبادت در کلیسا؛ مقرّ اسقف یا کرسی اسقفی

Striking, The قارعه (سورهٔ صدویکم قرآن)

struggle الف. عف. مجاهده

stupa عم. گنبد، گنبد مقبره، گنبد زیارتگاه؛ مبعد بودایی؛ در دین بودایی همچنین به معنای گنبد مخروطی شکلی که آثار باقیمانده از بودا در آن نگهداری می‌شود

Styx ق. در افسانه‌های یونان نام رودخانهٔ عالم اسفل که می‌گویند هفت مرتبه به دور دوزخ جریان دارد

subha الف. سبحه، دانه تسبیح در بین مسلمانان

subha ب. اصطلاح بوداییان در مورد آنچه زیباست

Sublapsarian م. طبقه‌ای از پیروان کالوین که می‌گفتند اعتقاد به اینکه خداوند تنهامعدودی را برای نجات برگزیده وبقیه را محکوم کرده کفرآمیز است و فیض و برکت خداوند برای رهایی انسان از گناهان است

Sublime, the العلی (اسم الهی)

submission عم. تسلیم در مقابل خداوند

subsistence عف. بقاء

substance عم. جسم، ماده، ماهیّت، جوهر؛ در کلام مسیحی در مورد هستی بنیادینی به کار می‌رود که اقانیم ثلاثه در آن یکی می‌شوند؛ در فلسفهٔ مسیحی به عنوان واحد هستی (قائم بالذات) اطلاق می‌شود؛ در الهیات کلیسای کاتولیک روم به جوهرنان وشراب عشای ربانی اطلاق می‌گردد

Subtle, the اللطیف (اسم الهی)

Sidra = shudra هـ. سدرا، سودرا= شودرا، پایینترین طبقه اجتماعی در دین هندویی

Sudre ز. سودر. پیراهن نخی سفید مقدسی که زرتشتیان همواره برتن دارند ونشانهٔ زره دین و تقواست

suffering عم. عذاب

Suffragan Bishop م. اسقف تابع اسقف نشین بزرگتری؛ اسقف درجهٔ دوم

sufi عف. صوفی

sufism عف. صوفیگری، صوفیگرایی

sufi orders الف. سلسله‌ها یا طریقه‌های تصوف

sufi robe الف. خرقه

suhoor الف. ع. سَحور، سحری

suhrawardiyya سهروردیّه (از سلسله‌های تصوف اسلامی)

sujud الف. سجود

sukha ب. سوکها. واژه بودایی به معنای خوشحالی

Sukhavati ب. سوکهاواتی. واژهٔ مستعمل در فرقهٔ بودایی سرزمین خالص برای بهشت

Sukhavati-Vyuka (Vyada) ب. از متون مقدس دین بودایی

Sukkah ع. ی. سرپناه موقت خانواده‌های یهودی به هنگام صرف غذای عید خیام (جمع خیمه)

Sukkot = Sukkoth ی. عید خیام (جمع خیمه) یهودیان که پانزده روز طول می‌کشد ویهودیان در ماه تشرین (در فصل پاییز) برگزار می‌کنند

Sulaiman (Solomon) حضرت سلیمان نبی(ع) از پیامبران بنی‌اسرائیل

Sun, The شمس (سورهٔ نود و یکم قرآن)

Sundareshvara هـ. معنای تحت اللفظی «رب زیبا»؛ نام شیوا خدای هندویی به هنگام پرستش وی در معبد مادورا

sunday م. یکشنبه، روز سبت یا تعطیل مذهبی مسیحیان (مثل جمعه مسلمانان)

Sundering, The انشقاق (سورهٔ هشتاد و چهارم قرآن)

Sun-Goddess ق. الههٔ خورشید

Sunna(p)/Sunyata(s) ب. اصطلاح مستعمل نزد بعضی از فلاسفهٔ بودایی در مورد خالی بودن مطلق

Sunnah الف. سنّت در اسلام

Sunni = Sunnite الف. سنّی، اهل تسنّن

Sun-Worship ق. خورشید پرستی یا پرستش خورشید

Sun-Worshipper ق. خورشید پرست، آفتاب پرست

sunya = sunyata ب. خالی بودن واقعیت مطلق

supererogatory prayer الف. نافله

superstition عم. خرافه

supplication عم. انابه، درخواست، دعا، مناجات

Supralapsarian م. فرقه‌ای از کالوینیستهای مسیحی که عقیده داشتند خداوند نیکان و بدان را از ازل برگزیده و لذا انسان محکوم به سقوط و گناه است

Supreme Being عم. ذات متعال، خداوند

surah الف. سورة

Surat al-Fatiha الف. سورةالفاتحه

Suriya هـ. سوریا. خدای خورشید در ریگ ودا قدیمیترین متن مقدس هندویی

surplice م. ردای کتانی سفید وگشاد کشیشان در موقع انجام مراسم مذهبی

surrogation عم. جانشینی، قائم مقامی یا نیابت در امور مذهبی

Surt ق. در اساطیر اسکاندیناوی غول شرور و سیاه

Susanoo = Susanowo ش. از خدایان قدیم دین شینتویی؛ خدای باد سفید کنندهٔ باستان؛ خدای طوفان

Susa-no-wo از خدایان دروغگو و فاسد شینتویی

Suthre س. سوتر (سوتهر). به معنای دراویش یا گداهای خالص؛ یکی از فرقه‌های دین سیک

Sutta(p)/Sutra(s) ب. هـ. سوتا/ سوترا. مجموعهٔ کلمات قصار دینی در موضوعات مختلف و به معنای تحت اللفظی «ریسمان»؛ ریسمانی که این کلمات را به هم می‌پیوندد و به صورت یک مجموعه در می‌آورد

Sutta Nipata ب. سوتانیپاتا. به معنای تحت اللفظی «مجموعهٔ ابیات یا آیات»؛ از متون مقدس بودایی در پنج قسمت که قسمت سوم مربوط به وسوسهٔ بودا توسط مایا و سپس ترک دنیاست

Sutta Pitaka ب. سوتانیپاکا. دومین زنبیل از سه زنبیل بودایی قانون کتاب مقدس؛ سبد آموزش مشتمل بر مباحثات و تعالیم بودا

Suttee = Sati هـ. سوتی. آنچه به یاد

قـدیم بـه عـنوان گـردونه ویشـنو و عـلامت خوشبختی استعمال می‌شد

Swedenborg, Emanuel امانوئل سـوئیدنبرگ (۱۷۷۲ - ۱۶۸۸) دانشـمند و عارف سوئدی و بنیانگذار کـلیسای اورشـلیم جدید (New Jerusalem Church)

Syad Vada ج. سیادوادا. روش فلسفی دین جاینی؛ روش احتمال و امکان قضایا

Syllabus of Errors م. فهرست خطایا. مجموعهٔ هشتادبندی خطاها و انحرافات فکری و عملی که توسط پاپ پیوس نـهم در سـال ۱۸۶۴ میلادی عنوان گردید

symbol الف. رمز در عرفان

symbolism عم. مکتب نمادگرایی یا علایم رمزی در ادیان مختلف (مثل علامت صلیب و غیره)

Syn ق. در افسانه‌های اسکاندیناوی الههٔ عدالت

synagogue ی. کنیسه، محل اجتماع (مسجد) یهودیان

synaxary م. شرح زندگی اولیاء و مقدسین؛ تذکرة الاولیاء

synaxis م. واژهٔ یونانی به معنی اجتماع؛ در کلیسای قدیم به مجلس عبادت مـذهبی گـفته می‌شد

syncretism عم. اعتقاد به توحید و تلفیق عقاید مذهبی گوناگون

Synod م. شورای کلیسایی؛ جلسهٔ رسمی ایالتی اسقفان در حوزهٔ اسقفی

Synoptic Gospels م. اناجیل هماهنگ یا همخوان؛ اناجیل لوقا، متی، و مرقس که از نظر محتوی شباهتهای زیادی دارند

آورده می‌شود (مثل کتاب گیتا)

Sva-dharma هـ. سوا - دهارمه. تکالیف و وظایف انسان که بر حسب جایگاه طبقاتی، مرحلهٔ زندگی و هدف وی تعیین می‌شود

svatantra هـ. نظریهٔ هندویی در تعالیم مادهوه فیلسوف براینکه تنهاخداوند است کـه خود مختار می‌باشد

Svayambhu هـ. سوایا مبهو. لقب خدا در دین هندویی

Svetambara ج. اشوتامبرا (مبره) ها. فرقهٔ سپیدجامگان در دین جاینی

Svetasvatara هـ. یکی از اوپانیشادهایی که در دوران وسطای تألیف اوپانیشادها نوشته شده

Swadeshi هـ. واژهٔ مستعمل توسط مهاتما گاندی به مـعنای عشـق و مـحبت نسـبت بـه همسایه و همنوع

Swami هـ. سوامی. عضو یک سلسلهٔ مذهبی دین هندویی؛ آدم مقدس و مورد احترام جمع

Swami Dayananda = Swami Dayanand Saraswati هـ. سوامی دایـانـاندا. مـصلح هـندویی کـه فـرقهٔ آریاساماج را در سال ۱۸۷۵ در شـهر بـمبئی بنیان گذاشت

Swami Vivekananda هـ. سوامی ویوکاناندا. نام مذهبی نارندرانات داتا (۱۸۶۳ - ۱۹۰۲ م) از مصلحین دین هندویی

swaraj هـ. سواراج. واژهٔ مستعمل توسط گاندی به معنای حکومت خانگی (مستقل از انگلستان)

Swarga هـ. سوارگا. بهشت (آسمان) ایندرا در اساطیر هندویی

Swastika ق. چلیپا یا صلیب شکسته که در

T

(سوره شصت و ششم قرآن)

Taghābon (Loss and Gain) تغابن (سوره شصت و چهارم قرآن)

Tagore, Debendranath هـ. دبندرانات تاگور. از رهبران و مصلحین دیـن هندویی که دومین رهبر فرقهٔ برهماساماج شد

Togore, Rabindranath هـ. رابیندرانات تاگـور (۱۸۶۱ - ۱۹۴۱ م) پسـر دبندرانات؛ شاعر و مصلح بزرگ دین هندویی

Tā hā طٰهٰ (سوره بیستم قرآن)

tahrif الف. تحریف

T'ai chi ج. ته آی چی. وجود مطلق و متعالی در فلسفه چینی

T'ai ping ج. طبق نظریه مو - تزو، آموزگار تائویی، دوران صلح وآرامش جهانی

T'ai Ping Tian Guo ج. ژ. سلطنت آسمانی صلح عظیم؛ حرکتی دینی ـ سیاسی در اواسط قرن نوزدهم در چین

T'ai-Shang Kang-ying Pien ت. از متون مقدس دین تـائویی؛ رسـاله‌ای در بـاب افعال و جزای آنها

Taizé م. تایزه. جمعیت رهبانی پروتستان که در سال ۱۹۴۰ م توسط راجر شوتز در کلونی در جنوب شرقی فرانسه بنیان گذاشته شد

Tabernacle ی. خیمه یا سایبان موقتی که یهودیان در دوران سرگردانـی در بـیابان استفاده می‌کردند و در سفر خروج (آیات ۳۶ - ۳۵) شرح داده شده؛ درکلیسای کاتولیک روم ظرفی که تمثال یا چیزهایی مـقدس را در آن نگه می‌دارند

Tabernacles, Feast of ی. عید خیام (سکوت) یهودیان که در پاییز برگزار می‌شود

Table, The مائده (سورهٔ پنجم قرآن)

Tablets of Destiny ق. الواح سرنوشت و تقدیر در اساطیر بین‌النهرین (کـه هـرکس مالک آنها بود سرنوشت دیگـران را دردست داشت)

taboo (tabu) ق. تابو، نهی شده، تحریم شده، قدغن، تقدیس شده و مقدس، محرّم

Tabor, Mount م. کوه طابور که طبق روایات مسیحی محلّ تبدیل هیئت عـیسی(ع) بـوده و اکـنون در آنجا کـلیسا و صـومعه‌ای ساخته‌اند

tafsir الف. تفسیر

Ta Hsio ک. تاهسیو. به معنای آموزش کبیر؛ از کتب مقدس دین کنفوسیوسی درباب تقوی

Tahrim (The Prohibition) تحریم

tallo(n) قصاص، تلافی عینی

Takāsur (Multiplication of Wealth and Children) تکاثر(سوره صد و دوم قرآن)

takbir الف. تکبیر. ذکر اللّه‌اکبر در اسلام

Ta-Kiri-Bima ش. تاکی ری بیما. الههٔ باران در دین شینتویی

Takwir (The/Covering up) تکویر (سوره هشتاد و یکم قرآن)

Talāq (The Divorce) طلاق (سوره شصت و پنجم قرآن)

talisman عم. طلسم، تعویذ

tallith ی. روپوش مخصوص یهودیان به هنگام دعاکه سینه و پشت را می‌پوشاند

Talmud ی.ع. تلمود. مجموعهٔ قوانین شرعی و عرفی دین یهود که بعد از تورات مهمترین کتاب دینی آنان است

Talmud Torah ع. معنای تحت اللـفظی «مـطالعهٔ تـورات»؛ مـرکز تـعلیمات یهودیان

Talwandi س. تالواندی. دهکدهٔ محل تولد نانک بنیانگذار دین سیک در جنوب غـربی لاهور

tamas هـ. از گوناها یا صفات هندویی به معنای انبوهی یا تیرگی

Tamil هـ. تامیل. از السنهٔ متون مقدس هندویی

Tammuz ق. تموذ. خدای گیاهان نزد قوم آکادکه سومری‌ها آن را دو موزی می‌خواندند

tanasukh الف. تناسخ

Tandava(s) هـ. تانداوا. رقص بیخودانه؛ رقص شیوا در دین هندویی کـه جـهان را بـه لرزه در می‌آورد

Tane ق. تین. مهمترین خدای دین مائوری

Tanha(p)/Trsna(s) ب. اصطلاح دین بودایی به معنای آرزو یا اشتیاق

Tankhah س. اصطلاح سیکها برای بازگشت فردی که پیمان خود را شکسته یا قوانین را زیر پاگذاشته به جامعهٔ سیک (خالصه)

Tanna ی. عالم یهودی قرن دوم و متخصّص تعلیم میشناه

Tano ق. تانو. رودخانه‌ای که خدای قوم آشانتی و بعضی از قبایل غناست

Tantras ب. تانتراها. متونی که گفته می‌شود توسط بودا وحی شده و به اعتقاد بودائیان تبت به تنویر بودایی رهنمون می‌شود؛ تـعالیم ایـن متون که تنها توسط آمـوزگاری مـجرّب بـیان می‌شود

tanzil الف. تنزیل. نزول وحی قرآن

Tao(c)/Do(j) چ. ژ. تائو. طریقه، راه، حقیقت؛ راه زندگی، حقیقت تعریف ناپذیر

Taoism ت. دین تائویی

Tao-te-ching(king) ت. تائوته کینگ. متن مقدس دین تائویی؛ کتاب طریقت و فضیلت مهمترین نوشتهٔ دینی چین و احتمالاً اثرلائوتسه (تزه)

Tao Sheng ب. تائوشنگ. معلم بودایی (۴۳۴-۳۶۰) که معتقد بود همهٔ مردم فطرت بودایی دارنـد و لذا مـی‌توانـند بـه نـجات و رستگاری دست یابند

Tao shih (Dau shr) چ. تائوشی. کشیش و متخصص دین تائویی

Tapas هـ. تاپاها. سختگیریها و ریاضتهای سخت بدنی در دین هندویی

tapasya هـ. تاپاسیا. نظریهٔ ایثار یافقر داوطلبانه که توسط مهاتماگاندی تـعلیم داده می‌شد

taqlid الف. تقلید در اسلام و تشیّع

taqwa الف. تقوی در اسلام

Tara ب. تارا. در مکتب بودایی تبّت الههٔ رحمت وبخشایش

Targum ی. ترجمهٔ آرامی تورات؛ تفسیر تورات به زبان آرامی؛ ترجمهٔ ترگم

Tariki ب. اصطلاح مکتب بودایی سرزمین پاک در مورد اعتماد بر نیروهای بـیرونی یـا نجات از طریق آنها

tariqah = tariqat الف. طریقت یا راه صوفیانه

Tartarus ق. در افسانه‌های یونان به دوزخ یا عالم اسفل گفته‌می‌شود

Tashlich ی. از آیینهای باستانی قوم یهود که در بعد از ظهر نوروز به رودخانه یا دریا می‌روند و با خواندن دعایی از تورات (کتاب میکای نبی، باب ۷، آیات ۲۰-۱۸) لـباسهای خود را می‌تکانند که گناهانشان بریزد

taslim الف. تسلیم در قرآن و اسلام، صلوات بر پیامبر و مؤمنین

tasliyah الف. تسلیت؛ در پاسخ به تسلیم گفته می‌شود

Tat Tuam Asi هـ. اصطلاح مستعمل در اوپانیشادها به معنای «آن توهستی» که اشاره به وحدت وجود و تعلیم همانندی شاگرد باکل واقعیت عالم وجود دارد

Tathagata ب. تاتهاگاتا. عنوان بوداکه توسط پیروانش و یا وقتی خود از خود سخن می‌گفت به‌کار می‌رفت

Tathata(p) ب. تاتهاتا. به معنای تحت اللفظی «این چـنین بـودن»؛ واژهٔ بـودایی در مورد طبیعت غایی و بی‌قید و شرط همه اشیا

Tattva(s) هـ. تاتوا. در مکتب فلسفی هندویی سامکهیا برای اصول بیست و پنجگانه اسـتفاده مـی‌شود؛ بـه مـعنای تـحت‌اللـفظی «حقیقت» یا «واقعیت»

Tau ق. حرف نوزدهم الفبای یونانی معادل حرف (T) در لاتین؛ سمبل نگهداری از افراد درستکار و واردکردن آنها به بهشت

Tauhid = Tawhid الف. توحید در اسلام

Taurat (Torah) ع. تورات

Taurobolium ق. قربانی گاو و تعمید در خون آن که در قدیم با پرستش ناهید و بعداً در میترا پرستی و پرستش سیبل (Cybele) مرسوم بوده

Tauroctony ق. قربانی گاو در ادیان منقرضهٔ فوق‌الذکر

tawāf الف. طواف

ta'widh الف. تعویذ. استعاذه به خداوند (گفتن اعوذبالله من الشیطان الرّجیم)؛ دعا یا حرزی که برای حفظ همراه‌کسی باشد

Te (De) چ. ژ. تِه. فضیلت، روش اکتساب فضیلت و حقیقت

Te Deum م. «تو خدایی»؛ نام سرودی بسیار قدیمی که جزو عبادات روزانهٔ کـلیسای کاتولیک است

Te Igitur م. تو بپذیر. واژه‌های افتتاحیه دعایی که در مراسم عشـای ربـانی خـوانـده می‌شود و از خدا خواسته مـی‌شود کـه نـان و شراب اهدایی را بپذیرد و متبرک گرداند

Teen (The Fig) طین (سوره نود و پنجم قرآن)

Teffilah ع. معنای تحت اللفظی «نماز»؛

نماز بزرگ یهودیان که ایستاده خوانده می‌شود

Tefnut ق. الههٔ مرگ در مصر باستان

Tegh Bahadur, Guru س. تی بهادر (۱۶۱۱ - ۱۶۷۵ م) نهمین گورو یا پیشوای مذهبی دین سیک

Tekiah ع. صدای نت یا آهنگی که به علامت ناله یا فریاد در روز اول سال نو در کنیسه‌ها نواخته می‌شود

teleology عم. حکمت علل غایی، غایت شناسی

Templar ی. جمعیت مذهبی و نظامی که در سال ۱۱۱۸ میلادی پس از فتح اورشلیم برای حفظ ابنیه و زوّار اورشلیم در مقابل حملهٔ مسلمانان تشکیل ولی بعدها تضعیف شده از بین رفت

temple عم. معبد، بتکده؛ معبد حضرت سلیمان(ع) در بیت‌المقدس که حدود سال ۹۵۰ پیش از میلاد ساخته شده است

temporal عم. دنیوی، فانی، حادث، گذران

temporary marriage الف. متعه

Tenak تناک. اصطلاح محاوره‌ای یهودیان در مورد تورات

Ten Commandments (Decalogue) ی. ده فرمان حضرت موسی(ع) در دین یهودی

Tendai(s)/T'ienT'ai(c) ب. تندای. مکتب بودایی که از چین به ژاپن وارد شد

Ten Days of Penitence ی. ایام ده روزهٔ توبه و استغفار یهودیان قبل از یوم کیپور

tenets معتقدات

Ten-Galai = Tengalai ه. تنگالائی. مکتب جنوب؛ مکتب فلسفی هندویی که معتقد است نجات و رستگاری به دست خداست و لذا افراد همهٔ طبقات (کاستها) قابلیت نجات دارند

Ten Prohibitions ب. ده پرهیز یا منع دین بودایی

Tenrikyo(-Kyo) ش. تنریکیو. از ادیان جدید ژاپن و از شعبه های دین شینتویی که در سال ۱۸۳۹ توسط خانم میکی ناکایاما بنیان گذاشته شد و بر درمان از طریق ایمان و دعا و صفای قلب تأکید دارد

Tensho-Kotai-Jingu-Kyo ش. از فرقه‌های دین شینتویی که در سال ۱۹۴۲ توسط سایوکیتاموار بنا نهاده شد؛ به معنای تحت اللفظی «مذهب مأوای خدای بزرگ درخشنده در آسمانها»

Tenth of Muharram الف. روز عاشورا در تشیّع

Tephillim ی. دعا و کتاب دعای یهود؛ نمازنامه

Terce, Sext and None م. «ساعتهای دعای کوچک» کلیسای مسیحی که در ساعات سه، شش، و نه خوانده می‌شوند

Teresa, St. م. ترزای قدّیس (۱۵۸۳ - ۱۵۱۵) راهبه و عارف بزرگ مسیحی از اهالی آویلای اسپانیا

Terminus ق. ترمینوس. رب النوع مرز و حدود و ثغور رومیان که از حقوق مردم نیز دفاع می‌کرد

Tertullian, Quintus Septimus م ترتولیان (۲۲۰ - ۱۶۰) اولین متکلم برجستهٔ مسیحی که به زبان لاتین می‌نوشت و آثار زیادی در دفاع از مسیحیت برجای گذاشت

Teruah ی. آهنگی که در روز اول سال نو در کنیسه‌های یهودی می‌نوازند

Teshub ق. تشوب. خدای طوفان در اقوام هیتی، معادل خدای طوفان مصریان

Teshubah ی. اصطلاح یهودیان در مورد توبه؛ به معنای تحت اللفظی «بازگشت»

testament وصیت، وصیتنامه

Testament عهدین، عهد جدید و قدیم

testator موصی

testimony of faith ادای شهادتین

Tetragrammaton ع. کلمهٔ چهارحرفی (ی ه و ه) که در عبری نام خدا (یهوه) می‌باشد

Teutons, Dead religion of ق. دین مرده (منقرضه) اقوام توتنی از قبایل قدیم ژرمن

Textus Receptus م. متن یونانی عهد جدید

Tezcatlipoca ق. از بزرگترین خدایان معبد خدایان در مکزیک و به معنای تحت اللفظی «آئینهٔ دودی»

Thaddaeus م. تاداثوس. یکی از دوازده حواری حضرت عیسی(ع)

Thamud قوم ثمود

Thapar, Sewaram Singh س. سوارام سینگ تهاپار. از نویسندگان و شارحین دین سیک

theism عم. خداشناسی (توحید دینی)، در مقابل deism توحید عقلی یا طبیعی)

theist عم. خداشناس

theistic determinism الف. جبرالهی

Thek ق. تِک. اصطلاح قبیله نور (Nuer) در مورد احترام و تقدس و تابو

Themis ق. تمیس. در افسانه‌های یونان الههٔ دادگستری

theocracy عم. حکومت دینی یا الهی، تئوکراسی

theodicy عم. اعتقاد به عدل پروردگار (به رغم خلقت شُرور و بدیها در جهان)

theogony ق. نسب نامهٔ خدایان؛ مطالعه و شناسایی اجداد و اعقاب خدایان

theologian عم. متکلّم، عالم الهی

Theologica Germanica م. الهیّات آلمانی. رسالهٔ عرفانی گمنامی که در قرن چهاردهم نوشته شده و برافکار و آثار مارتین لوتر تأثیر فراوانی برجای گذاشت

theology عم. علم دین، الهیات، مبحث خداشناسی، علم کلام

theological عم. کلامی، الهی، دینی، مبتنی بر خداشناسی

theopathic locutions عف. شطحیّات

theophany عم. تجلّی و ظهور خداوند بر انسان، ظهور خداوند به صورت انسانی

theosophic(al) عم. عرفانی

theosophists عم. عرفا، حکمای الهی

theosophy عم. عرفان، حکمت الهی

Theotokos م. مریم باکره، مادر عیسی(ع)

Theravada ب. مکتب بودایی تراوادا (ترواده) که مدعی پیروی از راه پیران است

Theravada Canon ب. کتاب مقدّس فرقهٔ تراوادا در دین بودایی

Thessalonians, Epistles to the م. دو رسالهٔ پولس رسول به تسالونیان در عهد جدید

Thetis ق. حوری دریایی در اساطیر یونان، همسر پلوس و مادر آشیل

Third Eye ه. چشم سوّم که معمولاً در وسط پیشانی مجسمهٔ شیوا خدای هندویی رسم می‌شود که با آن دشمنان خویش را هلاک می‌سازد

Thirteen Principles ی. اصول سیزده‌گانهٔ اعتقاد یهودی که توسط موسی میمونید تدوین شده است

Thirty Years War م. جنگهای سی‌ساله بین کاتولیکها و پروتستانها (۱۶۴۸ - ۱۶۱۸)

Thirty-nine Articles م. مواد سی و نه گانه اعتقادنامه کلیسای انگلستان که توسط الیزابت اول تصویب و در شورای اسقفی انگلیس مورد تأیید قرار گرفت و در کتاب دعای مسیحیان انگلیس نقل گردیده

Thomas, St. م. سن توماس. یکی از دوازده حوّاری حضرت عیسی(ع)

Thomas Aquinas م. توماس آکوئیناس (۱۲۷۴ - ۱۲۲۵) فیلسوف و متکلم شهیر مسیحی و مؤلف مجموعه عظیم «مجموعهٔ الهیات» که از بزرگترین آثار حکمت الهی در کلیسای کاتولیک می‌باشد

Thomas à Becket م. توماس اِبکِت (۱۱۷۰ - ۱۱۱۸) کشیش شهیر انگلیسی که توسط هانری دوم به مقام اسقف اعظمی رسید و سپس توسط سربازان وی شهید شد و امروزه قبرش زیارتگاه مسیحیان است

Thomas à Kempis م. توماس آکمپیس (۱۴۷۱ - ۱۳۸۰) راهب، زاهد و مؤلف شهیر مسیحی و صاحب کتاب معروف در باب تقلید از عیسی

Thomism م. آئین توماس

Thor ق. ثور، خدای رعد و برق در اساطیر قوم نورث (Norse)

Thorgerd ق. تورگرد. در اساطیر اسکاندیناوی الهه‌ای که بر تگرگ و طوفان فرمان می‌راند

Thoth ق. در مصر قدیم خدای عقل و جادو، کاتب وحی خدایان؛ مخترع اعداد

Three Baskets = Tripitaka ب. تری‌پیتاکا. سه سبد حکمت و معرفت؛ کتاب مقدس دین بودایی به زبان پالی؛ سبدهای نظم، آموزش، و معارف متافیزیکی

Three Bodies ب. سه بدن یااجسام سه‌گانه. اعتقاد مکتب بودایی ماهایانا در مورد سه ذات بودا. ۱) بودای تعلیم ابدی؛ ۲) بودای تاریخی؛ ۳) بودای متعالی

Three Jewels ب. اصطلاح بودائیان در مورد فرمول ایمان بودایی: «من به بودا پناه می‌برم، من به دهمه پناه می‌برم؛ من به سنگهه پناه می‌برم»

Three-hour Service م. عبادت سه ساعته؛ دعا و نیایش مسیحیان در جمعهٔ قبل از عید پاک از ظهر تا ساعت سه بعدازظهر که توسط یسوعیان بنیان گذاشته شد

Three Refuges=Three Jewels ب. تعویذ سه گانه اعتقادی بودائیان؛ پناه به بودا، قانون و نظم

threnody مرثیه

Throne of God الف. عرش الهی

Thugs هـ. عضو سازمان مذهبی تروریستهای هندو که به افتخار کالی دست به دزدی و قتل می‌زدند و توسط انگلیسی‌ها قلع و قمع شدند

Thunder, The (Ra'd) رعد (سوره سیزدهم قرآن)

thurible = censer م. مجمر یا بخور سوز کلیسا

Ti چ. تی. در ادیان چینی به معنای فرمانروا یا خدا

Tiamat ق. خدای آب شور یا هرج و مرج در دین بابلی

Tidings, The نبأ (سورهٔ هفتاد و هشتم قرآن)

Ti'en ک. تی‌ین. در تفکر چینی و کنفوسیوسی به معنای عرش، خدای متعال یا قدرت نهایی

T'ien Hou چ. تی‌ین هو. ملکهٔ آسمان؛ الههٔ مذهب عامیانه سواحل چین که به نام ماتسو خوانده می‌شود

T'ien Ming چ. تی‌ین مینگ. حکم و یا قیمومیت آسمان که مجلس قانونگذاری راتحریم می‌کرد

T'ien T'ai = Tendai ب. ژ. تی‌ین ته آی، تندای. مکتب بُودایی چین که به ژاپن برده شد

Tijaniyya تیجانیّه (از سلسله‌های تصوف اسلامی در افریقا)

Time, The ('Asr) عصر (سورهٔ صدو سوم قرآن)

Timothy م. ۱) یکی از مورد اعتمادترین همراهان پولس رسول که به واسطهٔ وی مسیحی شده بود؛ ۲) نام دو رسالهٔ پولس رسول در عهد جدید به تیموتیان

Tipitaka(p)=Tripitaka(s) ب. تری پیتاکا. سه سبد معرفت در دین بودایی

Tirath س. تیرات. نام اماکن مقدس و یا زیارتی در دین سیک

Tirthankaras ج. تیرتهنکاراها. بیست و چهار روح بزرگ راه یافته در دین جاینی که مهاویرا آخرین آنهاست؛ راه یافتگان

Tirttha هـ. اصطلاح دین هندویی در مورد غذای مقدس و متبرّکی که در زیارتگاهها داده می‌شود

Tiruvaluvar هـ. تیرووالووار. از متفکرین و مصلحین دین هندویی

Tiruvasagam هـ. تیرواساگام. زمزمه‌های مقدس؛ زیباترین شعر هندو به زبان تامیلی اثرمانیکاواساگار

Tisha b'Ab ی. روزهٔ یهودیان در نهمین روز ماه آب به یاد تخریب معابد یهود

Titans ق. تیتان‌ها. در افسانه‌های یونان شش پسر و شش دختر اورانوس (آسمان) وگا (زمین)

tithe م. عشریهٔ محصول زمین که در قرون وسطی به کلیسای انگلیس داده می‌شد، زکات

Titus م. ۱) از همراهان و افراد بسیار مورد اعتماد پولس رسول؛ ۲) رساله‌ای پیرامون رفتار و تعالیم مسیحی در عهد جدید که توسط پولس رسول نوشته شده

Tlaloc ق. تلالوک. خدای باران و حاصلخیزی در اساطیر مکزیک، خدای منابع آب

Tona=Tuna هـ. تونا. نگاه کنید به تیونا

Tonda هـ. توندا. اصطلاح رایج در بین قبایل افریقایی در مورد یک امر تابو یا نهی شده

tonsure م. تراشیدن سر در بین کشیشان و یا داوطلبین ورود به سلک روحانیت

Torah س.ع. تورات. کتاب قانون یا شریعت موسی(ع)؛ پنج کتاب اول عهد عتیق؛ تمام کتب مقدس دین یهودی؛ تعالیم الهی در دین یهود

Torii (tori-i) ش. توری - ای. دروازه

معبد شینتویی

Tosafoth ع. اضافات یا مطالب تکمیلی بر شرح راشی (Rashi) بر تلموذ که در قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی نوشته شده

Tosefta ع. اضافات برمیشنا (مجموعهٔ سنن و روایات یهود که در قرن سوم تدوین شده)

Toshigohi no Matsuri ش. نیایش محصول که به هنگام نشای برنج در دین شینتو انجام می‌شود

total evil شرکّل

totem ق. توتم. نشانهٔ یک قوم یا قبیله

totemism ق. توتم پرستی

Totka هـ. آداب سحر و جادو در دین هندویی

Tower of Silence ز. برج خاموشی در دین زرتشتی؛ محلی که جنازه‌ها را برای از بین رفتن و طعمه لاشخورها شدن قرار می‌دهند (دخمه)

Tractarianism م. پیروی از نهضت نوشتن رسالات و مقالات در انگلستان قرن نوزدهم علیه عقاید آزادیخواهانه مذهبی روز و به حمایت از کلیسای کاتولیک و معتقدات متداول در قرن هفدهم

Tractate ی. مبحثهای میشنای یهودی؛ جمعاً ۶۵ بخش یا مبحث در میشنا وجود دارند

tradition عم. سنّت، حدیث، روایت، اعتقاد، رسم

tradition, acceptable الف. حدیث حسن

tradition, frequently narrated الف. حدیث متواتر

tradition, genuine الف. حدیث صحیح

tradition, reliable الف. حدیث ثقه

traditionalism سنت‌گرایی

traditionist اخباریان (حدیث گرایان افراطی در مذهب شیعه، در مقابل اصولیان)، رسوم‌گرای، سنتگرای، سنّی، محدّث

trance عم. جذبه و نشئهٔ عارفانه

transactions معاملات (در اسلام)

transcendental عم. متعالی، منزّه

transcendental complex هـ. اصطلاح مستعمل در مورد نحوه‌ای از انگیزش مذهبی هندویی

transcendental meditation هـ. تفکر و مراقبه متعالی. مراقبه نوع مهاریشی ماهش یوگی که بر مبنای معرفت قدیمی ودایی بااستفاده از یک تکنیک محرمانه به نام «دانش هوش خلاق» قرار دارد

transcendentalism عم. آیین تعالی گرایی

transfiguration م. تغییر هیئت عیسی(ع) به یک چهره آسمانی و نورانی (انجیل متی، باب ۱۷، آیات ۸ - ۱)

transmigration of souls عم. تناسخ ارواح؛ انتقال روح از یک کالبد مادّی به کالبدی دیگر

transubstantiation م. اعتقاد مسیحیان کاتولیک که در مراسم عشای ربانی نان و شراب به طور معجزه آسایی تغییر ماهیت داده به جسم و خون عیسی(ع) تبدیل می‌شود؛ قلب، ماهیت؛ استحاله؛ تبدّل جوهری

Trappists م. عضو فرقه‌ای از راهبان کاتولیک که در سال ۱۶۶۴ م در صومعه لاتراپه در نرماندی تشکیل شد و پیروانش اهل ریاضت سخت و عبادت وامساک در غذا هستند

trefa ع. اصطلاح یهودیان در مورد غذای غیر حلال یا ممنوع

Tremendous, the عظیم (اسم الهی)

Trent, Council of م. شورای ترنت، نوزدهمین شورای اسقفی کلیسای کاتولیک که در سال ۱۵۴۵ م توسط پاپ پولس سوم شروع و در سال ۱۵۶۳ م توسط پاپ پیوس چهارم ختم گردید

Tria Charitr س. بخشی از کتاب مقدس سیکها، گرانت، که شامل داستانها و امثله است

trichotomy تثلیث

Trident ق. هـ. نیزه سه شاخهٔ شیوا خدای هندویی و نپتون خدای رومی

Trikaya هـ. اعتقاد بودائیان فرقهٔ ماهایانا در مورد سه جسم یا بدن بودا: جسم ظاهری، جسم سعادت آمیز و جسم حقیقت

Triloka هـ. معنای تحت اللفظی «سه عالم»: عالم خاک، هوا، و آسمان در دین هندویی

Trimurti(s) هـ. تری مورتی. مثلث سه خدای بزرگ دین هندویی؛ براهما، ویشنو و شیوا؛ سه خدایی دین هندویی

trinitarian تثلیث گرای

trinity م. تثلیث. اعتقاد به اتحاد ذاتی خداوند، مسیح(ع) و روح القدس

Trinity Sunday م. یکشنبهٔ تثلیث. یکشنبهٔ قبل از ویت ساندی (Whit Sunday) که به یادبود عید تثلیث مسیحیت برگزار می‌گردد

Tripitaka(s)=Tipitaka ب. تری پیتاکا. سه سبد یازنبیل حکمت و معرفت در دین بودایی؛ نام کتاب مقدس بوداییان شامل سبدهای نظم، آموزش و مطالب متافیزیکی

Triratna(s) ب. سه جوهر بودایی شامل بودا، دهمه و سنگهه

Trisagion م. در کلیسای مشرق سرود کوتاهی حاوی: خدای قدوس، قدوس علی‌الاطلاق، و ای مقدس جاودانی برما رحم فرما

Trolls (Norse) ق. در اساطیر نورث به موجودات مافوق طبیعی گفته می‌شد

Troops, The زُمَر (سورهٔ سی و نهم قرآن)

trsna(s)=tanha ب. آرزو و اشتیاق در دین بودایی

True Name = Sat Nam س. نام حقیقی. نام خداوند در دین سیک

Trust, The امانت الهی به انسان

trust in God الف. توکّل

Truth, the الف. الحقّ (اسم الهی)

truthfulness الف. مقام صدق در عرفان

Tsuki-nami no matsuri ش. جشنهای مرتب ماهیانه دین شینتویی

Tsuki-Yomi ش. تسوکی یومی. خدای ماه در دین شینتویی

Tu b'shvat ع. سال نو درختان در دین یهودی در پانزدهم ماه شواط

Tuche ق. الههٔ شانس در بین یونانیان، معادل الههٔ فورتونا (fortuna) در بین یونانیان

Tulsi Das هـ. تولسی داس (۱۶۲۰ - ۱۵۳۲) بزرگترین شاعر و آموزگار و مصلح دین هندویی در قرون وسطی

Tu Ti Kung چ. توتی کونگ. خدای زمین در ادیان چینی

Twelfth Night م. شب ششم ژانویه

دوازدهمین شب پس از کریسمس که به یادبود بازدید سه تن از شاهان از عیسی(ع) نوزاد جشن گرفته و هدایایی مبادله می‌شود

Twelvers الف. شیعیان دوازده امامی

Twice Born هـ. دوباره متولد شده. عنوان اعضای سه طبقهٔ بالای دین هندویی که مراسم ورود به دین را انجام داده و ریسمان مقدس را دریافت داشته‌اند

Tyndale, William م. ویلیام تین دیل (۱۴۹۰ - ۱۵۳۶) مترجم انگلیسی کتاب مقدس

Tzizith ع. ی. صیصیت. پارچهٔ حاشیه‌داری که مردان یهودی برای یادآوری اوامر خداوند می‌پوشند

U

ubiquity عم. حضور خداوند در همه‌جا و همه وقت

Ubwanga ق. اصطلاح قبایل افریقای مرکزی در مورد قدرت غیرقابل تمیز و فاقد تشخّصی که می‌تواند منشاء خیر یا شر باشد

udana(s) هـ. اودانا. نوعی مراقبت در نفس کشیدن در ریاضت یوگا؛ عنوان قسمت دوم کتاب قانون بودایی ـ سوتاپیتاکا

Udasis س. اوداسی‌ها. فرقه‌ای از سیکها که به ریاضت سخت و عزوبت متمایل‌اند و نسبت به جهان مادی بی‌اعتنا هستند

Uddalaka Aruni هـ. اودالاکا آرونی. یکی از دو حکیم و آموزگار بزرگ ودایی در دوران اوپانیشادهای اولیّه

Uke-Mochi ش. اوکه موجی. الههٔ غذا در دین شینتویی

ulama الف. علمای اسلامی

Ulfilas م. اولفیلاس (۳۸۳ - ۳۱۱). کشیش کاتولیک مأمور تبلیغ در بین قوم خود، گُت‌ها و بنیانگذار کلیسای گُتیک

ultimate cause علت غایی (خداوند)

ultimate reality واقعیت غایی (خداوند)

ultramontanism م. طرفدار برتری پاپ و سلطهٔ او بر کلیساهای دیگر

Umar الف. عمر دومین خلیفهٔ راشدین

Ummah الف. امّت

Ummayads الف. بنی‌امیّه

Ummi الف. امّی، درس ناخوانده

'Umra الف. حجّ عمره

Unam Sanctam م. حرف احمقانه‌ای که پاپ بونیفاس هشتم در ۱۳۰۲ م ترویج می‌کرد که تنها یک کلیسای مقدس اسقفی وجود دارد و در بیرون از آن، بخشش گناهان و نجات ممکن نیست

unauthorized transaction الف. عقد فضولی در اسلام

unbelief بی اعتقادی

Unbelievers, The (Kāfirun) کافرون (سورهٔ صد و نهم قرآن)

Uncreated, the لم یولد (خداوند)

uncreated قدیم

uncreatedness of Qur'an الف. اعتقاد به قِدم قرآن

unction م. تدهین مقدس

Undine ق. در اساطیر یونان و روم از ارواح دریایی که در اثر ازدواج با انسان ممکن است به صورت آدمیزاد درآید

Unicity of God وحدانیت خداوند

unification عف. توحید (یکی شدن) با خداوند

Unified Church م. فرقه‌ای که توسط یک مهندس کره‌ای به نام سان میونگ مون بنیانگذاری شده وهدفش اتحاد همهٔ مسیحیان عالم است

Uniformity, Act of م. مصوباتی که در انگلستان جهت یکنواخت کردن آداب و اذکار مذهبی به عمل آمده

union (with God) عف. مقام وصل و اتحّاد؛ وصال (با محبوب)

unitarian ع. موّحد؛ معتقدین به وحدت خداوند (مخالف تثلیث)

Unitarianism م. اعتقاد به وحدت خداوند و نفی الوهیت مسیح(ع) و روح القدس

unity الف. عف. توحید، وحدت، یگانگی، (مقام) وحدت یا جمع؛ به صورت (Unity) به‌معنای اخلاص (سورهٔ صد و دوازدهم قرآن)

Universalism ی. اعتقاد به اینکه کلیهٔ مردم بالاخره رستگار خواهند شد و نجات و فلاح منحصر به بنی‌اسرائیل نیست

Unkulunkulu ق. خدای متعال قبیله زولوها در افریقا

unlawful حرام، خلاف شرع

Unleavened Bread ی. نان فطیر (ور نیامده)ای که یهودیان در عید فصح می‌خورند

unlettered الف. امّی. پیامبر اسلام(ص)

unreal مجازی، غیرواقعی

unseen غیب

Untouchables هـ. افراد نجس یا بی‌طبقه در نظام طبقاتی هندویی

unveiling مکاشفه، رفع حجب

upadana(s) ب. اوپادانا. اصطلاح بودائیان در مورد نهمین حلقه از دوازده حلقهٔ وجود به معنای تحت اللفظی «آموختن» یا «اکتساب»

Upanayana هـ. اوپانایانا. اصطلاح هندوها برای آیین ورود به طبقات تولد دوباره یافته که در آن پسر بچه‌ها به عضویت کامل جامعهٔ دینی درآمده ریسمان‌مقدس را دریافت می‌کنند

Upanishads هـ. اوپانیشادها. آخرین متون مقدس مذهب ودایی در دین هندویی

upasaka/Upasika ب.اوپاساکا (مذکر) / اوپاسیکا (مؤنث). راهبان و راهبه‌های بودایی که در بیرون از صومعه‌ها به آداب دینی خود مشغول می‌باشند

Upaya ب. اوپایا. واژه پالی به معنای تحت اللفظی «وسایل» یا «روشها»؛ اصطلاح بودایی در مورد پاره‌ای از مراسم و آداب آن دین

Upeksa(p) ب. اصطلاح بودائیان در مورد «بی‌اعتنایی» ، «آزادی از احساس» و یا «قدرت فایق آمدن بر احساس لذت یاالم»

Uposatha ب. اوپوساتهه. جلسات عمومی دو هفته یک بار روزه یا اجتماع افراد برای اقرار به گناهان در دین بودایی

Ur of the Chaldees ق. ی. اورکلدانیان که ابراهیم همسر و فرزندان خود را از آنجا برداشت و به سمت کنعان روانه شد (سفر پیدایش، باب ۱۱، آیه ۳۱)

Uraeus ق. نقش مار مقدس مصریان که به نشانهٔ سلطنت بر کلاه یا تاج سلاطین منقوش بوده

Uranus ق. اورانوس. در اساطیر یونان فرزند زمین و پدر تیتانها خدای آسمان، خدایان کوچک

Urbi et Orbi م. به معنای «به شهر و به دنیا»؛ دعای خیر و برکت پاپ از بالکن واتیکان در رم در اعیاد مسیحی و بویژه روز ایستر

urf الف. عرف در اسلام

Urim and Thummim ی. اوریم و تمیّم. اشیایی که کاهن اعظم یهودیان برای تقدس و الوهیت در سینه بند خویش می‌گذارد (سفر خروج، باب ۲۸، آیه ۳۰)

Urna(s) ب. اورنا. جواهری که بودائیان در بین دو چشم مجسمه بودا قرار می‌دهند

Ursulines م. فرقه‌ای از راهبه‌های ایتالیا که در سال ۱۵۳۷ م توسط آنجلامریسی مقدس تشکیل شده در امریکا و کانادا نیز پیروانی دارد و به خدمات فرهنگی مذهبی مشغول‌اند

Urvan ز. اوروان. اصطلاح زرتشتیان در مورد روح آدمی

Urvisgah ز. اورویسگاه. قسمت مخصوصی از معابد زرتشتی که مراسم مهمتر نظیر یسنا در آنجا برگزار می‌شوند

Ushabti ق. مجسمهٔ مومیایی شده‌ای که در مصر قدیم درکنار بدن مومیایی شده متوفی در قبر می‌گذاشتند و جملاتی از کتاب اموات بر آن منقوش بود

usiologie معرفت ذات

usury الف. عم. ربا

Uthman الف. عثمان. خلیفهٔ سوّم اسلامی

utilitarianism اعتقاد به اصالت فایده

utopia مدینه فاضله، اتوپیا

utopianism آرمان ـ شهرباوری

utraquism م. نظریه‌ای که جان هاس (John Huss) ترویج می‌کرد که در آیین عشای ربانی، افراد عامّی نیز، مثل روحانیون، حق دارند از نان و شراب استفاده کنند

Uwoluwu ق. اوولووو. خدای آسمان؛ خدای متعال قبیلهٔ آکهوسه در افریقا؛ به معنای تحت اللفظی «متعال»

Uzair (Ezra) ع. عر. عزیر

V

Vaca ب. سخن گفتن در دین بودایی؛ در تعالیم بودایی گفتار درست؛ سومین گام از راه هشتگانه

Vada-Galai=Vadagalai هـ. واداگالائی. مکتب شمال؛ یکی از دو مکتب پیروان فرقه رامانوجا که معتقدند نجات و رستگاری تنها برای سه طبقهٔ بالای هندویی ممکن بوده و لازمهٔ آن طلب و جستجوی فعال خود فرد است

Vaidya, G. B. هـ. ویدیا. مصلح دین هندویی در قرن بیستم و مؤسس انجمن مبلغین دین هندویی

Vaikuntha هـ. در تعالیم رامانوجا (متوفی ۱۱۳۷ م) فیلسوف هندویی به قلمروی آسمانی ویشنو گفته می‌شود

Vaishesika هـ. ویشه سیکا. یکی از شش مکتب ارتودوکس فلسفهٔ هندویی

Vaishnava هـ. ویشناوا. هندویی که پیرو یا سرسپرده ویشنو است

Vaishnavism هـ. ویشنوگرایی. شکلی از دین هندویی که در آن موضوع پرستش خدای ویشنو یا یکی از تجسیدات وی مثل راما یا کریشنا است و در مناطق شمالی هند رواج دارد

vaishyas = vaisyas هـ. ویشیه‌ها/ وایشیه‌ها. طبقهٔ تجار و صنعتگران؛ سومین طبقه در نظام طبقاتی کاست

vajja(p)/vrajya(s) ب. واجا/وراجیا. امور حرام یا ممنوع یا اعمال گناه آلود و ناپسند در دین بودایی

vajra هـ. در کتاب ریگ ودا، آذرخش دشمن‌شکنی که توسط ایندرای خدا پرتاب شد

Vajrayana ب. واجرایانا. مکتب بودایی تانتریک (پیروتانتراها، متونی که گفته می‌شود وحی بودا است)

Valentine, St. م. سن والنتین. شهید مقدس مسیحی رومی که روز چهاردهم فوریه به یاد بود وی نامیده شده است

Valentinus م. والنتینوس. از بزرگترین رهبران عرفانی مسیحیت که در قرن دوم در اسکندریه می‌زیست

Valhalla ق. در اساطیر اروپای شمالی محل پذیرایی خدای اودین (Odin) که ارواح شهدا و قهرمانان جنگها در آنجا پذیرایی می‌شوند

vali الف. ولی

validity اعتبار، درستی

Valkyrie ق. الههٔ جنگ در اساطیر شمال

اروپا، از دختران خدای ادین که بسیار زیبا و بدسرشت بوده‌است

Vallabha هـ. والابها (۱۴۸۱ - ۱۵۳۳ م) فیلسوف و مصلح دین هندویی

vanaprastha هـ. واناپراستها. در فلسفهٔ هندویی به معنای ساکن جنگل؛ سومین مرحله از چهار مرحلهٔ زندگی که برهمن مسئولیتهای خانوادگی را به‌کناری می‌نهد و کاملاً به زندگی دینی خویش می‌پردازد

Vanir ق. وانیر. در افسانه‌های شمال اروپا خدای حاصلخیزی و نعمت

var س. وار. سرود ستایش در دین سیک

Var Raksha هـ. وار راکشا. از آیینهای ازدواج دین هندویی که در آن پنج درصد مهریه تقدیم می‌شود

Varahavatara هـ. واراهاواتارا. به معنی گراز. سومین تجسید خدای ویشنو

Varna(s) هـ. وارنا. به معنی رنگ؛ اصطلاح مستعمل در مورد یک طبقه یا قسمت در دین هندویی

Varnana هـ. وارنانا. به معنی کوتوله پنجمین تجسید (آواتار)ی ویشنوی خدا

Varuna هـ. وارونا. از خدایان ودایی؛ خدای نظم (مادی و اخلاقی)

Vasudeva هـ. واسودوا. لقب کریشنا در مجموعه ماهابهاراتا، بخصوص در بهاگاوادگیتا

Vatican م. واتیکان. مقرّ پاپ در کنار کلیسای بزرگ سن پیتر در رم که در قرن چهاردهم ساخته شده

Vatican Council م. شورای واتیکان شورای اسقفهای کلیسای کاتولیک که تحت رهبری پاپ جمع می‌شوند؛ اولین شورا، در سال ۱۸۷۰ میلادی، بر عصمت پاپ رأی داد

vayama ب. کوشش در تفکر بودایی؛ ششمین گام در طریق هشتگانهٔ بودایی

Vayu هـ. وایو. خدای باد یا روح در دین هندویی که در کتب مقدس وداها آمده

Vedas هـ. وداها. به معنی «دانش و معرفت»؛ قدیمی‌ترین متون مقدس هندویی که در حدود ۱۵۰۰ تا ۸۰۰ قبل از میلاد جمع آوری شده

vedana ب. ودانا. «احساس» در تفکر بودایی

Vedanta هـ. ودانتا. به معنی پایان ودا؛ یکی از شش مکتب ارتودوکس فلسفهٔ هندویی

vegetable kingdom عالم نباتی

vegetarianism هـ. ب. اعتقاد به گیاهخواری در ادیان هندویی و جاینی

veil الف. حجاب، ستر (عرفان)

vendetta عم. قصاص

Vendidad ز. وندیداد. از متون مقدس دین زرتشتی؛ نظامنامهٔ روحانی مربوط به مقرّرات آداب دینی

veneration عم. احترام و تعظیم و تکریم

Veneration of the Cross م. احترام به صلیب. مراسمی که بعضی از مسیحیان در روز جمعهٔ قبل از عید پاک انجام می‌دهند و صلیب را می‌بوسند

Veni Creator م. سرودی که در قرن نهم در مدح روح القدس ساخته شده و به هنگام اعطای منصب اسقفها خوانده می‌شود

venial sins عم. گناهان صغیره؛ از نظر الهیات اخلاقی کاتولیک، گناهانی که شخص را کاملاً از نجات و رستگاری محروم نمی‌کنند

Venite م. مزمور ۹۴ داود که در عبادت

صبحگاهی کلیساها به طور سؤال و جواب خوانده می‌شود

Venus ق. ونوس. در اساطیر یونان الههٔ‌عشق و زیبایی، ناهید، زهره

Verethraghna ورتراغنه (بهرام)، خدای جنگ در دین زرتشتی

verger م. حامل عصای اسقف در کلیسا؛ خادم کلیسا

verification حقیقت سنجی

veritable راستین

Veronica, St. م. ورونیکای قدیس. طبق روایات مسیحی بانویی که وقتی عیسی(ع) صلیب خود را بر دوش می‌کشید روسری خود را بدو داد تا صورتش را پاک کند

verse الف. آیهٔ قرآن و متون مقدس دینی

Verse of the Throne الف. آیة الکرسی

Vesak / Wesak ب. وساک. جشن قرص کامل ماه در مکتب بودایی تراوادا به یاد بود تولّد، تنویر، و مرگ بودا؛ آغاز سال نو دین بودایی به همراه توزیع غذا و صدقات بین فقرا

Vespers م. نماز مغرب کلیسای غرب؛ سرود یا نیایش شامگاهی در غروب

Vesta ق. در اساطیر یونانی الههٔ رومی که دختر خدای شنوایی و خانه داری بوده؛ الههٔ کانون

Vestal Virgins م. باکره‌های معبد وستا در روم که‌توسط خلیفه اعظم برای مراقبت‌از آتش مقدس به‌مدت شش سال انتخاب می‌شدند و دراین مدت پیمان عدم زناشویی داشتند

vestment م. لباس رسمی کشیش یا اسقف

Via Dolorosa م. راه یا طریق دولوروسا خیابان بین محکمهٔ حضرت عیسی(ع) و محلّ مصلوب نمودن وی در اورشلیم که مسیحیان در روز جمعهٔ قبل از عید پاک به زیارت و دعا در آنجا می‌روند

Via Media م. راه میانه. لقب کلیسای انگلیس که توسط نیومن و سایر رهبران نهضت آکسفورد رایج گردید

Via Negativa م. مذهب نفی تنزیهی. روشی در الهیات نظری که معمولاً با نوافلاطونیگری تداعی می‌شود و بر عدم کفایت زبان بشری در توصیف خدای ناگفتنی تأکید دارد

Via Positiva م. راه مثبت تشبیهی. روش الهی که از دیونیسوس (در کتاب «اسماء الهی») اتّخاذ شده و معتقد است که بالاترین صفات انسانی به‌کمال خداوندی اشاره دارند

Viaticum م. عشای ربانی و نان و شرابی که به فرد مشرف به موت می‌دهند؛ به معنای تحت‌اللفظی «آذوقهٔ سفر»

vicar م. به معنای تحت اللفظی «جانشین»؛ در کلیسای انگلستان به‌کشیش جانشین اسقف اعظم می‌گویند

Vicar Apostolic م. از القاب کلیسای کاتولیک

Vicar of Christ م. نایب (خلیفه) مسیح(ع). از القاب پاپ در کلیسای کاتولیک

Vicarious Suffering م. درد و عذاب کشیدن به جای دیگری؛ بحثی در الهیات مسیحی در مورد عذاب کشیدن عیسی(ع) به‌جای همهٔ مردم

vice رذیلت

vicegerent خلیفه

Vichitar Natak س. بخشی از کتاب سیکها به نام داسام گرانت که توسط گوبیند

سیک، گوروی دهم، تألیف شده

Victory, The فتح (سورهٔ چهل و هشتم قرآن)

Vidar ق. از خدایان اسکاندیناوی؛ پسر اودن و موصوف به خدای ساکت

vidduy ی. اصطلاح یهودیان در مورد اقرار به‌گناهان؛ مهمترین عبادت در «روز توبه»

Videvdat ز. ویدودات. آخرین کتاب اوستا که توسط مغها دربارهٔ قوانین تزکیه عبادی تألیف شده

vidya هـ. ویدیا. واژهٔ مستعمل در ودانتای هندویی به معنای «دانش و معرفت» و «حکمت روحانی»

vigil عم. نماز شب و سحر؛ در کلیسای اولیه نماز قبل از ایام مهمّ مثل کریسمس و غیره

Vigraha هـ. مجسمهٔ یکی از خدایان هندویی در معابد هندوان؛ سمبل چنین خدایی

vihara ب. ویهارا. اصطلاح بودائیان در مورد مرحله‌ای در حیات روحانی؛ تالار بزرگ صومعه‌ها

Vijaya-Dashami(= dussehra) هـ. جشن هندویی به مناسبت پیروزی خدای راما بر رامانای پادشاه

Vijnana هـ. واژه سانسکریت به معنای حکمت عملی یا تجربه در دین هندویی

vilayat (sanctity, succesion) الف. ولایت

Vilayat-e Faqih (Sanctity of Jurisprudence) الف. ولایت فقیه

villification عم. سَبّ و لعن

Vimana ج. ویمانا. قصر خدایان در آسمانها که به اعتقاد جاینی‌ها بهاویرا از آنجا فرود آمده است

vinaya ب. واژه پالی به معنای مقررات انضباطی راهبان بودایی

Vinaya-Pitaka ب. اولین سبد یا زنبیل معرفت در بین سه سبد معرفت (کتاب مقدس) دین بودایی شامل قوانین ایجاد و نگهداری از سنگها (اجتماع بودایی)؛ سبد انضباط و دیسیپلین

Vincent de Paul م. ونسان دوپل (۱۶۶۰ - ۱۵۸۰). کشیش کاتولیکی که انجمن مدیران لازاریست» و «خواهران خیرخواه» را بنانهاد

Vincentian Canon م. امتحان کاتولیک بودنی که ونسان لرنیزی (متوفی ۴۵۰) برقرار ساخت: سه شرط وی عبارت اند از اینکه اعتقاد کاتولیک باید همواره، در همه جا و توسط همه باور شود

Vindhya Mountains ج. کوههای ویندیا در مناطق شمالی هند و محل زندگی فرقهٔ جاینی سپید جامگان

Vinnana ب. وینانا. در تفکر بودایی به معنی خود آگاهی

Vinoba Bhave هـ. وینوبا بهاوه (متولد ۱۸۹۵ م) از آموزگاران و رهبران دین هندویی

viraga ب. ویراگا. در تفکر بودایی به معنای فقدان میل یا انفصال از لذت یا غم

Virgin Birth م. اعتقاد مسیحیان در مورد تولد حضرت عیسی(ع) از مریم باکره

Virgin Marry م. مریم عذرا، حضرت مریم مادر حضرت عیسی(ع

Virgins of the Sun ق. «زنان برگزیده»، اقوام اینکاها که در سن دهسالگی برای راهبه (عالمه) شدن و یا قربانی به درگاه خدای خورشید برگزیده می‌شوند

virtues عم. فضایل، محاسن، آداب پسندیده، خصایل؛ کلیسای قرون وسطی به هفت خصلت یا فضیلت معتقد بود

Visakha ب. ویساکهه. زن ثروتمندی که به دست بودا به دین بودایی در آمد و سپس تمام جواهرات خود را فروخت تا برای بودا در ساواتهی صومعه‌ای بسازد

Vishistadvaita هـ. ویشی ستادویتا. نظریهٔ توحیدی رامانوجا متفکر دین هندویی دربارهٔ «عدم ثنویت شایسته - توأم با لطف و فیض الهی» (qualified non - dualistic)

Vishnu هـ. ویشنو. یکی از دو خدای بزرگ دین هندویی که راما و کریشنا تجسیدات وی هستند

Vishva-Karma هـ. ویشواکارما. واژه سانسکریت به معنی «سازندهٔ همه»؛ لقب خدایان قدرتمند هندویی در ریگ ودا

Vishveshvara هـ. ویشوشوارا. به معنی «رب الارباب»؛ عنوان خدایان قدرتمند هندویی، بخصوص شیوا، و آلت جنسی مردانه که سمبل اوست

Visperad ز. ویسپرد. به معنی استمداد از همه خدایان؛ از کتب اوستا، متن مقدس دین زرتشتی؛ کتاب کوچکی در آداب نماز

Vistaspa ز. ویشتاسپ (هیستاسب) پادشاه عصر زرتشت که با گرویدن به دین زرتشتی باعث تقویت آن شد

Visuddhimagga ب. ویسودهی ماگا. مجموعهٔ مطوّل تفکرات و رسوم فرقهٔ بودایی تراواداکه در قرن پنجم تألیف شده است

Visva Parisad هـ. ویسوا پاریساد. انجمن برادری جهانی دین هندویی که در سال ۱۹۶۴ در بمبئی تأسیس شد و بیشتر یک گروه میلیتاریستی است که برای مخالفت با کنگرهٔ جهانی کاتولیکها که در آن سال در بمبئی تشکیل شد به وجود آمده است

vitalism آئین حیات‌گرایی

Vithoba هـ. ویتهوبا. خدای مشهور هندویی که در دِکان پرستش می‌شود و از تجسیمات ویشنو و یا یکی از اشکال شیوا دانسته می‌شود

Vitus, St. م. ویتوس قدیس. از شهدای مسیحی قرن سوم که به مداوای بیماران شهرت دارد

Vivahvant ز. دردین زرتشتی به خدای اوّلیه که با خورشید تداعی می‌شود می‌گویند و فرزند او «ییما» جدّ بشر (آدم) است

viveka هـ. ویوکا. اصطلاح دین هندویی در مورد قوهٔ تشخیص و تمیزی که انسان را از حلقهٔ تولدهای مکرر نجات می‌بخشد

Vive Vananda هـ. ویوواناندا. مصلح دین هندویی در قرن نوزدهم

Vohu Manah ز. وهومنه (بهمن). فرشتهٔ اندیشه و پندار نیک و یکی از هفت فرشتگان (ارواح) خیر در دین زرتشتی که اوصاف اهورا مزدا را تشکیل می‌دهند

volition مشیت، اراده، خواست

voluntaristic عم. اعمال ارادی (در مقابل اعمال جبری)

Voodoo ق. وودوو. از آیینهای دینی افریقای غربی که امروزه بخصوص در هائیتی رایج است

Votive Mass م. مراسم عشای ربانی نذری به منظور ازدواج یا صلح در جامعه و غیره

vow عم. پیمان، عهد، سوگند

Vrajya(s)=Vajja ب. وراجیا = واجا. محرمات دین بودایی

Vratras ج. وراتراها. اصلاح دین جاینی در مورد مقررات و آداب سلوک

Vrindaban هـ. وریندابان. محل عشقبازی کریشنا با گوپیس، چوپانی که بشدت عاشق کریشنا شده بود؛ امروزه از اماکن مهم زیارتی هندوان در شمال هندوستان است

Vrindavana هـ. وریندااوانا. جنگلی که ناندا و همسرش یاشودا وقتی دنبال کریشنای جوان می‌گشتند بدانجا فرار کردند

Vrita هـ. وریتا. دیو خشکسالی یا تاریکی در اساطیر هندی؛ ایندرا، خدای ودایی با وی جنگید و بالاخره با یک صاعقه او را نابود ساخت

Vulcan ق. ولکان. رب النوع آتش و فلزکاری در افسانه‌های یونان

vulgarization, religious عوام‌زدگی دینی

Vulgate م. ولگیت. ترجمه کتاب مقدس به زبان لاتین که به دست کشیشی به نام جرومه انجام شد

Vyasa هـ. ویاسا. حکیم فرزانه هندی که گفته می‌شود مؤلف حماسهٔ هندویی مهابهاراتا در قرن سوم پیش از میلاد است

Vyuha هـ. ویوها. واژه سانسکریت به معنای تحت اللفظی «ظهور یا تجلّی»؛ در تفکر هندویی به تجسیدات (آواتارهای) ویشنوی خداگفته می‌شود

W

Waheguru س. به معنای «خدای شگفت‌انگیز» که در مراسم عبادی سیکها مکرراً گفته می‌شود

Wahhabis الف. نهضت وهابیّون در اسلام که توسط عبدالوهاب در قرن سیزدهم هجری پایه‌گزاری شده

wahy الف. وحی در اسلام

Wailing Wall ی. دیوار ندبه که طبق روایات یهودیان بخشی از دیوار معبد سلیمان در بیت‌المقدس بوده که امروزه به‌نام دیوارهای غربی شناخته می‌شود و محل زیارت یهودیان است

Wakan Tanka ق. واکان تانکا. نام خدای متعال در بین سرخپوستان بومی امریکا

wake م. در زمان آنگلو ساکسونها شب احیای قبل از یک روز مقدس

Waldenses م. فرقه‌ای از انشعابیون کلیسای کاتولیک روم که در ۱۱۷۹ م توسط پیتر والدو تأسیس شد

wali الف. ولی

Walpurgis م. در افسانه‌های آلمانی شب والپورگیس (شب اول ماه مه) شب پرماجرا و مقدسی است

Walsingham م. از اماکن زیارتی در شهر نور فولک انگلیس (شبیه‌سازی خانهٔ مقدس ناصره)

wandering عف. سلوک

wandering Jew ی. یهودی سرگردان که در افسانه‌های و روایات مسیحی به‌صور مختلف نقل شده

Wandjina ق. وندجینا. ارواح نیاکان یا قهرمان خالق در بین بومیان اولیهٔ استرالیائی

Waningga ق. ونینگا. اشیای مقدس مورد تکریم در بین بومیان اولیهٔ استرالیایی

waqf الف. وقف در اسلام

Wāqi'a (The Great Event) واقعه (سوره پنجاه و ششم قرآن)

warning عم. انذار

Wartburg م. وارتبورگ. قلعهٔ محل اختفای مارتین لوتر در ساکسونی که در آنجا ترجمهٔ عهد جدید به زبان آلمانی را به اتمام رسانید

wasil الف. واصل (آخرین مقام مریدی در تصوف)

Watch Tower Bible and Track Society م. فرقهٔ شاهدان یهوه که در ۱۸۷۰ م پایه‌گذاری شده و معتقد به بازگشت سلطنت کامل مسیح(ع) است

way, the الف. طریقت؛ در مسیحیت به معنای راه حضرت عیسی(ع) که در انجیل یوحنا (۱۴/۶) خود را راه می‌خواند

wayfarer الف. ابن السّبیل (فقه)؛ سالک (عرفان)

Way of the Cross م. مسیر صلیب، فاصلهٔ بین محکمه تا محلّ مصلوب نمودن عیسی(ع)

Way of the Heaven ت. راه آسمان در دین تائویی

wealth accumulation تکاثر، انباشت ثروت

Wednesday م. چهارشنبه. مسیحیان اولیه این روز را به مناسبت روزی که یهودای حواری به عیسی(ع) خیانت کرده بود روزه می‌گرفتند

Wee Frees م. گروههای اقلیت در کلیسای آزاد اسکاتلند که مستقل باقی ماندند

Week of Prayer for Christian Unity م. هفتهٔ دعا به مناسبت وحدت مسیحیان عالم (در فاصلهٔ ۱۸ تا ۲۵ ژانویه) که از سال ۱۹۰۸ شروع شده‌است

Wen Ch'ang چ. ون چه آنگ. در مذهب چین باستان نام خدای شکوه ادبی

Wenceslas م. ونسلاس. از شهدای مسیحی که در پراگ دفن شده و به جهت سعی در حکومت کردن طبق اصول مسیحیت شهید شد

Wesak = Vesak ب. جشن ماه کامل در مکتب تراوادا در دین بودایی

Wesley, Charles م. چارلز وسلی (۱۷۸۸ ـ ۱۷۰۷) مبلغ و مؤلف هزاران سرود دینی مسیحی

Wesley, John م. جان وسلی (۱۷۹۱ ـ ۱۷۰۳) بنیانگذار فرقهٔ مسیحیان متدیست

Western Wall = Wailing Wall ی. دیوار غربی یا دیوار ندبه در بیت‌المقدس

Westminster Confession م. اعتقادنامهٔ کلیسای وست مینستر (درسی و سه فصل)

whirlign dervishes دراویش مولوی، اهل سماع، چرخنده به دور خود

Whitby, Synod of م. شورای ویتبی شورایی که در سال ۶۶۴ تشکیل و در آن رهبران کلیسای انگلیس به بحث دربارهٔ تاریخ دقیق روز ایستر (عید پاک) پرداختند

White Eagle Lodge م. سازمانی مهم در داخل نهضت اسپریتوالیستها

White Friars م. پدران سفید. لقب پدران روحانی فرقهٔ کارملیت که ردای سفید می‌پوشند

Whitefield, George م. جورج وایتفیلد (۱۷۷۰ - ۱۷۱۷) کشیش انگلیسی و بنیانگزار فرقه متدیستهای کالونیست

Whitsun = White Sunday م. عید حلول روح القدس بر حواریون عیسی(ع)؛ هفتمین یکشنبه یا پنجاهمین روز بعد از عید پاک که بر حسب نوشتهٔ کتاب اعمال رسولان در آن روز روح القدس برحواریون عیسی(ع) نزول نمود؛ یهودیان این روز را عید پنجاهه یا گلریزان می‌خوانند

wholesome deeds اعمال صالح

Wilberforce, Samuel م. سموئل ویلبرفورث (۱۸۷۳ ـ ۱۸۰۵) کشیش انگلیسی که به مقام اسقفی آکسفورد رسید و بشدت با عقاید داروین مخالفت می‌نمود

Wilberforce, William م. ویلیام ویلبر فورث (۱۸۳۳ - ۱۷۵۹) سیاستمدار و بنیانگذار انجمن تبلیغی (تبشیری) کلیسا و ملغی کننده بردگی در انگلیس
Will وصیتنامه، اراده، خواست
William of Ockham م. ویلیام اوکام (۱۳۴۹ - ۱۳۰۰) راهب فرانسیسکن و رهبر برجستهٔ مکتب اصالت اسم (اسم‌گرایی)
Will of God خواست یا مشیّت خداوند
Wine Ode خمریّه ابن فارض
wine of love عف. شراب روحانی، می
winifred, St. م. وینیفرد مقدس (متوفی ۶۵۰) راهبهٔ قدیس ویلز شمالی که قرنها افراد بیمار برای شفا یافتن به صومعه‌ای که وی تأسیس کرده بود می‌رفتند
wisdom حکمت (لقمان)
wisdom literature عم. امثال و حکم دینی مثل کتاب امثال سلیمان یا کتاب جامعه سلیمان
witchcraft عم. جادوگری، افسونگری
Witness, the شاهد / شهید (اسم الهی)
Wittenberg م. شهری در ساکسونی آلمان که مارتین لوتر در آنجا استاد الهیات بود و اعتراض نود و پنج ماده‌ای خود بر علیه دستگاه روحانیت مسیحی را بر سردر کلیسای آنجا آویخت
Wiu ق. نام خدای جنگ و رعد در قبیله نیور (Neur) افریقا
Woden ق. در افسانه‌های توتنی خدای چهارشنبه
Woman Tested, The ممتحنه (سورهٔ شصتم قرآن)
Women, The نساء (سورهٔ چهارم قرآن)

Word, the کلام، کلمهٔ خداوند
Word Inlibrate حضرت محمد(ص)
Word Incarnate عیسی مسیح(ع)، تجسم خداوند
Word of God الف. کلمة الله، کلام خدا
World Congress of Faiths م. کنگرهٔ جهانی عقاید دینی؛ کنگره‌ای که در سال ۱۹۳۶ توسط مردی به نام فرانسیس یانگ هازبند برای ارتقای برادری دینی تشکیل شده‌است
World Council of Churches م. شورای جهانی کلیساها. از سال ۱۹۴۸ تاکنون شوراهایی بدین منظور در آمستردام، اوانستون، نیودهلی، و نایروبی تشکیل شده است
worldliness دنیاگرایی
world of body عالم جسم، ناسوت
world of form عالم صورت
world of negation عالم نفی، لاهوت
world of pure intelligence ملکوت
World Soul هـ. روح اعظم جهانی در دین هندویی
Worms, Diet of م. جلسه‌ای که امپراطور چارلز پنجم در ۱۵۲۱ برای بحث دربارهٔ عقاید لوتر و محکومیت وی تشکیل داد
worship عم. پرستش، عبادت
worshiper عبد
Wotan ق. وُتان. نام دیگر اودین عمده‌ترین خدای اقوام اروپای شمالی و اسکاندیناوی
Wounds, Five Sacred م. پنج زخم بر دستها، پاها، و پهلوی عیسی(ع)
Wrapped One, The (Muzzammel) مزمّل (سوره هفتاد و سوم قرآن)
wrath of God عم. خشم و غضب الهی

wudu الف. وضو در اسلام
wu-nien ب. اصطلاح بودایی به معنی «عدم فکر» که در مراقبه و تمرکز به کار می‌رود
wuquf الف. وقوف حجّاج در عرفات
Wycliffe, John م. جان ویکلیف (۱۳۸۴ - ۱۳۲۹) از مصلحان دینی اولیهٔ انگلستان که به عنوان ستارهٔ طلوع نهضت اصلاح دینی در مسیحیت شناخته می‌شود

(در مقابل گناهکاران)
wrongdoing ظلم
Wu Hsing چ. وو هسینگ. اصطلاح چینیان در مورد پنج عنصر اساسی عالم مثل چوب، آتش، زمین، فلز و آب
Wu-Wei چ. ت. وو - وِی. اصل عدم اقدام یا عمل در تعالیم لائوتسه بنیانگذار دین تائویی

Z

Zabur الف. زبور داود در قرآن

Zachariah عم. حضرت زکریّای نبی پدر حضرت یحیی معمّد

zaddikim ع. به معنای تحت اللفظی «درستکاران»؛ رهبران نهضت چسیدیم (chasidim) در بین یهودیان قرن هجدهم

Zadokite Fragments ع.ی. قطعاتی از یک طومار عبری که بعضی از محققین احتمال می‌دهند متعلق به فرقه‌ای یهودی به نام پسران Zadok در قرن هفتم باشد

Zafar-nameh س. ظفرنامه. بخشی از کتاب سیکها به نام داسام گرانت که توسط گوروی دهم، گوبیندسینگ، تألیف شده

Zagreus ق. زاگرئوس. در اساطیر یونان پسر زئوس که به نام دیونیسوس هم‌شناخته می‌شود

Zahir ud-din Babur الف. ظهیرالدین بابُر. امپراطور مسلمان هند در قرن شانزدهم که سرآغاز سلسلهٔ امپراطوران مسلمان مغول بود که قریب ۳۵۰ سال حکومت کردند

Zahirite School الف. مکتب ظاهریه (در اسلام)

Zaidis, Zaidites الف. زیدیّه، از فِرَق شیعی

Zacharias زکریّای نبی(ع)

Zakaryyā = Zacharias زکریّا(ع)

zakat الف. زکات در اسلام

Zamzam الف. چاه و آب زمزم در مکّهٔ مکرمه

Zarathustra (= zoroaster) ز. حضرت زرتشت پیامبر زرتشتیان

zat س. ذات. اصطلاح سیکها معادل کاست (طبقه) در دین هندویی

zawiah الف. زاویه (در بین اهل تصوف و عرفان)

zazen ژ. ب. ذاذن. اصطلاح مکتب بودایی ذن در ژاپن در مورد مراقبه و تفکر به صورت نشسته

zealot عم. آدم متعصّب، هواخواه، مجذوب و شیفته؛ یکی از افراد فرقهٔ متعصب یهودیان مخالف حکومت رومیان در فلسطین

Zebulun ع. زبولون. دهمین پسر حضرت یعقوب(ع) و از برادران یوسف(ع)

Zechariah عم.ع. زکریّای نبی(ع) که در تورات و قرآن آمده است

Zedekiah ع. آخرین پادشاه یهودیّه از اعقاب حضرت داود(ع)

Zen(J)/Ch'an(C)/Dhyana(S) ب.

ذن. مکتب بودایی که در چین به وجود آمد و بعدها به ژاپن آورده شد

Zendavesta ز. زنداوستا. از نوشتجات مقدس پارسیان قدیم

zendo ب. زندو. سالنی که راهبان فرقهٔ ذن برای مراقبه و ریاضت به‌کار می‌برند

zenga ب. زنگا. نقاشی‌های جوهری ژاپن که گفته می‌شود مبیّن روح ذن است

Zeno, St. م. سن زنو. کشیش افریقایی (متوفی ۳۷۵) و اسقف اعظم ورونا

Zephania ع. زفانیای نبی(ع) از پیامبران عبرانی

Zephyr(us) ق. بادصبا، باد مغرب؛ در افسانه‌های یونان تشخّص باد مغرب

zest شوق

Zeus ق. زئوس. رئیس خدایان یونانی که در کوه المپ زندگی می‌کرد؛ خدای خدایان

Ziggurat ق. در معماری بابلی‌های قدیم برج بلند و چندین طبقه هرمی شکلی که در بابل یا سومر قرار داشته و در بالای آن مکان مقدس خدا بوده است

Zilzāl (The Earthquake) زلزال (سوره نود و نهم قرآن)

Zimzum ع. زیم زوم. نظریهٔ یهودیان کابالی بر اینکه خلقت پس از قبض «بی‌نهایت» انجام شده است؛ به معنای تحت اللفظی «قبض»

zindiq الف. زندیق در اسلام

Zinzendorf, Count von م. کنت فون زین‌زندوف (۱۷۶۰ - ۱۷۰۰) اسقف اعظم فرقهٔ مسیحی برادران موراوی

Zion ی. صیهون، حکومت یهوه در میان بنی‌اسرائیل؛ کوه مقدس اورشلیم

Zionism ی. صهیونیسم. حرکت سیاسی - نظامی در جهت ایجاد دولت یهودی در سرزمین فلسطین به رهبری تئودور هرتصل یهودی

Ziusudra ق. در اساطیر سومر مرد با تقوایی که صدای خدا را شنید که سیلی در پیش است و در پاسخ قایقی ساخت و توانست از سیلی که هفت شبانه روز طول کشید نجات پیدا کند

Zohā (The Early Hours) ضُحیٰ (سوره نود و سوم قرآن)

Zohar ع. زُهر. از آثار عمدهٔ عرفانی یهود اثر موسی دو لئون در قرن سیزدهم

Zombic ق. نیروی مافوق الطبیعه‌ای که بومیان هائیتی معتقد بودند اگر وارد مرده بدن شود او را زنده می‌کند

zoolatry جانور پرستی

Zoroaster ز. زرتشت

Zoroasterianism ز. دین زرتشتی، زرتشتیگری

Zoroasterian priest ز. موبد

Zu ق. در بابل قدیم شیطان یا خدای طوفان که به صورت پرندهٔ سیاهی مجسم می‌شده است

Zucchetto م. عرقچین کاتولیکهای رومی که بر حسب سلسله مراتب روحانی به رنگهای سفید، قرمز، بنفش و سیاه است

zuhd الف. زهد در اسلام

Zukhruf (The Emblishments) زخرف (سوره چهل و سوم قرآن)

zulm الف. ظلم (در قرآن)

Zurvan ق. زوروان. اصطلاح پهلوی در مورد زمان نامحدود که در ایران باستان بعضاً به عنوان یک اصل متعالی پرستش می‌شده و بدین معنی پدر اورمزد و اهریمن بوده است

بوداکه پسری به نام راهولا به دنیا آورد؛ وی بعدها از راهبه‌های بودایی شد

Yathrib الف. یثرب. نام قدیمی شهر مدینه

Yati هـ. ج. یاتی. به معنای «کوشنده»؛ طلبه یا راهب دین بودایی یا جاینی

Yaum an-Nahr الف. یوم النّحر؛ عید قربان در اسلام

Yazatas ز. یزدان یا ایزدان. در دین زرتشتی به معنای موجودات روحانی یا فرشتگان یا موجوداتی قابل ستایش؛ احتمالاً خدایان قدیمی که در اعتقاد عموم راه پیدا کرده بودند

Yazid الف. یزید بن معاویه دومین خلیفهٔ بنی‌امیّه و قاتل امام حسین(ع)

Year, Liturgical م. سال مناجاتی. در کلیسای مسیحی از اولین یکشنبه ادونت (نزدیکترین یکشنبه به جشن سن آندرو درسی‌ام نوامبر) شروع می‌شود و به یکشنبه تثلیث خاتمه می‌یابد

Yellow Hat ب. راهبان فرقهٔ بودایی تبت

Yemen الف. یمن (از سرزمینهای اسلامی)

Yengi-Shiki ش. ینگی شیکی. از متون مقدس دین شینتویی که سومین سند مهم آن دین به شمار می‌رود

Yeshivah ی. یشیوه. دانشکدهٔ مطالعات دینی یهود

Yggdrasil ق. ایگدراسیل. در اساطیر اسکاندیناوی درخت زبان‌گنجشک بزرگ که نشانهٔ گیتی و کائنات بوده‌است

Yi ك. یی. در تعالیم کنفوسیوس به معنای «وظیفه»؛ یکی از پنج فضیلت اصلی دین کنفوسیوسی

Yiddish ع. زبان یهودی رایج میان کلیمیان روسیّه و لهستان و آلمان که مخلوطی از آلمانی، عبری و اسلوانی است

Yigdal ی. ایگدال. از سرودهای مشهور دینی یهود که در بعضی از کنیسه‌ها در اول و آخر مراسم خوانده می‌شود

Yima ز. یمه [= جم]. نام حضرت آدم(ع) در مذهب زرتشت

Yin چ. ین. در فلسفهٔ چینی یکی از دو نیروی کل خلقت و کائنات؛ نیروی مؤنث، تاریک و منفی

Yoga هـ. ب. یوگا. به‌معنی تحت اللفظی «یوغ»؛ روشی برای کنترل نفس و مراقبه؛ یکی از شش مکتب ارتودوکس فلسفهٔ هندویی؛ روش عبادت و ریاضتی که به نجات و رستگاری رهنمون می‌شود

Yogacara هـ. یوگاکارا. مکتب فلسفی هندویی که در قرن سوم توسط ماتیریاناتا بنا گذاشته شده و در قرن چهارم شاگرد وی آسانگا آن را توسعه داد

Yoga Sutra هـ. یوگاسوترا. کتاب اصلی یوگا نوشتهٔ پاتانجالی

Yoga System نظام‌یوگا

Yogi هـ. یوگی. کسی که به یوگا می‌پردازد

Yogin(i) هـ. یوگین (یوگینی) خانمی که به یوگا می پردازد

Yogini هـ. یوگینی. شیطان مؤنث؛ از ملازمان دورگا الههٔ هندویی

Yom Ha'atzmaut ع. به معنای تحت اللفظی «روز استقلال» یهودیان

Yom Kippur ع. یوم کیپور. روز توبه و کفّارهٔ یهودیان

Yoni هـ. یونی. تصویر و یا مجسمه‌ای دایره‌ای شکل که سمبل آلت جنس مؤنث در دین هندویی است

Yoruba ق. یوروبا. از قبایل بومی بخش غربی نیجریه که هنوز خدایان باستان را می‌پرستند

Young, Brigham م. بریگهام یانگ (۱۸۷۷ - ۱۸۰۱) از بنیانگذاران کلیسای مورمون و دومین رهبر آن

Yudishthira هـ. یودیشتیرا. بزرگترین پسر پادشاه پاندو و رهبر پانداواها در حماسهٔ مهابهاراتا

Yuga هـ. در وقایعنامه اساطیری هندوئیسم و در کیهان شناسی پوراناها یکی از چهار دوران در سیکل تاریخ عالم

Yugen(i) ژ. یوگن. از عناصر اصلی مکتب بودایی ذن و به معنای تحسین هنرمندانه یا زیبا پسندانه

Yu Huang(iu huang) چ. یوهوانگ. به معنای امپراطور پیر؛ معبود اصلی در دین تائویی مردمی

Yule ق. در اساطیر اروپای شمالی نام فستیوال زمستانی که اودین ریاست آن را بر عهده داشت

Yunus [= Jonah] یونس (سورهٔ دهم قرآن)؛ یونس نبی(ع)

Yusuf [= Joseph] یوسف (سورهٔ دوازدهم قرآن)؛ یوسف نبی(ع)

X

Xavier, Francis م. فرانسیس خاویر (۱۵۰۶ - ۱۵۵۲ م) از بنیانگزاران ژزوئیتها و مبلغ مسیحیت در هند و ژاپن

Xenophobia ترس از بیگانه، بیگانه‌ترسی

Ximenes, Cardinal م. کاردینال اگزمینس (۱۵۱۷ - ۱۴۳۶) اسقف اعظم تولیدو و محرم ملکه ایزابل که به مقام نخست وزیری و حکومت اسپانیا رسید

Xipe Totec ق. به معنای «به پرواز درآمده»؛ خدای کشاورزی در مکزیک قدیم

Xiutecuhtli ق. خدای قدیمی آتش در مکزیکو؛ به معنای «رب فیروزه»

Xochipilli ق. خدای باستانی گیاهان در مکزیک؛ به معنای «شاهزادهٔ گل»

Xochiquetzal ق. الههٔ گلها در مکزیک قدیم؛ به معنای «پیرایهٔ گل»

Xolotl ق. خدای ستارهٔ غروب در مکزیک باستان

Xshathra ز. خشتره. (شهریور) فرشتهٔ قدرت، سلطه و حکومت؛ یکی از هفت فرشتهٔ خیر (امشاسپندان) در دین زرتشتی

Y

Yab-Yum ب. یاب یوم. نمایشنامهٔ «پدر - مادر» در دین بودایی شاخهٔ تانتریک

Yad (yod) ع. یاد. وسیله‌ای شبیه به دست انسان که در کنیسه به هنگام قرائت تورات به کار می‌رود تا نیازی به تماس دست با تورات نباشد

Yahudi الف. یهودی

Yahweh ع. یهوه. نام خدای متعال در دین یهود (از چهار حرف ی ه و ه)

Yahwism یهوه‌گرایی

Yahyā (John) حضرت یحیی(ع)

Yajna(s) ه یاجنا. از رسوم پوراناها؛ قربانی روستاییان هندویی برای کسب شایستگی بیشتر

Yajur Veda ه. یاجورودا. ودای فرمولهای مقدس؛ یکی از چهار مجموعهٔ وداها

Yajnavalkya ه. یاجناوالکیا. یکی از دو حکیم بزرگ هندویی در دوران اوپانیشادهای اوّلیه

Yam ق. خدای دریای فنیقیان

Yama ه. ۱) در دین هندویی نام خدای مرگ که افراد شرور را عذاب می‌دهد؛ ۲) اصطلاح یوگا در مورد انجام پنج عهد بودایی: خودداری از دروغ، فریب، دزدی و غیره

Yana ب. یانا. واژه سانسکریت به معنی «گردونه» یا «راه»؛ اصطلاح بودائیان در مورد تمیز بین دو مکتب یا فرقه عمدهٔ دین بودائی

Yang-Yin (Iang-In) چ. در فلسفهٔ چین به دو نیروی متضاد مثل نور و تاریکی، زن و مرد، و... گفته می‌شود

Yantra ه. یانترا. پیروان خدای مؤنث شکتی (Shakti) که در دین هندویی آن را به عنوان یک شکل عرفانی مقدس به‌کار می‌برند

Ya'qoub (Jacob) حضرت یعقوب (ع)

Yarmulka ی. یارمولکا. واژهٔ لهستانی که یهودیان برای کلاهی که در مراسم به سر می‌گذارند به‌کار می‌برند

Yashoda ه. یاشودا. همسر ناندا، یکی از هشت آواتار (تجسید) خدای ویشنو که در کودکی کریشنا از وی مراقبت نمود

Yashts ز. یشتها. سرودهای نیایشی مقدس دین زرتشتی که به موجودات آسمانی اِسناد داده می‌شوند

Yā Sīn یٰس (سوره سی و ششم قرآن)

Yasna ز. یسنا. از مراسم تشریفاتی مهم زرتشتیان؛ دعایا کلماتی که در این مراسم قرائت میشوند کتاب مهمّی از اوستاست

Yasodhara ب. یاسودهارا. همسر گواتما

Dictionary of Religion

A Concise edition of
religious and mystical terms

(Persian - English - Persian)

Second Edition

Compiled by:
A. Gavahi (PH.D)

ISBN:964-476-014-X
9789644760143

۱۱۵۰۰ ریال